



فرهنگ رضوی

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳



پروژه فرهنگ سبز و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



بنیاد ملی المکتب رضوی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

فصلنامه فرهنگ رضوی

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)

مدیر مسئول: سیدجواد جعفری احمدآبادی

سردبیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمدعلی ندائی

هیئت تحریریه:

سید محمدرضا احمدی طباطبایی	دانشیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
رضا اکبری	استاد دانشگاه امام صادق ^(ع)
جلال درخشه	استاد دانشگاه امام صادق ^(ع)
علی سروری‌مجد	استادیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
مهناز شایسته‌فر	دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
یحیی طالبیان	استاد دانشگاه علامه طباطبایی
محمود کریمی بنادکوی	دانشیار دانشگاه امام صادق ^(ع)
سید محمد مرتضوی	دانشیار دانشگاه فردوسی
محمود واعظی	استادیار دانشگاه تهران
محمدهادی همایون	دانشیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)

ویرایش و صفحه‌آرایی: مؤسسه داده‌گستر هور

ترجمه چکیده مقاله‌ها: مؤسسه داده‌گستر هور

چاپخانه: زمر

دفتر نشریه:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب ۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)،

طبقه سوم، دفتر نشریه

تلفن: ۰۹۱ - ۳۲۲۸۳۰۴۴ - ۰۵۱ ایمیل نشریه: faslname@shamstoos.ir

● دربارهٔ مجله

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا^(ع) می‌پذیرد.

● راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

– چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۱۵۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

– یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام‌خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

– در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آنها در پایین همان صفحه درج شود.
– نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه‌شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شوند.

– مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.
- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی‌زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.
- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.
- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی دربارهٔ معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا^(ع)) باشد.
- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آنهاست.

● اشتراک

مبلغ اشتراک سالیانه در ایران ۱۶۰۰۰۰ هزار ریال است. علاقه‌مندان به اشتراک، این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۰۹۳۶۷۹۵۲۰۰۳ بانک ملی شعبه هاشمی نژاد واریز و اصل فیش را به نشانی مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب ۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)، طبقه سوم، دفتر نشریه ارسال کنند.

فهرست مطالب

سیرهٔ سیاسی امام رضا ^(ع) در قبال مأمون	
ابراهیم برزگر	۷
نشانه‌شناسی حدیث شریف سلسلةالذهب	
محمد کاظم فرقانی - محمد آقائی - محمدرضا فتحی‌مهر	۳۳
تبیین شیوه‌های تربیتی امام رضا ^(ع) در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی	
محمد جانی‌پور - علی سروری‌مجد	۵۳
بررسی جلوه‌های بصری عیون اخبارالرضا در فالنامهٔ تهماسبی	
مرضیه علی‌پور	۸۱
موانع و راهکارهای تحکیم نهاد خانواده از منظر سیره و آموزه‌های رضوی	
اسماعیل خارستانی - فاطمه سیفی	۱۰۷
سبک زندگی معنوی امام رضا ^(ع) ؛ الگویی برای آرامش روانی	
مجتبی اخوان‌ارمکی - معصومه نعلچی	۱۴۵
معرفی سنگ‌مقام‌های خاص امام رضا ^(ع) در یزد	
فاطمه دانش یزدی	۱۸۱

سیره سیاسی امام رضا^(ع) در قبال مأمون

ابراهیم برزگر*

چکیده

این نوشتار می‌کوشد تا با تمرکز بر موضع‌گیری‌های سیاسی امام رضا^(ع)، معطوف به رقیب و دشمن سیاسی ایشان یعنی مأمون، به استنباط‌های نظری بپردازد و از خلال این بررسی به پرسش‌های سیاست در دنیای معاصر پاسخ دهد. سیاست امام رضا^(ع) در دو وجه «سیاست معطوف به مأمون» و «سیاست معطوف به امام^(ع)» قابل تعقیب است. رفتار سیاسی در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در یک محیط تعاملی و کنش و واکنش زنجیره‌ای رخ می‌دهد و رفتاری راهبردی است. پرسش این است که منطق تعامل‌های امام رضا^(ع) با مأمون چیست؟ فرضیه آن است که شناخت مأمون و مأمون‌شناسی امام^(ع) ملهم از شیطان‌شناسی و روش‌های سه‌گانه تطمیع، تهدید و تزویر معطوف به رهبر و پیروان است. این کندوکاو بر محور پذیرش ولا‌یتعهدی از سوی امام رضا^(ع) قرار گرفته است. مأمون ابتدا قصد اغوای امام^(ع) یا تزویر دارد که با بیان مقاصد پنهان مأمون خطاب به وی این مرحله به سرعت به پایان می‌رسد. تطمیع اول، با پیشنهاد خلافت و تطمیع دوم، با پیشنهاد ولا‌یتعهدی و سپس «تهدید» برای القای «تصور تطمیع شدن» در اذهان عمومی غیر بصیر از فنون مأمون بوده که همواره توسط امام^(ع) خنثی و این موارد به فرصت‌سازی تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها:

منظومه سه‌گانه اسلام، سیره سیاسی امام رضا^(ع)، مأمون عباسی

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۵

*. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۱۷

barzegar.2010@yahoo.com

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

سیره سیاسی و موضع‌گیری پیامبران و ائمه^(ع) در برخورد با طاغوت‌ها و ستمگران، منبع ارزشمندی برای تولید پاسخ برای پرسش‌های معاصر در سیاست و روابط بین‌الملل است. نمونه آن حوادث صدر اسلام در مقطع ۴۰ ساله بوده که همواره برای تولید اندیشه و عمل سیاسی مورد کاوش قرار گرفته است. اجتناب از طاغوت و مبارزه با ستمگران، از برجسته‌ترین اصول راهبردی در برخورد پیامبران و اولیای الهی است. قرآن کریم در این باب در توصیه‌ای هنجاری می‌فرماید: «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶)، عده‌ای با رعایت این اصل، آزار و ستم فراوانی دیده‌اند (بصیری، ۱۳۹۲: ۲۲۸). با این همه، اقدام حضرت رضا^(ع) در پذیرش ولایتعهدی از حاکمی غاصب به نام مأمون، در تعارض ظاهری با این دستورالعمل کلی است. همان‌طور که پیشنهاد خلافت و سپس ولایتعهدی از سوی مأمون به آن حضرت هم امری غیرمتعارف آن هم از سوی کسی است که برای به‌دست آوردن آن، دست به برادرکشی زده است.

سیره امام رضا^(ع) در برخورد با دشمنان، رقبا و پیروان، نکات آموزنده و عبرت‌آمیز فراوانی برای موضع‌گیری سیاسی در دنیای معاصر و تولید علم سیاست اسلامی در دنیای نو دارد. پیچیدگی و پختگی مأمون در استفاده از قدرت نرم، موجب شد امام رضا^(ع) هم در رفتاری راهبردی و معطوف به غیر، رفتار خود را پیچیده کنند. این پیچیدگی، ظرفیت الهام‌بخشی برای خوانش معاصر را افزایش داده است. اقدام شگفت‌آور پیشنهاد خلافت در مرتبه اول به امام^(ع) و سپس ولایتعهدی به ایشان، تفاوت زیاد در ظاهر برخورد احترام‌آمیز با امام رضا^(ع) و باطن فرصت‌طلبانه و سوءنیت وی به ایشان، گمراه کردن افکار عمومی آن دوره، پایان دادن به منازعه عباسی- علوی بعد از تأسیس بر مرده ریگ دولت امویان و پذیرش پرسش‌برانگیز ولایتعهدی از سوی امام^(ع) برای برخی از اذهان، حتی شیعیان متعبد ایشان در زمان حیات امام^(ع) و در همه نسل‌های انسانی، از ابعاد مسئله‌واره این موضوع حکایت می‌کند. پرسش این است که منطق موضع‌گیری‌های سیاسی امام رضا^(ع) در قبال مأمون چیست؟

فرضیه این نوشتار آن است که شیطان‌پنداری‌های مأمون و تعامل امام^(ع) با مأمون در فنون سه‌گانه تزویر (اغفال)، تطمیع و تهدید و خنثی‌سازی این شیطنت‌ها و پیگیری اهداف خود، منطقی تصمیم‌گیری امام رضا^(ع) را توضیح می‌دهد. روش بررسی نوشتار حاضر، تحلیل محتوا، تجزیه و تفسیر و روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

الگوی نظری تحلیل

الگوی تحلیل این نوشتار برگرفته از منظومه سه‌گانه اسلام یعنی اعتقاد سیاسی، اخلاق در سیاست و احکام سیاسی است. این الگو پاسخگوی نیازهای سه‌گانه معرفتی، عاطفی و رفتاری انسان در دنیای سیاست است (رک: برزگر، ۱۳۸۹). بر این اساس امام رضا^(ع) در منظومه نظام‌مند اعتقاد، اخلاق و احکام به معرفی نظام‌مند اسلام ناب به پیروانشان می‌پردازد (مفروض ۱). وظیفه پیروان نیز نسبت به امام معصوم^(ع) بر مبنای این منظومه در سه شاخه معرفت امام، محبت و اطاعت از ایشان تعریف می‌شود (مفروض ۲). بنا بر سرشت راهبردی سیاست و رفتار معطوف به غیر، الگوی نظام‌مند تعامل امام^(ع) با دشمن اصلی خود یعنی مأمون در جهت روش‌های سه‌گانه وی بر مبنای منظومه سه‌گانه است. بر این اساس روش‌های سه‌گانه شیطانی مأمون یعنی تطمیع و ترغیب، تزویر، اغواء و تهدید رفتاری و تقابل راهبردی امام^(ع) در این نوشتار به عنوان فرضیه در نظر گرفته شده و امام^(ع) از این مجاری برای شناخت رقیب سیاسی خود بهره گرفته و رفتار نظام‌مند خود را طراحی کرده‌اند. امام رضا^(ع) از یک سو می‌کوشند تا نقشه مأمون و اهداف وی را شناسایی و خنثی کنند و همزمان در هر اقدام اضطراری، پیگیر مقاصد خود باشند. از این روی دو وجه «سیاست معطوف به مأمون» و «سیاست معطوف به امام^(ع)» را در هر رفتار و موضع‌گیری سیاسی توأم می‌کنند. هدایت سه رکن دارد، ضلالت انسان هم سه رکنی است و شیطان هم از فنون سه‌گانه‌ای استفاده می‌کند که متناسب با منظومه سه‌گانه اسلام است. با شیطان‌پنداری سیاستمدارانی چون مأمون، شباهت روش‌های وی با شیطان مشخص می‌شود.

❖ مأمون شناسی امام^(ع)

امام رضا^(ع) با سه خلیفه عباسی هم دوره بودند. اول، هارون الرشید، پدر مأمون که این دوره حدود ۱۰ سال طول می کشد. دوم، امین و سوم، مأمون که هر یک پنج سال به طول انجامید (کارخانه، ۱۳۹۲: ۱۷۲). دشمن شناسی همواره یک سر تعامل های امام^(ع) است. حدود ۵۰ درصد یک رفتار سیاسی معطوف به دشمن و رقیب است. در واقع رفتار سیاسی امام رضا^(ع) به نوعی عمیق با دشمن گره می خورد و وابسته می شود. اصولاً سیاست، یک رفتار راهبردی و معطوف به دیگری و طرف مقابل یعنی دشمن است. سیاست در خلاً اتفاق نمی افتد، بلکه در محیطی متعاملانه رخ می دهد. از اینجا است که مأمون شناسی به عنوان کسی که در رأس قدرت قرار دارد و در رفتار سیاسی امام^(ع) یک طرف است، مهم می شود. بسیاری از گفتارها و رفتارهای ثبت و ضبط شده امام^(ع) به نوعی به مأمون مربوط است.

مأمون شناسی و شیطان شناسی

یکی از مجاری شناخت امام^(ع) از مأمون، حاصل یکسان پنداری دشمن و شیطان و تعمیم شناخت از شیطان به دشمنان و در اینجا مأمون است. بنابراین فنون شیطان برای اثرگذاری بر رفتار مؤمنان و انسان ها، به طور مبسوط در قرآن کریم بحث شده است. امام رضا^(ع) به عنوان یکی از «اهل الذکر» و شارح و مفسر قرآن کریم، این فنون را به خوبی می شناسند. فنون سه گانه اشاره شده عبارت اند از: تهدید، تطمیع و اغفال و اغوای مردم (تزویر). بنابراین امام رضا^(ع) از شیطان شناسی برای دشمن شناسی و در اینجا از مأمون شناسی استفاده کرده اند، چون هر دو از یک جنس هستند و از معلومات خود در باب شیطان برای رسیدن به مجهولات، یعنی مأمون استفاده کرده اند. در این قالب ها، رفتارهای مأمون در قالب شیطنتهای مأمون مفهوم سازی می شود.

تزویر و اغفال گری مأمون

ظاهر و باطن متفاوت مأمون نسبت به امام رضا^(ع) یکی از علائم دشواری کار حضرت

بود. در ظاهر، سیاست دعوت به مرو و خراسان و در باطن، زندانی و تبعید حضرت را پیگیری می‌کند. در ظاهر ولایتعهدی را به آن حضرت، واگذار می‌کند؛ اما در باطن، ایشان را از خاستگاه قدرت خود یعنی مکه و مدینه جدا می‌کند و اجازه فتوا و خواندن نماز جمعه و عید را نمی‌دهد. در ظاهر خدم و حشم در اطراف حضرت حضور دارند؛ ولی در باطن، در غربت از اهل و عیال و فرزندان دلبندشان زندگی می‌کنند و در حجره در بسته به زهر جفا شهید می‌شوند. در ظاهر در تشییع جنازه، پیراهن چاک می‌کند و اشکش سرازیر می‌شود و برای بزرگداشت حضرت، عزای عمومی اعلام می‌کند. در ظاهر به آن حضرت اخلاص و محبت می‌ورزد و در باطن، حداکثر خشونت و دشمنی را اعمال می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۶).

تهدید

کار دیگر مأمون، تهدید و اجبار بود. اجبار امام^(ع) به مهاجرت از مدینه و مکه و اجبار به پذیرش ولیعهدی با تهدید، از نمونه‌های بارز آن بود. مأمون در باب مقاومت امام^(ع) به ولایتعهدی می‌گوید: «والا اجبرتك علی ذلك؛ اگر نپذیری شما را به پذیرش آن مجبور می‌کنم» (معینی، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

تطمیع و پیشنهاد خلافت

در مرحله اول، مأمون به امام^(ع) پیشنهاد واگذاری خلافتی را می‌دهد که با برادرکشی از امین گرفته است. این پیشنهاد به ظاهر بسیار فریبنده و جذاب و از جنس همان فن شیطانی تطمیع و ترغیب است؛ اما امام^(ع) قاطعانه آن را رد می‌کنند. در عین حال پاسخ ایشان به گونه‌ای است که ضمن خنثی کردن هدف مأمون، هدف خویش را پیگیری می‌کند. استدلال عقلانی امام^(ع) از نظر مشروعیت بسیار ویرانگر است و خطاب به مأمون می‌فرمایند: «اگر این خلافت از سوی خداوند به تو واگذار شده است، پس تو حق نداری مقامی را که خداوند به تو ارزانی داشته است، به کس دیگر واگذار کنی. اگر منصب خلافت به تو تعلق ندارد، پس چگونه چیزی را که از آن تو نیست، می‌خواهی به من واگذار کنی؟» (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۴۰-۱۳۹).

امام^(ع) در این گفتار کوتاه، هم بی‌مشروعیتی خلافت مأمون را و هم بی‌صلاحیتی واگذاری خلافت به غیر را مطرح می‌کنند و درواقع اساس خلافت وی و شخص وی را زیر سؤال می‌برند (ر ک: درخشه، ۱۳۹۱: ۱۵۱؛ کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۶۹). مأمون به هدف خود یعنی کم‌رنگ کردن ذهنیت غصب خلافت و امامت از دید مسلمانان و شیعیان نمی‌رسد و برعکس با این استدلال امام^(ع)، بحران مشروعیت وی تشدید می‌شود. فن تطمیع در مورد «خلافت بالفعل»، با پیشنهاد کناره‌گیری مأمون و واگذاری خلافت به امام رضا^(ع) انجام شد و در مورد «خلافت بالقوه» موضوعیت پیدا کرد. بنابراین بحث ولایتعهدی مطرح شد. به این معنا که مأمون، خلیفه و امام^(ع)، ولیعهد شوند و بعد از مرگ مأمون، ولایتعهدی امام رضا^(ع) به خلافت تبدیل شود. در این مورد هم امام^(ع) با صراحت به مأمون می‌گویند که من جلوتر و زودتر از شما مرگ را تجربه خواهم کرد. «انی اخرج من الدنيا قبلک مسموماً مقتولاً بالسم، من قبل از تو مسموم خواهم شد و از دنیا خواهم رفت» (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۴۰، به نقل از کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۶۶). بنابراین بحث ولایتعهدی، به منزله سالبه به انتفاء موضوع است. فن تطمیع نسبت به شخص حضرت در مرحله اول و دوم خنثی می‌شود، «واقعیت تطمیع» کنار می‌رود و «تصور از تطمیع» مطرح می‌شود. بنابراین در گام سوم، آنچه مأمون در نیت و تصمیم‌سازی در دستورکار قرار می‌دهد، گمراه‌سازی افکارعمومی است. امام^(ع) در فرازی، باطن مأمون را در طرح پیشنهاد ولیعهدی به‌طور آشکار به وی متذکر می‌شود، آن هم با کلیدواژه «طمعاً فی الخلافة» که همان فن تطمیع در نیت مأمون در نزد مردم است. مکالمه امام^(ع) با مأمون چنین است:

فقال الرضا^(ع)... وانی لا علم ما تريد. فقال المأمون: ما اريد؟ قال الامان على الصدق. قال: لك الامان. قال^(ع) تريد بذلك ان يقول الناس: ان علي بن موسى، لم يزهده في الدنيا، بل زهدت الدنيا فيه، ألا ترون كيف قبل ولاية العهد طمعاً في الخلافة؟ امام^(ع) فرمود: من می‌دانم تو چه مطلبی اراده کرده‌ای؟ آیا من در امان هستم؟ گفت: آری تو در امان هستی. آنگاه امام رضا^(ع) فرمودند: تو می‌خواهی با قبول ولایتعهدی من،

سیره سیاسی امام رضا^(ع) در... ❖ ۱۳

مردم بگویند علی بن موسی به دنیا، زهد و خویشتن داری نداشت بلکه این دنیا بود که تاکنون نسبت به او زهد و بی‌اعتنائی داشت. اینک که به او رو کرده است، آیا نمی‌بینید به طمع خلافت، آن را پذیرفته است؟ (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲: ۲۸۲).

مأمون شناسی و عباسی شناسی

یکی دیگر از مجاری شناخت امام رضا^(ع)، عباسی شناسی است. عباس عمومی پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) بود. عباسیان و علویان هر دو از یک تیره یعنی بنی هاشم بودند و عمدتاً غیریت خود را از امویان و بنی امیه تعریف می‌کردند. بعد از غصب خلافت توسط معاویه، امویان پایه‌گذاری شد و حدود ۹۲ سال دولت امویان استمرار یافت. بنی هاشم در این دوره مرکب از عباسیان و علویان یعنی فرزندان عباس عمومی پیامبر^(ص)، فرزندان امام علی^(ع) و شیعیان در مقابل دشمن مشترک یعنی امویان در قدرت با یکدیگر متحد بودند و اصولاً تمایز روشنی وجود نداشت. به‌ویژه عباسیان که از شمار بیشتری برخوردار بودند، شعار «الرضا من آل محمد» را سر داده بودند، معنای این شعار معرفی آل‌ترناتو و بدیل حکومت یعنی سرنگون‌سازی امویان و جایگزینی خاندان پیامبر^(ص) به جای آن بود (ر ک: برزگر، ۱۳۹۲، بخش ساخت عباسیان).

بعدها که سرنگونی رژیم مستقر یعنی امویان به پایان رسید، روشن شد که «الرضا من آل محمد» بیانی سیاسی و چندمعنایی بوده است. معنای اولیه که به ذهن متبادر می‌شد، خلافت علویان و خاندان پیامبر^(ص) از نسل امام علی^(ع) بود. معنای دوم، خلافت عباسیان و خاندان پیامبر^(ص) از نسل عمومی پیامبر بود و عباسیان که ابتکار عمل را در خراسان در دست داشتند، معنای دوم را مراد کردند و بر کرسی نشاندند. معلوم شد که آنان در طول دوران مبارزه، از عواطف دینی شیعیان و خاندان امام علی^(ع) سوءاستفاده کرده‌اند و حتی به تدریج مبنای اعتقادی خود را از شیعه به اهل سنت تغییر داده‌اند.

امام رضا^(ع) این شناخت درازمدت خود از عباسی‌ها را به‌عنوان «پسرعموهای ناخلف» به رفتارشناسی مأمون، مصداق جاری دوره خود تسری می‌دهد. در چنین قالبی است که

می‌توان قطعات پازل نقشه‌های مأمون را به روشنی مشاهده کرد و باطن پیشنهاد به‌ظاهر دلپذیر مأمون نظیر پیشنهاد خلافت یا پیشنهاد ولی‌عهدی امام رضا^(ع) را به‌خوبی درک و ابعاد اغفال‌گری مردم از سوی مأمون را بررسی کرد. ابن‌اثیر انتخاب لقب «رضا» را برای نخستین بار و بی‌درنگ پس از ولایتعهدی، از سوی مأمون می‌داند. وی سعی داشت که به این وسیله با نام رضا به رضایت امام^(ع) در پذیرش مقام ولایتعهدی اشاره کند. ابن‌اثیر می‌نویسد: «انه سماء الرضا من آل محمد» (۱۳۵۷، ج ۵: ۴۳۱ به نقل از کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۴۳). شاید بتوان این نکته را هم اضافه کرد که این واژه می‌تواند تداعی‌گر بازگشت تاریخی به شعار معروف «الرضا من آل محمد» باشد که بر مبنای آن شیعیان و عباسیان به سرنگونی بنی‌امیه پرداختند. واژه «رضا» شاید بتواند بحران مشروعیت ساختاری از آغاز تا دوره مأمون در دولت عباسیان را برطرف سازد.

مأمون‌شناسی و برادرکشی

یکی دیگر از قطعات پازل مأمون‌شناسی امام رضا^(ع)، برادرکشی وی برای به‌دست گرفتن خلافت است. امام رضا^(ع) در قبال پیشنهاد تعارف‌گونه خلافت یا ولایتعهدی با چه کسی روبه‌روست؟ ژرفای رفتار فریبکارانه و زیرکانه مأمون برای واگذاری تمام یا بخشی از قدرت به امام رضا^(ع) را می‌توان در این نکته شناسایی و به دیگران هم معرفی کرد، آیا کسی که برای دستیابی به قدرت و خلافت، از قتل نزدیکان و عزیزانش و حتی برادرش ابایی نداشته و چنین هزینه سنگینی را پرداخت کرده است، می‌خواهد یا می‌تواند آن‌را به راحتی در اختیار امام^(ع) قرار دهد؟ از اینجاست که این قطعه نسبت به دو قطعه قبلی پازل، شخصیت مأمون را برای امام^(ع) کامل‌تر می‌کند.

مأمون‌شناسی و دغدغه کسری مشروعیت

با این مقدمات روشن می‌شود که باید از ظاهر رفتاری مأمون عبور و باطن پیشنهادهای به‌ظاهر محبت‌آمیزش را در دعوت به خراسان، پذیرش خلافت و ولی‌عهدی واکاوی کرد.

مأمون به دنبال کسب یا تقویت پایه «مشروعیت» حکومت و خلافت خود بود و با استخدام امام رضا^(ع)، بهره‌گیری از شخصیت بی‌نظیر آن امام همام، همنشینی با او و انعکاس گسترده آن در افکار عمومی، سعی کرد این ضعف مشروعیتی خود را جبران کند.

ضعف یا بحران مشروعیتی

ابعاد این ضعف مشروعیتی و دلایل آن چیست؟

۱. یکی از علل نابودی یا تضعیف مشروعیت عباسیان به‌طور عام آن بود که آنان از علویان برای واگذاری قدرت دعوت کردند اما بعد از کسب قدرت آنرا فقط به عباسیان اختصاص دادند. بنابراین بی‌درنگ بعد از سرنگونی امویان و استقرار عباسیان، شیعیان علوی این‌بار مخالف عباسیان شدند و در گوشه و کنار خلافت عباسی، در حال مبارزه با آنها بودند.

۲. مأمون، از مادری ایرانی و امین، رقیبش از مادری عرب‌تبار به نام «زبیده» بود که نزد مردم منزلت خاصی داشت. بنابراین بنیانگذاری عباسیان توسط ایرانیان، مبارزه در خراسان و افرادی نظیر ابومسلم خراسانی و سپس غلبه مأمون با تبار مادری ایرانی و برادرکشی وی، عصبیت عربی وی را لرزان کرده بود.

۳. مأمون، ولیعهد دوم و جانشین امین بود، در حالی که امین، ولیعهد اول و جانشین بلافصل هارون بود.

۴. مأمون در حضور هارون، پدر و بسیاری از بزرگان دیگر، با امین «پیمان‌نامه» منعقد کرده بود تا هیچ‌یک پیمان را نقض نکنند. بنابراین درگیری آن دو برادر در سه سال بعد از مرگ هارون، کنار زدن مأمون از سوی امین از ولیعهدی و نیز کشتن امین و به قدرت رسیدن مأمون موجب شده بود که مأمون با ضعف شدید مشروعیتی مواجه شود و به تعبیر فضل‌بن سهل «شمشیرها و زبان‌های مردم علیه ما به‌کار افتاد» (معینی، ۱۳۸۰: ۵۰). درواقع مأمون قدرت را بعد از تحمل مصائب زیاد، با برادرکشی و قتل امین - به‌عنوان رقیب - به‌دست آورده بود. اما «حفظ و استمرار قدرت» مهم‌تر از «کسب قدرت» است. مأمون دغدغه حفظ

❖ خلافت و استمرار کم هزینه آن را داشت. حفظ قدرت فقط با اتکاء به زور شمشیر و اسلحه و نیروی سرکوبگر امکان پذیر نیست، بلکه باید پایه فکری و مشروعیتی و قدرت اقناع مردم حکومت شونده تأمین شود، یعنی مردم به این سؤال که آیا حکومت کنندگان شایسته حکومت هستند؟ پاسخ مثبت دهند. در این صورت قلوب و اراده آنان تسخیر می شود و آنان به خدمت دولت درمی آیند یا حداقل از فکر مبارزه با خلافت، منصرف می شوند و حکومت مستحکم می شود. تلاش مأمون برای کم کردن معضل مشروعیت خود با تمسک به نزدیکی به امام رضا^(ع) و بحث ولایتعهدی ایشان به تعبیر اشیولر خبر از میزان بالای پایگاه اجتماعی ایشان به عنوان خاندان پیامبر^(ص) و جذابیت تشیع در ایران دارد و نقش کنشگر شیعی را روایت می کند (۱۳۸۶، ج ۱: ۹۶).

زیرکی مأمون و پیشنهاد ولایتعهدی

مأمون با پیشنهادهای دعوت از امام^(ع) به خراسان و همنشینی با ایشان و اعطای خلافت و ولایتعهدی به آن حضرت کوشید به اهداف چندگانه و توأمان زیر برسد:

۱. خاموش کردن نارضایتی مردم به دلیل جریحه دار شدن احساس ها، فریبکاری عباسیان و عدم واگذاری قدرت به علویان و خاندان پیامبر^(ص)؛
۲. به خلافت و اقدامهای جنبه تقدس دهد و هرگونه اعتراض و قیام علیه خلافت را بعد از آن نامشروع جلوه دهد (درخشه، ۱۳۹۱: ۱۵۵)؛
۳. نارضایتی در دوره مأمون به اوج رسید. چون شیعیان هم بخشی از معترضان بودند، مأمون به «حب آل علی^(ع) و حب امام رضا^(ع)» در زمان خود تظاهر می کرد؛
۴. با پیشنهاد ولایتعهدی و پذیرش بدون شرط آن از سوی امام رضا^(ع) می خواست به طور تلویحی ادعای خلافت و امامت داشتن خاندان پیامبر^(ص) را سلب کند، با این پیشنهاد، پرونده بی مشروعیتی دولت عباسیان نزد شیعیان هم برای همیشه پایان می پذیرفت. مأمون با این کار شیعیان را واداشت تا مشی اعتراضی خود را تغییر دهند و جذب سیستم سیاسی شوند

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، مبارزه‌های تند انقلابی شیعیان را به عرصه فعالیت آرام و بی‌خط تبدیل کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۵: ۳۵). مهار قیام شیعیان، نفوذ در میان آنان (کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۵۲) و گرفتن جاذبه «مظلوم‌نمایی و محرومیت» از آنان (خضری، ۱۳۷۸: ۵۸) از دیگر اهداف مأمون بود که به‌نظر برخی نظیر شمس‌الدین، مأمون در دستیابی به این اهداف خود، موفق بوده است (۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۳۸)؛

۵. شناسایی شیعیانی که تا پیش از آن، بر اثر فشارهای خلفای عباسی، پنهانی می‌زیستند، در حالت تقیه زندگی می‌کردند (درخشه، ۱۳۹۱: ۱۵۲) و طبعاً مبارزه با آنان دشواری‌های خاص خود را داشت. بنابراین مأمون به‌عنوان نماد شیطان به‌طور توأمان از فنون سه‌گانه تهدید (زور)، تطمیع (وعده خلافت، ولایتعهدی و قدرت) و اغفال افکار عمومی در تعامل خود با امام رضا^(ع) استفاده کرد و امام^(ع) که قدرت زور و نقشه‌های پیچیده وی را واکاوی کردند، به واکنشی پیچیده دست زدند و آن «پذیرش مشروط» ولایتعهدی است. پذیرش مشروط به دخالت نکردن در مسائل سیاسی و اجرایی و عزل و نصب‌ها، امام^(ع) را در قبال پرداخت هزینه‌های سرمایه بر مأمون مصون داشت و اکراه و ناراضایتی ایشان از پذیرش این مسئولیت را به افکار عمومی انتقال داد. به این ترتیب نقشه‌های مأمون نقش بر آب شد.

پذیرش «مشروط» تحت اجبار، اضطراب و تهدید به قتل (بدتر)، امام^(ع) را وادار به انتخاب پذیرش ولی‌عهدی (بد) کرد. آن حضرت با خنثی‌سازی هدف و مقصود مأمون، اهداف و مقاصد خود را پیگیری کردند. سیدجعفر مرتضی‌عاملی، ۱۱ دلیل و انگیزه را برای این پیشنهاد مأمون نام برده است (عاملی، ۱۳۶۵: ۲۴۲-۲۱۲). اهداف و انگیزه‌های مأمون از یک‌سو و خنثی شدن آنها از سوی امام^(ع) سوی دیگر ماجراست (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۶۹).

معضل پیروان و اقدام پرسش‌برانگیز امام رضا^(ع)

پیچیدگی رفتار امام^(ع) با مأمون از یک طرف، به شیعیان ایشان برمی‌گشت. محذورهای پیچیده صحنه سیاست همواره سیاستمداران را در قبال انتخاب‌های دردناکی قرار می‌دهد و

سوء تفاهم‌هایی را از اقدام‌ها و تعصب‌ها در افکار عمومی، دوستان، همراهان و علاقه‌مندان امام^(ع) ایجاد می‌کند.

اگر سیاستمداران، معصوم نباشند، با پدیده «شیعیان تندرو» مواجه می‌شویم. اما در اینجا چون شیعیان، امام رضا^(ع) را دارای علم و عصمت می‌دانند، به‌طور «تعبدی» رفتار ایشان را باید بپذیرند. به عبارت دیگر امام^(ع) کاری را بدون دلیل و مصلحت انجام نمی‌دهند. حداکثر این بود که در ذهن شیعیان از قدیم تاکنون پرسش‌هایی - نه اعتراض - شکل گرفته که باید برای آن پاسخ تولید شود. این خود از پیچیدگی صحنه سیاست و زیرکی مأمون حکایت می‌کند و موضوعی که در هر دوره و زمانه‌ای از جمله دوره ما و درک تصمیم‌های رهبری معظم از سوی مردم می‌تواند تکرار شود و موضوعیت داشته باشد. یعنی همواره در سیاست لحظه‌ها و محذورهایی وجود دارد که اگر فرد بپذیرد، تبعات و عوارضی دارد و اگر نپذیرد، تبعات و عوارض منفی دیگری دارد. این یکی از شگفتی‌ها و رمزآلودگی‌های سیاست را در همه ادوار آشکار می‌کند و پاسخ آن یک کلمه است «بصیرت سیاسی پیروان».

تخریب چهره امام^(ع) در نزد مردم و پیروان ایشان (درخشه، ۱۳۹۱: ۱۵۵) و خدشه وارد کردن به شخصیت معنوی امام رضا^(ع) با پذیرش ولایتعهدی، یکی دیگر از مقاصد و اهداف مأمون بود. وی بدین وسیله می‌کوشید امام^(ع) را فردی جاه‌طلب، دنیاطلب و درگیر مسائل مادی و دنیوی نشان دهد و درواقع رابطه معنوی و نزدیک ایشان و امت که با واژه ولایت مفهوم‌سازی می‌شود را سست کند. علامه محمدتقی جعفری (۱۳۶۵) در این باب می‌گوید: «مأمون می‌خواست از این راه شخصیت معنوی امام^(ع) را تضعیف کند و علاقه شیعیان را به وی کاهش دهد.» بر اساس عبارت‌هایی که شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا* (ج ۲: ۱۴۱-۱۳۹) و محمدباقر مجلسی در *بحار الانوار* (ج ۴۹: ۱۳۰ و ۱۴۰) آورده‌اند، مأمون در این هدف خود توفیق داشته و توانسته است در اذهان برخی از شیعیان کم‌بصیرت نه فقط در همان نسل، بلکه در نسل‌های بعدی هم پرسش‌ها و شبهه‌هایی نظیر موارد زیر برانگیزد: «ای پسر رسول خدا چه چیز موجب شد تا در ولایتعهدی وارد شوید؟ ولایتعهدی را با اظهار زهد

در دنیا چگونه پذیرفته‌ای؟... (کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۵۸).

مأمون در اظهارنظری، آشکارا از این نقشه پرده برمی‌دارد: «این مرد (امام رضا^(ع)) مردم را در خفا به‌سوی خود دعوت می‌کرد. ما نیز تصمیم گرفتیم ایشان را ولیعهد خود کنیم تا این‌گونه، مردم را به‌سوی ما بخواند و به حکومت و خلافت اعتراف کند... ایشان را نزد مردم کوچک کنیم تا کسی دیگر تصور نکند ایشان مستحق خلافت بودند» (شریف‌قریشی، ۱۴۳۰ق، ج ۳: ۱۴۳؛ ج ۱۳۱: ۴۰۴، به نقل از کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۶۰).

امام^(ع) نیت واقعی مأمون را خطاب به وی آشکار می‌کنند: «می‌خواهی مردم بگویند علی‌بن موسی‌الرضا به دنیا بی‌میلی نکرده، بلکه دنیا به او بی‌رغبتی می‌کرد. آیا نمی‌بینید از باب طمع در خلافت چگونه ولایتعهدی را قبول کرد؟» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴۰، به نقل از درخشه، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

امام^(ع)، هم از نیت مأمون و هم از پیامدهای ناگوار آن بر افکار عمومی مردم آگاه بودند. از ریان‌بن صلت نقل شده است که گفت بر علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) وارد شدم و به او عرض کردم یابن رسول‌الله مردم می‌گویند که تو با اینکه اظهار زهد و بی‌میلی به دنیا می‌کنی ولیعهدی مأمون را قبول کردی. آن بزرگوار فرمودند: خدا داناست به اینکه من این عمل را ناخوش داشتم؛ اما چون میان قبول این عمل و قتل مخیر شدم، قبول این عمل را بر قتل برگزیدم. وای بر مردم، آیا نمی‌دانند یوسف^(ع) رسول و پیغمبر بود و چون ضرورت، او را به متولی شدن خزینه‌های عزیز مصر واداشت به عزیز گفت: «مرا بر خزائن مأمور کن من حفیظ و علیم هستم.» من بر این امر داخل نشدم مگر مثل داخل شدن کسی که خارج باشد، یعنی آثار ولیعهدی مأمون و نائب شدن از حاکم جور را جاری نمی‌کنم، به‌سوی خدا شکوه می‌کنم و او یاری‌کنندهٔ بندگان است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۴۰، به نقل از درخشه، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

پاسخ امام^(ع) به پرسش‌ها

امام^(ع) در پاسخ به این پرسش‌ها یا پرسش‌های مقدر در زمان خود یا برای ایجاد بصیرت در نسل‌های آینده که دربارهٔ این اقدام حضرت قضاوت می‌کنند، پاسخ‌های جالبی دادند:

پاسخ نقضی: این پاسخ، پاسخی منطبق با اصول پذیرفته شده پرسشگر است که اصل سؤال را متنفی می‌کند یا دست کم وی را از قاطعیت به تردید می‌کشانند. امام^(ع) در این محور به دو نمونه آشنا برای مسلمانان که از آنها در روان‌شناسی سیاسی به «شناخت داغ» تعبیر می‌شود، اشاره می‌کند.

۱. پذیرش عضویت در شورای شش نفره عمر برای تعیین خلیفه سوم. وقتی از امام رضا^(ع) درباره دلیل پذیرش ولایتعهدی می‌پرسند، ایشان آنرا مشابه رفتار امام علی^(ع) عنوان می‌کنند. در این مورد، هم اجبار و تهدید وجود داشت و هم حقانیت نداشتن اساس خلافت غیر امام علی^(ع)، با این همه، امام^(ع) آنرا پذیرفتند (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲: ۲۸۵).
 ۲. پیشنهاد یوسف^(ع) برای سرپرستی خزانه‌های مصر. شاهد دوم ارائه شده امام رضا^(ع)، عمل حضرت یوسف^(ع) بر مبنای آیه ۵۵ سوره یوسف، این شناخت داغ را برای پرسش‌کنندگان ملموس می‌سازد (همان: ۱۰۷ و ۲۸۳).

پاسخ حلی: نوع دوم پاسخ‌های امام^(ع)، پاسخ حلی است که طی آن امام^(ع) مستندات قرآنی اقدام خود را ارائه کرده‌اند (بصیری، ۱۳۹۲: ۲۳۱). از جمله ایشان با توجه به گفتگوهای چند نوبت خود با مأمون درباره دوراهی قتل یا پذیرش ولایتعهدی با توجه به آیه «لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»، به پذیرش اجباری ولایتعهدی اشاره دارند. «قد نهانی الله تعالى ان القى بيدي الى التهلكة: خداوند تعالی مرا از این خود را به هلاکت بیاندازم نهی کرده است» (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲: ۲۸۲). علامه طباطبایی نیز تصمیم امام رضا^(ع) را در ذیل تفسیر همین آیه مورد بحث قرار داده است (۱۳۷۳، ج ۲: ۶۵ و ۷۴).

تهدید، اکراه و اضطرار: امام^(ع) در جاهایی به وضعیت غیرعادی در زمان پذیرش ولیعهدی اشاره می‌کنند: «قد اشرفت من قبل عبدالله المأمون على القتل متى لم اقبل ولاية عهده و قد كرهت و اضطرت؛ اگر ولایتعهدی مأمون را نپذیرم، مرا در آستانه قتل قرار داده است، بنابراین در حالت کراهت و اضطرار قرار داشتم» (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲: ۲۸۴). به نظر بصیری «تهدید به قتل» به «اضطرار» مبدل شده و بنابراین حکم وضعیت اضطراری باید در

دستور کار قرار می‌گرفت. مأمون کسی بود که برادر خود را در این کار به قتل رساند. بنابراین تهدید او باید جدی گرفته می‌شد. همچنان که چند ماه بعد در مورد امام رضا^(ع) هم این کار را عملی کرد (۱۳۹۲: ۲۴۳).

ضرورت و نیاز مصلحت‌سنجی: شرایط خاص علویان و نیاز به حضور در محافل علمی مخالفان و خشی کردن نقشه عباسیان، گوشه‌ای از ضرورت‌های اجتماعی بود که ایشان در پاسخ به «ریان بن صلت» درباره دلیل پذیرش ولیعهدی به آن اشاره کرده‌اند: «دفعتی الی الضرورة الی قبول ذلک علی اکراه و اجبار بعد الاشراف علی الهلاک» (بحرانی، ۱۴۳۰ق: ۲۳۶). درخسه این فرض را با عنوان «مصلحت» مطرح می‌کند (۱۳۹۱: ۱۹۷).

تغییر قواعد بازی در پذیرش ولایتعهدی: با شروط پذیرفتن و دخالت نکردن در وظایفی که به‌طور متعارف بر عهده ولیعهد بوده، امام^(ع) در زمین مأمون بازی نکرد بلکه ساختار ولیعهدی را تغییر داد و آنگاه پذیرفت. «این پیشنهاد را می‌پذیرم مشروط بر اینکه کسی را عزل و نصب نکنم، سیره و روشی را برهم نزنم و فقط در این کار مشاوره‌ای از راه دور داشته باشم» (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲: ۲۸۲). ایشان این شرط را تا آخر دوره حیات خود به دقت رعایت کردند (بصیری، ۱۳۹۲: ۲۳۷). دخالت نکردن در عزل و نصب‌ها به‌طور تلویحی، نامشروع بودن خلافت عباسی را القا می‌کند (کارخانه، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

انتخاب بد برای اجتناب از بدتر: یکی دیگر از استدلال‌های امام^(ع) در پذیرش ولیعهدی نیز می‌تواند تلخی سرشت سیاست و انتخاب گزینه‌ها در وضعیت‌های خاص باشد. موقعیت‌هایی که گزینه‌های انتخابی بین خیر و شر نیست، بلکه بین شر کوچک و شر بزرگ یا بد و بدتر است. امام^(ع) در این باره اشاره می‌فرماید: «فلما خیرت بین القبول ذلک و بین القتل، اخترت القبول علی القتل؛ میان دو چیز مخیر شدم، قبول ولیعهدی و قتل توسط مأمون و من قبول ولیعهدی را بر کشته شدن ترجیح دادم...» (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲: ۲۸۳).

راه‌حل تبعدی در تصمیم‌های امام^(ع): راه دیگر، تولید پاسخ بود که البته راه‌حل ساده و

❖ اصولی است که توجه به ویژگی‌های علم و عصمت امام^(ع) و اعتماد به ایشان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی اتخاذشده از سوی آن حضرت است.

نرمش قهرمانانه، انعطاف پیروزمندانه و طرح قدرت فزاینده

مأمون تصور می‌کرد قدرت زور، پول و رفاه را در اختیار دارد و فردی زیرک و در سیاست‌ورزی بسیار محاسبه‌گر است. بنابراین از اقدام‌های اولیه خود، انتظار نتیجه‌بخشی داشت، گویی در بازی شطرنج سیاست با امام رضا^(ع) وارد شده و می‌خواهد از وجود مبارک ایشان در سیاست بهره‌مند شود و به ایشان ضرر و به خود نفع برساند. شگفتا که در انتظارهای بعدی وی همواره بازنده و هر بار از اقدام و کار خود پشیمان می‌شد. موارد این موضع‌گیری‌های تهدیدآمیز که توسط امام^(ع) به فرصت تبدیل می‌شود، فراوان است. برخی از آنها عبارت‌اند از: مناظره‌های علمی، مذهبی و کلامی؛ موضوع ولایتعهدی؛ پیشنهاد برگزاری نماز عید و مهاجرت از مکه و مدینه به مرو.

می‌توان به هر یک از اینها جداگانه در قالب شرح و تحلیل واقعه و پیامدهای آن برای مأمون و امام^(ع) پرداخت. موضوع ولایتعهدی مهم‌ترین آنهاست که شرح آن رفت. امام^(ع) در وضعیت عادی به هیچ عنوان آن‌را نمی‌پذیرفتند. در شرایط اضطراری، زور، اکراه و اجبار مجبور به پذیرش آن می‌شود؛ اما با دستکاری هوشمندانه در پیشنهاد مأمون و مشروط کردن آن به شرطی که به‌طور همیشه، آن شرط موضوعیت پیدا خواهد کرد، یعنی شرط دخالت نکردن در عزل و نصب‌ها و در سیاست و فرایندهای اجرایی، خود را از تبعات و پیامدهای منفی رفتار سیاسی زمامداران خلافت عباسی مصون می‌دارد. در عین حال از مزایای آن بهره‌مند می‌شود.

این انعطاف پیروزمندانه و قدرت فزاینده را می‌توان در موارد مشابه دیگری نظیر صلح حدیبیه پیامبر اکرم^(ص) با مشرکان مکه، خانه‌نشینی ۲۵ ساله امام علی^(ع) در پذیرش خلافت خلفای سه‌گانه، سکوت امام سجاد^(ع) و تعامل هوشمندانه ایشان در قبال قیام‌ها و شورش‌های

سیره سیاسی امام رضا^(ع) در... ❖ ۲۳

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

ضد حکومت اموی (برزگر، ۱۳۹۱) و صلح امام حسن^(ع) با معاویه هم مشاهده کرد. در همه این موارد نوعی نرمش قهرمانانه مشاهده می‌شود. به‌رغم تفاوت ظاهری رفتار سیاسی امام حسن^(ع) با امام حسین و امام رضا^(ع) و همه ائمه^(ع) تا غیبت کبری به‌مثابه یک انسان واحد ۲۵۰ ساله را تشکیل می‌دهند که همگی دارای مقصد واحد و به‌سوی هدفی واحد حرکت کرده‌اند (ر ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۰). در هر یک از پیشنهادهای چهارگانه عمده به امام رضا^(ع) می‌توان چهار محور را به‌عنوان مدخل تجزیه و تحلیل قرار داد و محتوای این سبدهای چهارگانه را تکمیل کرد. این چهار محور عبارت‌اند از: اهداف مأمون؛ خشی کردن آن اهداف با نپذیرفتن یا پذیرش مشروط؛ پیگیری اهداف امام^(ع) از مجرای پیشنهادهای اجباری مأمون؛ ارزیابی مأمون از بازخوردهای زنجیره‌ای از کنش و واکنش‌های مذکور که به‌طور مثال بعد از ارزیابی بازخورد منفی آنها تصمیم به انصراف از پیشنهاد مانند برگزاری نماز عید یا تصمیم به قتل و شهادت امام^(ع) اخذ می‌کنند.

مأمون و پیشنهاد نماز عید

مأمون در موردی به امام^(ع) پیشنهاد برگزاری امامت نماز عید را می‌دهد. امام^(ع) طبق معمول در ابتدا با این کار مخالفت می‌کنند؛ اما بعد از اصرار مأمون، امام^(ع) باز به‌طور مشروط می‌پذیرد و آن شرط برگزاری نماز طبق سنت اسلامی و اجداد معصوم خود یعنی پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) است (درخشه، ۱۳۹۱: ۲۰۱). با شروع مراسم و هجوم مردم و مؤمنان، استقبال شدید آنان، گزارش جاسوسان و خبررسانان به مأمون و احساس خطر آنان، از امام^(ع) تقاضا می‌کنند از مسیر نماز برگردند و فرد دیگری برای امامت و خطبه نماز به‌جای ایشان اعزام می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۷۸).

مأمون‌شناسی و مناظره‌ها: ادامه فن تزویر

یکی دیگر از پیچیدگی‌های صحنه سیاست دوره مأمون، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی به قلمرو خلافت بود. وی با تأسیس بیت‌الحکمه به ترجمه کتاب و آثار یونانی پرداخت و

بنابراین جامعه اسلامی با افکار و اندیشه‌های متفاوتی آشنا شد. به‌طور کلی سیاست‌های فرهنگی عباسیان به بروز شبهه‌ها و ابهام‌های زیادی در اعتقاد مسلمانان منجر شد. معرکه آفرینی جریان‌های معتزله که به‌طور افراطی عقل‌گرا بودند و جریان رقیب حنبلی که ظاهرگرا بودند، به بحران فکری لجام‌گسیخته‌ای تبدیل شده و درواقع نوعی آشفتگی فکری ایجاد کرده بود. این مناظره‌ها در دوره مأمون که به‌نوعی مبلغ این مباحث بود، گسترش بیشتری یافت. برخی، هدف مأمون را سرگرم و غافل کردن مردم از مسائل اصلی جامعه می‌دانستند و اینها نقاط ضعف حکومت بود. هدف از برپایی مناظره‌ها در حضور امام^(ع)، پایین آوردن شأن و مقام ایشان نزد دانشمندان و به‌ویژه مردم ایران بود. مأمون قصد داشت امام^(ع) از پاسخ عاجز بماند و به این ترتیب نادرستی علم امام معصوم^(ع) را بر پیروانش آشکار کند و جایگاه امام^(ع) را پایین آورد. چنانچه سلیمان مروزی از سوی مأمون تشویق می‌شود تا با امام^(ع) مناظره کند و مأمون خطاب به وی می‌گوید: «هدف من چیزی جز این نیست که راه را بر او ببندی، زیرا می‌دانم تو در دانش مناظره توانایی» (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۸۹-۱۷۹).

امام رضا^(ع) به اهداف و مقاصد مأمون از این مناظره‌ها آگاهی داشت. بنابراین بر اساس عقاید مخاطبان با آنان مناظره می‌کردند. ازاین‌رو امام^(ع) فرمودند:

هنگامی‌که من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با اهل زبور به کتابشان، با عبرانیان به شیوه خودشان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و جدل به زبان‌های خودشان استدلال کرده و همه را به تصدیق خود وادار می‌کنم، مأمون درمی‌یابد که راه خطا را برگزیده و پشیمان خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۷۵).

مأمون‌شناسی امام^(ع) به ایشان کمک کرد تا به اتکاء به این دشمن‌شناسی و علم خدادادی و شخصیت وارسته و اخلاقی خود، نه‌تنها مأمون را در دستیابی به هدف تنزل دادن جایگاه امام^(ع) نزد شیعیان و مردم ناکام گذارد، بلکه برعکس جایگاه ایشان را بعد از این مناظره‌ها، ارتقاء داد و مأمون باز هم از اقدام خود پشیمان شد، چون به نتیجه معکوس رسید. در

مناظره‌های قبل از ولیعهدی امام^(ع)، طرف‌های مقابل بعد از شکست، به شکست خود اعتراف نمی‌کردند؛ اما در مناظره‌های بعد از ولیعهدی، طرف مقابل به شکست خود اعتراف می‌کرد. همان‌گونه که جاثلیق در پایان مناظره اعتراف می‌کند که احتمال نمی‌دادم در بین مسلمانان شخصی مثل شما باشد، یعنی پذیرش ولایتعهدی تأثیری مثبت بر مناظره‌ها داشت. حسن‌زاده تأثیر جایگاه ولایتعهدی در تثبیت جایگاه علمی امام رضا^(ع) را مؤثر می‌داند. به نظر وی شخصیت امام علی^(ع) به واسطه چهار، پنج سال خلافت و آن خطبه‌ها، شخصیت امام صادق^(ع) به دلیل مهلتی که جنگ بنی‌امیه و بنی‌عباس ایجاد کرد و تربیت شاگردانی بی‌شمار و شخصیت امام رضا^(ع) هم به دلیل فرصت ولایتعهدی تثبیت شده است (۱۳۹۲: ۲۹۱).

مهاجرت به مرو

مأمون ظاهراً به‌منظور دور کردن امام^(ع) از مرکز قدرت خود در مکه و مدینه و نیز به‌منظور کنترل آن حضرت و استفاده از وجاهت ایشان، اقدام به این عمل کرد. در مهاجرت امام^(ع) از مرو هم، تبدیل تهدید به فرصت از سوی امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود. می‌توان این مهاجرت را در دو موج مورد توجه قرار داد:

موج اول

این موج شامل حرکت امام^(ع) از مکه، مدینه، نقره، بناج، بصره، اهواز، بهبهان، شیراز، اصطخر، ابرقوه، ده شیر (فراشار)، یزد، خرائق، رباط پشت بادام، نیشابور، قدمگاه، ده سرخ، طوس، سرخس و مرو می‌شود. این مهاجرت در سال ۲۰۰ ق. انجام شد (ر ک: عرفان‌منش، ۱۳۷۱). به عقیده اکثر پژوهشگران تاریخ اسلام، مأمون آگاهانه مسیر حرکت امام^(ع) از مدینه تا مرو را طوری انتخاب کرد که شهرهای معروف به محبت اهل بیت^(ع) مانند کوفه، در مسیر ایشان قرار نگیرد؛ اما امام رضا^(ع) فارغ از اینکه آن شهر کجاست و ساکنانش چه نسبتی با اهل بیت^(ع) دارند، از هر فرصتی برای ایجاد رابطه قوی میان خود و مردم استفاده می‌کردند. در نیشابور حدیث مشهور سلسله‌الذهب را در میان جمعیت انبوه مردم قرائت فرمودند و با

❖ قید «أنا من شروطها»، مسئله توحید را به امامت و امامت خود پیوند زدند. بنابراین امام^(ع) از مهاجرت و گذر از شهرها برای تبلیغ، تثبیت و رشد تشیع و امامت خود بهره‌گیری و تهدید را به پیشرفت و فرصت تبدیل کردند. وداع جانشوز امام^(ع) با خانواده و خداحافظی همیشگی با آنان در مدینه، خبر از اجبار و اکراه در این سفر می‌دهد که این سفر بی‌بازگشت خواهد بود (کارخانه، ۱۳۹۲: ۲۶۷). با این همه، امام^(ع) از این سفر حداکثر استفاده را در نیل به اهداف خود به‌عمل آوردند.

موج دوم مهاجرت اهل بیت^(ع)

این موج بعد از پذیرش ولایتعهدی و استقرار ایشان در طوس به پرچم‌داری احمدبن موسی^(ع) انجام گرفت و مهاجرت برخی از برادران امام رضا^(ع)، پسرعموها و بستگان ایشان و سایر علاقه‌مندان برای پیوستن به آن حضرت آغاز شد. این موج هم در طول حرکت و گذر از شهرها، زمینه تثبیت و رشد تشیع را فراهم کرد. در مسیر حرکت، به‌حدی مؤمنان به آنان ملحق شدند که وقتی کاروان به شیراز رسید گفته می‌شود تعداد آنان بالغ بر ۱۲ هزار نفر بود. بسیاری از این افراد بعدها در شهرهای خود به مبلغ تشیع تبدیل شدند.

معضل واقفیه و پیروان

دستیابی امام^(ع) به شبه‌قدرت سیاسی ولایتعهدی و مطرح شدن و امکان ظهور درصدی از شخصیت واقعی امام^(ع) موجب شد تا ایشان با اتکای به سرمایه سیاسی و معنوی به‌دست آمده بکوشند سایر معضلات فکری و مذهبی جامعه اسلامی را حل و فصل کنند. همان‌گونه که ملاحظه شد، ولایتعهدی بازتاب مثبتی بر مناظره‌ها و پذیرش نتایج آنها و بر پدیده واقفیه داشت. درواقع امام^(ع) بعد از تدبیر معضلات رابطه خود با مأمون، فرصت پردازش معضلات پیروان خود را پیدا کردند.

مرحوم سیدهاشم حداد از شاگردان آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبایی درباره وجه تسمیه «غریب بودن امام رضا^(ع)» می‌گوید: یکی از جهت‌ها و دلایل غربت حضرت، پدیده واقفیه

و انکار برخی از وکلای امام کاظم^(ع) بر ولایت امام رضا^(ع) بود. به جای آنکه پس از شهادت پدرش در زندان بغداد، طرفداران و وکلای پدرش، به یکباره اطرافش را بگیرند، امامت او را گردن نهند، تمام شیعیان را به سوی او دعوت کنند و اموالی را که به عنوان وکالت از پدر آن حضرت از مردم گرفته‌اند به ایشان بسپارند، حاضر نشدند تسلیم شوند و اعتباری را که از برکت پدرش کسب کرده بودند، به مبدأ و محورش برگردانند. هر یک از وکلای مهم، برای خود عنوان، شخصیت، رفت و آمد، روایت و تفسیری داشت و با مصرف ثروت کلان امام موسی^(ع) در آرای شخصی و طرفدارانشان حاضر نشدند، نسبت به امام زمانشان سر تسلیم فرود آورند. همه از حضرت روی برگردانند و گفتند: «موسی بن جعفر نمرده و زنده است!»، «امامت به همین امام ختم شده است و دیگر امامی نیست». لذا آنان را «واقفیه» گویند که به طور روشن و از روی سرکشی، امام رضا^(ع) را انکار کردند. چه غربتی از این بالاتر؟ نه تنها خودشان تسلیم نشدند، بلکه شیعیان را نیز به خود دعوت کردند و از پیروی حضرت بازداشتند. از یونس بن عبدالرحمن روایت شده: «پس از رحلت امام کاظم^(ع) هیچ کس از وکلای حضرت نبود مگر آن که در نزدش مال بسیاری بود و همین امر سبب انکار مرگ حضرت شد و در پذیرش امام رضا^(ع) توقف کردند.»

در مجموع، تبعات مدیریت شده پذیرش ولایتعهدی امام رضا^(ع) موجب تبدیل تهدید به فرصت بود و از این فرصت، هم در تثبیت جایگاه علمی خویش، هم در جهت حل و فصل معضل واقفیه، هم در جهت جهانی شدن تشیع و تحکیم پایه‌های تشیع بهره‌گیری شد.

نتیجه‌گیری

مأمون برای حل معضلات سیاسی و جبران کسری مشروعیت سیاسی به‌ناچار به شخصیت موجه و معتبر امام^(ع) متمسک می‌شود و می‌کوشد تا از این راه به اهداف راهبردی خود دست یابد. اما در این مسیر، امام^(ع) هرچند مبسوط الید نیست و به‌ناچار از ساختار جبری زور محیطی تأثیرهایی می‌پذیرند؛ اما اهداف خاصی را دنبال می‌کنند و اثرگذاری متقابل

❖ خود را از طریق شرط و شروط گذاری در موافقت با پذیرش ولی عهدی یا نماز عید و جز آن اعمال می کنند. در واقع در میانه راه به جای آنکه اهداف مأمون تحقق عینی پیدا کند، اهداف امام رضا^(ع) محقق می شود. این در حالی است که سرمایه گذاری مأمون بسیار زیاد و سرمایه گذاری امام^(ع) صرفاً شخصیت موجه و سرمایه معنوی است. این، قدرت نرم امام رضا^(ع) است که در مقابل قدرت سخت و نرم مأمون به پیروزی می رسد. بزرگ ترین دلیل این پیروزی، اقدام به شهادت رساندن امام رضا^(ع) است. مأمون برای دستیابی به اهداف خود و تضعیف نیروهای مخالف عربی و شیعی ناچار به مطرح کردن امام^(ع) و بزرگ تر کردن نقش ایشان در دستگاه خلافت خود است؛ اما بزرگ تر کردن نقش امام^(ع) و فراهم کردن میدان بازی برای ایشان، بعدها به زیان مأمون هم می شود و به تحقق اهدافش نمی انجامد.

مطالعه موردی اقدام های امام رضا^(ع) و اقدام های مأمون یکی از موارد جالب برای نشان دادن پیچیدگی صحنه سیاست و درک محذوره های سیاسی کارگزاران و یکی از مواردی است که ضرورت بصیرت سیاسی پیروان، رهروان و رهبری متعالی در همه دوره ها، عصرها و همه نسل ها را می رساند. اقدام امام رضا^(ع) به تعبیر دانش اصول فقه، منحصر به امام رضا^(ع) و مأمون نیست؛ بلکه با تنقیح مناط و القاء از این اقدام امام رضا^(ع) می توان پذیرش ولایتعهدی را مانند صلح امام حسن^(ع) دانست و بنابراین در برخی از شرایط اجتماعی، باید به شیوه ای مشروع در تعامل های سیاسی اشاره کرد (بصیری، ۱۳۹۲: ۲۲۸). همان سان که محذوره های سیاسی، سیاستمداران را به انتخاب بین بد برای اجتناب از بدتر سوق می دهد و به نرمش قهرمانانه موقتی وامی دارد، رفتار سیاسی مأمون در فن تطمیع و پیشنهاد خلافت و ولایتعهدی و سپس فن تهدید، اجبارسازی و قرار دادن امام^(ع) در دو راهی بد و بدتر، پذیرش ولایتعهدی یا قتل و سرانجام اغوای افکار عمومی، تزویر و اغفال مردمان و شیعیان اعمال می شود. تزویر اولیه مأمون با درایت و بصیرت امام^(ع) ختی می شود و ایشان به مأمون نشان می دهند که دستش برای امام^(ع) رو شده است. اما تزویر دوم معطوف به پیروان و شیعیان امام^(ع) است و می کوشد تا تصور تطمیع امام^(ع) را در میان شیعیان القاء کند و به این وسیله

سیره سیاسی امام رضا^(ع) در... ❖ ۲۹

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

از نفوذ معنوی و رابطه عاطفی وی با مردم و سرمایه اجتماعی امام^(ع) در میان شیعیان بکاهد. خشتی سازی هدف مأمون با اندکی انعطاف، تغییر قواعد بازی و پیگیری اهداف خود، موضوعی است که در یک رابطه هم‌ورزی همواره مشاهده می‌شود. امام^(ع) چشمی به اعمال و نیت‌های مأمون و چشمی به اهداف و مقاصد خود برای بهره‌گیری از فرصت‌های ایجادشده از تهدیدها و اعمال محدودیت‌های مأمون دارد. مطالعه سرشت سیاست از خلال سیره سیاسی امام رضا^(ع) نشان می‌دهد که همواره تهدیدها در لایه پنهان خود، فرصت‌هایی را دربر دارد. فرصت‌هایی که باید با هوشمندی سیاستمدار، آزاد و فعال شود تا دستاوردهای مورد انتظار به اذن خداوند به دست آید.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، علی بن ابی اکرم، (۱۳۵۷). *الکامل فی التاریخ*. صحیح عبدالوهاب النجار، مصر: اداره الطباعة المنيرية.
- اشپولر، برتولد، (۱۳۸۶). *تاریخ ایران در قرن نخستین اسلامی در ایران*. جلد اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله، (۱۴۳۰ق). *عوامل العلوم والمعارف والاحوال من الايات والاخبار والاقول*. با مستدرکات سید محمدباقر ابطحی، چاپ دوم، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۹). «ساختار فهم اندیشه سیاسی در اسلام». *دانش سیاسی*. سال ششم، شماره ۱۲: ۴۳-۷۲.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۱). *اندیشه سیاسی صحیفه سجادیه*. تهران: علمی و فرهنگی.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۲). *تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران*. چاپ دهم، تهران: سمت.
- بصری، حمیدرضا، (۱۳۹۲). «پاسخ‌های امام رضا^(ع) به شبهات پذیرش ولایت‌مهدی». در مجموعه مقالات همایش آموزه‌های رضوی در کتاب *عوامل العلوم*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۱). *گزیده حیات سیاسی امامان شیعه*. قم: معارف.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۵). *فرصت ولایت‌مهدی امام رضا^(ع) در نشر معارف*. در مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی امام رضا^(ع)، مشهد: کنگره جهانی امام رضا^(ع).

سیره سیاسی امام رضا^(ع) در... ❖ ۳۱

❖ حسن زاده، صالح، (۱۳۹۲). «علل و دلایل پذیرش ولایتعهدی مأمون از سوی امام رضا^(ع)». در مجموعه مقالات همایش آموزه‌های رضوی در کتاب عوالم العلوم جلد ۲۲. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

حسینی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰). «خورشید خراسان». روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۰/۷/۱۶: ۶. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۶۵). مقدمه، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی امام رضا^(ع). تهران: آستان قدس رضوی.

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله، زندگی سیاسی و مبارزه ائمه معصومین^(ع). تهران: صهبا. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۲). غریب پیروز، زندگی حضرت رضا^(ع) از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب. مشهد: آستان قدس رضوی.

خضری، احمدرضا، (۱۳۷۸). تاریخ خلافت عباسی. تهران: سمت. درخشه، جلال و سیدمهدی حسینی فائق، (۱۳۹۱). سیاست و حکومت در سیره امام رضا^(ع). تهران: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا^(ع).

شریف قریشی، باقر، (۱۴۳۰ق). موسوعة سيرة اهل بیت، الجزء التاسع والعشرون الام موسى بن الجعفر. قم: دارالمعروف.

شمس‌الدین، محمدمهدی، (۱۴۰۹ق). ولایة العهد الام الرضا^(ع) مجموعة الاثار المؤتمرالعالمی الثانی. بیروت: دارالاضواء.

صدوق، ابوجعفر، (۱۳۷۳). عیون الاخبار الرضا. تصحیح و ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: صدوق.

طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۳). المیزان. قم: اسلامی. عاملی، جعفرمرتضی، (۱۳۶۵). زندگانی سیاسی امام رضا^(ع). بی‌جا: کنگره جهانی امام رضا^(ع). عرفان‌منش، جلیل، (۱۳۷۱). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

کارخانه، علی، (۱۳۹۲). سیره سیاسی امام رضا^(ع) و تحلیل مسئله ولایتعهدی. قم: بوستان کتاب. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. جلد ۴۹، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

معینی، محمدجواد و احمد ترابی، (۱۳۸۰). امام علی بن موسی الرضا: منادی توحید و امامت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

نشانه‌شناسی حدیث شریف سلسله‌الذهب

محمدکاظم فرقانی* - محمد آقائی** - محمدرضا فتحی‌مهر***

چکیده

احادیث مربوط به امام رضا^(ع) با توجه به موقعیت تاریخی ویژه‌ای که در آن قرار داشتند بسیار حائز اهمیت است که در آن میان حدیث شریف سلسله‌الذهب از حلاوت و بلاغت خاصی برخوردار است. لزوم مطالعه در عمق فرمایش‌های امام رضا^(ع) مسئله‌ای مهم است که طی قرون گذشته اغلب با شهود عرفانی انجام می‌پذیرفت، با پیشرفت چشمگیر زبان‌شناسی غربی لزوم بررسی مجدد این احادیث با استفاده از مفاهیم دانش نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی متن مورد توجه جدی قرار گرفت، به همین علت مقاله حاضر با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانش نشانه‌شناسی به بررسی این حدیث می‌پردازد. سؤال اصلی این است که ویژگی‌های ساختاری و انسجام متنی حدیث شریف سلسله‌الذهب از لحاظ شکل‌گیری بافتار متنی و عوامل دخیل در آن چیست؟ نوشتار پیش‌رو با استفاده از مفاهیم دانش نشانه‌شناسی در قالب مفاهیم عملیاتی‌شده روش تحلیل زبان‌شناسانه هلیدی به بررسی ویژگی‌های ساختاری و انسجام متنی این حدیث شریف می‌پردازد. از نتایج مطالعه حاضر این است که متن این حدیث شریف از لحاظ تمامی عناصر انسجام‌بخشی متن از دیدگاه تحلیلی هلیدی در بالاترین سطح ممکن قرار دارد.

کلیدواژه‌ها

نشانه‌شناسی، امام رضا^(ع)، حدیث سلسله‌الذهب، روش تحلیل زبان‌شناسی متن هلیدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۴

*. استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق^(ع)

Forghani@isu.ac.ir

** . دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق^(ع)

Aghaei_1369@yahoo.com

*** . دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و الهیات دانشگاه امام صادق^(ع)

Fathimehr_1367@yahoo.com

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

احادیث معصومین^(ع) ارزشمندترین منبع برای درک اسلام ناب است و هر یک از ایشان بنا به موقعیت تاریخی خاصی که در آن قرار داشتند و بر اساس درک نیازهای واقعی مؤمنان، اقدام به بیان سخنان گهرباری می‌کردند. در آن میان احادیث منقول از امام رضا^(ع) با توجه به موقعیت ویژه آن حضرت در دربار مأمون عباسی و شرایط اجتماعی ایرانیان ازجمله پذیرش ولایت امام علی^(ع) و به تبع ایشان پذیرش ولایت امام رضا^(ع) دارای مطالبی گسترده و عمیق است. از معروف‌ترین احادیث منقول از آن حضرت باید به حدیث شریف سلسله‌الذهب اشاره کرد که بنا به اعتراف بزرگان شیعه و کبار اهل سنت، دارای ژرفایی عمیق است. البته باید اشاره کرد که اصطلاح «سلسله‌الذهب» نامی خاص برای این حدیث گرانبایه نیست؛ بلکه حدیث‌شناسان، از این نام برای اشاره به تمامی احادیثی که سلسله روایتگران آن تنها معصومین هستند استفاده می‌کنند یعنی روش «روایه الانباء عن الاءاء» (طبسی، ۱۳۹۱: ۲۷).

به دلیل ارجمند بودن این حدیث، در طول قرون متمادی تنها بزرگان علما و عرفا در شرح این حدیث مطالبی بیان کرده‌اند که نوعاً محدود به شرح عرفانی و احیاناً استفاده از این حدیث برای شفای بیماران و دیوانگان (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۹۵) بوده است. البته در مواقعی نادر نیز در برخی از کتاب‌های معانی و بیان درباره شگفتی‌های لغوی این حدیث مطالبی بیان شده که بسیار اندک است. با گسترش زبان‌شناسی در طول قرن بیستم و مطرح شدن علم نشانه‌شناسی که پیش‌فرض خویش را بر زندگی انسان‌ها در دنیای نشانه‌ها گذاشت و سطح تحلیل تقطیعی متن را از کلمه ارتقا داده و به جمله و در مرحله بعد تمام متن رساند، این نیاز مطرح است که احادیث معصومین^(ع) را در فضای علمی و تحلیلی جدید مورد بررسی دوباره قرار دهیم تا بر اساس علوم نظری جدید نیز شگفتی‌های آن سخنان گهربار را دریابیم. سؤال اصلی این است که ویژگی‌های ساختاری و انسجام متنی این حدیث شریف از لحاظ شکل‌گیری بافتار متنی و عوامل دخیل در آن چیست؟ نوشتار پیش‌رو با استفاده از مفاهیم علم نشانه‌شناسی در قالب مفاهیم عملیاتی‌شده روش تحلیل زبان‌شناسی

❖ متن هلیدی به بررسی ویژگی‌های ساختاری و انسجام متنی حدیث شریف سلسله‌الذهب می‌پردازد.

پیشینه

صرف‌نظر از نویسندگان متقدم که کارهایی در تحلیل این حدیث شریف انجام دادند، بسیاری از پژوهشگران و علمای متأخر نیز فعالیت‌هایی گسترده در توضیح و تحلیل این حدیث گرانمایه انجام دادند که مناسب است برای روشن شدن وجه تمایز میان بررسی حاضر و آن پژوهش‌ها به توضیحی مختصر از اهم آنها اشاره شود:

۱. کتاب/امام‌شناسی اثر علامه طهرانی

یکی از علمای متأخر که در زمینه‌های گوناگون دینی، مذهبی و عرفانی، آثاری مهم و قابل تأمل را به رشته تحریر درآورده‌اند حضرت آیت‌الله سید محمدحسین حسینی طهرانی معروف به علامه طهرانی است. ازجمله مهم‌ترین آثار تألیفی ایشان کتاب گرانسنگ/امام‌شناسی است. در جلد پنجم این کتاب در صفحه‌های ۱۳۳ تا ۱۴۲ ایشان بحثی مبسوط را درباره این حدیث شریف مرقوم کرده‌اند. در ابتدای بحث، توضیح کلی پیرامون صدور حدیث و شرایطی که امام رضا^(ع) این مطلب را بیان کرده‌اند گفته شده، سپس در بخش بعدی، بحثی با عنوان «حدیث سلسله‌الذهب بنا به نقل قدمای اصحاب» آمده است و در آن نقل‌های گوناگون از این حدیث بیان شده و اختلاف نسخه‌ها و قرائت‌های مختلف از آن بیان شده است. در آخرین بخش آن، مطلبی با عنوان «تحقیق پیرامون حدیث سلسله‌الذهب» ارائه شده که علامه طهرانی به توضیح مبسوط این موضوع پرداخته است. کارویژه این حدیث نشان دادن راه رسیدن به توحید است و چه‌سان می‌توان با بهره‌برداری از این حدیث گرانمایه به توحید حقیقی دست یافت که البته این معنا را علامه طهرانی از طریق بیان آیات، احادیث و شرح آنها بیان می‌کند. پس علامه طهرانی این حدیث را معبری برای رسیدن به توحید ذات خداوند می‌داند و روش ایشان نیز مراجعه به احادیث و شرح‌های مختلف از آیات قرآن مجید است.

۲. «بررسی حدیث سلسله‌الذهب» اثر محمد رحمانی

در زمستان ۱۳۷۵ در شماره دوم فصلنامه علوم حدیث، مقاله‌ای از محمد رحمانی منتشر شد که به بررسی حدیث شریف سلسله‌الذهب پرداخت. البته تمایزی مهم با سایر پژوهش‌ها داشت و آن این بود که وی در انتهای پژوهش خود مطلبی را با عنوان «پیام حدیث» آورد و در این بخش با استفاده از این حدیث به مطالبی جالب توجه رسید. در ابتدای مقاله به بررسی متن و سندهای گوناگون این حدیث در کتاب‌های شیعه و پس از بیان مطالب مبسوط در این زمینه، به بررسی همین موضوع در کتاب‌های اهل سنت پرداخته است. در بخش بعدی این پژوهش به بررسی عناوین حدیث در علم درایه پرداخته و بعد از آن، مطلبی در باب اهمیت سند حدیث در نظر محدثان شیعه و سنی بیان شده است. بعد از پایان این بحث، پژوهشگر به شناسایی کتاب‌هایی می‌پردازد که حدیث مذکور را در خود جای داده‌اند و ذیل همین مطلب مصادر متعددی را بیان می‌کند که به نقل این حدیث شریف پرداخته‌اند. آخرین بخش این پژوهش به بررسی پیام حدیث می‌پردازد و پژوهشگر مدعی می‌شود که پیام نهایی این حدیث شریف تبیین فلسفه سیاسی اسلام است، محقق از طریق نقل چند حدیث و شرح آنها، به این مطلب می‌پردازد که چگونه این حدیث شریف سه اصل مهم توحید، نبوت و امامت را در دل خود جای داده است.

۳. «توحید و امامت در حدیث سلسله‌الذهب» اثر حسین حبیبی تبار و محمد محسن

مروجی طبسی

در بهار ۱۳۹۲ در شماره ۸۵ فصلنامه کلام/اسلامی، مقاله‌ای مشترک از حسین حبیبی تبار و محمد محسن مروجی طبسی با عنوان «توحید و امامت در حدیث سلسله‌الذهب» منتشر شد. بخش اول این پژوهش به این موضوع پرداخته است که آیا حدیث مذکور در منابع اهل سنت بیان شده است یا خیر و پس از پاسخگویی به این پرسش در بخش بعدی پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا این حدیث در مصادر و منابع حدیثی اهل سنت و کتاب‌های شیعی به گونه‌ای یکسان بیان شده یا خیر و اگر یکسان است در این صورت نگاه اهل سنت

به این حدیث شریف چگونه است؟ در انتهای پژوهش بحث مفصلی دربارهٔ رابطهٔ میان توحید و امامت بیان شده که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، رابطهٔ میان این اصول بیان شده است، البته باید اشاره کرد که نه تنها این قسمت پژوهش با روش مذکور پیش می‌رود که اساساً تمام پژوهش با این روش جلو رفته است.

با مطالعهٔ پیشینهٔ پژوهش که در سطور بالا آمد به چند نکتهٔ مهم دست می‌یابیم و آن این است که تمامی پژوهش‌های اشاره شده، از حیث روش‌شناسی در یک گونهٔ روشی قرار می‌گیرند و تمامی این پژوهش‌ها عملاً سؤال‌های یکسان را پاسخ گفته‌اند که ویژگی این پاسخگویی بوده است که تنها در چارچوب سنت اسلامی قابل فهم هستند و از منظر کلام، عرفان یا علم درایه‌الحديث به کاوش در این حدیث پرداخته‌اند. با مطالعهٔ سایر پژوهش‌های صورت گرفته دربارهٔ این حدیث نیز به نتایجی مشابه دست می‌یابیم. نگارندگان این نوشتار بر این باورند که لازم است علاوه بر این دسته پژوهش‌ها که مشخصه‌های این کلام را در سنت اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد، یک رشته پژوهش با استفاده از علوم امروزین غربی نیز انجام گیرد تا اعجاز این حدیث را از منظر کسانی که هیچ‌گونه آگاهی نسبت به مؤلفه‌های سخنان معصومین^(ع) ندارند نیز آشکار و زیبایی آن بیش از پیش نمایان شود.

چارچوب نظری

۱. نشانه‌شناسی

دانش نشانه‌شناسی بر نظریه‌های زبان‌شناس مشهور سوییسی فردینان دو سوسور^۱ و فیلسوف آمریکایی، چارلز ساندرز پیرس^۲ بنا نهاده شد و با آنکه در سال‌های بعد پیشرفت‌های زیادی در نشانه‌شناسی روی داد اما مباحث مطرح شده توسط این دو اندیشمند همانند گذشته ارزش بنیادی خود را حفظ کردند (سجودی، ۱۳۹۳: ۱۲).

از دیدگاه سوسور نشانه به عنوان پدر زبان‌شناسی جدید (کالر، ۱۳۷۹: ۱۰۲) الگویی دو

1. Ferdinand de Saussure
2. Charles Sanders Peirce

وجهی دارد و از دال که همان تصور صوتی است و مدلول که تصور مفهومی بوده تشکیل شده است. البته باید توجه داشت که از نظر سوسور، دال و مدلول مادی نیست، جنبه فیزیکی ندارد و این گونه نیست که بشود یک شیء را به یک نام پیوند زد چون اگر قرار بود نشانه‌ها از طریق مصداق بیرونی و خارجی معنادار شوند زبان به صورت کلی از هم می‌پاشید زیرا در آن صورت نشانه‌ها باید قائم به خود عمل می‌کردند نه در نظام زبان (هارلند، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۰). نشانه، یک تصور مفهومی را به یک تصور صوتی پیوند می‌زند (سوسور، ۱۳۷۸: ۹۶) و درواقع نشانه بنیادی است که از هم‌گشتگی دال و مدلول پدید می‌آید (Saussure, 2011: 67) و همین ارتباط بین دال و مدلول را فرایند دلالت می‌نامد و فرایند نشانه‌شدگی تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد و در یک زنجیره نامتناهی دال و مدلول‌ها با هم پیوند یافته و باز مدلول‌ها تبدیل به دال‌های تازه می‌شوند و این فرایند همیشه ادامه می‌یابد (Wirth, 2003: 37). دال و مدلول به‌عنوان دو روی سکه نشانه به‌دلیل داشتن نوعی هم‌گشتگی متداعی، ارتباطی عمیق با یکدیگر دارند و دارای نوعی وابستگی دوطرفه هستند که باعث شده هیچ‌کدام بر دیگری برتری نداشته باشند چون درواقع نشانه حاصل پیوند این دو با هم است (Saussure, 2011: 66-110). البته تولید نشانه انتهای کار نیست چون هیچ نشانه‌ای به تنهایی ارزش ندارد و هر نشانه ارزش خود را در ارتباط با سایر نشانه‌ها به‌دست می‌آورد، درواقع ارزش هر نشانه به ارتباط آن با سایر نشانه‌ها در درون نظام گفتمان زبان بستگی دارد (سجودی، ۱۳۹۳: ۱۶). پس همان‌طور که بیان شد دیدگاه سوسور نسبت به ارزش دارای جنبه افتراقی بوده و وی در جای جای مباحث خود بر افتراق بین نشانه‌ها تأکید کرده است، به این معنا که امکان ندارد یک زبان تنها از یک نشانه تشکیل شده باشد چون در این صورت آن نشانه برای اشاره به همه چیز به‌کار برده می‌شود و نمی‌تواند چیزی را از چیز دیگر متمایز سازد، به همین علت باید دست‌کم یک نشانه دیگر نیز وجود داشته باشد تا این نشانه از طریق آن نشانه دیگر مورد شناسایی قرار گیرد و قلمرو معنایی خویش را به‌دست آورد (Sturrock, 1979: 10). باید توجه داشت که همه چیز در همین وجه افتراقی و سلبی

خلاصه نشده، بلکه نشانه حاصل دیالکتیک سلب و ایجاب است، وجه ایجابی نشانه، همان است که تصویری صوتی را به تصویری مفهومی پیوند می‌زند و وجه سلبی نشانه، کارکرد آن در درون نظام زبان است، به این معنا که هر نشانه با محدود کردن دایره دلالت خویش و سلب نشانه‌های دیگر، ارزش خود را در نظام زبان به‌دست می‌آورد.

اما نشانه از دیدگاه پیرس دیگر دوجوهی نیست. از نظرگاه وی نشانه سه قسمت دارد: بازنمون یعنی صورتی که نشانه به خود می‌گیرد، تفسیر یعنی معنایی که از نشانه حاصل می‌شود و موضوع که نشانه به آن ارجاع می‌دهد (۱۳۸۱: ۵۲). درواقع اگر بخواهیم الگوی پیرس را با سوسور مورد مقایسه قرار دهیم باید اشاره کنیم که در الگوی پیرس، موضوع (ابژه) وجود دارد که الگوی سوسور فاقد آن است، مفهوم بازنمون را با اغماض می‌توانیم چیزی مشابه دال در الگوی سوسوری تصور کنیم و مفهوم تفسیر را نیز می‌توانیم در مقابل مدلول سوسوری قرار دهیم (Silverman, 1983: 15).

۲. متن

در قسمت قبل درباره مفهوم نشانه از منظر پدران نشانه‌شناسی مطالبی ارائه شد که راه را برای ورود به بحث تحلیل متون باز می‌کند. به‌صورت ریشه‌ای، مفهوم متن را باید در تمایزی که سوسور بین زبان و گفتار مشخص می‌کند جستجو کرد، به اعتقاد وی زبان به اقتضای هستی خود مفهومی اجتماعی است و به‌صورت کامل در حیطه‌ای جدا از فرد قرار می‌گیرد، اما گفتار، فردی است و به خواست و اراده گوینده بستگی دارد (سوسور، ۱۳۷۸: ۲۹-۲۸) و در همین بخش گفتار است که متن تولید می‌شود. طبق همین تقسیم‌بندی بود که سوسور دو گونه زبان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی گفتار را از هم تفکیک کرد و البته خودش در سنت اول به مطالعه پرداخت (سجودی، ۱۳۹۳: ۹۶)؛ اما بعد از وی و در دهه‌های بعد، زبان‌شناسی گفتار پیشرفت‌های چشمگیری به خود دید که بزرگ‌ترین پیشرفت‌های آن در گفتارهای هلیدی^۱ در کتاب *درآمدی بر دستور نقش‌گرا*^۲ به وقوع پیوست.

1. M.A.K Halliday

2. An Introduction to Functional Grammar

۳. متن و ویژگی‌های آن از دیدگاه هلیدی

هلیدی از معروف‌ترین زبان‌شناسان معاصر است و از جمله اولین کسانی است که ورودی عمیق در حوزه زبان‌شناسی متن داشته‌اند. نقطه تمایز وی با هم‌عصران خویش این بود که او سطح تحلیل متن را از جمله و مطالعات دستور زبانی فراتر برد و به مفهوم متن، بافتار متنی و وجوه مؤثر در آن پرداخت. وی در کتاب خود به توضیح اینکه انسجام متنی چگونه ایجاد می‌شود و چه زمانی می‌توانیم بگوییم با متن سروکار داریم نه «نا متن» و راه‌های شناخت بافتار متنی منسجم از غیر آن می‌پردازد و توضیح می‌دهد که دو دسته عوامل ساختاری و انسجامی در ترکیب با هم به شکل بافتار منسجم نمایش داده خواهند شد و در قسمت بعد به کارکرد زیرشاخه‌های این عوامل در شکل‌دهی به بافتار منسجم متنی می‌پردازد.

وی می‌نویسد در تمام زبان‌های دنیا، پیام از طریق بند انتقال پیدا می‌کند و فرض بر این است که هر بند دارای یک مطلع و کانون باشد. مطلع همان است که سخن با آن شروع می‌شود، نهاد یا فاعل در جمله یا هر آن چیزی که قصد داریم درباره‌اش سخن بزنیم، انتخاب مطلع، بند به بند، موجب گسترش و شکل یافتن هستی کلی متن می‌شود، وی معتقد است انتخاب مطلع، بستگی به گونه زبانی دارد، کانون بر خلاف مطلع که به ساختار موضوعی ارتباط دارد، به ساختار اطلاعاتی مرتبط بوده یعنی در بحث اطلاعات جدید و اطلاعات کهنه قابل فهم است، درواقع انتخاب کانون به این مربوط می‌شود که گوینده می‌خواهد چه چیزی را به عنوان اطلاعات جدید مطرح کند. در گفتار، اطلاعات جدید با تأکید لحنی مشخص می‌شود، درواقع کانون، همان اطلاعات جدیدی است که گوینده قصد دارد برای مخاطبش بازگو کند، البته باید اشاره کنیم که برای شخص گوینده هیچ اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد؛ بلکه به صورت منطقی بر اساس اهمیتی که برای هر بخش از گفتارش قائل است آن را بیان می‌کند و بنا بر همین سیر منطقی، اطلاعات را بر اساس درجه اهمیت، از کم اهمیت - به زعم گوینده - به پر اهمیت بیان می‌کند و اساساً پراهمیت‌ترین بخش سخن خویش را در

قسمت پایانی گفتار می‌آورد. رعایت این اولین نکته، قسمتی از فرایند انسجام‌بخشی به بافتار گفتار را تکمیل می‌کند.

دومین نکته‌ای که در فهم میزان انسجام متن تأثیر دارد رعایت انسجام واژگانی و معقول بودن ارجاع‌ها است. درواقع از مهم‌ترین عوامل انسجام‌آفرینی در یک متن سلسله ارجاع‌ها است که از طریق انسجام واژگانی یعنی تکرار، هم‌معنایی و ارجاع این ویژگی تقویت می‌شود. انسجام واژگانی یعنی به‌کارگیری واژه‌های یکسان یا واژه‌های هم‌معنای آن در متن که از این طریق انسجام واژگانی در متن به‌وجود می‌آید و منظور از ارجاع آن است که ارتباط بین اسم‌ها و ضمیرها در متن به‌صورت دقیق مورد توجه قرار گیرد. درباره ارجاع، دو نکته اهمیت دارد: اول آنکه شرط ارجاع موفق آن است که به‌درستی شنونده یا مخاطب را به هستی مورد نظر رهنمون سازد و بعد، این گوینده است که با عمل ارجاع، به عبارت، بار ارجاعی می‌دهد، هرچند ممکن است در کلام بگوییم این عبارت به فلان مرجع ارجاع می‌دهد (Lyons, 1977: 177).

سومین نکته‌ای که رعایت آن در بهبودبخشی به بافتار متن اثر می‌گذارد توجه ویژه به حذف و جایگزینی است. جایگزینی یعنی قرار دادن یک هستی به‌جای هستی دیگر به شکلی که همان کارکرد را در متن داشته باشد، البته باید در نظر داشت که هستی‌های همسان، توانایی جایگزین شدن به‌جای یکدیگر را دارند نه عناصر و هستی‌های متفاوت، یعنی اسم به‌جای اسم و فعل به‌جای فعل. حذف، به این معناست که یک هستی را به‌صورت کامل از بافت متن حذف کنیم به‌نحوی که فقط ظاهر آن هستی از متن حذف شده باشد اما تأثیر آن همانند گذشته در جمله وجود داشته باشد. درواقع حذف همان چیزی است که در دستور زبان فارسی به آن «حذف به قرینه» می‌گویند. البته طبق تصریح هلیدی این ویژگی بیشتر در گفتگو استفاده می‌شود تا تک‌گویی.

آخرین عنصری که در محک زدن انسجام معنایی متن تأثیر دارد مقولۀ پیوند است. پیوندها، عناصر ربطی هستند، عناصری که صرفاً وظیفه وصل کردن جمله‌ای به جمله دیگر

❖ را ندارند بلکه دارای معنایی هستند که باعث می‌شود به وجود پیش فرض‌ها یا عناصر دیگری در متن پی ببریم و درواقع به کارگیری هوشمندانه آنها می‌تواند نقش بسزایی در منسجم کردن بافتار متن داشته باشد که از انواع آن می‌توان به پیوندهای افزایشی، تبیینی، علی و زمانی اشاره کرد. پس از اشاره به این مفاهیم، هلیدی بر این تأکید می‌کند که متن دارای ساختار معنایی است نه دستوری و در تحلیل متون باید به ساختار معنایی متن توجه شود، همان‌گونه که در تحلیل جمله باید به ساختار دستوری و در تحلیل کلمه باید به تحلیل واج‌شناختی پردازیم. شرط پیوستگی متن، دارا بودن انسجام است و هم اینکه شکل پیوستگی متن باید تحت تأثیر گونه متن و دارای تناسب معناشناختی باشد. اگر متنی دارای ویژگی‌هایی که در بالا اشاره شد باشد می‌توانیم بگوییم که با یک «متن» سروکار داریم و اینکه این متن از لحاظ انسجام و بافت‌مند بودن در بهترین شرایط قرار دارد (Halliday, 1994: 313-318). به نقل از سجودی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۹۶).

با توجه به آنچه در سطور قبل آمد روشن شد که شیوه تحلیل این گفتار بنا بر آرای زبان‌شناسی متن هلیدی است و درواقع با توجه به متن حدیث گران‌سنگ سلسله‌الذهب به معنای سوسوری آن و به کمک عناصر انسجام‌بخش بافتار متن که در آرای هلیدی آمد به تحلیل نشانه‌شناختی این حدیث می‌پردازیم تا - هرچند اندک - به درک معنای این حدیث امام رضا^(ع) برسیم که فرمودند: «اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌شناختند، بی‌شک از ما پیروی می‌کردند» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۰۷) و دریابیم که گنجینه سخنان آن بزرگواران بعد از گذشت قرن‌های متمادی و دگرگون شدن اساسی مفاهیم زیبایی‌شناختی و ساخت‌مندی بافتار، همچنان دارای قوت و شکوه گذشته خود هستند و حتی از طریق بررسی این متون به وسیله آرای کسانی که هیچ‌گونه آگاهی نسبت به احادیث آن بزرگواران ندارند و تنها به ارائه شاخص‌های ساخت‌مندی از طریق عقل انسانی پرداخته‌اند نیز می‌توان آنها را در آرمانی‌ترین حالت متصور در نزد زبان‌شناسان و فیلسوفان غربی یافت.

متن حدیث و ترجمه آن

عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْهَرَوِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ الرُّضَا (رض) حِينَ خَرَجَ مِنْ نِيسَابُورَ وَهُوَ رَاكِبٌ بَعَلَّتَهُ الشَّهْبَاءُ، فَإِذَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَرْبِ وَيَحْيَى بْنُ يَحْيَى وَاسْحَاقُ بْنُ رَاهُوِيَهَ وَعَدَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ قَدْ تَعَلَّقُوا بِلِجَامِ بَعَلَّتَهُ فَقَالُوا: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ حَدَّثْنَا بِحَدِيثٍ سَمِعْتَهُ عَنْ أَبِيكَ عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. فَأَخْرَجَ رَأْسَهُ الشَّرِيفَ مِنْ مِطْلَتِهِ وَقَالَ: «لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (رض)، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِي؛ مَنْ جَاءَ بِشَهَادَةٍ أَنِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْإِخْلَاصِ دَخَلَ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي». وَفِي رَوَايَةٍ، قُلْنَا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: «... لَا بُشْرَوطَهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». قِيلَ: مِنْ شُرُوطِهَا الْأَقْرَارُ بَأَنَّهُ إِمَامٌ مُقْتَرَضُ الطَّاعَةِ (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۲۳).

از اباصلت نقل است که گفت: هنگامی که علی [بن موسی] الرضا^(ع) سوار بر استری خاکستری مایل به سیاه، از نیشابور خارج می‌شد همراهش بودم که در این هنگام احمد بن حرب، یحیی بن یحیی، اسحاق بن راهویه و تعدادی دانشمند، لگام استرش را گرفتند و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا! به حق پدران پاکت، حدیثی برای ما روایت کن که آن را از پدرت [و او] از پدرانش شنیده. پس سر مبارکش را از کجاوه بیرون آورد و فرمود: پدرم موسی، از پدرش جعفر، از پدرش محمد، از پدرش علی، از پدرش حسین، از پدرش علی بن ابیطالب^(ع)، از رسول خدا^(ص) روایت کرد که فرمود: از جبرئیل شنیدم که می‌گفت: از خداوند شنیدم که می‌فرمود: «به راستی که من خداوندم. خدایی جز من نیست. پس مرا بپرستید هر که با شهادت و گواهی مخلصانه به لا اله الا الله بیاید، در دژ من وارد می‌شود و هر که در دژم داخل شود از عذابم در امان می‌ماند.» و در روایتی چون کاروان حرکت کرد، به ما

فرمود: «آگاه باشید، شروطی دارد و من از شروط آن هستم» گفته شده است: از شروط کلمه اخلاص، اقرار به واجب بودن اطاعت از اوست (طبسی، ۱۳۹۱: ۳۱).

تحلیل حدیث

با توجه به روش تحلیل که در بخش چارچوب نظری به صورت مختصر توضیح داده شد، اینک می‌توانیم به بررسی این حدیث در قالب مفاهیم عملیاتی‌شده علم نشانه‌شناسی و به‌طور خاص به تحلیل آن از منظر نظریه تحلیلی هیلیدی بپردازیم. برای این منظور به بازخوانی این حدیث در قالب چهار ویژگی اصلی که هیلیدی مطرح کرده بود می‌پردازیم، یعنی مطلع و کانون، انسجام واژگانی و ارجاع، حذف و جایگزینی و در نهایت پیوندهای متن.

۱. مطلع و کانون

مطلع همان هستی‌ای است که گوینده قصد دارد درباره آن مطلبی را برای مخاطبانش بازگو کند، یعنی چیزی که در ابتدای جمله خبری می‌آید - مانند نهاد یا فاعل - و قسمت دوم جمله مخاطب درباره آن خواهد بود. این حدیث گرانمایه دارای سه مطلع است و درواقع از سه قسمت تشکیل شده که هر یک دارای مطلعی مخصوص به خود است. در ابتدا ضمیر متصل منصوبی «ی» و ضمیر «أنا» به‌عنوان مطلع اولین جمله به چشم می‌خورد، بعد از ایراد اولین قسمت حدیث، نوبت به قسمت بعدی کلام می‌رسد و از فصاحت حضرت است که مطلعی جداگانه برای قسمت دیگر جمله خویش بیان فرمودند که عبارت است از «من جاء بشهاده أن لا اله الا الله بالاخلاص» و بعد از تتمه این قسمت، وارد قسمت سوم حدیث می‌شوند و برای آنکه اهمیت این قسمت را نیز گوشزد کنند، مطلعی جداگانه برای آن ایراد می‌کنند که عبارت است از «من دخل حصنی» که در همین آخرین قسمت کلام است که حضرت با توجه به تأکیدهایی که از سیاق کلام برمی‌آید، مهم‌ترین قسمت عبارت خویش را بیان می‌کنند، تمامی مطلع‌ها عبارت‌هایی هستند که از طریق بیان اسامی ذوات مقدسه معصومین^(ع) و فرشته آورنده این حدیث و در نهایت نام حضرت حق (جل و علا) باعث ایجاد حس تسلیم در

برابر حق در نزد مخاطبان حدیث شده و ذهن آنان را هرچه بیشتر برای شنیدن آن کلام نهایی آماده کرده است.

مطلع حدیث	پایانه حدیث
إني أنا	الله، لا اله الا أنا فاعبدوني
من جاء بشهادة أن لا اله الا الله بالاخلاص	دخل حصني
من دخل حصني	أمن من عذابي؛ ألا بشروطها و أنا من شروطها

اما مفهوم کانون در این حدیث بسیار حائز اهمیت است، زیرا این حدیث در سه بخش بیان شده است، وقتی قسمت اول و دوم حدیث تمام می شود طبق نقل قول‌ها، مرکب امام^(ع) شروع به حرکت می کند و این توهّم در ذهن مخاطبان حدیث و کاتبان آن پدید می آید که احتمالاً حدیث به اتمام رسیده است، در همین جاست که امام^(ع) سر مبارکش را از محمل بیرون آورده و قسمت آخر حدیث را (ألا بشروطها...) می فرماید. کانون در این حدیث شریف همین بخش اخیر یعنی عبارت «ألا بشروطها و أنا من شروطها» است. وقتی بیشتر دقت کنیم متوجه این مطلب می شویم که کلیات مضمون این حدیث را مردم از زبان مبارک پیامبر^(ص) در خاطر داشتند که «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ۱۴۳)، یعنی احتمالاً منظور اصلی امام رضا^(ع) نیز این نبوده که شکل دیگری از کلام پیامبر^(ص) را بیان کنند، درواقع این حدیث را بیان کردند تا به مطلب مهمی برسند که از لوازم آن بود، به عبارت دیگر حضرت^(ع) قصد کردند مهم ترین لازمه توحید که همانا اصل ولایت است را بیان کنند و این قسمت مهم چیزی نبود جز بخش آخر حدیث که حضرت از طریق سکوت در میانه حدیث، فهم مخاطبان را به سوی خود جلب کردند و کانون سخن خود را که همان بخش پایانی حدیث است بیان فرمودند. همان گونه که در بخش چارچوب نظری بیان شد بر اساس نظریه تحلیل زبان شناسی متن هلیدی کانون متن به صورت منطقی باید در انتهای جمله قرار گیرد و در این حدیث نیز دقیقاً همین ساختار رعایت شده، یعنی مهم ترین قسمت سخن در

❖ آخرین بخش حدیث آمده است. همان‌طور که مشاهده شد از این حیث و از منظر این ویژگی، کلام نورانی حضرت^(ع) را در نهایت صلابت زبان‌شناختی می‌یابیم.

۲. انسجام واژگانی و ارجاع

همان‌طور که گفته شد منظور از انسجام واژگانی به این معنا است که گوینده، واژه یا واژه‌هایی را در متن تکرار می‌کند یا واژه‌های هم‌معنای آن‌را در متن می‌آورد و از این طریق به شکل‌گیری روابط انسجام واژگانی کمک می‌کند. با مراجعه به حدیث و دقت در آن با عنایت به این تعریف، متوجه می‌شویم امام^(ع) در جای جای این حدیث از این فن استفاده کرده‌اند، به‌عنوان مثال تکرار کلمه «أب» در ابتدای حدیث برای آوردن نام مبارک اجداد معصوم امام رضا^(ع) یا تکرار «سمعت» از زبان پیامبر^(ص) و همین‌طور جبرئیل، نمونه دیگری از نمود انسجام واژگانی در این حدیث شریف است. اما ارجاع طبق تعریفی که ارائه شد روابط بین اسم و ضمیر است که این فن نیز در بخش‌های مختلف این حدیث قابل شناسایی است. مثلاً آوردن ضمیر متصل منصوبی (ة) به‌جای رسول الله یا آوردن ضمیر منفصل (انا) و ضمیر متصل منصوبی (ی) به‌جای الله و حتی خود کلمه (لا اله الا الله) نیز ارجاع است و پیش‌فرض این است که مخاطب درباره این کلمه اطلاعات قبلی دارد.

شماره قسمت	عنصر انسجام بخش	نوع	پیش‌فرض
قبل از اول	ضمیر متصل مجروری «ی»	ارجاع شخصی	متن قبلی
قبل از اول	أب (تمامی استعمال‌ها)	تکرار واژگان	متن قبلی
قبل از اول	ضمیر متصل منصوبی «ه»	ارجاع شخصی	رسول الله ^(ص)
اول	ضمیر متصل منصوبی «ی»	ارجاع شخصی	الله
اول	ضمیر «أنا»	ارجاع شخصی	الله
دوم	ضمیر متصل مجروری «ی»	ارجاع شخصی	الله
سوم	ضمیر متصل مجروری «ی»	ارجاع شخصی	الله
سوم	ضمیر متصل مجروری «ها»	ارجاع شخصی	الله

البته موارد انسجامی و ارجاع‌های دیگری نیز وجود دارد که به دلیل دسترسی آسان به آنها و همچنین هراس از اطاله کلام از بیانشان خودداری می‌شود. همان‌طور که دیدیم از منظر انسجام واژگانی و تعداد ارجاع‌ها نیز حدیث در نهایت استحکام قرار دارد.

۳. حذف و جایگزینی

جایگزینی یعنی نشان دادن یک هستی به جای هستی دیگر به نحوی که بتواند همان نقش را در جمله ایفا کند، البته باید توجه داشت که فقط هستی‌های همسان امکان جایگزینی دارند، مثلاً نمی‌توان فعل را به جای اسم نشان داد یا بر عکس. در حدیث سلسله‌الذهب جایگزینی نیز یافت می‌شود، آنجا که می‌فرمایند: هر کس به لا اله الا الله شهادت دهد وارد دژ من می‌شود، ولی بعد از آن دیگر عبارت (لا اله الا الله) را نمی‌آورند و (حصن) را جایگزین آن می‌کنند. حذف یعنی یک هستی را به طور کامل از متن حذف کنیم به نحوی که هیچ اثری از آن به صورت ظاهری در متن باقی نماند و همانند گذشته اثرش را در متن داشته باشد، در متن حدیث می‌بینیم نام مبارک تمام اجداد طاهرين امام رضا^(ع) آمده است در حالی که کلمه^(۴) (قال) تنها یک بار بیان شده است، ولی این طور نیست که این یک بار آمدن لطمه‌ای به حدیث زده باشد، بلکه به عکس به واسطه جلوگیری از اطناب باعث انسجام حدیث شده است و همان‌گونه که می‌بینیم این کلمه تنها به صورت ظاهری از حدیث حذف شده، در حالی که اثر خود را به طور کامل حفظ کرده است و مخاطب می‌تواند اثر آن را بعد از نام مبارک هر یک از ائمه^(ع) به صورت واضح احساس کند.

۴. پیوند

پیوندها یا عناصر ربطی تنها باعث اتصال بخشی از متن به بخش دیگر نیستند، بلکه دارای معناهای عمیقی هستند که باعث می‌شود مخاطب از حضور برخی عناصر و هستی‌های پنهان در دل متن آگاه شود. هلیدی به طور کلی پیوندها را به دو دسته تقسیم می‌کند: پیوندهای کلان و خرد.

پیوندهای کلان آن دسته از پیوندها هستند که شروع یا پایان یک موضوع را نشان می‌دهند، اما پیوندهای خرد خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند: پیوندهای افزایشی، تبیینی، علی و زمانی (Halliday and Hassan, 1976:19).

در این حدیث شریف تنها یک پیوند وجود دارد اما همین پیوند به قدری دقیق و هوشمندانه به کار گرفته شده که مخاطب را به حقیقتی بزرگ رهنمون می‌کند، این پیوند همان کلمه «ألا» در بخش آخر حدیث است. نوع پیوند در این حدیث از نوع پیوند کلان است، چون می‌خواهد پایان یک بحث را مشخص کند، درواقع حضرت^(ع) با این پیوند قصد داشتند - والله اعلم - به مخاطبانشان در طول تاریخ بفهمانند بدون ولایت آن حضرت و پدران بزرگوارشان^(ع) حتی آن عبارت شریف هم نمی‌تواند کاری را برای فرد بی‌ولایت پیش ببرد، درواقع آوردن پیوند کلان «ألا» در بخش اخیر حدیث به شکلی بسیار دقیق صورت گرفته است و اگر به هر شکل دیگری غیر از آنچه بیان شد، گفته می‌شد نمی‌توانست به این زیبایی جای خود را در دل این حدیث بیابد. اینجاست که به اعجاز هوشمندانه حضرت^(ع) در به‌کارگیری تنها یک پیوند و پنهان ساختن مفهومی عمیق در دل همین یک پیوند پی می‌بریم.

نتیجه‌گیری

احادیث منقول از معصومین^(ع) ارزشمندترین منبع برای درک اسلام ناب هستند و هر کدام از ایشان بنا به موقعیت تاریخی خاصی که در آن قرار داشتند و بر اساس درک نیازهای واقعی مؤمنان اقدام به بیان سخنان گهرباری می‌کردند که در آن میان، احادیث منقول از امام رضا^(ع) با توجه به موقعیت ویژه آن حضرت در دربار مأمون عباسی و شرایط اجتماعی ایرانیان از جمله پذیرش ولایت امام علی^(ع) و به تبع ایشان پذیرش ولایت امام رضا^(ع) دارای مطالبی گسترده و عمیق است. از معروف‌ترین احادیث منقول از آن حضرت^(ع) باید به حدیث شریف سلسلةالذهب اشاره کرد که بنا به اعتراف بزرگان شیعه و کبار اهل سنت دارای ژرفایی عمیق است. گسترش علوم جدید در غرب و طرح معیارهایی جدید برای تحلیل و کالبدشکافی

متون باعث شد تا دسترسی به لایه‌های زیرین معنایی مکتوبات به شکلی آسان‌تر امکان‌پذیر شود. در این میان علم نشانه‌شناسی و زیرشاخه‌های آن توانست در این روند تأثیری عمیق به جای بگذارد. در این مقاله سعی شد ابتدا تصویری مختصر و در عین حال جامع از متن با توجه به دیدگاه‌های پدران نشانه‌شناسی ارائه شود و بعد چارچوب نظری مقاله که همان نظریه تحلیل زبان‌شناسی متن هلیدی بود ارائه شد و مفاهیمی که آن اندیشمندان بیان کرده بودند به شکل کاملاً عملیاتی شده بیان شد و در انتها متن شریف حدیث بر مبنای چهار ویژگی انسجام‌بخشی یعنی مفاهیم مطلع و کانون، انسجام واژگانی و ارجاع، حذف و جایگزینی و پیوندهای انسجامی متن که در نظریه تحلیلی هلیدی است مورد بررسی قرار گرفت. باید در نظر داشت که شأن احادیث رسیده از معصومین^(ع) بالاتر از آن است که از این طریق انسجام آنها مورد بررسی قرار گیرد و منظور نویسندگان این گفتار نیز این نبوده است، اما شاید لازم باشد که برای نشان دادن ویژگی‌های بی‌نظیر این احادیث و پی بردن به صلابت آنها از منظر علوم قدیم که قبلاً از طریق علمای علم معانی و بیان و جمعی از عرفا نشان داده شده بود و علوم جدید، دست به بررسی‌هایی از این دست بزنیم. با توجه به آنچه در سطور قبل آمد روشن شد که شیوه تحلیل این گفتار بنا بر آرای هلیدی است و درواقع با توجه به متن حدیث گران‌سنگ سلسله‌الذهب به معنای سوسوری آن و به کمک عناصر انسجام‌بخش بافتار متن که در آرای هلیدی آمد به تحلیل نشانه‌شناختی این حدیث پرداختیم تا - هرچند اندک - به درک معنای این حدیث امام رضا^(ع) برسیم که فرمودند: «اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌شناختند، بی‌شک از ما پیروی می‌کردند» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۰۷) و دریابیم که گنجینه سخنان آن بزرگواران بعد از گذشت قرن‌های متمادی و دگرگون شدن اساسی مفاهیم زیبایی‌شناختی و ساخت‌مندی بافتار، همچنان دارای قوت و شکوه خود هستند و حتی از طریق بررسی این متون به وسیله آرای کسانی که هیچ‌گونه آگاهی نسبت به احادیث آن بزرگواران ندارند و تنها به ارائه شاخص‌های ساخت‌مندی از طریق عقل انسانی پرداخته‌اند نیز می‌توان آنها را در آرمانی‌ترین حالت متصور در نزد زبان‌شناسان و فیلسوفان غربی یافت. بررسی

❖ ۵۰ ❖ فرهنگ رضوی

❖ حاضر به این نتیجه رسید که متن این حدیث شریف از لحاظ تمامی عناصر انسجام بخشی
متن از دیدگاه علم نشانه‌شناسی با روش تحلیل زبان‌شناسانه متن هلیدی در بالاترین سطح
ممکن قرار دارد.

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

منابع و مأخذ

- ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، (۱۴۱۷). *الصواعق المحرقة*. دو جلد، چاپ اول، بیروت: موسسه الرساله.
- پیرس، چارلز ساندرز، (۱۳۸۱). «منطق به مثابه نشانه‌شناسی: نظریه نشانه‌ها». مترجم فرزانه سجودی. *نسیم سالانه زیبا شناخت*. سال سوم، شماره ششم: ۶۴-۵۱.
- حبیبی تبار، حسین و محمد حسن مروجی طبسی، (۱۳۹۲). «توحید و امامت در حدیث سلسله‌الذهب». *کلام اسلامی*. سال بیست و دوم، شماره ۸۵: ۵۸-۴۱.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین، (بی‌تا). *امام شناسی*. ۱۸ جلد، مشهد: علامه طباطبائی.
- رحمانی، محمد، (۱۳۷۵). «بررسی حدیث سلسله‌الذهب». *علوم حدیث*. سال اول، شماره دوم: ۷۸-۵۷.
- سجودی، فرزانه، (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*. چاپ دوم، تهران: علم.
- سجودی، فرزانه، (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چاپ سوم، تهران: علم.
- سوسور، فردینان دو، (۱۳۷۸). *دوره زبان شناسی عمومی*. مترجم کوروش صفوی. تهران: هرمس.

- ❖ سال دوم، شماره هفتم، پیاپی: ۱۳۹۳
- صندوق، محمدبن علی، (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا*. دو جلد، تهران: صندوق.
- طیبی، محمدحسن، (۱۳۹۱). «اهل سنت و حدیث سلسله الذهب». *امامت پژوهی*. سال دوم، شماره پنجم: ۳۵-۷۴.
- قندوزی حنفی، سید سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۲۲). *بنایع الموده لندی القری علیهم السلام*. چهار جلد، چاپ دوم، قم: دارالاسوه.
- کالر، جانانان، (۱۳۷۹). *فردینان دو سوسور*. مترجم کوروش صفوی. تهران: هرمس.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، بیروت: موسسه الوفاء.
- هارلند، ریچارد، (۱۳۸۰). *ابرساخت گرایی: فلسفه ساخت گرایی و پساساخت گرایی*. مترجم فرزانه سجودی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

- Halliday.M.A.K & R.Hassan, (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday.M.A.K, (1994). *Introduction to Functional Grammar*. (2nd ed.). London:Edward Arnold.
- Lyons,John, (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Saussure. F, (2011). *Course in General Linguistics*. (2nd ed.). Translated by: Wade Baskin. NewYork:Columbia University Press.
- Silverman,Kaja, (1983). *The Subject of Semiotics*. NewYork: Oxford University press.
- Sturrock,John, (1979). *Structuralism and Since: From Levi-Strauss to Derrida*. Oxford: Oxford University press.
- Wirth, Uwe, (2003). "Derrida and Peirce on Indeterminacy, Iteration, and Replication". *Semiotica*. 143 – 1/4: 35-44

تبیین شیوه‌های تربیتی امام رضا^(ع) در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی بر مبنای تحلیل محتوای دعا‌های صحیفه رضویه

محمد جانی‌پور* - علی سروری‌مجد**

چکیده

یکی از مهم‌ترین وظایف ائمه اطهار^(ع) ترویج معارف دین اسلام، بسترسازی برای تعمیق این معارف و تربیت جامعه اسلامی برای نیل به کمال و سعادت است. بی‌شک این راهبرد از طریق اقدام‌های متعددی انجام می‌شده که یکی از آنها، آموزش دعا و ترویج آن به مناسبت‌های مختلف در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی در میان افراد جامعه است. در این مقاله تلاش بر این است تا با مطالعه روشمند و تحلیلی گزاره‌های بیان‌شده در ادعیه امام رضا^(ع)، نقش و کارکردهای این ابزار دینی و فطری در راستای تربیت افراد جامعه اسلامی، بازنمایی و استخراج شده و مدل کلی و شیوه‌های تربیتی مدنظر آن امام^(ع)، برای چگونگی هدایت افراد و جامعه اسلامی، که همان تحقق سبک زندگی اسلامی است، تبیین شود. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا، در ابتدا قالب‌های بیانی و جهت‌گیری‌های هر یک از ادعیه رضویه استخراج و طبقه‌بندی موضوعی شده و سپس به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته‌ایم تا نظام حاکم بر این ادعیه را شناسایی کرده و به کشف راهکارهای تربیتی و بومی‌سازی آنها در نظام آموزشی جامعه و ترویج سبک زندگی اسلامی نائل شویم.

کلیدواژه‌ها

امام رضا^(ع)، دعا، تربیت، سبک زندگی، تحلیل محتوا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۴

janipoor@isu.ac.ir

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق^(ع) (نویسنده مسئول)

sroori@ricac.ac.ir

**. استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

اگرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه مطالعات علوم اسلامی کوشیده‌اند به بازشناسی سخنان گهربار ائمه اطهار^(ع) و بررسی مبانی و اصول دیدگاه ایشان بپردازند، اما آنچه تاکنون مطرح شده، بیشتر شرح و تفسیر احادیث منقول از آنان همراه با غلبه نگاه شرح حالی و سیره‌نگاری بوده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد لازم است برای تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی هر شخصیتی، به بررسی و تحلیل محتوای کلام او پرداخت، چراکه به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی سخنان او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آنهاست که می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت. مهم‌ترین ضرورت چنین تحقیقاتی نیز، تبیین دقیق‌تر نقش و کارکردهای «امام معصوم»^(ع) در جامعه اسلامی و جایگاه هدایت‌گری و فرهنگ‌سازی ایشان است.

از امام رضا^(ع) احادیث و روایت‌های متعددی نقل شده که بخشی از آنها، ادعیه‌ای است که برای رفع حوائج مردم و دفع بلاهای ارضی و سمائی به جامعه اسلامی آموزش داده‌اند. این ادعیه در کتابی با عنوان *الصهیفة الرضویة الجامعة* توسط موحد ابطحی اصفهانی جمع‌آوری شده است (ر.ک: موحد ابطحی، ۱۳۷۸: ۲۱۱-۱۵۰).

این مقاله قصد دارد تا با بررسی مضامین این ادعیه گهربار به روش تحلیل محتوا، ابتدا یک جمع‌بندی کلی از فضای حاکم بر این ادعیه ارائه کرده و سپس به تجزیه و تحلیل الگوهای تربیتی آن امام همام^(ع) در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی از طریق ترویج ادعیه به مناسبت‌های مختلف در جامعه اسلامی بپردازد.

کاربرد عملی این بررسی نیز آن است که چون ادعیه امام رضا^(ع)، گفتارهای فردی عادی نبوده و از امام معصوم^(ع) صادر شده و کلام ایشان درواقع تبیین‌کننده سنت رسول اکرم^(ص) و تفسیر آیات قرآن کریم است، لذا می‌توان از تحلیل محتوای آنها به مبانی و اصولی دست یافت که راهگشای جامعه اسلامی برای نیل به سعادت و کمال بوده و شیوه‌های نوینی را

در عرصهٔ تعلیم و تربیت فراروی متخصصان قرار می‌دهد.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، علت برگزیدن روش تحلیل محتوا برای کشف الگوهای تربیتی به کار رفته در ادعیهٔ رضویه است. در حقیقت یکی از ویژگی‌های سخنان ائمه اطهار^(ع) به عنوان حاملان حقیقی دین و مخاطبان اصلی قرآن کریم^۱، این است که کلام ایشان دارای ظاهر و باطن بوده و گاه ممکن است این بواطن تا چندین لایهٔ درونی ادامه داشته باشد. لذا به نظر می‌رسد یکی از روش‌های تحقیق مناسب و علمی برای کشف لایه‌های درونی ظواهر و بواطن آیات قرآن و سخنان ائمه اطهار^(ع)، استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی باشد. یکی از قابلیت‌های روش مذکور این است که مفاهیم، مضامین و مقوله‌های به دست آمده در خلال جداول تحلیل محتوا را به صورت ساختاری بسط داده، طبقه‌بندی کرده و در قالب جدول، نمودار و مدل ارائه دهد. باید گفت که این روش در فضای رشته‌های حوزهٔ علوم انسانی و به ویژه رشته الهیات که با بسط تفصیلی دانش مواجه هستند، بسیار اثرگذار و کاربردی است.

مفهوم سبک زندگی

اصطلاح «سبک زندگی» به عنوان یکی از اصطلاح‌های علوم اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با گفتمان خود دارد. مفاهیمی مانند: عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، شکل و محتوا، رفتار و معنا، اخلاق و عقیده و سبک زندگی اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان، اعم از بُعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می‌شود. اموری نظیر بینش‌ها (ادراک‌ها و اعتقادات) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایل‌ها و ترجیح‌ها) که اموری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هوشیارانه و غیرهوشیارانه، حالت‌ها و وضعیت جسمی)، وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که امور عینی هستند.

۱. اشاره به حدیث «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» (کلینی، ۱۳۷۷ق، ج ۸: ۳۱۲).

سبک زندگی به عنوان تجلی عینی اندیشه‌ها و عقاید، تأثیر فراوانی نیز بر عقاید و اندیشه‌ها و به خصوص صفات انسانی دارد و از این رو شکل‌گیری خلق و خو و نگرش‌ها عموماً متأثر از سبک زندگی است (هندی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۲۸).

برخی، سبک زندگی را تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ موجود و شناساندن آن به دیگران تعریف کرده و برخی دیگر آن را به کلیت زندگی و همه فرایندهای عمومی و خصوصی آن تطبیق داده‌اند (Adler, 1956: 32).

در این میان آنچه اهمیت پرداختن به سبک زندگی را در پژوهش‌های اجتماعی و اعتقادی مهم می‌سازد، نتایج ناشی از انتخاب سبک‌های مختلف برای زندگی است که در مواردی منجر به ظهور و بروز بسیاری از آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی در سطح جوامع شده و در مواردی دیگر رشد و پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی را برای آنها به ارمغان می‌آورد.

آنچه اندیشمندان مسلمان را به تأمل و تعقل در سبک زندگی اسلامی واداشته، تأثیر سوء و زیانباری است که جوامع اسلامی در قرون اخیر از تمدن و فرهنگ کشورهای غربی که از سبک زندگی غیر اسلامی تبعیت می‌کنند، متحمل شده‌اند. در طی سالیان گذشته شاهد آن بوده‌ایم که به گونه‌ای لجام‌گسیخته و ناهنجار، بعضاً برخی از عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی غربی در میان جوامع اسلامی منتشر شده و در مواردی زمینه انحراف جوامع را فراهم آورده است که ضرورت پرداختن بیشتر به چنین پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد.

مزایای سبک زندگی اسلامی

یکی از راه‌های تبیین الگوی سبک زندگی، شناسایی عناصر و مؤلفه‌هایی است که اندیشمندان مختلف به عنوان ویژگی‌های یک سبک زندگی برشمرده و در تحقیقات خود بدان اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال برخی اندیشمندان غربی از آنجا که سبک زندگی را شامل همه رفتارها،

افکار، احساس‌ها و کنش‌های اجتماعی افراد دانسته، لذا مواردی مانند: شیوه تغذیه، خودآرایی و پوشش، نوع مسکن، وسایل حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و ... را به‌عنوان بخشی از مؤلفه‌های سبک زندگی برشمرده‌اند (*Ibid*).

در آثار چاپین (۱۹۳۵) و اسول (۱۹۴۰) نیز بر مواردی همچون محل سکونت و وسایل خانه تأکید شده و کلاکھون (۱۹۵۸) نیز بیشتر بر رفتارهای شخصی و نحوه استفاده از مواهب طبیعی در زندگی اشاره کرده است (رک: مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۲۳۰-۱۹۹).

با این حال در یک جمع‌بندی کلی از آثار و مؤلفه‌های ارائه‌شده در مورد شاخصه‌های سبک زندگی از منظر اندیشمندان غربی باید گفت که اکثر موارد اشاره‌شده، تنها در حوزه فردی یا بخش‌هایی از مسائل اجتماعی بوده و رویکردی کامل و جامع در زمینه نیازها و اقتضائات نوع بشری را ندارند. به‌عنوان مثال در موارد مطرح‌شده توسط این اندیشمندان، به مؤلفه‌های زیر اشاره نشده است:

نوع اعتقاد و بینش فرد؛

نوع اندیشه و منطق حاکم بر اعمال فرد؛

نوع گرایش و روابط انسانی فرد در خانه و جامعه؛

نوع احساس‌ها و روابط عاطفی فرد در خانه و جامعه؛

کیفیت تأمین نیازهای ثانویه فرد در محیط‌های مختلف؛

توجه به دوران قبل و بعد از حیات فرد در دنیا؛

توجه به جایگاه دین در زندگی فرد؛

توجه به جایگاه اراده در شکل‌گیری سبک زندگی؛

توجه به کیفیت اعمال فرد در فرایند سبک زندگی.

بدیهی است نظریه‌پردازانی که در آغاز قرن بیستم از اصطلاح «سبک زندگی» استفاده کردند، مؤلفه‌های آن‌را با رویکرد انسان‌محوری، منفعت‌طلبی و مصرف‌گرایی تنظیم و تدوین کردند، لذا شایسته است به‌منظور تبیین مفهوم سبک زندگی در هر جامعه‌ای، مطالعات مستقلی

❖ با توجه به فرهنگ و اعتقاد آن جامعه انجام شده و برای استخراج عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی در آن جامعه، رویکردهایی جامع، آینده‌نگرانه و فرااجتماعی نیز مدنظر قرار گیرند. بنابراین لازم است مفهوم و مؤلفه‌های سبک زندگی در مطالعات و تحقیقات علمی توسعه یافته و با استفاده از رویکردهای دینی - مذهبی، مطالعات جدیدی در این حوزه صورت گیرد.

یکی از امتیازهای خاص سبک زندگی اسلامی آن است که در آن به همه عوامل و عناصر فردی، اجتماعی، عاطفی، اعتقادی، اقتصادی و ... زندگی یک فرد توجه کرده و تلاش دارد تا به صورت آیین‌نامه و دستوری کامل و جامع در همه زمینه‌ها و بدون ایجاد هیچ‌گونه ابهام و نقصی، زندگی یک فرد را از پیش از تولد تا بعد از حیات، برنامه‌ریزی و هدایت کند. این مطلب بدان معناست که سبک زندگی اسلامی پیوستاری بزرگ است که دارای مراتب مختلفی با توجه به سطح نگرش‌ها، بینش‌ها و قابلیت‌های افراد دارد.

لذا هرچه قابلیت و توانایی افراد در برخورداری و فهم معارف دینی گسترش یافته، سطح سبک زندگی آنان ترقی پیدا می‌کند و کاهش این سطح بیانگر نداشتن توانایی فرد در فهم معارف و برخورداری از مواهب این نعمت بزرگ است.^۱ از همین روی است که در قرآن کریم افراد جامعه ایمانی، مرتب به افزایش ابعاد ایمانی امر شده^۲ و در تعریف منافقان نیز مسئله نزدیکی و دوری آنان به کفر و ایمان مطرح شده است.^۳

در ادامه مقاله، به منظور تبیین آنچه به عنوان مزایای سبک زندگی اسلامی گفته شد، به صورت موردی به مطالعه ادعیه رضویه پرداخته و تلاش شده از خلال بررسی مضامین مطرح در این ادعیه، شیوه‌های تربیتی به کار رفته توسط امام رضا(ع) برای توسعه و ترویج سبک زندگی اسلامی و نهادینه کردن آن در جامعه شناسایی و معرفی شوند.

۱. اشاره به آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳).

۲. اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ» (نساء/۱۳۶).

۳. اشاره به آیه «هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» (آل عمران/۱۶۷).

جایگاه دعا در میان مکاتب تربیتی

خداوند به عنوان «ربّ العالمین» تربیت هر موجودی را خود، عهده‌دار شده و تمامی مخلوقات را با طبیعت‌های مختلفشان، به‌سوی کمال لایق خود پیش می‌برد و فیض خویش را به قدر استعداد و به فراخور حال آنان به سویشان سرازیر می‌کند، اما در خصوص انسان بر او منت گذاشته و قسمتی از کار خود در تربیت را به او واگذار کرده و انسان را در انتخاب خیر و شر، مختار کرده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳).

کتاب‌های آسمانی به همراه پیامبران الهی نیز بدین منظور نازل شده‌اند، چنان‌که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (جمعه/۲) و «بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (کلینی، ۱۳۷۷ق: ۶).

پس از رسول خدا^(ص)، جانشینان پاک و معصومش همواره پرچم‌دار راه هدایت و تربیت انسان بوده و بدین منظور از الگوها و روش‌های تربیتی مختلفی استفاده کرده‌اند. به‌منظور فهم و درک ماهیت روش‌های تربیتی به‌کار گرفته‌شده توسط ایشان، در ابتدا لازم است با تعاریف کلی این روش‌ها آشنا شد.

۱. روش‌های اخلاقی

در این روش برای دور کردن مردم از صفات بد و نزدیک کردنشان به فضیلت‌ها، صفات نیک و بد، یک به یک بررسی می‌شود و با تکیه بر آیات قرآنی و احادیث اسلامی، محاسن و معایب هر کدام، به‌خصوص نتایج و عواقبی که بر هر یک از آنها در آخرت (چه عذاب جهنم و چه نعمت‌های بی‌پایان بهشت) بار می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و هر کدام به یکی از احکام پنج‌گانه دین متّصف می‌شود و با این تقسیم‌بندی در دایره احکام و مسائل فقهی وارد شده و بیشتر حدود عملی آن مورد نظر قرار می‌گیرد، در حالی که جنبه نفسانی آن چندان مورد اهتمام نبوده و گاه قابل عفو نیز معرفی می‌شود.

۲. روش‌های عرفانی

در این مشرب بی‌آنکه بر روی تک تک صفات انگشت گذاشته شود، تکیه اصلی بر

❖ ۶۰ فرهنگ رضوی

❖ تصفیۀ باطن و قطع ریشه‌های صفات بد و ایجاد فضیلت‌های انسانی از طریق معرفت نفس و خدا و انقطاع کامل از غیر اوست. در این شیوه پیش از آنکه توجه به پیامدهای اخروی آن معطوف باشد، به اصل کمال انسانی که شناخت واقعی خود و خداست، اهمیت داده شده و بر عنصر محبت و عشق به مبدأ وجود، تکیه می‌شود.

۳. روش‌های فلسفی

در این روش، مبارزه با رذیلت‌های اخلاقی و تحقق کرامت‌های انسانی، از طریق ابزار عقل و با تعقل درباره‌ی خوبی و بدی افعال صورت می‌گیرد و نیز تبیین و تأکید این نکته که صفات پسندیده، امور وجودی بوده و از آثار وجود است، در صورتی که صفات‌های بد اموری عدمی هستند. وجود، خیر محض بوده و شایسته است که انسان رو به سوی آن باشد و هر چه شخص بتواند خویش را از عدم دور و به وجود نزدیک کند، کامل‌تر شده است.

۴. روش‌های تجربی

این روش، طریقه‌ای نوپا و نوظهور است که روان‌شناسی جدید و متولیان امور تعلیم و تربیت در دنیای امروز، مروج آن هستند. در این روش، بیشتر بر روی ضررهای جسمی، رفاه تن و موفقیت‌ها و شکست‌های اجتماعی تکیه می‌شود و نقش آمار و نمونه‌دهی در آن حائز اهمیت است.

اما در خصوص روش‌های تربیتی به‌کار گرفته‌شده توسط ائمه اطهار^(ع) اگرچه پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته، اما به‌نظر می‌رسد در خصوص ابزار تبلیغی و فرهنگی «دعا» و کارکردهای آن در حوزه تربیت، پژوهش گسترده‌ای صورت نگرفته و همچنان این روش را در حوزه مکتب‌های تربیتی وارد نکرده‌اند.

باید گفت که زبان ادعیه دربردارنده حاصل تمامی این مشرب‌ها و روش‌هاست، چراکه در دعا، هم به نتیجه اخروی و ثواب و عقاب مترتب بر اخلاق و رفتار اشاره شده و هم به عنصر محبت، انس با خدا، توجه به معرفت نفس و عرفان الهی و نیز به حُسن و قبح افعال

و همچنین به آثار اجتماعی و نتایج بار آمده از آن در زندگی دنیا، توجه می‌شود و با این ترکیب، سالک را با قدرتی تمام، به‌سوی فضیلت‌ها سوق داده و از پلیدی‌ها دور نگه می‌دارد. امام خمینی^(ره) به‌عنوان ادامه‌دهنده راه و منهج تربیتی ائمه اطهار^(ع) در جامعه اسلامی، از دعا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد تغییر و تحول در انسان یاد کرده و می‌فرماید: «هر چه مسائل بخواهید در این ادعیه هست. زبان ادعیه با زبان عادی‌ای که احکام می‌خواهند بگویند، دو تاست. زبان ادعیه با زبان فلسفه هم دو تاست. با زبان عرفان علمی هم دو تاست. یک زبان دیگری است، مافوق اینها... زبان اثرگذار و متحول‌کننده‌ای است» (۱۳۷۸، ج ۱۹: ۲۱۱).

بر این اساس می‌توان روش دعا را «منهج اسلامی» نام‌گذاری کرد که تلاش دارد با زبانی خاص و اثرگذار و در عین حال ملموس و عینی به تربیت انسان پرداخته و از این رهگذر سبک زندگی اسلامی را در جامعه نهادینه کند که تجلی عینی آن در ادعیه منقول از امامان معصوم^(ع) متبلور است.

در ادامه به‌منظور اثبات ادعای خود، به تحلیل محتوای ادعیه امام رضا^(ع) پرداخته شده و از خلال نتایج به‌دست آمده، الگوهای تربیتی به‌کار گرفته شده توسط ایشان در این روش تربیتی را معرفی خواهیم کرد.

تحلیل محتوای ادعیه رضویه

چنان‌که مطرح شد، در این مقاله برای تبیین دقیق مؤلفه‌های به‌کار رفته در ادعیه رضویه از روش تحلیل محتوا استفاده شده که در ابتدا لازم است به معرفی این روش و انواع فنون آن پرداخته و در نهایت با بیان دلایل خود، روش مناسب برای انجام این بررسی را معرفی کنیم.

برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. در این روش محتوای آشکار پیام‌ها به‌طور نظام‌مند و کمی توصیف می‌شود.

❖ از این رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است (کریندورف، ۱۳۷۸: ۳۶).

تحلیل محتوا معمول‌ترین روش تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است و علی‌رغم شباهت‌های کاربردی، از مبنای تحلیلی متفاوتی برخوردار است. مهارت‌های لازم برای انجام چنین تحقیق کیفی عبارت‌اند از: فاصله گرفتن از موضوع و تجزیه و تحلیل انتقادی شرایط، تشخیص پیش‌داوری و اجتناب از آنها، کسب اطلاعات معتبر و قابل اعتماد و تفکر انتزاعی (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴: ۱۸).

تحلیل محتوا را گاهی فن «پرسش‌نامه معکوس»^۱ نیز می‌نامند. پرسش‌نامه نامعلوم است و هدف به‌طور تلویحاً یافتن این پرسش‌نامه بر اساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داستان‌ها داده شده یا به‌عبارتی در این روش، اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤال‌های پرسش‌نامه هستند (فیروزان، ۱۳۶۰: ۲۱۱).

برای انجام این بررسی، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جمله به‌صورت کمی و کیفی انتخاب شده و بر اساس آن جداول تحلیل محتوا تشکیل شده و سپس قالب‌های بیانی، جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز جمله‌های ادعیه امام رضا^(ع) استخراج شده است. به‌عبارت دیگر فرایند روش انجام این بررسی به شرح ذیل است:

احصاء و نگارش ادعیه رضویه در جداول تحلیل محتوا؛

تقطیع جمله‌های ادعیه بر مبنای قالب‌های بیانی استفاده شده؛

استخراج قالب بیانی هر کدام از جمله‌های ادعیه؛

استخراج جهت‌گیری اصلی هر کدام از جمله‌های ادعیه؛

استخراج نقاط تمرکز هر کدام از جمله‌های ادعیه؛

کدگذاری مضامین استخراج‌شده؛

دسته‌بندی قالب‌های بیانی برای استخراج نمودارهای آماری؛

دسته‌بندی جهت‌گیری‌های ثبت شده در ذیل هر یک از قالب‌های بیانی برای استخراج نمودارهای آماری؛

دسته‌بندی نقاط تمرکز ثبت‌شده در ذیل هر یک از جهت‌گیری‌ها به‌منظور استخراج نمودارهای آماری؛

کشف تحلیل‌های کیفی و ارائه نظریه بر اساس نتایج بررسی؛

جامعه آماری تعداد ۱۰۴ دعای موجود در کتاب صحیفه رضویه است و مراحل ۱ تا ۶ این بررسی نیز در جداول تحلیل محتوا و در نرم‌افزار Excel انجام‌شده که نمونه آن بدین صورت است:

جدول ۱. نمونه جدول تحلیل محتوا

ردیف	متن دعا	قالب بیانی	جهت‌گیری	نقطه تمرکز	کدگذاری

از آنجا که در این مقاله به‌علت محدودیت، امکان درج همه جداول وجود ندارد، لذا تنها به ذکر نتایج حاصل از تحلیل محتوای جداول اکتفا می‌شود.

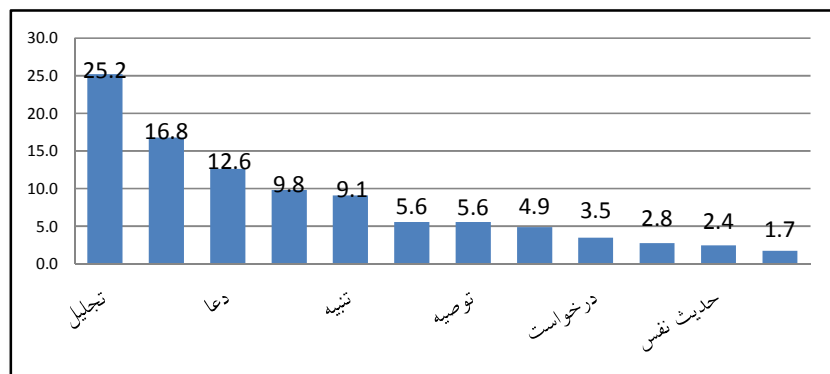
۱. غلبه رویکرد آموزشی و تربیتی در مناسک عبادی

هر انسانی به جهت بیان مطالب و مقاصد ذهنی خویش، گونه‌ای از قالب‌های بیانی را اخذ کرده و از آنها برای وصول به مطلوب ذهنی خود در کلام استفاده می‌کند. استفاده از قالب‌های بیانی امری کاملاً طبیعی است و در حقیقت همچون بافت متن، در زمینه هر جمله‌ای وجود داشته و محتوای اصلی آن جمله را بیان می‌کند.

در این مقاله به‌منظور تحلیل محتوای ادعیه امام رضا^(ع) ابتدا به تحلیل و استخراج قالب‌های بیانی یا مقوله‌های به‌کار رفته در این ادعیه پرداخته شده است. نمودار استخراج‌شده از سنجش فراوانی این قالب‌ها بیانگر این مطلب مهم است که آن امام بزرگوار برای بیان مطالب

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

خود از چه قالب‌های بیانی بیشترین و کمترین استفاده را بردند و چه قالب‌های بیانی نیز در کلام خود ایجاد کردند (برای آشنایی با تعاریف قالب‌های بیانی ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۰۹).



نمودار ۱. سنجش فراوانی قالب‌های بیانی ادعیه رضویه

یکی از نکات مهم و قابل توجه در تحلیل محتوای ادعیه رضویه، فراوانی قالب بیانی «تجلیل» نسبت به دیگر قالب‌های بیانی است. منظور از تجلیل، عبارت‌هایی است که در آن، فرد به همراهی یا دوستی با شخصی یا پیروی از مذهب و مسلکی افتخار می‌کند و آنرا بزرگ می‌شمرد. همچنین در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که گوینده یا نویسنده در ابتدای کلام خود به تعدادی از افراد و گروه‌ها درود و سلام فرستاده و با احترام از ایشان یاد می‌کند.

در حقیقت باید گفت که تجلیل از این مقامات و افراد، بعضاً به‌خاطر جایگاه آن شخصیت یا گروه و اهمیت آن در منویات متکلم است. در برخی موارد، گوینده کلام قصد دارد تا با اشاره به آن مقام و جایگاه، آن فرد را به‌عنوان الگو و اسوه معرفی کند. این مطلب به‌ویژه در مواقعی که برخی اوصاف و ویژگی‌های آن فرد نیز بیان می‌شود، جلوه بیشتری پیدا می‌کند (یاوری و جانی‌پور، ۱۳۸۸: ۹۶-۷۸).

منظور از قالب بیانی توصیف نیز، هرگونه مطلب تفصیلی است که به بیان برخی ویژگی‌ها

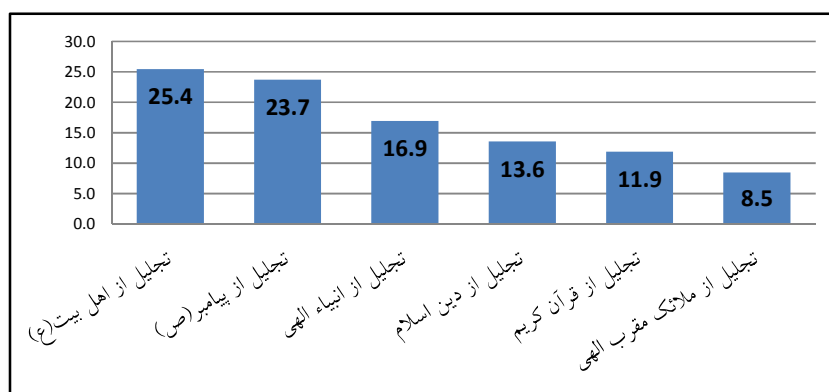
تبیین شیوه‌های تربیتی امام ... ❖ ۶۵

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

و مشخصات چیزی یا کسی در متن اشاره دارد. توصیف گاه صرفاً بیانگر یک گزاره خبری و گاهی نشان‌دهنده اشتیاق و علاقه‌مندی متکلم به موضوع، پدیده یا فردی خاص است. در تفاوت بین جمله‌های توصیفی و تجلیل باید به این نکته توجه داشت که جمله‌های توصیفی هیچ بار ارزشی ندارند و طی آن صرفاً وصف یک شیء یا واقعه بیان می‌شود اما در تجلیل، نکوداشت صورت می‌گیرد. در توصیف، ضرورتاً مطلوبیت وجود ندارد؛ اما در تجلیل، مطلوبیت وجود دارد. نگاه توصیف، کاملاً خنثی است؛ اما نگاه تجلیل، مثبت دارد. توصیف ممکن است مثبت یا منفی باشد؛ اما تجلیل فقط مثبت است (همان).

۲. الگوسازی از اهل بیت^(ع) با توصیف و معرفی ایشان

بر اساس آنچه از جدول تحلیل محتوای ادعیه امام رضا^(ع) استخراج شده، در این ادعیه، از افراد، گروه‌ها و مواردی تجلیل شده است که فهرست آنها در نمودار (۲) ارائه می‌شود.



نمودار ۲. سنجش فراوانی تجلیل‌های ادعیه رضویه

تعجب از کثرت تجلیل‌های صورت‌گرفته در این متون از آن جهت مهم است که متن تجزیه و تحلیل شده «دعا» بوده و انتظار نیز آن است که در این متون، قالب‌های بیانی دعا، مناجات و درخواست بیشتر باشد، اما به‌نظر می‌رسد امام رضا^(ع) تلاش دارند تا با استفاده از این ابزار تبلیغاتی (دعا) که از صدر اسلام توسط پیامبر اکرم^(ص) شروع شده و در طول تاریخ

❖ توسط ائمه اطهار^(ع) ادامه یافته و به‌ویژه در زمان امام سجاده^(ع) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغاتی مورد استفاده بوده است، اهداف و مقاصد خاص خود را به جامعه اسلامی انتقال دهند.

نمودار (۲) که به سنجش فراوانی تجلیل‌های صورت گرفته در ادعیه امام رضا^(ع) می‌پردازد، بیانگر آن است که آن امام همام تلاش دارند تا در این متون، بیش از آنکه به رفع حوائج مردم پرداخته و متونی را صرفاً برای برآورده شدن حاجت‌های مادی و معنوی به مردم آموزش دهند، نقش و جایگاه اهل بیت^(ع)، دین اسلام و قرآن کریم را به مردم جامعه گوشزد کرده و آنان را متوجه این مهم سازند که همه برکت‌ها و خیرات موجود به‌واسطه حضور این افراد و موارد است و همه نواقص و کمبودها نیز با واسطه توجه به این افراد و موارد برطرف می‌شود. نکته جالب آن است که در بسیاری از ادعیه‌های صادره از امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود که پیش از بیان هر گونه مطلب و درخواستی، از پیامبر اکرم^(ص) و اهل بیت^(ع) به تجلیل اشاره شده و در برخی موارد به‌صراحت از آنان نام برده شده است (به‌عنوان مثال ر.ک: ادعیه شماره ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۸ و...).

در موارد متعددی نیز به جایگاه والای اهل بیت^(ع) در نظام خلقت و همچنین جایگاهشان در نزد خداوند و اینکه همه امور هستی در دست اهل بیت^(ع) است، اشاره شده و بدین وسیله تلاش شده تا جامعه اسلامی از خلال قرائت این دعاها در مناسبت‌های زمانی و مکانی مختلف و در هنگام وقوع حوادث و مشکلات متوجه مقام شامخ اهل بیت عصمت و طهارت شده و از این طریق به آنان تقرّب جویند (به‌عنوان مثال ر.ک: ادعیه شماره ۲۱، ۲۳، ۳۲ و...).

به‌عنوان نمونه می‌توان به بخشی از دعای شماره ۲۱ اشاره کرد که در آن به تجلیل از امیرالمؤمنین^(ع) پرداخته و می‌فرمایند:

وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَوَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلِيُّ
الْمَشْرُوكِينَ وَوَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ
وَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ وَوَلِيُّ الْمَرْفُوقِينَ

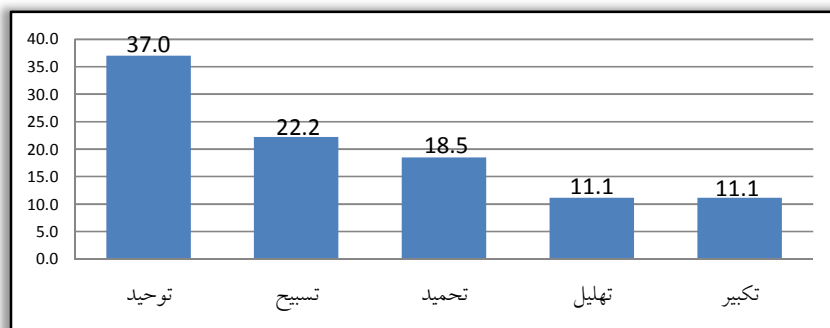
تبیین شیوه‌های تربیتی امام ... ❖ ۶۷

بَوْلَاتِهِ وَالْإِتِّمَامَ بِهِ وَالْإِقْرَارَ بِفَضَائِلِهِ وَالْقَبُولَ مِنْ حَمَلَتِهَا وَالتَّسْلِيمَ لِرُؤُوسِهَا وَأَقْرَبَ
بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ أَنْبَاءِهِ أَيْمَةً وَحُجَجًا وَأَدِلَّةً وَسُرُجًا وَأَعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَّةً وَأَبْرَارًا.

مشخص است که استفاده از این قالب بیانی و الفاظ و عبارات‌های تجلیلی، با هدف معرفی اهل بیت^(ع) به عنوان الگوهای مطرح در سبک زندگی اسلامی بوده و کاملاً رویکردی تربیتی داشته است.

۳. تبیین اصول عقاید و ضرورت‌های دین

تحلیل محتوای ادعیه رضویه نشان می‌دهد که پس از قالب بیانی تجلیل، بخش عمده‌ای از مطالب در قالب بیانی توصیف هستند که نمودار سنجش فراوانی آنها نشان می‌دهد اکثر توصیف‌های بیان‌شده در رابطه با بیان صفات و ویژگی‌های خداوند است.



نمودار ۳. سنجش فراوانی توصیف‌های ادعیه رضویه

به عبارت دیگر در ادعیه رضویه موارد متعددی از عبارات‌ها و جمله‌ها وجود دارد که بر تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر خدای تعالی اشاره دارد. مثلاً در رابطه با تسبیح خداوند می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» (دعای ۳)، «سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ...» (دعای ۴).

در دعای شماره ۶ نیز به تحمید الهی پرداخته و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ

❖ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مُلِمَّاتِ الضَّرَاءِ ... وَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى هَبْنِي عَطَايَكَ ... وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ ... وَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَتْمِيمِكَ قَلِيلَ الشُّكْرِ

در خصوص تهلیل نیز می‌فرمایند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (دعای ۱۹)، «يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا مِثَالَ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا خَالِقَ إِلَّا أَنْتَ، تُفْنِي الْمَخْلُوقِينَ وَ تَبْقَى أَنْتَ، حُلُمْتَ عَنْ عَصَاكَ وَ فِي الْمَغْفَرَةِ رِضَاكَ» (دعای ۴۰) و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ - مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (دعای ۷۴).

در خصوص موضوع تکبیر نیز می‌فرمایند: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ...» (دعای ۶۲)، «بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِلَّا ذَهَبَتْ وَ انْقَرَضَتْ» (دعای ۴۳).

نکته قابل ذکر در این بخش، تلاش ویژه‌ای است که امام رضا^(ع) برای معرفی خداوند و بیان صفات و ویژگی‌های او دارند و از آنجا که نمی‌توان این عبارات را در قالب‌های چهارگانه تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر جای داد لذا عنوان «توحید» برای این بخش از توصیف‌ها به عنوان یک اصطلاح ویژه در این مقاله، اختصاص پیدا کرده است.

برخی از این موارد به شرح ذیل است:

«سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلُمَةِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْمَيَاهِ سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرْضِينَ سُبْحَانَ [خَالِقِ] الرِّيَّاحِ وَ النَّبَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاةِ وَ الْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الشَّرَى وَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ» (دعای ۲) که به نظر می‌رسد امام رضا^(ع) در این دعا بیشتر تلاش دارند تا صفت خالقیت خداوند را با ذکر مثال‌هایی تبیین و معرفی کنند.

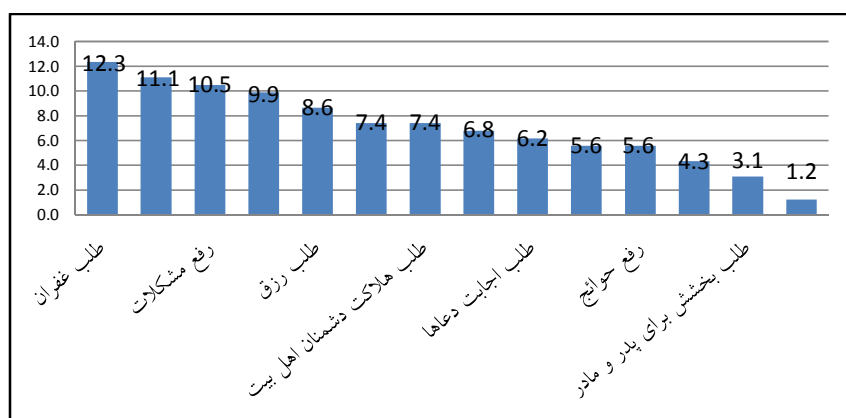
همچنین در دعایی دیگر آمده است: «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَاقِبَةِ وَ رَازِقَ الْعَاقِبَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَاقِبَةِ وَ الْمُنَّانَ بِالْعَاقِبَةِ وَ الْمُتَنَفِّضَ بِالْعَاقِبَةِ عَلَى وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَاقِبَةَ وَ تَمَامَ الْعَاقِبَةِ فِي شُكْرِ الْعَاقِبَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (دعای ۱۵) که در آن تلاش دارند تا به معرفی صفاتی دیگر از خداوند متعال بپردازند.

همچنین در این رابطه می‌توان به ادعیه شماره ۲۳ و ۳۶ نیز اشاره کرد که کاملاً با این رویکرد از آن حضرت صادر شده است.

بررسی موارد فوق نشان می‌دهد که امام رضا^(ع) تلاش داشتند تا با استفاده از ابزار دعا، به معرفی خداوند متعال و تبیین صفات وی پرداخته و از این رهگذر جامعه اسلامی را با اولین اصل از اصول عقاید دین اسلام آشنا کنند که خود مقدمه‌آشنایی با دیگر اصول و ضرورت‌های دین شده و امری تربیتی در راستای تحقق سبک زندگی اسلامی است.

۴. تأکید بر اصل تولی و تبری و لزوم رعایت تعادل در آن

در رابطه با موضوع‌های مطرح در ادعیه امام رضا^(ع) به‌طور خاص باید گفت که این موضوع‌ها از تحلیل محتوای متن ادعیه استخراج و طبقه‌بندی شده و به هیچ عنوان، عناوین مطرح برای هر کدام از ادعیه در این سنجش ملاک قرار نگرفته‌اند. این مطلب بدان معناست که عناوین مطرح برای ادعیه در کتاب صحیفه رضویه در این بررسی ملاک قرار نگرفته و محقق خود شخصاً در رابطه با هر کدام از ادعیه، موضوع یا موضوع‌هایی را انتخاب کرده است. فهرستی از این موضوع‌ها به همراه سنجش فراوانی آنها در نمودار (۴) ارائه شده است:



نمودار ۴. سنجش فراوانی موضوع‌های ادعیه رضوی

پیشتر در تعریف مفهومی دعا گفته شد که دعا، درخواست چیزی از خداوند به نحوی رسمی تر از مناجات است و در عین حال با قالب بیانی «درخواست» نیز متفاوت است، چراکه «دعا»، نوعی درخواست عمومی است و «درخواست» یک خواهش و طلب شخصی و فردی (یاوری و جانی پور، ۱۳۸۸: ۹۶-۷۸).

به عنوان مثال آن حضرت برای طلب غفران، در دعای شماره ۷ می فرمایند: «يَا كَرِيمُ اغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» که نشان دهنده آن است که آن حضرت^(ع) این طلب غفران را برای همگان خواسته اند.

آنچه در نمودار (۴) نشان داده شده است، فهرستی از موضوع هایی است که امام رضا^(ع) در ادعیه خود، آنها را برای مردم جامعه اسلامی از خداوند متعال طلب کرده اند. نکته قابل توجه در این فهرست، طلب هلاکت دشمنان اهل بیت^(ع) و طلب محشور شدن با اهل بیت^(ع) است. اگرچه در نگاه اول امکان دارد این سؤال پیش آید که به دلیل صدور این ادعیه از طرف امام رضا^(ع) به عنوان یکی از ائمه^(ع)، این موارد باید در قالب بیانی «درخواست» گنجانده شوند، لکن باید توجه داشت که نوع الفاظ به کار رفته در این ادعیه و فضای غالب بر آن جمله ها به گونه ای است که هر خواننده و مخاطبی متوجه می شود این الفاظ در قالب بیانی «دعا» به کار رفته و کلامی از زبان همگان و توصیه ای برای همگان است و نه شخصی خاص.

بدین ترتیب باید گفت که آن امام همام تلاش داشتند تا در ضمن صدور ادعیه برای رفع حوائج و مشکلات مردم و همچنین طلب مغفرت، رزق و... از خداوند متعال، به مقام و جایگاه خاص ائمه اطهار^(ع) در جامعه اسلامی نیز اشاره کرده و مردم را نسبت به این امر آگاه سازند تا به ایشان تقرّب جسته و از دشمنان ایشان برائت جویند. این مطلب در منظومه معارف اسلامی، به اصل «توکی و تبری» معروف بوده و به عنوان یکی از فروغ دین اسلام شناخته می شود که در ادعیه رضویه آموزش داده شده و خود یکی از الگوهای تربیتی به کار گرفته شده توسط آن حضرت است.

۵. آموزش آداب عبادت و بندگی

بخش دیگر از مطالب مطرح شده در ادعیه رضویه بیانگر قواعد و قوانینی است که می‌توان از آنها به «آداب یا سنن اسلامی» تعبیر کرد. امام رضا^(ع) در خلال مطالبی که در قالب دعا به جامعه اسلامی آموزش دادند، تلاش کردند تا به معرفی برخی آداب و سنن در راستای توسعه و ترویج سبک زندگی اسلامی نیز پرداخته و از این رهگذر مردم جامعه اسلامی را تربیت کرده و آموزش دهند.

به عنوان مثال، امام رضا^(ع) در هنگام دعا، بر این مسئله تأکید دارند که در ابتدا بر پیامبر مکرم اسلام^(ص) و ائمه اطهار^(ع) صلوات و درود فرستاده شود و سپس با توسل به ایشان و شفیع قرار دادن ایشان، از خداوند طلب حاجت شود. باید گفت که این مسئله در اکثر ادعیه صادر شده از ایشان وجود داشته و در برخی ادعیه نیز به صراحت بدان دستور داده‌اند. به عنوان مثال در دعای شماره ۳۲ می‌فرمایند: «يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ يَا دَائِمُ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ (ص) يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي اتَّوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةَ كَرِيمَةٍ مِنْ نَفْحَاتِكَ وَفَتْحاً يَسِيراً وَرِزْقاً وَاسِعاً» (دعای ۳۲).

رعایت ادب در طلب دعا، دعا برای همگان، اولویت‌سنجی در دعا، اولویت دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مواردی دیگر از این دست، همگی از جمله آداب و قواعد ضمنی استجاب دعا هستند که در ادعیه رضویه بدان اشاره و آموزش داده شده‌اند. این آداب و سنن نیز به دو صورت در ادعیه شریفه رضویه بیان شده‌اند:

الف. استفاده تضمینی از غرر آیات قرآن

به عنوان مثال ایشان در دعای شماره ۴۵ می‌فرمایند: «إِذَا ذَهَبَ لَكَ ضَالَّةٌ أَوْ مَتَاعٌ فَقُلْ "وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ" ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّالَّةِ وَتُجَبِّي مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ.»

همچنین در دعای شماره ۴۶ نیز مکرر از آیات قرآن استفاده کرده و می‌فرمایند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ

ب. استفاده تلویحی از سنن الهی

به عنوان نمونه ای دیگر می توان به دعای شماره ۶۳ اشاره کرد که در آن می فرمایند:

اللَّهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَاعْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ وَكَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ فَلْيَسِّعْ

تبيين شیوه‌های تربیتی امام ... ❖ ۷۳

عَفْوِكَ وَكَمَا بَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ بِالْفَقْرَانِ وَكَمَا أَكْرَمْتَنِي بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهَا
بِمَغْفِرَتِكَ وَكَمَا عَرَّفْتَنِي وَخَدَائِكَ فَأَكْرِمْ نِي بِطَاعَتِكَ [لِمَاعِيَّتِكَ] وَكَمَا عَصَمْتَنِي مَا لَمْ
أَكُنْ أَعْتَصِمُ مِنْهُ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ فَاغْفِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنِي مِنْهُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

در این دعا نیز امام^(ع) تلاش دارند تا با بیان اقدام‌هایی که خداوند آنها را به‌عنوان وظیفه خود بیان کرده است، از خداوند طلب انجام برخی امور را کنند.

۶. غفلت‌زدایی از افراد و جامعه

یکی دیگر از قالب‌های بیانی به‌کار گرفته شده در ادعیه رضویه، استفاده از قالب بیانی «تنبه» است. این قالب بیانی معمولاً به دو شکل زیر بیان می‌شود: بیان جمله‌ای سؤالی که هدفش آگاهی دادن به دیگران یا بیدار کردن آنها باشد و با طرح آن، خواننده به فکر فرو می‌رود یا بیان جمله‌ای مهم که حاوی تذکری به مخاطبان باشد.

در حقیقت کارکرد مهم این قالب بیانی، آگاهی‌بخشی به مخاطبان است، چراکه امکان دارد خواننده متن یا مخاطب کلام نسبت به مسئله‌ای غافل یا جاهل باشد که با طرح سؤال یا تذکر آگاه شده و نسبت به آن مطلب هوشیار می‌شود. این قالب بیانی معمولاً با عبارتی نظیر بدانید که، آگاه باشید که و ... شروع می‌شود (جانی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۰۹).

در ادعیه رضویه، این قالب بیانی تنها به شکل طرح جمله‌های خبری برای تذکر و با هدف آگاهی‌بخشی و غفلت‌زدایی به‌کار رفته است. این مطلب نیز بخش دیگری از وظایف اختصاصی ائمه اطهار^(ع) در راستای تربیت انسان است که به‌عنوان چراغ راهنمای سعادت و پرچم‌های هدایت در جهان هستی انجام رسالت می‌کنند و بدین‌گونه سبک زندگی اسلامی را نهادینه می‌سازند.

آنچه در این مقاله از آن به‌عنوان قالب بیانی «تنبه» تعبیر می‌شود، جمله‌هایی است که توسط امام رضا^(ع) برای تذکر به مردم و هوشیار کردن آنان جهت تقرب به خداوند متعال و

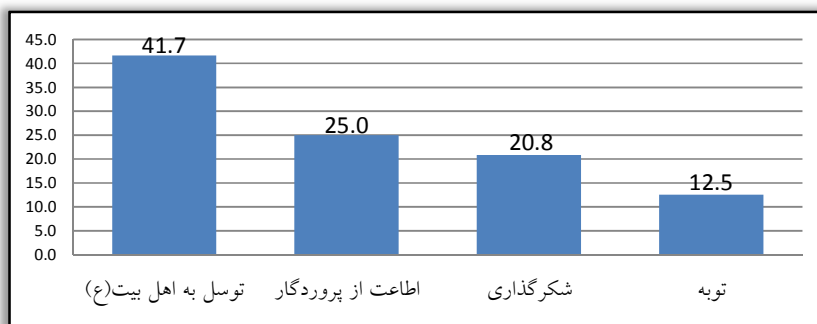
❖ افزایش آگاهی مردم برای دین‌داری استعمال شده است. به‌عنوان نمونه آن حضرت^(ع) در دعای شماره ۸ می‌فرماید:

إِلَهِي بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَلَمْ تَبْدُ هَيْئَةً لَكَ فَجَهْلُوكَ وَقَدَرُوكَ وَالتَّقْدِيرُ عَلَى غَيْرِ مَا بِهِ
شَبَّهُوكَ فَأَنَا بَرِيءٌ يَا إِلَهِي مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ لَيْسَ كَمَثَلِكَ شَيْءٌ وَلَنْ يُدْرِكُوكَ
ظَاهِرٌ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ دَلَّاهُمْ عَلَيْكَ لَوْ عَرَفُوكَ وَفِي خَلْقِكَ يَا إِلَهِي مُنْذُوحَةٌ أَنْ يَتَنَاوَلُوكَ
بَلْ شَبَّهُوكَ بِخَلْقِكَ فَمَنْ تَمَّ لَمْ يَعْرِفُوكَ وَاتَّخَذُوا بَعْضَ آيَاتِكَ رَبًّا فَبِذَلِكَ وَصَفُوكَ
فَتَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي وَتَقَدَّسْتَ عَمَّا بِهِ الْمُشَبِّهُونَ نَعْتُوكَ يَا سَامِعُ كُلِّ صَوْتٍ يَا سَابِقَ كُلِّ
قُوَّةٍ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

کاملاً مشخص است که بخش اول این دعا در راستای آگاه‌سازی مردم به صفات واقعی خداوند متعال و بیان دقیق معارف الهی با هدف غفلت‌زدایی از جانب آن امام همام صادر شده و تنها در بخش پایانی برای رفع حوائج مؤمنان دعایی ذکر شده است. این‌گونه موارد که در ادعیه رضویه متعدد هستند بیانگر این مطلب است که آن حضرت تلاش دارند تا از هرگونه موقعیت و فرصتی برای تبلیغ معارف دین و تربیت جامعه اسلامی استفاده کرده و این خود مقدمه‌ای در راستای ترویج سبک زندگی اسلامی است.

۷. بایدها و نبایدهای مسیر زندگی

بخش دیگری از مطالب مطرح شده در ادعیه رضویه، بایدها و نبایدهای مسیر زندگی یا به‌عبارتی توصیه‌ها و تحذیرهایی است که در قالب جمله‌های دعایی تلاش شده تا این موارد را به مردم جامعه اسلامی تذکر دهند. در ادامه، نمودار توصیه‌های مطرح در ادعیه رضویه درج شده است:



نمودار ۵. سنجش فراوانی توصیه‌های ادعیه رضویه

مهم‌ترین توصیه‌ای که در این ادعیه بدان پرداخته شده، توصیه به توسل به اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) است. آن حضرت در ابتدا بیان می‌کنند که توسل به اهل بیت^(ع)، دستور الهی است. به عنوان مثال ایشان در دعای شماره ۱۸ می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ يَا رَبَّ أَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتَ وَامْلُوا فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ وَتَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَنِعْمَتَكَ فَاسْبِقْهُمْ سَبْقًا نَافِعًا عَامًّا...» و سپس در ادعیه دیگری بر توسل به اهل بیت^(ع) توصیه کرده و به عنوان مثال در دعای شماره ۲۱ این گونه دعا می‌کنند:

تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ - مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ عَلَيَّ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالزُّهَرَاءِ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَ
مُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَمَنْ بَعْدَهُمْ يُقِيمُ الْمَحَجَّةَ إِلَى الْحُجَّةِ الْمَسْتُورَةِ
مِنْ وَلَدِهِ الْمَرْجُوِّ لَأُمَّةٍ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَمَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ
... اللَّهُمَّ تَوَسَّلِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَتَقَرَّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَتَحَصَّنِي بِإِمَانَتِهِمْ افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا الْيَوْمِ
أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَحَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَجَنِّبْنِي بُغْضَهُمْ وَعَدَاوَتَهُمْ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همچنین می‌توان در این رابطه به دعای شماره ۲۳ اشاره کرد که بخش سوم آن کاملاً با این رویکرد از آن امام همام صادر شده است و در کتاب‌های ادعیه به صورت جداگانه تحت عنوان «دعای توسل» از آن یاد می‌شود.

در رابطه با موضوع توبه و توصیه بدان نیز در دعای شماره ۲۱ با حالتی مناجات گونه به حدیث نفس پرداخته و می فرمایند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ ذُنُوبِي وَكَثَرَتْهَا قَدْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ وَ
حَجَّيْتَنِي عَنْ اسْتِيْهَالِ رَحْمَتِكَ وَبَاعَدْتَنِي عَنْ [اِسْتِيْجَارِ] [اِسْتِيْجَارِ] اِسْتِيْجَابِ مَغْفِرَتِكَ وَ
لَوْ لَا تَعَلَّقِي بِأَلَانِكَ وَتَمَسُّكِي بِالرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ أُمْتَالِي مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَأَشْبَاهِي مِنَ
الْخَاطِئِينَ يَقُولُكَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَحَذَّرْتَ الْفَاقِظِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتَ وَمَنْ
يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَى دُعَائِكَ فَقُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ
لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.

البته لازم به ذکر است که منظور آن حضرت از اعتراف به گناه، آموزش و توصیه به توبه بوده و مسلم است که مقام شامخ ائمه اطهار^(ع) از هرگونه پلیدی و رجسی دور هستند. مشخص است که استفاده از این عبارتها، با هدف طرح الگوی مطرح در سبک زندگی اسلامی بوده و کاملاً رویکردی تربیتی داشته است.

نتیجه گیری

سخنان گهربار ائمه اطهار^(ع) پس از قرآن کریم، گرانقدرترین میراث دین مبین اسلام و دستورالعملی برای سعادت هر دو جهان است. این محتوای غنی و هویت بخش، قابلیت آن را دارد که در حوزه های مختلف علوم بشری مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان مبنایی برای مطالعات بنیادین و کاربردی، به ویژه در راستای توسعه و ترویج سبک زندگی اسلامی و الگوهای تربیتی در نظام های آموزشی در نظر گرفته شود.

نتایج حاصل از تحلیل محتوای ادعیه رضویه نشان می دهد، بیش از آنکه این متون جنبه دعایی داشته باشند، جنبه آموزشی و تربیتی داشته و آن امام همام^(ع) تلاش دارند تا با استفاده از ابزار تبلیغاتی دعا، مفاهیم مهمی را به مردم و جامعه اسلامی آموزش دهند. به عنوان نمونه،

تجلیل از پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع) از جمله مواردی است که بیشترین کاربرد (۲/ ۲۵٪) را در ادعیه رضویه داشته و بیانگر آن است که امام رضا^(ع) تلاش داشتند در قالب دعا، جامعه اسلامی را در زمان‌ها و شرایط گوناگون متوجه اهل بیت^(ع) کرده و جایگاه والای ایشان را گوشزد کنند. این مطلب زمانی بهتر تبیین می‌شود که توجه داشته باشیم در این ادعیه به توسل به اهل بیت^(ع) نیز بسیار سفارش شده (۷/ ۴۱٪) و به دفعات بر استجابت دعا در ضمن استجابت دعای ائمه اطهار^(ع) نیز اشاره شده است. بدیهی است همه این امور با رویکرد و هدفی تربیتی در ادعیه آن امام همام^(ع) جای گرفته است.

از جمله الگوها و شیوه‌های تربیتی به کار گرفته شده توسط آن امام همام^(ع) در این ادعیه عبارت است از:

تأکید بر غلبه رویکرد آموزشی - فرهنگی در مناسک عبادی به منظور تربیت دینی افراد؛
الگوسازی از اهل بیت^(ع) به واسطه تجلیل و معرفی صحیح ایشان؛
تبیین اصول عقاید و ماهیت حقیقی خداوند، انسان و جهان هستی به منزله یکی از فرایندهای تحقق تربیت دینی؛

معرفی فروع دین و به‌ویژه تأکید بر اصل توکی و تبری و لزوم رعایت تعادل در آنها؛
آموزش آداب عبادت و بندگی و مهم‌ترین اولویت‌ها در زندگی؛
غفلت‌زدایی و هوشیار کردن انسان‌ها هنگام مواجهه با مشکلات و سختی‌ها؛
تأکید بر بایدها و نبایدهای زندگی انسانی در قالب توصیه‌ها و تحذیرهای کاربردی.
به نظر می‌رسد در یک نگاه تربیتی و آموزش‌محور، می‌توان موارد فوق را به‌عنوان راهکارها و اصولی برای تحقق و تکامل تربیت دینی در دو بُعد فردی و اجتماعی و در نهایت نیل به الگوی سبک زندگی اسلامی در جامعه در نظر گرفت.

از این روی، در پایان مقاله پیشنهاد می‌شود پژوهشگران و متخصصان حوزه تربیت و آموزش، با مراجعه به این متون غنی و ارزشمند، به مطالعه هدفمند آنها برای استخراج الگوها و راهکارهای تربیتی پرداخته و این موارد را در نظام تعلیم و تربیت کنونی وارد سازند.

منابع و مأخذ

قرآن مجید.

- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق). *کشف الغمہ فی معرفہ الائمہ*. تعلیق ہاشم رسولی، تبریز: مکتبہ بنی ہاشم.
- استراوس، آنسلم، جولیت کورین، (۱۳۸۴). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریہ مبانی، رویہ ها و شیوہ ها*. مترجم بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باردن، لورنس، (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*. مترجم ملیحہ آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جانی پور، محمد، (۱۳۹۱). *قدرت نرم و دفاع مقدس*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- حرعاملی، محمد بن حسن بن علی، (۱۳۸۷). *تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ*. چاپ پنجم، قم: مؤسسہ آل البیت.
- خمینی، روح الله، (۱۳۷۸). *صحیفہ نور*. تهران: مرکز نشر و حفظ آثار امام خمینی^(ع).
- راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.

- راوندی، قطب‌الدین، (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*. قم: موسسه امام مهدی (عج).
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه، (۱۳۶۳). *عیون أخبار الرضا*. قم: جهان.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)*. چاپ چهارم، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۸). *اعلام الوری بأعلام الهدی*. قم: آل‌البيت^(ع) لتحقيق التراث.
- فیروزان، توفیق، (۱۳۶۰). *روش تحلیل محتوا*. تهران: آگاه.
- کریندورف، کلوس، (۱۳۷۸). *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*. مترجم هوشنگ نائینی، تهران: روش.
- کلینی، محمد، (۱۳۷۷ق). *الکافی*. به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامی.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. مترجم عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ ششم، تهران: توتیا.
- مفید، محمدبن محمدبن النعمان، (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: آل‌البيت.
- موحدابطحی، سید محمدباقر، (۱۳۷۸). *الصهیفة الجامعة لادعیة علی بن موسی الرضا^(ع) و ابنائه الاربعة*. قم: امام الهادی.
- مهدوی‌کنی، سعید، (۱۳۸۷). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». *تحقیقات فرهنگی*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره ۸: ۵۰-۳۴.
- نوری، میرزاحسین، (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: آل‌البيت.
- هندی، ل.بی و دیگران، (۱۳۸۳). *اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان*. مترجم فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، تهران: سازمان ملی جوانان.
- هولستی، آل. آر، (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. مترجم نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- یاوری، وحید، جانی‌پور، محمد، (۱۳۸۸). *تصویرسازی از آینده از منظر شهدای انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی با همکاری مرکز تحقیقات علوم انسانی دانشگاه امام صادق^(ع).
- Adler, a.(1956). *The Individual Psychology of Alfred Adler*. Newyork: Basic Books Inc. American Heriage Dic.

بررسی جلوه‌های بصری عیون اخبار الرضا در فالنامه تهماسبی

مرضیه علی‌پور*

چکیده

در هنر مصورسازی نسخه‌ها که همواره تحت تأثیر تفکر مذهبی هنرمندان و حامیان آنها قرار داشته‌است، بخش عمده‌ای از آنها روایت‌های مربوط به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ایشان را متجلی ساخته‌اند. رویکرد هنرمندان به این مضامین موجب بروز جلوه‌های خاصی از پردازش تمثیلی، نشانه‌ای و انتزاعی در جهت روایتگری نسبت به سایر موضوع‌ها در نگارگری شده است تا مضامین شیعی را به زبان تصویری انعکاس دهند. مهم‌ترین منابع تصویرسازی برای هنرمندان شیعی، کتاب‌های حدیثی مانند عیون اخبار الرضا هستند که به‌ویژه به فضائل و معجزه‌های ائمه اطهار (ع) پرداخته‌اند. یکی از نسخه‌های مصور که به مضامین شیعی پرداخته فالنامه تهماسبی است که در آن، نگاره‌هایی متناسب به امام رضا (ع) احتمالاً با الهام از روایت‌های شیخ صدوق به تصویر درآمده‌اند. این نوشتار ضمن بررسی زندگانی شیخ صدوق، ویژگی‌های نگاره‌های رضوی موجود در فالنامه و نحوه انعکاس روایت‌های رئیس‌المحدثین در آن را به شیوه توصیفی - تحلیلی مطالعه کرده است. براساس پژوهش‌ها، هنر شیعی با بهره‌مندی از آموزه‌های ناب تشیع و عناصر نمادین، تلاش بی‌شائبه فرهیختگان دینی و هنری در دوره‌های مختلف را به نمایش گذاشته است.

کلیدواژه‌ها

شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، نگارگری، مضامین رضوی، فالنامه تهماسبی، هنر شیعی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۴

marzialeipoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲

* کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه هنر تهران

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

مبانی شیعه که در پرتو بهره‌مندی از معارف ناب الهی از زبان رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و با تلاش‌های بی‌شائبه دانشمندانی همچون کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی در مجامع حدیثی معتبر به‌دست علما و فقهای اسلام رسیده، موجب رشد و بالندگی مکتب شیعه و تثبیت جایگاه آن در علوم و فرهنگ اسلامی شده است.

با تحکیم قدرت تشیع و حمایت حاکمان از علمای شیعه، نوشتن رساله‌ها و کتاب‌های اعتقادی و کلامی مذهب اثنی‌عشری گسترش یافت. بر این اساس، نقش کلیدی علمای شیعه امکان آماده‌سازی زمینه‌های حضور پررنگ‌تر فرهنگ تشیع را در دوره تیموری و اوج آن با پذیرش مردم و حاکمیت صفویه در تأکید بر جنبه‌های روحانی و معنوی مذهب شیعه هموار کرد. هنر نگارگری صفویان که از آن دوره به‌عنوان دوره اوج هنرهای اسلامی - ایرانی یاد می‌شود، به کمال معنویت و ظرافتی دست یافت که این روحانیت خاص در نگاره‌های مذهبی صفویه سندی بر یکپارچگی دین و دولت است. در این دوره، آموزه‌های فقهی شیعه که در تاریخ مذهبی اسلام چشمگیرترین و حساس‌ترین مسائل مذهبی به‌شمار می‌روند به‌نحو قابل توجهی توسعه یافتند و برای نخستین بار در جهت گردآوری جوامع حدیثی شیعی تلاش بسیار وسیعی انجام شد و به‌دلیل تسهیل روابط میان شیعیان و کتابخانه‌های آنان در ایران، عراق، جبل‌عامل، بحرین و سایر نقاط جهان اسلام، علما و محققان ایرانی به منابع شیعی فراوانی دسترسی یافتند و سلیقه و هنر صفوی نیز در پیوند مستقیم با عناصری قرار گرفت که طبیعت و ماهیت مذهبی داشتند. بنابراین اوضاع و شرایط سیاسی و تاریخی و از همه مهم‌تر عناصر نمادین دینی در نگاره‌های این دوره از وضوحی کامل برخوردار شدند و شرایط اجتماعی و مذهبی خود را انعکاس دادند.

بر این اساس در میان کتاب‌های شیعی که به زندگانی ائمه اطهار (ع) پرداخته‌اند کتاب *عیون اخبار الرضا* شیخ صدوق به‌دلیل پرداختن به ابعاد مختلف زندگی امام هشتم شیعیان و دقت در جمیع سلسله سند روایت‌ها و طبقه‌بندی احادیث به تناسب موضوع‌های مختلف سیره

رضوی، از استقبال ویژه‌ای در میان هنرمندان شیعی برخوردار بوده، زیرا ازجمله شاهکارهای هنری که در آن به مضامین رضوی پرداخته شده، نسخه *فالنامه تهماسبی* است که در دوره صفویه تصویرگری شده است. احتمال دارد پنج نگاره منتسب به امام رضا^(ع) در این نسخه با الهام از روایت‌های *عیون/ اخبارالرضا* تصویرسازی شده باشند بنابراین این بررسی در پی پاسخگویی به این سؤال‌ها خواهد بود که ساختار و نگرش شیعی نگارگران صفوی چه نقش و تأثیری در مصورسازی این آثار داشته است و آنها از چه نشانه‌ها و نمادهایی برای تصویرگری مضامین روایت‌های این کتاب استفاده کرده‌اند و عواملی مانند ترکیب‌بندی، عناصر بصری و ارتباط تصویری هر نگاره چگونه در خدمت بیان روایت‌های موردنظر قرار گرفته‌اند.

درواقع آنچه بر ضرورت انجام چنین تحقیقی تأکید می‌ورزد، دستیابی به ویژگی و شاخصه‌های نگاره‌های رضوی در نسخه *فالنامه تهماسبی* و بررسی ارتباط میان روایت‌های *عیون/ اخبارالرضا* و نگاره‌های منتسب به امام رضا^(ع) در نسخه *فالنامه تهماسبی* است. ازاین‌رو، این نوشتار ضمن مطالعه زندگانی شیخ صدق، ویژگی‌های نگاره‌های رضوی موجود در این نسخه را تحلیل و بررسی می‌کند.

پیشینه

با وجود اهمیت سیره امام رضا^(ع) در تاریخ اسلام، نگاره‌های محدودی وجود دارند که این موضوع را بازتاب داده‌اند و تاکنون پژوهش منحصربه‌فردی در حیطه نگارگری در این خصوص انجام نگرفته است. به همین دلیل مطالعه نحوه انعکاس این مضمون در نگاره‌های مذهبی دوره‌های مختلف ضرورت می‌یابد.

روش

اساس نوشتار حاضر بر روش توصیفی - تحلیلی استوار بوده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که در ابتدا به بررسی اجمالی زندگی شیخ صدوق و *عیون/ اخبارالرضا* و خصوصیات نسخه *فالنامه تهماسبی* پرداخته و سپس ویژگی‌های نگاره‌های رضوی موجود

❖ در این نسخه و چگونگی ارتباط روایت‌های رئیس‌المحدثین با عناصر بصری موجود در این آثار مطالعه می‌شود.

شیخ صدوق

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، عالم بزرگ شیعه قرن چهارم ق، بزرگ‌ترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم به‌شمار می‌آید که میزان تألیف‌های وی را حدود ۳۰۰ کتاب علمی ذکر کرده‌اند. شیخ الطائفه در کتاب رجال خویش از وی با نام جلیل‌القدر، حافظ حدیث بسیار، آگاه و صاحب بینش نسبت به فقه، احادیث و رجال یاد می‌کند. از آنجایی که صحت اسناد و آراء او مورد تصدیق سایر فقها بوده است وی به «شیخ صدوق» شهرت یافت (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴).

در میان شیعه و سایر فرق اسلامی، حدیثی که مورد تأیید قرآن باشد کاملاً معتبر است. بنابراین علما برای تمیز و تشخیص احادیث سره از ناسره که در اثر افراط و تفریط نادانان به سرنوشت اسفباری دچار شده بود دو علم رجال و درایه را وضع کردند تا در تنقیح سند احادیث تلاش کنند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۲). از جمله بزرگانی که در راه تنقیح، تدوین و دسته‌بندی احادیث عالم تشیع تلاش و مجاهدت کردند، شیخ صدوق بوده که سبک خاصی در انتقال میراث گرانمای علوم اهل بیت^(ع) داشته است. از ابداع‌های وی ضبط اخبار با جمیع سلسله سند است، یعنی اینکه این خبر را هر شاگردی از استاد خود دریافت می‌کرده تا جایی که خبر به امام^(ع) یا پیامبر^(ص) می‌رسید، زیرا در عمل به حدیث، نکته حائز اهمیت، حصول اطمینان از صحت نقل حدیث از امام^(ع) است.^۱ لذا نقش شیخ صدوق و اهمیت شیوه وی اهتمام به مستند بودن احادیث، موثق بودن آن و دسته‌بندی احادیث به تناسب موضوع‌های مختلف

۱. یکی از دلایل بسیار مهم که باعث تأثیر شیخ صدوق بر فقه شیعه گشت، جایگاه علمی و اخلاقی او و اعتمادی است که خواص، علما و عامه مردم به وی داشتند. بسیاری از علما وی را به‌عنوان یکی از ارکان اصیل در حفظ و نشر احادیث صحیح و معتبر آل محمد(ص) می‌دانند. شیخ حر عاملی، محمد بن علی بن بابویه را دانشمندی می‌داند که مهارت خاصی در احادیث آل رسول داشته، در احوال رجال از کمال بینایی و بصیرت برخوردار بوده و در سلسله احادیث، نقادی عالی‌مقام به‌شمار می‌آمده که در شناخت و ثبت اعلام و کثرت معلومات، همانندی نداشته است (بهمن‌پوری، ۱۳۹۲: ۱).

است، از این رو شیخ صدوق به لقب «رئیس المحدثین» شناخته شد. از کتاب‌های معروف وی که هر یک به نحوی در هویت بخشی به فرهنگ فقهی شیعه و معرفی ابعاد هویتی آن با اتکا بر معارف عمیق دریافتی از اهل بیت^(ع) تأثیر شگرفی داشته‌اند، می‌توان به کتاب *التوحید*، *الامالی*، *نواب الاعمال* و *عقاب الاعمال*، *الخصال*، *علل الشرائع*، *عیون اخبار الرضا* و *معانی الاخبار* اشاره کرد.

عیون اخبار الرضا

شیخ صدوق، کتاب *عیون اخبار الرضا* را به پاس زحمات صاحب بن عباد دیلمی - وزیر وقت و حاکم شیعی آن دوره - که در مدح و ستایش امام رضا^(ع) اشعاری سروده بود نگاشته و به او اهدا کرده است^۱ (۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲). این کتاب از مصادر مهم روایی شیعه به‌شمار می‌آید و مانند دیگر آثار شیخ صدوق از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بوده و پس از تألیف آن، همواره مورد استناد کتاب‌های بعدی قرار گرفته است و از مصادر *بحار الانوار* نیز محسوب می‌شود. شیخ صدوق احادیث این کتاب را به تناسب موضوع‌های مختلف، دسته‌بندی و برای هر موضوع باب جداگانه‌ای تنظیم کرده است.

میرداماد در مدح این کتاب چنین سروده است:

عیون اخبار الرضا، جلادهنده‌ای است که زنگار غم را از قلب انسان می‌زداید. در تمام روزگار و در نگاه هیچ بیننده‌ای کتابی مانند این کتاب نگاشته نشده است. هر دانشی که بخواهی در آن است و تو را بی‌نیاز می‌کند. مانند خورشید از نور هدایت می‌درخشد و آرزوی قلب را برآورده می‌سازد (۱۴۰۳ ق، ج ۳۷۶: ۱۵).

نسخه‌خانه توپکاپی‌سرای استانبول

صفویان از ابتدا در صدد تبلیغ مذهب تشیع و نفوذ آن در ذهن مردم بودند. این موضوع

۱. *عیون اخبار الرضا* یعنی چشمه‌های احادیث امام رضا(ع) در عقاید، احکام و مناظره‌ها با مخالفان که به فارسی نیز ترجمه و چندین نوبت چاپ شده است.

❖ در دوره شاه تهماسب تشدید و تثبیت شد و تحولی اساسی در عناصر بصری برای نمایش جنبه‌های مقدس تفکر شیعی به وجود آمد که نقطه اوج آن در *فالنامه تهماسبی* قابل مشاهده است. زیرا به دلیل پیشینه طولانی نقالی و قصه‌خوانی در ایران و توجه حاکمان این دوره به وقایع و حماسه‌های مذهبی و نفوذ آن در میان مردم، انواع شیوه‌های بیان داستان‌های مذهبی رواج یافت (نجم، ۱۳۸۹: ۸۲)

نسخه *فالنامه* با درون‌مایه فال و پیشگویی و به دستور شاه تهماسب اول در قرن ۱۰ ق. تألیف شده است. این نسخه در واقع ترکیبی از نگاره‌ها و متون است که روبه‌روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و متون آن به شرح و پیشگویی تصاویر مربوط می‌پردازد.^۱

از آنجایی که این نسخه از جمله شاهکارهای نفیس هنر شیعی بوده و محتوای آن بر اساس داستان‌های قرآنی و کرامت‌های ائمه اطهار^(ع) شکل گرفته است، بخشی از درون‌مایه آنرا مضامین رضوی، به‌ویژه حضور آن حضرت در ایران تشکیل می‌دهد. نسخه *فالنامه* که متعلق به مکتب نگارگری قزوین بوده، در قطع رحلی بزرگ (۵۹*۴۵ سانتی‌متر) است که مالک دیلمی آنرا به خط فارسی و به قلم نستعلیق کتابت کرد و احتمالاً نگارگری برخی از تصاویر آنرا آقامیرک و عبدالعزیز برعهده داشتند. از این نسخه، ۲۸ مجلس نگارگری وجود دارد که به صورت پراکنده در مجموعه‌های مختلف نگهداری می‌شوند.^۲

نگاره حمام الرضا

مضمون این نگاره، داستان پرآب شدن چاه خشک‌شده محله فروینی بوده که با حضور امام رضا^(ع) و به امر الهی این کرامت رخ داده است. نگارگران صفوی صحنه‌ای از این ماجرا

۱. اگرچه قالب هنر متأثر از قواعد زیبایی‌شناختی است، ولی محتوای آن از ارزش‌ها و اعتقادهای موجود در جامعه نشئت می‌گیرد همچون متن *فالنامه* که توضیح کاملی درباره مضمون نگاره‌ها ارائه نمی‌دهد، زیرا نگارگر با محدودیت‌های مصورسازی متون ادبی روبه‌رو نبوده، بلکه بر اساس تفکر شیعی حاکم بر دوره صفویه به مضامین موردنظر پرداخته است.

۲. در متن نگاره‌ها هیچ قطعه شعری دیده نمی‌شود و از نظر ساختاری، متن با دو بیت شعر آغاز می‌شود و سپس به توضیح نگاره در ۹ سطر می‌پردازد که به فال‌گیرنده برای انجام کار مورد نظرش توصیه‌هایی می‌کند. با توجه به اهمیت عنصر تصادف در فال‌گیری، تصاویر از نظر مفهومی دارای ترتیب خاصی نیستند. متن فال را به امام صادق(ع) نسبت داده‌اند تا به دلیل این انتساب، مقبولیت این عمل را بیشتر جلوه دهند و گرنه طرح این موضوع محل تردید است.

را به نمایش درآورده‌اند که شیخ صدوق آن‌را در کتاب وزین عیون/ اخبارالرضا نقل کرده است (تصویر ۱). هنگامی که حضرت رضا^(ع) وارد نیشابور شدند، در محله‌ای که آن‌را فروینی گویند به حمام رفتند. در کنار حمام فروینی، چاهی در حال خشکیدن بود، حضرت کسی را گماشتند تا آن چاه را لایروبی کنند و بدین ترتیب، آب چاه فراوان شد و بیرون چاه حوضی ساخته شد که آن‌را از آب چاه پر می‌کردند. امام^(ع) در آن حوض غسل کردند و در پشت آن نماز گزارند. مردم نیز به پیروی از ایشان غسل کردند، نماز خواندند، از آن آب به قصد تبرک چند قطره‌ای نوشیده، خداوند عزوجل را ستایش کردند و از درگاه کرمش حاجت خواستند. آن چشمه، کهلان کنونی است که مردم از هر طرف برای تبرک جستن، به‌سوی آن می‌آیند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۰۰).



تصویر ۱. نگاره حمام الرضا، مکتب قزوین، قرن ۱۰ ق، منبع: (Farhad, 2009: 67).

امام رضا^(ع) در این نگاره با قبایی لاجوردی سوار بر شتر در حالی که افسار آن در دستان مبارکشان است ترسیم شده‌اند. هنرمند برای نمایش تقدس این امام همام از روبند و هاله نورانی شعله‌سان برگرد رخسار ایشان استفاده کرده است. حضرت در حالی که سوار بر شتر است با مردی که لباس قرمز به تن دارد در حال گفتگو هستند. احتمالاً مردی که شلوار

❖ خود را بالا زده و بیلی در دست دارد چاه را لایروبی کرده است. ساختمان و دیوارهای حمام به شیوه تزیینات کاشی کاری و اسلیمی های دوره صفویه ترسیم شده است. این بنا همچون معماری اماکن مقدس دارای گنبدی است که ظاهراً عظمت حضور امام^(ع) در آن مکان را به نمایش گذاشته و وجود درخت نشاندهنده خیر و برکت در آنجا است. فردی از دور ناظر بر این ماجراست که احتمالاً در آینده این داستان را روایت می کند. ترسیم ابرهای رحمت الهی در آسمان طلایی، نشانی از رحمت وجود امام^(ع) است که حضور ایشان در هر مکانی همیشه شعبه ای از رحمت الهی است که موجب نزول برکات الهی می شود، همان طور که در این ماجرا حضور ایشان منشأ خیر و برکت برای مردم آن ناحیه شد.

در اینجا نگارگر با ترسیم پرچمی سبزرنگ در پیش روی ناظر داستان، قصد نشان دادن جایگاه امامان معصوم^(ع) را که علم و راهنمای مسلمین هستند، دارد. اگر کعبه عَلمی است که خداوند برافراشته، امام^(ع) نیز پرچم هدایتی است که خداوند نصب کرده تا انسان ها به بیراهه نروند. امامت در فرهنگ اسلامی با همه شئونش که یکی از آنها ولایت و حکومت بر مردم بوده، امری الهی است.

نگاره قدمگاه

این نگاره با توجه به قدمگاه های منسوب به امام رضا^(ع) در نیشابور ترسیم شده است. آنچه احتمال صحت آنها را قوت می بخشد اتفاق هایی است که بر اساس روایت های شیخ صدوق، در زمان حضور امام^(ع) در نیشابور در مناطقی همچون محله فز، مربعه و رباط سعد رخ داده و نگارگر، طراحی، ترکیب بندی و نمادهای بصری را به طرز هوشمندانه و زیبایی در جهت القای مضمون به کار گرفته است^۱ (تصویر ۲).

۱. هم اکنون قدمگاه نیشابور در ۲۶ کیلومتری آن شهر یکی از یادگاری های مستند و مستدل حضور امام رضا(ع) در این شهر است. پس از حرکت از نیشابور در راه به چشمه آبی رسیدند. در کنار آن چشمه، تخته سنگی بود که امام(ع) بر روی آن ایستادند و نماز خواندند که بعدها بر روی آن، بنای یادبودی ساختند که تا به امروز وجود دارد (بسطامی، ۱۳۸۱ق: ۱۹۰). باید توجه داشت که نیشابور در آن زمان از شهرهای آباد و بزرگ خراسان به شمار می آمده و از این رو بعید نیست که مکان فعلی قدمگاه نیشابور که اینک در جاده نیشابور به مشهد واقع شده، آن زمان در خود شهر نیشابور یا در حومه آن بوده است.



تصویر ۲. نگاره قدمگاه، مکتب قزوین، قرن ۱۰ ه.ق، منبع: (Farhad, 2009: 136).

موضوع نگاره در فضایی محراب‌گون، احتمالاً با الهام از محراب زرین فام حرم امام رضا^(ع) معروف به «محراب پیش رو» اجرا شده^۱ و مدخلی زیبا برای ورود به نگاره را به نمایش گذاشته است، زیرا رنگ‌های کاربردی در آن با رنگ‌های درون نگاره هماهنگ‌اند و فضای محراب را به مضمون اصلی نگاره - قدمگاه - پیوند می‌دهد. آنچه در ابتدا توجه بیننده نگاره را به خود جلب می‌کند نقش پاهاست که نشان‌دهنده حضور یکی از اولیای الهی در این مکان است که برای تأکید بر عظمت ولی خدا به صورت اغراق آمیزی به نمایش درآمده‌اند و حالتی نمادین و مقدس دارند^۲ و همچون نقوش موجود در محراب، به دقت با اسلیمی‌ها و

۱. این شاهکار هنری به فرمان عزیزبن آدم و توسط خانواده محمدبن طاهر کاشانی در سال ۶۱۲ ق. ساخته شد و مزین به کتیبه‌هایی به خط ثلث و کوفی است که آیاتی از قرآن را به نمایش گذاشته‌اند. تزئینات محراب دارای برجستگی است که در آن گل‌های اسلیمی و ختایی و رنگ‌های لاجوردی، طلایی و قهوه‌ای جلوه‌نمایی می‌کنند (نجم، ۱۳۸۷: ۹۲).

۲. احتمال دیگر این است که ترسیم نقش پاها با الهام از قدمگاه تلاجرد نیشابور انجام شده باشد، زیرا امام رضا(ع) در حین عبور از نیشابور، به زیارت بقعه امامزاده محمد از نوادگان امام سجاد(ع) معروف به «امامزاده محروق» در تلاجرد رفته‌اند (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۲۱۱). این مرقد شریف مطمئناً یکی از قدمگاه‌های امام هشتم(ع) بوده که بر دیوار این حرم مقدس، سنگی با اثر دو جای پا نصب شده است که در این اثر پاها از سنگ قدمگاه کوچک‌تر هستند و به اعتقاد مردم، اینها جای پای امام رضا(ع) هستند که در این قدمگاه در سال ۱۱۱۹ ق. در عصر شاه سلطان حسین صفوی بازسازی شده و سلطان دو رشته قنات وقف آن کرده است (گرایی، ۱۳۵۷: ۳۴۲-۳۴۱).

❖ ختایی‌های دوره صفویه، نقش‌پردازی و زرافشانی شده‌اند (احتمالاً هنرمند برای تأکید بر عظمت جایگاه قرآن ناطق در میان مردم، این عنصر شمایی و نمادین از حضور امام^(ع) را همچون قرآن با نقش مایه‌های تذهیب تزیین کرده است). تصور بر این است که نقش پاها با پنج انگشت، نماد شیعیاست که نشان‌دهنده اهمیت امامت ۱۲ امام^(ع) است.^۱ با توجه به اسلیمی و گل‌های درون محراب و تجلی‌گاه امام^(ع) - نقش پاها - می‌توان به ظرافت و پیچیدگی نقوش کاربردی دوره صفوی پی برد. رنگ اصلی نقش مایه‌های این نگاره، زرد طلایی و لاجوردی است ولی به دلیل کاربرد رنگ لاجوردی در محراب کناری و نماد پاها، غلبه رنگی با این رنگ بوده و پس از رنگ طلایی، قرمز شنگرف جلوه خاصی به نمود رنگ لاجوردی داده است.

بنابراین نشانی از پیوند امام^(ع) با محراب - محل درخشش پرتو الهی و دروازه‌ای به سوی بهشت - به زیبایی به تصویر کشیده شده است، زیرا ایشان به عنوان قبله عالم هستی با محراب نماد کعبه - قبله مسلمانان - ارتباط معناداری دارد. از مرکز سقف محراب قندیل طلایی رنگی آویزان است^۳ و یک رحل با قرآن گشوده و شمعدان و صندوقچه‌های نگهداری قرآن نیز در صحن محراب همچون سایر اماکن مقدس شیعیان مشاهده می‌شود. ظاهراً ترسیم قرآن گشوده در اینجا نمادی از حضور قرآن ناطق یعنی امام هشتم^(ع) بوده و ترسیم قندیل که جایگاه نور است نیز به آیه ۳۵ سوره نور اشاره‌ای دارد که ۱۴ معصوم^(ع) را انواری منشعب از نور الهی

۱. تصور بر این است که این نقش با الهام از نگاره خیر، دست فاتح علی(ع) به نمایش درآمده باشد، زیرا این فتح مهم‌ترین پیروزی مسلمانان بود که جانشینی علی(ع) را قطعی کرد و همچنین این نماد نشان‌دهنده اهمیت امامت ۱۲ امام(ع) بوده و همچنین این نمادی از پنج تن آل عبا(ع) است (Farhad, 2009: 123).

۲. همچنان که بر اساس حدیثی از حضرت فاطمه(س) امام به مثابه کعبه است و مردم وظیفه دارند به سوی وی بشتابند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ۳۵۳).

۳. نور و روشنایی تجلی هستی، حقیقت و منشأ حیات بوده، به همین دلیل یکی از اسماء الهی «نور» است. «نور» یعنی چیزی که هم خودش روشن است و هم سبب روشنایی اشیای دیگر می‌شود. ابزار و وسایل روشنایی از جمله اشیایی هستند که با نور در ارتباط بوده و به منظور برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی بشر ساخته شده‌اند مانند قندیل‌ها که به دلیل کاربرد در اماکن متبرکه و مساجد در میان سایر وسایل روشنایی از اهمیت بالایی برخوردارند. قندیل‌ها با نقوش اسلیمی و کتیبه‌های خطی از آیه ۳۵ سوره نور، دعای «نادعلی» و اسماء ۱۴ معصوم(ع) و نقوش شمسهای تزیین می‌شدند.

معرفی می‌کند و به دلیل ولایت بر مردم در امتداد ولایت پروردگار، بشریت را به راه مستقیم رهنمون می‌شوند.^۱ ترسیم درختچه‌هایی در محراب نیز می‌تواند نمایی از بهشت را ارائه دهد که با حضور ائمه^(ع) در هر جا، آن مکان سرشار از خیر و برکت - گوشه‌ای از جنت - می‌شود.^۲ یا اینکه محراب دروازه‌ای از بهشت است.^۳ در دو سمت، نقش پاها و درون محراب دو نفر به قرینه - همچون قرینه‌نگاری در اکثر نگاره‌های *فالنامه* - در حال راز و نیاز و به نیت زیارت در این مکان حضور یافته‌اند. خارج از محراب و در پایین نگاره چهار مرد و در طرفین آنها دو زن در پیش زمینه نگاره در حال عبادت ایستاده‌اند و دست‌هایشان را در حین دعا بلند برده‌اند. دو نفر نیز برای زیارت و ادای احترام و نزدیکی بیشتر به رب‌العالمین در حال سجده هستند. حالت حضار نمایانگر این است که اینان کسانی هستند که درخواست و حاجتی دارند و برای طلب شفاعت امام^(ع) به درگاه الهی برای رفع گرفتاری‌هایشان به این مکان مقدس روی آورده‌اند، زیرا ولایت کلیه و مطلقه ائمه^(ع) همان‌طور که در سلسله تکوین و ایجاد عالم تمام اثر را دارد، در ناحیه صعود و وصول نیز ضرورت می‌یابد.

نگاره زینب کذابه و درندگان

مضمون اصلی این نگاره، بیان عظمت جایگاه ولایت و احاطه امام معصوم^(ع) به امر الهی

۱. آیه ۳۵ سوره نور با یک بحث توحیدی آغاز و در ادامه به «ولایت الله» شاخه‌ای از توحید می‌پردازد و در قالب معرفی مثل‌های نور خدا (اولیاء الله^(ع)) که عهده‌دار هدایت اویند و ولایت الهی را در مسیر هدایت به‌سوی نور به‌کار می‌گیرند توضیح می‌دهد. بر این اساس مؤمنان به‌واسطه اعمال صالحه خود به نوری از پروردگارشان هدایت می‌شوند که نتیجه‌اش معرفت خداوند سبحان است و آن نور آنان را به بهترین جزاء و فضل از خدای تعالی سلوک می‌دهد. *قرآن کریم* این امر هدایت را در آغاز برای خدای رحمان می‌داند و درصدد معرفی مثل‌های نور خدای رحمان - ۱۴ معصوم (ع) - که هادیان امت اسلامی به‌سوی نور هستند است. خداوند، مقام ولایت را به رسول (ص) عنایت فرموده است تا با ولایت الهی بتواند، امت ایمانی را از ظلمت‌ها برهاند و به نور امنیت برساند. این مقام ولایت و راهبری الهی به‌سوی نور و امنیت پس از پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین (ع) و سپس به یکایک امامان معصوم (ع) منتقل شده است (عروسی‌حویزی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۵۶).

۲. ولایت رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) از آثار و خصائص آنان و تطبیق آن کلیات مذکوره با احوال عرفانی و ملکات الهی ایشان مشهود و ظاهر است و این فقط از دو راه است: اول از نصوصی که از مقام ولایت مسلمه رسیده است و دوم از معجزه‌ها و کرامت‌هایی که از سوی ولی خدا می‌تواند سرزند و از غیر واجد مقام ولایت، محال است، همچون احیاء مردگان.

۳. احتمالاً نگارگر با توجه به آیات ۲۷ تا ۳۲ سوره واقعه به درخت سدره المنتهی در بهشت اشاره کرده است که اصحاب سعادت در زیر آن می‌نشینند.

بر تمام موجودات و انسان‌ها اعم از حیات و ممات‌شان است و اینکه تعرض به این ساحت مقدس عواقب ناگواری در پی دارد. احتمال دارد نگارگر با توجه به روایت‌های شیخ صدوق درباره «نماز باران امام رضا^(ع) و حاجب‌امون» و «امام هادی^(ع) و شعبده‌باز» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۷۰-۱۶۷) برای نمایش این درون‌مایه تحت تأثیر احادیث کتاب کشف‌الغمه به نقل از مطالب السوول، داستان «زینب کذاب و درندگان» را به تصویر کشیده باشد^۱، البته این امر را می‌توان به دلیل ترویج این کتاب در عهد شاه‌تهماسب نیز تصور کرد^۲ (تصویر ۳).



تصویر ۳. نگاره زینب کذاب و درندگان، مکتب قزوین، قرن ۱۰ ق، منبع: (Farhad, 2009: 170).

بر اساس این روایت از کشف‌الغمه، زنی به نام زینب مدعی بود که از ذریه حضرت فاطمه^(س) است. وقتی امام رضا^(ع) این خبر را شنیدند، آن زن را احضار و تکذیب کردند و

۱. اثر نفیس کشف‌الغمه فی معرفه‌اللائمه تألیف علی بن عیسی اربلی (م. ۶۹۲ ق.) از آغاز عصر صفویه مورد توجه دانشوران قرار گرفته و تنها در عهد شاه تهماسب اول، سه بار ترجمه شده و برای نخستین بار نعمت‌الله بن قریش رضوی حسینی مشهدی، به این مهم پرداخته است.

۲. روایت زینب کذاب و درندگان درباره امام رضا^(ع) در کتاب کشف‌الغمه، ۱۳۶۴، ج ۳: ۷۱ از مطالب السوول: ۸۵ آمده است، همچنین این حکایت را به امام جواد^(ع) با مختصر تفاوت در مختارالخرائج: ۲۱۱ - ۲۱۰ و اثبات‌الهدایه: ۳۵۳ و نیز به امام هادی^(ع) در اثبات‌الهدایه، ۳۷۵ ح ۴۳ نسبت داده‌اند.

فرمودند: «این زن دروغ‌گو و سفیه است.» زینب در کمال وقاحت به حضرت گفت: «همان‌طور که تو اصل و نسب مرا ردّ می‌نمایی، من نیز سیادت و نسب تو را تکذیب می‌کنم.» امام^(ع) جریان را برای حاکم بازگو کردند و چون زینب کذب را نزد حاکم آوردند، حضرت فرمودند: «چنانچه او راست می‌گوید، او را نزد درندگان بیندازید تا حقیقت بر همگان روشن شود. چون درندگان به نسل زهرا^(س) گزند نمی‌رسانند.» در این هنگام آن زن امتناع کرد و گفت: «اول خودت نزد درندگان برو، اگر حقّ با تو بود که سالم بیرون می‌آیی.» حضرت رضا^(ع) بدون آنکه سخنی بگویند به سمت «برکه السباع» حرکت کردند تا حقیقت امر ثابت شود. در حالی که مردم از بالای برکه نگاه می‌کردند امام^(ع) وارد برکه شدند. پس هنگامی که حضرت نزدیک درندگان رسیدند، تمامی آنها متواضعانه روی دم‌های خود نشستند، حضرت، یکایک آنها را نوازش کردند و سپس با سلامتی خارج شدند. آنگاه به حاکم فرمودند: «اکنون این زن دروغ‌گو را نزد آنها بفرست تا دروغ او برای عموم روشن شود.» علی‌رغم التماس زن، او را به اجبار وارد آن محل کردند. با ورود زینب به داخل آن برکه، درندگان از هر طرف حمله کرده او را دریدند و بدون آنکه خونی بر زمین ریخته شود، نابودش کردند.

ظاهراً این تصویر به دو بخش تقسیم شده زیرا رنگ‌آمیزی کاربردی در صحنه پایینی متمایل به قرمز است و همچنین نقوش پرچین‌مانندی که در پایین صحنه بالایی مشاهده می‌شود احتمالاً برای بخش پایینی تصویر بوده است. در صحنه بالایی، نگاره چهره امام^(ع) با رویند و هاله‌ای از نور شعله‌سان پوشانده شده است. نگارگر برای نمایش سادگی پوشش امام^(ع) نوع دستار ایشان را مشابه سایرین ترسیم کرده و فقط ادامه دستار را در اطراف چهره‌شان رسم کرده و در طراحی نقوش لباس امام رضا^(ع) از شیوه دوره صفوی پیروی کرده است. احتمالاً ترسیم حضرت در میان دو ستون به دلیل تأکید بر مقام و جایگاه شخصیت ایشان نسبت به سایر حضار انجام شده است. در مقابل امام^(ع) فردی با پوشش قرمز، عبایی سرمه‌ای و تاجی بر سر ایستاده است. وجود کمر بند طلایی و انگشترهایی در دست او، نمایانگر مقام

❖ سلطنت و حرکت دست وی نمایانگر مکالمه‌اش با حضرت رضا^(ع) است. در این تصویر نیز همچون سایر نگاره‌های مکتب قزوین شیوه قرینه‌نگاری مشاهده می‌شود، چنانچه افرادی در دو طرف پشت امام^(ع) ایستاده‌اند و برخی با تعجب در حال اشاره به برکه شیران، به سمت پایین نگاه می‌کنند.

نحوه طراحی و معماری سرستون‌ها، نشان از اتفاق ماجرا در قصر حاکم شهر را دارند. ظاهراً نگارگر با رسم ستونی به رنگ قرمز خواسته ارتباط میان دو صحنه بالا و پایین را حفظ کند یا اینکه برای ایجاد تناسب رنگی، یکی از ستون‌ها قرمز شده است تا هماهنگی لازم در رنگ‌آمیزی ایجاد شود. در صحنه پایینی، زنی با پوشش قرمز در برکه شیرها در حال کمک خواستن از دیگران است که چهارشیر به او حمله کرده‌اند و در حال دریدن وی هستند. این صحنه در نمایی محراب‌گون ترسیم شده است، احتمالاً نگارگر بدین ترتیب خواسته تأکید کند که هر که بخواهد به ساحت ولایت تعرض کند مورد عذاب الهی قرار می‌گیرد، چون محراب نمادی از کعبه بوده و مثل امام بسان کعبه است که کسی اجازه ورود به چنین ساحتی را ندارد. در دو طرف این صحنه، دو نفر با تعجب و متحیر در حال تماشای این حادثه هستند. انتخاب رنگ کاشی‌کاری کف قسمت برکه شیران و ستون‌های جانبی موجب تمایز این صحنه از سایر بخش‌ها شده است، زیرا سایر قسمت‌ها مانند صحنه بالایی دارای کاشی‌کاری آبی رنگ هستند. در اینجا نگارگر با انتخاب رنگ قرمز هماهنگی لازم با رنگ طلایی شیرها را به‌وجود آورده و پوشش دو نفر در اطراف برکه شیرها نیز متناسب انتخاب شده است. نکته شایان توجه این است که در برکه شیران، شیرری در آنجا ترسیم شده که دقیقاً زیر پای امام رضا^(ع) و در حالت کرنش در مقابل پای ایشان است. احتمالاً نگارگر با نمایش آن، خواسته گوشه‌ای از صحنه‌ای که امام^(ع) وارد قفس شیران شده و با احترام از آن خارج شده را نیز نمایش دهد، اما متأسفانه به دلیل تقسیم نگاره به دو بخش نمایش، این موضوع از بین رفته است. همچنین احتمال دارد هدف از ترسیم قفس شیران نمایش بخش دیگری از ماجرا - حکایت شیر ضعیف - باشد که در برخی از روایت‌ها نقل

شده است.^۱

هنرمند در این نگاره، با رسم صحنه دریدن زینب کذابه در پیش‌زمینه، ضمن تأکید بر عدم تعرض به ساحت اهل بیت^(ع) خواسته است جایگاه امام^(ع) را فوق دروغيان نشان دهد. اگرچه حاکم شهر در کنار امام^(ع) ترسیم شده، اما هنرمند خواسته صحنه شکایت از چنین فردی را در دارالحکومه نشان دهد که افراد نبايستی آزادی چنین کارهایی را داشته باشند و احتمالاً مقام ولایت با طرح این موضوع در نزد حاکم و اطرافیان وی خواسته جایگاه و شأن اهل بیت رسول^(ص) را دوباره گوشزد کند تا عبرت آنها و سایرین شود.

نگاره نجات مردم در دریا توسط امام رضا^(ع)

این نگاره مفهومی و مهم، نشان‌دهنده اعتقاد شیعیان به توسل است که از قرآن کریم و سنت شریف نبوی نشئت می‌گیرد. چنانچه حضرت رضا^(ع) از پیامبر^(ص) نقل می‌فرمایند: «هر کس، از امامان اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است و هر کس از آنان سرپیچی کند، همانا خدا را نافرمانی کرده است. آنان دستگیره محکم و وسیله به سوی خدایند»^۲ (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۶۲: ۱). احتمال دارد نگارگران فالنامه با توجه به این روایت و دعای توسل شیخ صدوق، برای نمایش موضوع توسل، این فراز از دعای توسل دیگر کفعمی را که بایستی در سفرها به امام هشتم شیعیان توسل کرد^۳ به تصویر کشیده‌اند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ

۱. وقتی که امام(ع) برای رسوا کردن زینب کذابه وارد جایگاه حیوانات و درندگان وحشی شد، در میان درندگان، شیری مریض بود که در گوش مبارک آن حضرت، چیزی زمزمه کرد. سپس امام(ع) به شیری که از تمام شیرها و درندگان بزرگ‌تر بود با اشاره چیزی فرمودند و آن شیر سر اطاعت بر زمین سائید. چون حضرت از آنجا بیرون آمدند حضار گفتند: «آن شیر ضعیف با شما چه گفت و شما به آن شیر چه فرمودید؟» امام^(ع) فرمودند:

آن شیر ضعیف نزد من شکایت کرد که: «من ضعیف هستم و چون غذا پیش ما می‌اندازند، به‌علت ازدحام درندگان و قدرتمندتر بودن آنها، من قادر به خوردن غذا نیستم، تقاضا مندم که در مورد من به شیر بزرگ سفارش بفرمائید.» من نیز به آن شیر اشاره کردم و او پذیرفت (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵).

۲. از آنجایی که هر یک از امامان(ع) مظهر یک اسم خاص از اسمای حسنای الهی و اسم اعظم هستند، بهتر است در حین توسل به ۱۴ معصوم(ع) به نوع مظهریت و تجلیات ویژه آنها توجه شود.

۳. شیخ تقی‌الدین ابراهیم جعی، معروف به کفعمی است. وی عالم، محدث، ادیب، شاعر و از بزرگان شیعه در قرن نهم ق. بود که در علوم ادبیه و سایر علوم تبحر کافی داشت و تألیف‌های بسیار زیادی از او به‌جا مانده است. از جمله آثار وی کتاب *البلد الامین و*

مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا سَلَّمْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ أَسْفَارِي فِي الْبَرَارِي وَالْبَحَارِ وَالْجِبَالِ وَالْقِفَارِ وَالْأَوْدِيَةِ وَالْغِيَاضِ مِنْ جَمِيعِ مَا أَخَافُهُ وَأَحْذَرُهُ إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ^۱ (تصویر ۴).

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳



تصویر ۴. نگاره نجات مردم در دریا توسط امام رضا^(ع)، مکتب قزوین، قرن ۱۰ ق،
منبع: (Farhad, 2009: 132).

این تصویر، حضور یکی از ائمه^(ع) را در حال کمک به مردم سراسیمه و پراکنده در دریا نمایش می‌دهد که در چنگال دیو وحشتناکی گرفتار شده‌اند. در این نگاره، امام رضا^(ع) با لباس سبز و فاخر، سوار بر اسبی آبی‌رنگ با زینی تشریفاتی، شمشیری بر کمر مبارک و نیزه‌ای در دست در مقابل دیوی شیطن‌آمیز و غیرعادی ترسیم شده‌اند.^۲ چهره حضرت با

→ الدرع الحصین من الادعیه والاعمال والاوراد والاذکار است که از کتاب‌های مشهور و معتبر دعا، آداب دینی و امور عبادی است که تاکنون مورد توجه عموم عباد به‌خصوص دانشمندان بوده و یکی از منابع کتاب بحار الانوار مجلسی و مفتاح الجنان شیخ عباس قمی محسوب می‌شود.

۱. «خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت رضا، علی بن موسی (درود خدا بر او) که مرا در همه مسافرت‌هایم در خشکی‌ها، دریاها، کوه‌ها، بیابان‌های خشک، دره‌ها و بیشه‌ها از آنچه می‌ترسم و پرهیز دارم در امان بداری، همانا تو مهربان و مهربورزی.»
۲. موجودات دیوسان در تخیل مردم ایران به‌منزله دشمن قهرمانان نیک از جایگاه خاصی برخوردارند. اصولاً نبرد با دیوها یکی از ویژگی‌های قهرمانان قصه‌های عامیانه ایرانی است که با شخصیت‌های مذهبی برای بالا بردن مقام و قدرت آنها درآمیخته شده است.

پوششی سفید و هاله‌ای شعله‌سان احاطه شده و در حالی که نیزه را به شکم دیو بزرگ و نارنجی‌رنگ با چهره‌ای خشمگین فرو کرده، مشاهده می‌شود. هنرمند، اندازه دیو را بسیار بزرگ‌تر از امام^(ع) نشان داده تا بر اهمیت کار ایشان بیافزاید. دیو مضطرب و سرکش با یک دست، فردی را بالای سرش می‌چرخاند و با دست دیگر نیزه را گرفته است. شدت خشم این موجود وحشتناک، با ترسیم خروج شعله‌هایی از چشمان و دهانش نمایش داده شده است. در این نگاره، افرادی که اسیر چنگال موجودات وحشی شده‌اند به‌صورتی بی‌تناسب و بدون دقت مجسم شده‌اند ولی تصویر هیولا، امام^(ع) و مرکبش، با دقت و ارائه جزئیات مصور شده‌اند تا بر اهمیت این ماجرا تأکید کنند، زیرا مضمون اصلی نگاره، مبارزه امام رئوف با دیو برای نجات مردم است.^۱ افراد، وحشت‌زده، سراسیمه و عریان دنبال پناهگاه هستند و از حضرت کمک می‌طلبند. نگارگر از حیث تصویری، برای نمایش مفهوم توسل به امام^(ع) جهت رهایی از دست دیو، فردی را در حالتی که دست به نعلین و رکاب اسب حضرت می‌ساید و طلب کمک می‌کند نشان داده است. عده‌ای نیز در حین گریز از دست شیطان دیوصفت، به سمت امام رئوفی که عنایت و لطف ویژه‌ای بر مبتلایان و بیچارگان دارد^۲ و در مهربانیش کوچک‌ترین ناملایمتی دامن‌گیر آنها نمی‌شود، پناه می‌برند و متحیرانه به مبارزه امام رضا^(ع) با دیو می‌نگرند.^۳

۱. اولین بار در کتاب *عیون اخبار الرضا* شیخ صدوق این لقب آمده و بعد از آن توسط دیگران استفاده شده است. صاحب *نجم‌الثاقب* می‌نویسد: «برای رهایی از هر گرفتاری به‌مخصوص صحت و سلامتی در سفر، به امام رضا(ع) متوسل شوید».

۲. طباطبایی، رأفت را مختص اشخاص مبتلا و بیچاره می‌داند، ولی رحمت در اعم از آن (بیچاره و غیر بیچاره) استعمال می‌شود (۱۴۱۷ق، ج: ۱، ۳۲۵). مصطفوی نیز رأفت را لطف و رحمتی تصور می‌کند که وقوع درد و ناراحتی را بر نمی‌تابد، هر چند آن درد و ناراحتی به مصلحت فرد باشد؛ اما رحمت، صرف عطا و مهربانی کردن است. مهربانی کردنی که گاهی با درد و ناراحتی فرد نیز همراه است مانند لطف و رحمت جراح به بیمار علاقه‌مند به بهبودی (۱۳۶۰، ج: ۴، ۶). در زیارتی از امام جواد(ع) نقل شده است: «سلام بر امامی که بر مبتلایان و بیچارگان عنایت و لطف ویژه دارد و در این مهربانیش کوچک‌ترین ناملایمتی دامن‌گیر آنها نمی‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج: ۹۹، ۵۵). طباطبایی معتقد است، رأفت امام رضا(ع) بیشتر حسی است، یعنی زائر چه در زمان حیات ایشان و چه بعد از شهادت، این رأفت را حس می‌کند. رئوف لقبی است که بعد از شهادت امام(ع) به آن حضرت داده شده و دلیلش شهرت ایشان به برآوردن حوائج زائران است.

۳. پیش‌زمینه تباهی و گمراهی در دریای تصویر، می‌تواند یادآور توصیف روز جزا نیز باشد. این شگردهای نسبتاً کوچک، از حیث مدیریت صحنه و فضا، بعضاً چشمگیر و کم‌نظیر است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۵). با فرض اینکه این نگاره می‌تواند نمایی از صحنه قیامت تصور شود نگارگر نجات در آنجا را نیز متضمن توسل به امامان معصوم(ع) نشان داده است.

در نگاره، نمایی از صخره‌ها و طبیعت سرسبز و پرشکوفه به شیوهٔ مکتب قزوین مشاهده می‌شود که دو میمون در حال نزاع یا کمک به یکدیگرند و احتمالاً خبر از وقوع این حادثهٔ مهم را می‌دهند یا اینکه آنها را نمادی از مبارزهٔ امام^(ع) با دیو نیز می‌توان تصور کرد، زیرا دقیقاً در پس‌زمینه و میان امام^(ع) و موجود افسانه‌ای قرار دارند و هاله‌های نورانی اطراف چهرهٔ امام^(ع)، چشم را به طرف آنها هدایت می‌کند. در بخش دیگری از تصویر، دو پرنده بر روی شاخسار درخت چناری نشسته و پرنده‌ای نیز بر صخره‌ای ایستاده است. اگرچه این‌گونه طراحی در اکثر نگاره‌های این مکتب دیده می‌شود ولی وجود آسمانی طلایی با ابرهای صورتی را می‌توان نشانی از رحمت وجودی امام^(ع) نیز تصور کرد.

نوع گزینش رنگ‌های نگاره که نمادی از خصوصیات درونی پیکره‌هاست، نشاندهندهٔ آگاهی هوشمندانهٔ نگارگر نسبت به روان‌شناسی رنگ‌هاست. بنابراین بعضی رنگ‌ها نماد زمینی و برخی، صفات روحانی و ملکوتی را نشان می‌دهند. لباس حضرت رضا^(ع) با توجه به ایمان و اعتقاد ذاتی‌اش به رنگ روحانی سبز است که قرآن کریم این رنگ را رنگ بهشتی می‌داند و در اینجا نماد دسترسی به قرب الی‌الله است.^۱ در حالی که رنگ نارنجی متمایل به قرمز جاذبهٔ تمایل‌های زمینی، تهاجم و بیان‌کنندهٔ هیجان و شور بوده که نمادی از وسوسهٔ شیطانی است و تقریباً تنها رنگ گرم کل این نگاره است. بنابراین رنگ نارنجی تمام توجه بیننده را جلب می‌کند، ولی نگارگر با کاربرد هوشمندانهٔ آن در بخش‌های مختلف نگاره از شدت آن کاسته و با سایر بخش‌های نگاره هماهنگ و مرتبط کرده است. احتمالاً انتخاب آبی که رنگی آرام و درونگراست و توجه بیننده را به‌سوی خود می‌کشد نشانی از ایمان صاحب خویش دارد.^۲ همچنان که رنگ آبی در هنر کهن گرا به‌منزلهٔ رنگ فضایی، الهی و آسمانی تعبیر می‌شد و به معنای رحمت الهی نیز بیان شده است (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷: ۱۶۴). احتمالاً این دیو دهشتناک را می‌توان نمایی از زندگی دنیوی نیز تصور کرد که مردم را به

۱. از دیرباز رنگ سبز در ایران تقدس داشته است (بقره ۱۲۸) و پس از اسلام رنگ ولایت، عصمت و طهارت و در یک کلام «صبغه الله» است (درخشانی، ۱۳۸۴: ۶).

۲. بر اساس حدیثی از امام صادق(ع): «رنگ آبی، چشم را به خود متوجه و موجب تقویت آن می‌شود».

ضالالت می‌کشاند، زیرا در بخشی از نگاره، موجودی افسانه‌ای که زن و مردی بر آن سوارند و در حالی که بقیه در حال فرار از دست دیو هستند آنها شادی کنان به سمت وی می‌روند بدون دانستن خطری که از جانب وی آنها را تهدید می‌کند.

نگاره زیارت امام رضا^(ع)

این نگاره به حضور در بقعه شریف امام رضا^(ع) همراه با اکرام و تجلیل از ایشان و رعایت آداب خاص زیارت تأکید می‌کند. در تفکر شیعی، زیارت معصومان^(ع) بعد از مرگ آنها، مساوی با زیارت‌شان در حال حیات معرفی شده است. به روایت شیخ صدوق، امام رضا^(ع) در سفر خویش از مدینه به مرو، در باغ یا کاخ حمیدبن قحطبه - جایی میان نوغان و سناباد - اقامت کردند. وقتی امام هشتم^(ع) نزد قبر هارون رفتند، با دست خویش خطی بر یک طرف قبر کشیدند و فرمودند: «اینجا تربت من است. من همین جا دفن خواهم شد و خداوند به‌زودی این مکان را محل رفت و آمد شیعیان و دوستان من قرار خواهد داد. به خدا سوگند! اگر شیعه‌ای مرا زیارت کند و بر من درود فرستد، شفاعت ما اهل بیت و غفران خداوند بر او واجب می‌شود.» پس نماز گزارند و دعا کردند و سپس سر بر سجده‌ای طولانی نهادند.^۱ بنابراین کسانی که سختی و دوری راه را تحمل کرده و به زیارت حرم رضوی در طوس می‌روند به ثواب زیارت پیامبر اکرم^(ص) نیز نائل می‌شوند^۲ (تصویر ۵).

۱. امام رضا(ع) فرمودند: «کسی که با دوری راه، مزارم را زیارت کند، روز قیامت در سه جا نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقع‌ها رهایی خواهم بخشید، هنگامی که نامه‌های اعمال از جانب راست و چپ پخش می‌شود، نزد صراط و نزد میزان (هنگام سنجش اعمال)» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۵۵).

۲. امام هشتم(ع) فرمودند:

همانا در سرزمین خراسان بقعه‌ای است که زمانی محل رفت و آمد فرشتگان می‌شود، مرتب فوجی از فرشتگان فرود می‌آیند و فوجی به‌سوی آسمان پرواز می‌کنند تا روزی که در صور دمیده شود. از آن حضرت پرسیدند که ای فرزند رسول خدا(ص) این بقعه کدام است؟ فرمودند: آن بقعه در سرزمین طوس است و به خدا سوگند آن گلزاری از گلستان‌های بهشت است، هر کس مرا در آن مکان زیارت کند، اجرش همانند کسی است که رسول خدا(ص) را زیارت کرده است و خداوند متعال برای او ثواب هزار حج مبرور و صحیح و هزار عمره مقبول و درست بنویسد و من و پدرانم، شیعیان او در روز قیامت باشیم (همان: ۲۵۶-۲۵۵).



تصویر ۵ نگاره زیارت امام رضا^(ع)، مکتب قزوین، قرن ۱۰ ق، منبع: (Farhad, 2009: 251).

آنچه در ابتدا توجه بیننده این نگاره را به خود جلب می‌کند نمایش صحنه زیارت افرادی است که بر مزار شریف یکی از اولیاءالله در حال عبادت هستند. موضوع این نگاره در فضایی محراب‌گون اجرا شده و عناصر بصری آن با تزیینات روی صندوق مشبک مرقد امام^(ع) هماهنگ است و فضای محراب را به مضمون اصلی نگاره - زیارت امام رضا^(ع) - پیوند می‌دهد. با توجه به اسلیمی و ختایی‌های زرافشانی‌شده درون محراب و تجلی‌گاه امام^(ع) - صندوق روی مزار - می‌توان به شاهکارهای دوره صفوی پی برد که به زیبایی ارتباط امام^(ع) با محراب را به تصویر کشیده‌اند. رنگ اصلی نقش‌مایه‌های محراب، طلایی و لاجوردی است، ولی کاربرد رنگ نارنجی در بخش‌های مختلف نگاره جلوه خاصی به تصویر داده است. از مرکز سقف محراب، قندیل طلایی‌رنگی آویزان است که احتمالاً با الهام از نقوش محراب پیش‌رو ترسیم

۱. پیامبر(ص) فرمودند: «پاره‌ای از پیکر من در خراسان دفن خواهد شد، هر گرفتاری که او را زیارت کند، خدا ناراحتی او را برطرف سازد و هر گنجه‌کاری که به زیارت او رود، خداوند گناه او را ببخشد» (همان: ۲۵۷).

۲. بر مرقد مطهر امام هشتم(ع)، علاوه بر سنگ قبر، صندوقی نیز تعبیه شده بود. قدمت نخستین صندوقی که بر مزار حضرت قرار گرفت به اوایل سده ششم ق. برمی‌گردد. زمانی که انوشیروان زرتشتی از اهالی اصفهان در پی مشاهده کرامتی از امام رضا(ع) در سال ۵۰۰ ق. مسلمان می‌شود، صندوق چوبی با روکش نقره بر مرقد مطهر حضرت نصب می‌کند (احتمالاً صندوق موجود در نگاره نیز به متابعت از این صندوق ترسیم شده، زیرا این صندوق تا زمان شاه عباس صفوی که تعویض شد وجود داشته است).

شده است اما بیرون محراب و در روضه منور رضوی، بالای مزار مطهر دو قندیل با شعله‌های مشتعل به نمایش درآمده‌اند. کف این محل با کاشی‌های شش ضلعی پوشانده شده است و بر روی دیوار محراب نیز سه پنجره مشبک مشاهده می‌شود که بر فراز آنها دو پرده نارنجی و قرمز رنگ مزین به نقوش دوره صفویه نصب شده است. احتمالاً این پنجره‌ها نشانگر پنجره مشبک و نقره‌ای هستند که بین دارالسیاده و مسجد بالاسر قرار دارد که از آنجا ضریح مقدس نمایان است.^۱ همچنین در محراب، فرش با طراحی دوره صفویه نیز زینت‌بخش این نگاره شده است.

ترسیم صندوقی چوبی با تزیینات طلایی بر مرقد امام هشتم شیعیان در مرکز نگاره که زوار در اطراف آن در حال زیارت هستند^۲ و یک رحل با قرآن گشوده بر روی آنکه ظاهراً نمادی از حضور قرآن ناطق، امام هشتم^(ع) است و دو شمعدان مرصع با نقوش دوره تیموری و یک شمعدان ساده نیز همچون سایر اماکن مقدس شیعیان در این تصویر مشاهده می‌شود. در سمت چپ نگاره، چهار زائر در حال راز و نیاز و به نیت زیارت در این مکان به نمایش درآمده‌اند و پوشش آنها از پوشاک دوره صفویه تبعیت کرده است.^۳ یکی از آنها بر اساس آداب زیارت مضجع شریف را در آغوش گرفته و در حال راز و نیاز^۴ و دیگری مشغول

۱. این بنای مجلل، از قدیمی‌ترین رواق‌های روضه منوره است که در غرب و جنوب غربی حرم مطهر از شمال به جنوب امتداد دارد. نام‌گذاری این رواق به دارالسیاده از آن جهت است که محل اجتماع سادات و منسوبان به خاندان علی(ع) بوده که در آنجا جمع می‌شدند و در همه امور مربوط به آن خاندان بزرگ با یکدیگر مشورت می‌کردند. گروهی از مورخان، رواق دارالسیاده را از بناهای گوهرشاد همسر شاهرخ تیموری می‌دانند که در اوایل قرن نهم، هم‌زمان با مسجد گوهرشاد ساخته شده است. در دو طرف آن پنج صفا وجود دارد که عرض بنا را متفاوت ساخته است. در گذشته بر ضلع شرقی بین مسجد بالاسر و دارالسیاده پنجره نقره‌ای وجود داشت که محل زیارت و اهدای نذر و خیل بستن و شفا یافتن حاجت‌مندان بود.

۲. در دوره ایلخانان، خرابی‌ها و خسارت‌های وارد شده به حرم مطهر رضوی مرمت شد و به فرمان حاکمان شیعی ایلخانی به بناهای اطراف آن افزوده شد. ابن بطوطه سیاح معروف در سفرنامه خود در قرن هشتم ق. از حرم مطهر حضرت رضا(ع) چنین یاد می‌کند: «در مشهد مکرم قبه عظیمی است در داخل زاویه و جنب آن مدرسه و مسجد است که همه از این ابنیه عالی متبوعه است. دیوارهای این ابنیه را با خشت کاشانی مزین کرده‌اند و روی مرقد حضرت رضا(ع) صندوقی چوبی نصب شده است» (ابن بطوطه، بی‌تا).

۳. احتمالاً این نگارگر این تصویر حرم امام رضا(ع) را قبل از تغییرات ایجادشده در حرم رضوی دوره صفویه زیارت کرده است، زیرا اشیاء موجود در نگاره متعلق به دوران تیموری هستند تنها لباس افراد به پیروی از پوشاک دوره صفوی ترسیم شده است.

۴. در فرازی از زیارت امام رضا(ع) آمده است که خود را بر روی قبر مطهر انداخته و بگو: «خدایا به‌سوی تو و به نیت تو از سرزمین

❖ عبادت و در حال قنوت است^۱ و دو نفر از آنها نیز دست‌هایشان را برای طلب شفاعت از امام^(ع) به درگاه الهی برای رفع گرفتاری‌هایشان به سمت مرقد مطهر دراز کرده‌اند. حالت زیارت‌کنندگان نشانگر این است که اینان کسانی هستند که برای استجابت حاجات خویش، به شفاعت امام^(ع) در محضر پروردگار، به این حرم الهینیز دارند. احتمالاً نگارگر با کتابت بخش اول و آخر «آیه ۱۸ سورة آل عمران» در بالای تصویر، ضمن بیان توحید افعالی و عملی ذات باری تعالی، قصد داشته بر این موضوع تأکید کند که اهل بیت^(ع) وسیله‌ای در درگاه الهی هستند^۲ و همه فیوضات به فرمان پروردگار و از مجرای فیض الهی - مقام شامخ امامت - به درخواست‌کنندگان ارائه می‌شود.^۳ بر این اساس موحد واقعی با اقرار به توحید، نباید بین ایمان و عمل و قول و فعل فاصله‌ای بیندازد و برای خداوند قادر و حکیم شریکی قائل شود و ائمه^(ع) را در عرض پروردگار قرار دهد بلکه آنها صرفاً حبل الله هستند.^۴ همچنین دو طرف این نگاره با دویستی مربوط به این حرم مقدس مزین شده است تا جایگاه امام رضا^(ع) در عالمین بنمایاند.^۵

✚ خود حرکت کرده‌ام و شهرها را طی کرده و پشت سر نهاده‌ام، به امید اینکه رحمت شامل حالم شود، پس مرا ناامید مکن و بدون برآوردن حاجتم، مرا به وطنم برمگردان. خدایا به آمدنم بر قبر فرزند برادر پیامبر و رسولت (ص) رحم نما ...» (ابن قولویه، بی‌تا: ۳۱۳-۳۰۹).

۱. امام هادی(ع) فرمودند: «هر که به درگاه خداوند نیازی دارد، قبر جدم امام رضا(ع) در طوس را بدین صورت زیارت کند: نخست غسل کند، سپس در بالاسر دو رکعت نماز بگذارد و در قنوت، حاجت خویش را بر زبان آورد، اگر در خواسته‌اش معصیت یا قطع رابطه با خویشان نباشد، مستجاب خواهد شد، زیرا جای قبر آن حضرت پاره‌ای از بهشت است و هر مؤمنی که آن‌را زیارت کند، خدا او را از آتش رهایی بخشد و در سرای امنیت جای دهد» (۱۳۷۸، ج: ۲، ۲۶۲، ح: ۳۲؛ صدوق، ۱۳۷۴: ۵۸۸، ح: ۱۲).
۲. آیه ۱۸ سورة آل عمران: «خدا خود شاهد است بر اینکه معبودی جز او نیست، ملائکه و صاحبان علم نیز شهادت می‌دهند به یگانگی او و اینکه او همواره به عدل قیام دارد، معبودی جز او که عزیز و حکیم است وجود ندارد».
۳. از آنجایی که اداره و نظم‌دهی تکوین و تشریع در جهان آفرینش براساس تعادل و عدل، نیازمند قدرت و حکمت است قدرت برای تحقق بخشیدن مقصود در عالم وجود و حکمت برای هرکار و سخنی در موقعیت و جایگاه واقعی خود قرار داده شود.
۴. در آیه ۱۸ سورة آل عمران، خداوند با قول خودش اقرار به وحدانیت خویش کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج: ۳، ۱۲۰). با این شهادت هرگونه شرک و دخالت غیر خدا را در امور جهان و مردم نفی می‌کند. خدا به دلیل اهمیت موضوع در مورد اقرار به توحید که اساس تمام اصول است خود را در رأس موحدانی که به توحید اقرار می‌کنند - اولوالعلم (معصومین و علمای ربانی) - قرار داده است.

هر صبح و شام آینه مهر و جلا
این خشت زرنگار درین نیلگون بنا

۵. ای یافته ز شمع‌ه روضه رضا
از فرش بام قصر رضا فضله بود

نتیجه‌گیری

عیون/اخبارالرضا، از جمله منابع غنی شیعی است که در آن، سخنان مختلف امام هشتم شیعیان براساس موضوع‌های گوناگون تنظیم شده است. از این رو این کتاب بیش از سایر منابع عقیدتی شیعه مورد استناد هنرمندان واقع شده است. دقت شیخ صدوق در بیان سند احادیث و توجه به جزئیات آنها - همچون ذکر محل روایت، تاریخ شنیدن آن و نام راوی - عامل مهمی در انتخاب روایت‌های عیون/اخبارالرضا برای فضاسازی نگاره‌های منتسب به امام رضا^(ع) در فالنامه محسوب می‌شود. از آنجایی که روند شکل‌گیری فالنامه بر اساس داستان‌های قرآنی و کرامت‌های ائمه اطهار^(ع) است، لذا نگارگران در مصورسازی روایت‌های منسوب به امام هشتم^(ع) بدین بخش از زندگانی ایشان و به‌ویژه حضور ایشان در ایران توجه بیشتری کرده‌اند. اگرچه مبنای اصلی مضامین این آثار با الهام از روایت‌های شیخ صدوق شکل گرفته است، ولی در مواردی نگارگران تحت تأثیر سایر کتاب‌های حدیثی شیعه تغییراتی در نحوه انعکاس آنها داده‌اند زیرا به دلیل تعامل علمای کشورهای شیعه‌نشین، نفوذ کتاب‌های شیعی سایر مراکز شیعه در ایران گسترش یافت. به عنوان نمونه در نگاره «زینب کذاب و درندگان»، مضمون اصلی این تصویر بیان عظمت جایگاه ولایت و نمایش سزای فرد متعرض به این ساحت مقدس است که مشابه این مضمون در عیون/اخبارالرضا روایت‌هایی درباره «نماز باران امام رضا^(ع) و حاجب مأمون» و «امام هادی^(ع) و مرد شعبده‌باز» نقل شده است، ولی احتمال دارد که نگارگر با حفظ مضمون اصلی، با ترسیم داستان «زینب کذاب و امام رضا^(ع)» از کتاب کشف‌الغمه اربلی سزای فرد جسارت‌کننده را به تصویر کشیده باشد. بنابراین هدف از نقل چنین روایت‌هایی، توجه به ساحت مقدس اهل بیت^(ع) و عدم جسارت به مقام منیع ایشان است و تفاوتی ندارد که متعرض به جایگاه اولیای الهی زینب کذاب، شعبده‌باز و غیره باشند یا اینکه در نگاره «نجات مردم دریا توسط امام رضا^(ع)» که مضمون اصلی آن توسل به امام رضا^(ع) به نقل از شیخ صدوق است، هنرمند با انتخاب فرازی از دعای توسل دیگر، این امر را به نمایش گذاشته باشد، زیرا کفعمی از علمای بزرگ شیعه در قرن نهم هجری بوده و

❖ کتاب‌های وی از منابع شیعی دوره صفویه محسوب می‌شود.

اگرچه در این نگاره‌ها حضور امام رضا^(ع) نقش محوری دارد ولی این نقش در توصیف و شرح موضوع اصلی قرار داشته و هدف نهایی، مضمون و محتوا بوده است، نه طرح چهره و شمایل امام^(ع)، زیرا در برخی از آنها عناصر نمادیندر کانون توجه بیننده واقع شده‌اند و برتری آنها نسبت به سایر اجزای بصری، معیار ایجاد تقسیمات و ترکیب‌بندی هریک از نگاره‌ها واقع شده است. همچنین نوع گزینش رنگ‌ها متناسب با خصوصیات درونی هریک از عوامل تصویری، نشان‌دهنده آگاهی هوشمندانه نگارگر نسبت به روان‌شناسی رنگ‌هاست که در خدمت القای مفاهیم باطنی روایت‌ها به کار رفته است. بنابراین هنر شیعی با بهره‌مندی از پشته‌اندیشه فراگیر آموزه‌های مذهب تشیع و عناصر نمادین، تلاش بی‌شائبه فرهیختگان دینی و هنری در دوره‌های مختلف را به نمایش گذاشته است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، (۱۳۷۷). *مبانی نظری هنرهای تجسمی*. تهران: سمت.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (بی‌تا). *رحلة ابن بطوطه تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*. محقق عبدالهادی تازی، ریاض: اکادمیه المملکه المغربیه.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، (بی‌تا). *کامل الزیارات*. مصحح عبدالحسین امینی، نجف: المطبعة المبارکة المرتضویة.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۶۴). *کشف الغمہ فی معرفه الائمه*. علی بن حسین زواره‌ای، تصحیح ابراهیم میانجی، قم: آداب الحوزة.
- بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۳ق). *مدینه المعاجز الائمة الاثنی عشر ودلائل الحجج علی البشر*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- بهمن‌پوری، عبدالله، (۱۳۹۲). «نقش فقه در تمایز هویتی شیعه با رویکرد به آثار شیخ صدوق». ماهنامه فرهنگ روز، پایگاه تحلیل و اطلاع‌رسانی فرهنگ و علوم انسانی. WWW.farhangemrooz.com/news/4682 (بازیابی شده در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۳).
- تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ق). *النریعة الی تصانیف الشیعة*. چاپ سوم، بیروت: دارالاضواء.
- حاکم‌نیشابوری، محمد، (۱۳۷۵). *تاریخ نیشابوری*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.

- حراعلی، محمدبن حسن، (۱۳۶۶). *اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات*. شرح و ترجمه احمد جنتی، چاپ سوم، تهران: دارالکتب اسلامی.
- درخشانی، حبیب‌الله، (۱۳۸۴). «جلوه‌های دیدار استاد کمال‌الدین بهزاد». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کمال بهزاد*، تهران: فرهنگستان هنر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا). *مفردات الفاظ قرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دارالقلم.
- صدوق، محمدبن ابن بابویه، (۱۳۷۴). *امالی الصدوق*. محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
- صدوق، محمدبن ابن بابویه، (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۸). *شیعه در اسلام*. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- عروسی حویزی، عبدالعلی، (۱۳۸۲). *تفسیر نورالثقلین*. مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، قم: صدوق.
- فاضل بسطامی، نوروزعلی بن محمدباقر. محمدحسین تبریزی، (۱۲۸۱ ق). *تحفه الرضویه*. تبریز: چاپ سنگی.
- قمی، عباس، (۱۳۶۹). *مفاتیح الجنان*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گرایلی، فریدون، (۱۳۵۷). *نیشابور شهر فیروزه*. مشهد: خاوران.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. بیروت: افست مؤسسه داراحیاء التراث العربی و جلد ۳۲ با تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و یکم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدی‌زاده، علیرضا، (۱۳۹۲). «نقش اندیشه شیعه در پیدایی فالنامه تهماسبی». استاد راهنما یعقوب آژند، استاد مشاور حسن بلخاری.
- نجم، سهیلا، (۱۳۸۷). «گنجینه نفایس رضوی». چاپ دوم، هفته‌نامه اطلاع‌رسانی حرم، ویژه‌نامه اطلاع‌رسانی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- نجم، سهیلا، (۱۳۸۹). *هنر نقالی در ایران*. تهران: فرهنگستان هنر.
- هرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. چاپ سوم، دار الاضواء.

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد خانواده از منظر سیره و آموزه‌های رضوی

اسماعیل خارستانی* - فاطمه سیفی**

چکیده

عملکرد خانواده به عنوان واحد اجتماعی، نقش انکارناپذیری در برقراری نحوه تعامل‌ها و واکنش‌های اجتماعی داشته و عملکرد سالم و سازنده، ضامن سلامت و نشاط جامعه خواهد بود. فرد، تحت تأثیر روابط سالم حاکم بر خانواده، شیوه‌های ارتباط‌پذیری و تعامل‌های سازنده با جامعه را یاد می‌گیرد. بر عکس، هرچه خانواده دارای عملکرد بد و آشفته باشد به همان نسبت سلامت آن جامعه بیشتر تهدید می‌شود. هدف اساسی مقاله حاضر بررسی موانع و راهکارهای تحکیم نهاد خانواده از منظر سیره و آموزه‌های رضوی بوده که به روش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است. در این ارتباط کلیه اطلاعات و منابع مربوط به موضوع گردآوری شده و به شیوه کیفی به ارائه یافته‌های پژوهشی پرداخته شده است.

نتیجه بررسی نشان می‌دهد که پابندی به آموزه‌های دینی و عمل به سیره و اندیشه‌های معصومین^(ع) سد محکمی در برابر موانع تحکیم نهاد خانواده خواهد بود. برای تحکیم روابط میان اعضای خانواده باید با ایجاد فضایی عاطفی و با درک نیازها و خواسته‌های مشروع طرفین اقدام کرد. عمل به آموزه‌های دین مبین اسلام به‌ویژه سیره و آموزه‌های امام رضا^(ع) به‌طور مستقیم رفتارهای فردی را کنترل می‌کند و به‌طور غیرمستقیم از طریق بهبود روابط بین اعضای خانواده، موجب استحکام بیشتر نهاد خانواده می‌شود.

کلیدواژه‌ها

امام رضا^(ع)، نهاد خانواده، تحکیم، موانع، راهکارها، سیره و آموزه‌های رضوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۳

kharestani57@yahoo.com

f.seyfi2009@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

*. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

**. کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی

❖ مقدمه ❖

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

خانواده بنیادی‌ترین نهاد جامعه انسانی است، که همواره به اشکال گوناگونی در طی تاریخ وجود داشته است. این نهاد با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند، چراکه انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرامی‌گیرد و همواره با آن سروکار دارد. مهم‌ترین تجربه‌های انسانی، که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت محسوب می‌شود، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان، آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور افکار و اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان هم از خانواده شروع می‌شود، به همین جهت خانواده تأثیر عمده و عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد داشت.

خانواده‌هایی که دارای عملکرد مطلوب هستند، مشکلات خود را در زمان‌بندی‌های خاص حل می‌کنند و از فلج و خشک کردن فرایندهای تعاملی در خانواده اجتناب می‌کنند. خانواده‌های سالم و بالنده شیوه‌های رفتاری ناموفق در حل مشکلات را رها ساخته و به جستجوی راهبردهای نو و خلاق می‌پردازند، در حالی که خانواده‌های مشکل‌دار به انکار مشکل می‌پردازند یا سعی می‌کنند آن را بر اساس منطق روزمره و شیوه‌های ناکارآمد و هیجانی حل کنند (ویرجیاستیر، ۱۳۷۶). بدون تردید، خانواده‌های لجام‌گسیخته و متزلزل، جامعه متزلزل را پدید می‌آورند. جامعه‌ای که در آن نشانی از خانواده سالم یافت نشود، میزان طلاق روز به روز بالا می‌رود و ازدواج‌های مطلوب و برنامه‌ریزی‌شده کمتر صورت می‌گیرد. به‌طور کلی، ریشه بسیاری از کجروی‌های اجتماعی را باید در خانواده جستجو کرد (شعاع‌کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۴).

از نظر اسلام، در زندگی خانوادگی، اصل، وجود فضایی آرام و محبت‌آمیز است که زن و شوهر باید سعی کنند در محیط خانواده میان اعضا آرامش به‌وجود آید و روز به روز این آرامش و محبت بیشتر شود.

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۰۹

در حالی که دنیای امروز، علی‌رغم پیشرفت‌های حیرت‌انگیز در علم و صنعت، در مسئله خانواده با وجود اینکه در زندگی انسان ضرورتی روشن دارد با مشکلات بزرگی رو به‌رو است به‌نحوی که در حال فروپاشی و از دست دادن بسیاری از کارایی‌های خود بوده و دچار مشکلات و چالش‌های اساسی شده و حتی گاهی اساس و تمامیت آن نیز زیر سؤال رفته است (بهشتی، ۱۳۷۷: ۳۳).

خانواده‌ای که در سیره و آموزه‌های رضوی طراحی می‌شود، مکتبی است که اعضای آن مدارج تعالی را طی می‌کنند و به حیات طیبه راه می‌یابند. افراد در خانواده، علاوه بر تأمین حقوق دنیوی خود نظیر امنیت، آرامش، تغذیه، بهداشت مناسب، تحصیل علوم و... حقوق معنوی خود را نیز جستجو می‌کنند. زن و مرد موظف به ایجاد زمینه مقتضی و رفع موانع برای دستیابی یکدیگر به این حقوق هستند.

خانواده و چگونگی روابط میان اعضاء خانواده و نحوه ارتباط والدین با فرزندان، در شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی، عاطفی و عقلانی فرزندان، نقش و اهمیت زیادی دارد. در فرهنگ اسلامی، خانواده، به‌مثابه دژ استوار و نهادی مقدس از جایگاهی اساسی برخوردار بوده و بیشترین مسئولیت را در رشد و تحول، تربیت و تعالی و سعادت انسان بر عهده دارد. اساس تشکیل خانواده و ازدواج در نظام الهی شامل رسیدن به آرامش روان و آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، نیل به کمال انسانی و تقرب به ذات حق است.

از این‌رو مسئله اصلی بررسی حاضر این است که چه موانعی در تحکیم نهاد خانواده وجود دارد؟ و راهکارهای غلبه بر این موانع کدامند؟ برای پاسخ به این مسئله از سیره و آموزه‌های امام رضا^(ع) استفاده شده تا با بهره‌گیری از این آموزه‌ها نهاد خانواده را از تهدید و خطر فروپاشی حفظ کنیم و در جهت تحکیم آن بکوشیم.

پیشینه

در اینجا به تعدادی از پژوهش‌هایی که با موضوع بررسی پیش‌رو ارتباط دارد و ما را در رسیدن به تحقیقی جامع و کاربردی یاری می‌کند، اشاره می‌شود:

در پژوهشی که توسط حیدری انجام شد این نتیجه به دست آمد که بین دین‌داری و رضامندی خانوادگی رابطه وجود دارد. هر قدر نگرش دینی افراد قوی‌تر باشد، رضایت از زندگی آنان افزایش می‌یابد. یعنی هر چقدر اعتقاد به خداوند و دستورهای او محکم‌تر باشد، زندگی زناشویی از ثبات بیشتری برخوردار بوده و آرامش بیشتری در خانواده حاکم خواهد بود (حیدری، ۱۳۸۵).

در پژوهشی که نصیب البکاء و همکاران انجام دادند و در آن به مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی افراد در زوج‌های سازگار و ناسازگار کرمانی پرداختند، به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون امور مالی، رابطه جنسی و باورهای مذهبی در گسستگی زندگی تأثیرگذار هستند و اعتقاد مذهبی نقش زیادی در استحکام خانواده دارند (میراحمدی زاده و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۷).

موسوی (۱۳۷۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که عوامل اقتصادی، اعتقاد مذهبی، آداب و سنن اجتماعی، ارضای عاطفی زوجین و تفاهم بر رضایتمندی زناشویی و تحکیم خانواده تأثیر دارد.

یافته‌های هوارث و هوپنر نشان داد که محیط بحرانی در خانواده، کنترل قهرآمیز والدین و گفتمان مسلط در خانواده شرایط مهمی هستند و پیکره‌بندی ویژه‌شان با توجه به تأثیر فرهنگ و خانواده در ایجاد اختلال‌ها نقش مؤثری دارند (Haworth- , 2000: 212-227). (Hoepner).

اهمیت موضوع

اهمیت پرداختن به موضوع تحکیم خانواده، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. خانواده از نظر جامعه‌شناسی باید در هر شرایطی سه کارکرد اصلی خود را حفظ کند. «طبق نظریه‌های قدیمی که هنوز هم اعتبار دارند، خانواده سه وظیفه عمده دارد: یکی مسائل جنسی است که در خانواده باید حل شود. ی فعالیت خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی و بالاخره پرورش

کودکان است که از وظایف مهم خانواده به‌شمار می‌آید» (فرجاد، ۱۳۶۳: ۲۰).

برای تحکیم اساس خانواده باید به گونه‌ای سیاستگذاری شود که نظام خانواده به هم نریزد، زیرا اگر زن، در اداره و تأمین مالی خانواده، احساس استقلال یا برابری با مرد داشته باشد یا مرد، خانه را محل آرامش و رأفت و عطوفت نیابد، ناخواسته، روحیه تقابل، استغنا و طغیان بروز می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

روش

روش مورد استفاده در نوشتار حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به‌صورت کتابخانه‌ای است. روش مورد استفاده در سازماندهی و انجام تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده، به این صورت که با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقاله‌های موجود در مجله‌ها، پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده درخصوص موضوع مورد بحث، روایت‌های منقول از امام رضا^(ع) استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. در این بررسی، تلاش شده با استفاده از اصول علمی، به تبیین و توصیف دقیق مطالب مورد بحث پرداخته شود.

معنا و مفهوم خانواده

خانواده تعاریف متعدد و گوناگونی دارد. نه تنها بر اساس فرهنگ‌ها بلکه حتی در درون یک فرهنگ خاص نیز بر پایه دیدگاه‌های مختلف، تعاریف مذکور متفاوت است. در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود. خانواده یک سیستم متعادل و پیچیده است که زن و شوهر آن‌را بنیان می‌گذارند و سپس با ورود هر کودک یا هر فرد دیگری (مثل پدربزرگ و مادربزرگ) این سیستم پیچیده‌تر می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴، ج ۳: ۸۵۴).

در تعریف دیگر، خانواده، گروهی از افراد است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان شوهر، زن، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل قرار گرفته، فرهنگ مشترکی را پذیرفته و در واحد خاصی به نام «خانه»، زندگی می‌کنند (ستوده و بقائی‌سرایي، ۱۳۸۷: ۶۸).

❖ اهمیت نهاد خانواده

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

۱. خانواده، تنها نهاد اجتماعی است که در همه جوامع، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، پذیرفته شده و توسعه یافته است. خانواده در جوامع مختلف از نقش، پایگاه و منزلت‌های گوناگون برخوردار بوده و با اینکه هسته‌ای کوچک از اجتماع محسوب می‌شود، در حیات اجتماعی مردم تأثیری فوق‌العاده دارد.

۲. بنیان و هسته اولیه همه نهادهای اجتماعی خانواده است. همه نقش‌های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال موارث و رشد و شکوفایی انسان‌ها به آن مربوط می‌شود. همه سنت‌ها، عقاید و آداب، ویژگی‌های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل‌های جدید منتقل می‌شود. جامعه متشکل از خانواده‌ها بوده و مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است. اثرهای مفید و یا زیان‌بخش خانواده به جامعه هم سرایت خواهد کرد. چگونگی سبک زندگی خانواده، در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقش مؤثری دارد.

۳. خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می‌یابند و در خانواده‌های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نائل می‌شوند. لذا خانواده عامل کمال‌بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. البته خانواده متأثر از عملکرد مذهب، آموزش و حکومت نیز است و این تأثیر به صورت متقابل باعث ایجاد تغییرات اساسی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

۴. خانواده، مناسب‌ترین بستر برای رشد انسان است. آدمی نیازهایی دارد که حسن تأمین هر یک از آنها گامی در مسیر رشد، شکوفایی و تعالی انسان است و خانواده بهترین جایگاه تأمین این نیازهاست، اما گاهی، با عواملی، این محیط امن و جایگاه تعالی محل کدورت‌ها، ناامنی و رکود می‌شود (مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۱۳

۵. تأثیر خانواده بر کودک از نظر فرهنگی، اخلاقی و عاطفی انکارناپذیر است. جنبه‌های ژرف و پنهان شخصیت انسان تا حد قابل ملاحظه‌ای ناشی از تأثیر دوران کودکی است. نخستین سال‌های زندگی انسان در محیط خانواده می‌گذرد و در این دوران، پایه‌های شخصیت شکل می‌گیرد. خانواده در پرورش فرد و رشد قوای روحی و اخلاقی او اثر ماندگاری خواهد داشت.

دلایل تشکیل خانواده

مهم‌ترین دلایل تشکیل خانواده از منظر اسلام به‌ویژه امام رضا^(ع) را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد:

۱. رسیدن به آرامش روانی

نخستین حکمت تشکیل خانواده که قرآن کریم، آن را با صراحت بیان کرده، رسیدن به آرامش روانی است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ از نشانه‌های او این است که از [جنس] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد، آری! در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است» (روم / ۲۱).

۲. سازندگی اخلاقی

تشکیل خانواده یکی از بارزترین مصادیق لباس تقواست. قرآن می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرستادیم تا شرمگاهتان را بپوشاند و زیور شما باشد، ولی لباس تقوا، بهترین [لباس] است» (اعراف / ۲۶). از این آیه استفاده می‌شود که برای مبارزه اساسی با تهاجم فرهنگی این دوران و پیشگیری از فسادهای تربیتی و اجتماعی و کمک به نسل جوان در جهت سازندگی اخلاقی، هیچ اقدامی برای آنان مؤثرتر از تشکیل خانواده نیست.

۳. سازندگی اجتماعی

از منظر امام رضا^(ع) اگر برای اهمیت تشکیل خانواده دلیلی روشن‌تر از کتاب و سنت وجود نداشت، آثار و برکت‌های گوناگون اجتماعی آن، برای تشویق و ترغیب انسان‌های خردمند به این اقدام مهم اجتماعی کافی بود. آن حضرت در روایتی فرمودند:

اگر درباره ازدواج و وصلت، آیه‌ای روشن [از کتاب خدا]، سستی پیروی شده
[از پیامبر^(ص)] و احادیث فراوان نبود، بی‌گمان [آثار و برکت‌هایی چون:] نیکی
کردن به خویشاوند، نزدیک ساختن افراد [به یکدیگر]، الفت بخشیدن میان دل‌ها،
در هم تنیدن حقوق، افزودن بر جمعیت و اندوختن فرزند برای [رویارویی با]
سختی‌های روزگار که خردمند دانا، به این کار، رغبت کند و انسان ره یافته
درست‌اندیش، به سوی آن بشتابد (طبرسی، ۱۳۹۲ق، ج ۱: ۴۴۹، ح ۱۵۴۱).

۴. گسترش آرمان توحید

حکمت غایی تشکیل خانواده و هدف نهایی اسلام از این همه تأکید بر تشکیل، تحکیم و تداوم آن، گسترش ارزش‌های انسانی، انتشار آرمان‌های توحیدی و سرانجام، جهانی شدن اسلام است و بقای نسل انسان، درواقع مقدمه‌ای برای رسیدن به این هدف بزرگ بوده و در حدیث آمده است: «چه چیزی مانع می‌شود که انسان مؤمن، زن بگیرد؟ شاید خداوند به او فرزندی روزی کند که زمین را از «لا اله الا الله» پُر کند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۸۲، ح ۴۳۴۰).

موانع تحکیم خانواده

۱. موانع اخلاقی

عیب‌جویی

در روایت‌ها، پرده‌داری و عیب‌جویی، از صفات اهل نفاق شمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۳).

عیب‌جویی اعضای خانواده به‌خصوص زن و مرد از یکدیگر در برابر فرزندان، به‌تدریج

باعث سرد شدن از یکدیگر و مانعی در برابر تحکیم خانواده می‌شود.

بدبینی

بعضی از انسان‌ها در اثر عوامل متعدد ژنتیکی، تربیتی و محیطی، آدم‌های بدبینی هستند و در ارتباط با همه پدیده‌ها دیدگاه منفی دارند، لذا از جمله آثار و تبعات بدبینی، تجسس در اسرار دیگران بوده که به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

رسول خدا^(ص) در این خصوص می‌فرمایند: بدترین مردم سوءظن‌برندگانند و بدترین سوءظن‌برندگان، تفتیش‌کنندگانند و بدترین تفتیش‌کنندگان، پُرحرفانند و بدترین پُرحرفان، هتاکان هستند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۱۴۷). سوءظن و بدبینی زن و مرد به یکدیگر، خانواده را در معرض آسیب اجتماعی قرار می‌دهد و مانع از استحکام خانواده می‌شود.

بدخویی

با وجود ترغیب به تزویج جوانان از سوی اسلام، امام رضا^(ع) در راهنمایی حسین بن بشار که خویشاوند نامناسبی به خواستگاری دخترش آمده است، می‌فرمایند: «لاتزوجه ان كان سي الخلق؛ اگر بدخلق است، دخترت را به همسری وی درنیاور» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۵۴).

انسان‌های تندخو، گاه بدون آنکه بخواهند، به دیگران آزار می‌رسانند. بسیاری از اینان بدذات نیستند و دوست ندارند که دیگران - به‌ویژه نزدیکان، خویشان و همسران خود - را اذیت کنند؛ اما حساسیت زیاد، حرارت و تندی اخلاقی و کم‌طاقتی ایشان، موجب می‌شود که دیگران از آنها دلخور و دل‌تنگ شوند و به‌صورت باری سنگین و تحمیلی بر دوش دیگران درآیند. این دسته، افزون بر آنکه زندگی خود را آشفته می‌کنند، محیط عصبی، حساس، شکننده و گاه در آستانه انفجار به‌وجود می‌آورند و خود و خانواده‌شان را در آن می‌سوزانند. اگر این وضعیت ادامه یابد یا تشدید شود، اطرافیان و به‌ویژه همسر، به مقابله به‌مثل با همسر یا گریز از شوهر و حتی خانه، روی می‌آورد و اینها علاوه بر جلوگیری از تحکیم نهاد خانواده، از هم پاشیدگی خانواده را در پی دارد.

❖ **تحقیر کردن**

پیشوایان دینی ما به هیچ وجه اجازه تحقیر و اهانت به کسی نمی‌دادند. امام رضا^(ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام^(ص) فرموده‌اند: «خداوند فرمود: آشکارا به جنگ با من برخاسته آن کس که بنده مؤمن مرا خوار کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۵۳).
در صورتی که برای اعضاء خانواده احترامی قائل نباشیم و آنها را تحقیر کنیم رشته ارتباط بین خود و آنها را گسسته‌ایم و مانعی جدی در برابر استحکام خانواده ایجاد می‌کنیم.

دروغ

در روایت‌ها، دروغ به عنوان بدترین خلق و خوی بشری معرفی شده است، زیرا کلید بسیاری از بدرفتاری‌های بشری است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۷۷).
امام رضا^(ع) می‌فرمایند: «لَيْسَ لِكَذِّبٍ مُرُوَّةٌ؛ دروغ‌گو را مروت و مردانگی نیست» (حرانی، ۱۳۹۴ق، ج ۱: ۴۵۰).

امام علی^(ع) فرموده‌اند: دروغ، چه شوخی باشد چه جدی، شایسته نیست و سزاوار نیست یکی از شما به فرزندش وعده‌ای بدهد که بعداً بدان وفا نمی‌کند، زیرا دروغ به فساد می‌کشانند و فساد به سوی آتش و مادام که یکی از شما دروغ گوید، گویند دروغ گفت و معصیت کرد (صدوق، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۵۲).

بنابراین اگر زن یا مرد به یکدیگر یا به فرزندان دروغ بگویند و این امر به عنوان یک اصل تبدیل شود نه تنها استحکام خانواده را به دنبال ندارد بلکه منجر به فروپاشی نهاد خانواده خواهد شد.

تحمیل نظر

یکی دیگر از موانع اخلاقی در تحکیم نهاد خانواده، تحمیل نظر هر یک از اعضای خانواده به دیگران است.

یک فرد شایسته همواره در این فکر و اندیشه است و تا جایی که تلاش می‌کند، خواسته‌های مشروع خانواده خود را برآورده سازد و از تکیروی و تحمیل کردن

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۱۷

دیدگاه خود بر دیگران پرهیز دارد. افزون بر آن، خود را در مشکلات فراوانی گرفتار می‌سازد، تا خانواده‌اش بیشتر بهره‌مند شوند.

ابراهیم بن عباس گوید: هیچ‌گاه علی بن موسی الرضا^(ع) را ندیدم که به کسی در سخن خود ظلم و ستم کند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۸۴).

۲. موانع اقتصادی

فقر و مشکلات معیشتی

در میان موانع استحکام نهاد خانواده، فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از مهم‌ترین موانع است. عدم بضاعت مالی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری، زمینه‌ساز بروز دل‌زدگی، سرخوردگی، ناراحتی‌های روحی، دل‌مشغولی، افسردگی و انزوای طلبی را در فرزندان فراهم می‌سازد. این امر موجب می‌شود تا این افراد برای التیام ناراحتی‌های ناشی از مشکلات خود به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقدام‌هایی دست بزنند و خود در صدد حل مشکل برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری‌ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می‌زنند (فولادی، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

از این رو است که امام علی^(ع) در سفارشی به امام حسن^(ع) می‌فرماید:

«فرزندم از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر! چرا که فقر دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش و مردم را نسبت به او و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۴۵).

بیکاری و تن‌پروری

از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، بیکاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بیکاری موجب می‌شود که افراد بیکار، جذب مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی‌های اجتماعی کشیده شوند.

امام صادق^(ع) در این خصوص می‌فرماید: «رها ساختن کار و تلاش باعث خمودی

❖ اندیشه و سقوط تو می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۶).

بنابراین تن‌پروری فرد در خانواده مانعی در جهت تحکیم نهاد خانواده خواهد شد.

بخل و خست

در آیات و احادیث، بخل بسیار نکوهش شده است. امام رضا^(ع) می‌فرمایند:

«ایاکم و البخل، فانها عاهة لا تكون فی حر و لامومن، انها خلاف الایمان؛ از بخل دوری کنید، زیرا که آن، آفت و بیماری‌ای است که انسان آزاده و دین‌باور به هم نمی‌رسند، (زیراکه) آن مخالف ایمان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۴۶)؛

انسان بخیل به کسی چیزی نمی‌دهد و تمام دارایی‌هایش را نزد خود نگاه می‌دارد. چنین شخصی، همه و حتی خود را نیز در تنگنا می‌گذارد و از پرداخت هزینه‌های اصلی خانواده نیز شانه خالی می‌کند و بدین‌سان، فشار سختی را به خانواده وارد می‌آورد؛ سختی‌ای که با توجه به وضعیت مالی‌اش برای همسر و خانواده، توجیهی ندارد و تنها علت آن، خوی زشت بخل است. در این وضعیت، کمتر زنی تاب می‌آورد. او یا به دزدی پنهان از شوهر روی می‌آورد یا حداقل در علاقه او به خود، تردید می‌کند و متقابلاً، علاقه‌اش به همسر کاهش می‌یابد، زیرا خود را از دارایی و مال همسرش، کم ارزش‌تر می‌بیند و این امر مانعی جدی برای استحکام نهاد خانواده خواهد شد.

۳. موانع عاطفی

طلاق عاطفی

به اعتقاد بروس کوئن، این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین زیاد شده است. این وضعیت، از جامعه و ارزش‌های متغیر ما سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی. امروزه از انواع کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده است و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌های خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی، آن هم در یک محیط زناشویی ننگ نیست (۱۳۷۰: ۱۳۳).

طلاق عاطفی که در آن علی‌رغم اینکه زن و مرد در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند ولی هیچ علاقه‌ای به یکدیگر ندارند، مانعی جدی در جهت تحکیم نهاد خانواده است و تأثیر زیادی در فروپاشی این نهاد خواهد داشت.

اندوه

بیشتر غم‌ها زائیده نوع بینش و تربیت‌هاست، یکی از اساسی‌ترین ره‌آوردهای اسلام در زدودن غم‌ها این است که بینش‌ها را دگرگون می‌سازد. بینش اسلام غم‌زدا و شادی‌آفرین است، آموزه‌های دینی، بینش انسان را چنان می‌سازد تا دنیا را ناپایدار و کوچک بداند، برای از دست رفته‌ها اندوهناک نشود و بداند اندوه برای از دست‌رفته‌ها نه تنها سودی ندارد بلکه حال و آینده را نیز نابود می‌سازد. امام رضا^(ع) در این خصوص فرموده‌اند: «هیچ‌یک از شیعیان علی^(ع) نیست که در روز، بدی یا گناهی مرتکب شود، مگر اینکه در شب اندوهی به او می‌رسد که آن بدی و گناه را فرو می‌ریزد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ۱۴۶). بنابراین اگر به هر دلیلی خانواده‌ای دچار اندوه شد، باید در مقابل این غم صبر پیشه کند. در غیر این صورت آسیب‌های جدی به روابط بین اعضای خانواده وارد می‌شود و مانعی در جهت استحکام نهاد خانواده خواهد بود.

خسونت در خانواده

یکی از عواطف مهم که در انسان وجود دارد و باعث حفظ و نگهداری فرد می‌شود، عاطفه خشم است. عاطفه خشم برای حفظ و بقای آدمی مفید است، به شرط آنکه از حد اعتدال خارج نشود. واقعیت این است که قانونمندی جامعه انسانی کارکرد خشم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. امروزه مسیر جامعه انسانی به سمتی است که حیات فرد را در زمره ارزشمندترین موهبت‌ها قرار داده است و هر عاملی که این حیات را به مخاطره بیندازد قطعاً در انزوا قرار خواهد گرفت. بنابراین در ادیان الهی و مکاتب تربیتی و اخلاقی، توصیه‌های زیادی درباره مهار و کنترل عاطفه خشم و جهت‌دهی مناسب آن می‌توان یافت. زن و مرد عناصر اساسی پایداری در خانواده هستند و ادامه موجودیت خانواده، متکی به

❖ نقش‌آفرینی آنهاست. نقش حساس زن در امور خانواده به‌دلیل تربیت و سازندگی، امر مهمی است. وجود زن موجب پیوند اخلاقی و عاطفی اعضای خانواده می‌شود. این هدف در حالی میسر می‌شود که زنان به‌عنوان پرورش‌دهندگان نسل آتی در محیطی آرام، مطمئن و دور از خشونت به‌سر برند. کودک در خانواده‌های خشن، می‌آموزد کسانی که او را بیشتر از هر کسی دوست دارند، اجازه دارند او را تنبیه کنند و نیز می‌آموزد که اگر چیزی مهم باشد، می‌تواند از طریق زور بازو و سلطه‌گری تصاحب کند.

پیامبر گرامی^(ص) مردم را از خشونت بر حذر می‌دارند و می‌فرمایند: «بدانید که خشم اخگری است در قلب آدمیزاد. سرخ شدن چشمان او و برآمدن رگ‌های گردنش را (در هنگام خشم) و... نمی‌بینید؟» (ناصف، ۱۹۷۵م: ۲۹۸).

زن و مردی که خشم بر آنها غلبه می‌کند، کنترل خود را از دست می‌دهند و به روش‌های ناپسند روی می‌آورند که این امر یکی از موانع استحکام نهاد خانواده به‌شمار می‌رود.

آزار همسر

یکی از کارهای بسیار زشت و غیرانسانی که به‌شدت در روایت‌ها از آنها نهی شده، آزار و اذیت همسر است. زن و مردی که پیوند ازدواج می‌بندند و آرزو می‌کنند که همیشه در کنار هم با خوبی و خوشی زندگی کنند، شاید به ذهن هیچ‌یک از آنها نرسد که ممکن است کارشان به جایی برسد که مرد همسر خود را بزند، با این حال در مواردی این اتفاق می‌افتد. امام رضا^(ع) در روایتی از پیامبر اکرم^(ص) در نهی از کتک زدن زنان فرمودند: «من ضرب امرأ بغير حق فانا خصمه يوم القيامة، لا تضربوا نساءكم، فمن ضربهن بغير حق فقد عصی الله و رسوله؛ کسی که همسر خود را بدون دلیل بزند، در روز قیامت، من دشمن او خواهم بود. زنانان را نزنید. کسی که زنش را بدون دلیل بزند، خدا و رسولش را عصیان کرده است» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۷۵).

بنابراین آزار دادن همسر یکی از عوامل عاطفی در ایجاد آسیب در خانواده و مانعی برای استحکام این نهاد است.

تبعیض در خانه

بسیاری از والدین، آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنها و دلسردی از زندگی می‌شوند. تبعیض در مواجهه با خطاها و اشتباه‌های فرزندان و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض‌آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب گرفتن اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود. تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس دختران منافات دارد و لطمه‌های جبران‌ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می‌کند و با ایجاد بحران‌های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی بازخوردهای منفی نظیر فرار از خانه سوق می‌دهد (محبی، ۱۳۸۱: ۷۳-۶۰). بنابراین تبعیض، کانون گرم خانواده را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد و مانعی جدی برای تحکیم نهاد خانواده خواهد شد.

۴. موانع اجتماعی

چشم و هم‌چشمی

شاید بتوان گفت درصد بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی، همین چشم و هم‌چشمی‌هایی است که اعضای خانواده در امور مادی نسبت به همدیگر دارند. اسلام همگان را به دوری از تجمل‌گرایی و اسراف دعوت می‌کند.

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَتُهُمْ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست (حدید/ ۲۰).

برپایی میهمانی‌های پرهزینه و دادن هدایای گرانقیمت به مناسبت‌های گوناگون به خویشاوندان خود سبب می‌شود برخی از افراد به دلیل ناتوانی مال یا بخل، با خویشاوندان قطع رابطه کنند. این امر از عوامل بسیار مهم در تضعیف پیوندهای خویشاوندی در جوامع امروزی (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ۳۷۴) و مانعی برای تحکیم نهاد خانواده است.

دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان، الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و پیش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می‌شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می‌شود، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست، چراکه فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد، دچار آسیب و انحراف خواهد شد (گروه محققان، ۱۳۶۳: ۵). همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است. برای مقابله با این عوامل آسیب‌زا، امام رضا^(ع) دستورهای داده‌اند که اگر طبق این راهکارها عمل کنیم، زمینه تحکیم نهاد خانواده را فراهم می‌سازیم.

راهکارهای تحکیم نهاد خانواده

۱. راهکارهای اخلاقی

گذشت در زندگی مشترک

عفو و مدارا و چشم‌پوشی از اشتباه‌ها، از والاترین ارزش‌های اخلاقی و انسانی و نیز نشانه تعالی روح و عظمت شخصیت آدمی است. بیشترین سفارش اسلام در مورد مسائل

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۲۳

خانوادگی، در زمینه گذشت هریک از زن و شوهر در لغزش‌ها و اشتباه‌های یکدیگر است، زیرا زن و شوهر دو انسانی هستند که همانند همه انسان‌های دیگر، روحیه‌ها و طرز تفکرهای دوگانه دارند. از اینجاست که اهمیت گذشت و تأثیر آن در تداوم روابط سالم آشکار می‌شود (حسینیا، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

امام رضا^(ع) در تفسیر آیه ۸۵ سوره حجر «فاصح الصغیر الجمیل» فرمودند: «صفح جمیل، گذشتی است که در آن مؤاخذه و عقاب نباشد» (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۱۴). گذشت بدون مؤاخذه اعضای خانواده از یکدیگر یکی از راهکارهای اساسی در جهت تحکیم نهاد خانواده است.

داشتن منش‌های شایسته رفتاری نسبت به زنان

در روایتی از امام رضا^(ع) آمده که می‌فرمایند: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا فَإِنَّهَا امْرَأَةٌ أَحَدُكُمْ لُغْبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضِيْعُهَا؛ کسی که زنی را به عنوان همسری برمی‌گزیند بایستی او را گرامی بدارد، که همانا همسر هر یک از شما به منزله گوه‌ری است که بعد از گرفتن آن، ضایع ساختن آن شایسته نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۹۰).

احترام همسران به یکدیگر و تکریم شخصیت آنها نسبت به یکدیگر، خانواده را در برابر هرگونه آسیب و تهدیدی حفظ کرده و تحکیم نهاد خانواده را به همراه می‌آورد.

تهذیب نفس

حضرت رضا^(ع) می‌فرمایند:

من حاسب نفسی ریح و من غفل عنها خسر و من خاف أمن و من اعتبر أبصر و من أبصر فهم و من فهم علم و صدیق الجاهل فی تعب... و أفضل العقل معرفة الانسان نفسه؛ کسی که نفسش را به پای حساب بکشد، سود می‌برد و کسی که از آن غافل شود، زیانکار است، کسی که بترسد ایمن است و کسی که عبرت گیرد، بیناست، کسی که بینا باشد، می‌فهمد و کسی که بفهمد، می‌داند. هر که با جاهل پیوند دوستی

بریزد، به زحمت می‌افتد... و برترین عقل، شناخت انسان به نفس خویش است
(عطار دی قوجانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۰۲، ح ۴۴).

اعضای خانواده‌ای که همواره در صدد تهذیب نفس خود هستند، همواره سعی و تلاش خود را در جهت تحکیم هر چه بیشتر نهاد خانواده به کار می‌گیرند.

حُسن خلق و گشاده‌رویی

امام رضا^(ع) ضمن اینکه گشاده‌رو و با مردم خوش رفتار بودند، مردم را به گشاده‌رویی و حُسن خلق دعوت می‌کردند. ایشان می‌فرمایند: «بِرُؤَاوِلَادِكُمْ وَاحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ أُنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ؛ با فرزندان خود نیکی و در حق آنها احسان کنید، چه بسا آنها گمان می‌کنند که شما رزق و روزی آنها را می‌دهید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۷۷).

وفای به عهد

در روایت‌های بسیاری از معصومین^(ع)، پیمان‌شکنی، عملی زشت و مذموم معرفی شده است و مردم را به پرهیز از آن و وفای به عهد فراخوانده‌اند. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «آدمی نمی‌تواند از گرداب‌های گرفتاری با پیمان‌شکنی رهایی یابد و از چنگال عقوبت رهایی ندارد، کسی که با حیله به ستمگری می‌پردازد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۴۹). وفاداری نسبت به خانواده و عمل به پیمان‌ها، نهاد خانواده را از آسیب‌ها مصون داشته و استحکام آن را سبب می‌شود.

عیب‌پوشی

در روایت‌ها، عیب‌پوشی از صفات مؤمن دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵: ۲۹۳). در فضیلت و شرافت عیب‌پوشی و پرهیز از عیب‌جویی، روایت‌های بسیاری ذکر شده است.

امام رضا^(ع) در پاسخ مردی که از برادرش شکوه می‌کرد فرمودند: «...پرده‌پوشی کن و بر عیوبش روکش افکن...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۸).

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۲۵

اعضای خانواده باید نه تنها عیوب یکدیگر را بپوشانند، بلکه باید در جهت رفع این عیوب تلاش کنند. در این صورت نهاد خانواده خود را تحکیم خواهیم بخشید.

سکوت و خاموشی

خاموشی و سکوت گاهی تنها راه نجات بشر است. چراکه گاهی سخن گفتن عین گمراهی و رنج است. مؤمن، انسانی دارای فهم و فقه است و می‌داند چگونه در زندگی عمل کند که خود و دیگران را به رنج و زحمت نیفکند. امام رضا^(ع) در این باره می‌فرمایند: «ان من علامات الفقه: الحلم و العلم و الصمت باب من ابواب الحکمه ان الصمت یکسب المحبه، انه دلیل علی کل خیر؛ از نشانه‌های فقه و فهم دین، حلم و علم بوده و خاموشی دری از درهای حکمت است. خاموشی و سکوت، دوستی آور و راهنمای هر کار خیری است» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۴: ۴۴۵).

هنگامی که زن یا مرد بنا به دلایلی از یکدیگر ناراحت می‌شوند در این حالت بهترین راه برای اینکه این ناراحتی عمیق نشده و منجر به کدورت نشود، سکوت است. خاموش بودن در این موقعیت‌ها باعث حفظ خانواده از آسیب‌های بعدی می‌شود.

صبر

یکی از ویژگی‌های رفتاری انسان که موجب گذشت در برابر خطا و جلوگیری از خشم و عصبانیت می‌شود دارا بودن مقام صبر و گذشت در برخوردهاست (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳۷۴).

حضرت رضا^(ع) می‌فرمایند: «هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را کامل نمی‌کند مگر اینکه در او سه خصلت باشد: دین‌شناسی، تدبیر نیکو در زندگی و شکیبایی در مصیبت‌ها و بلاها» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۸: ۳۳۹، ح ۱).

صبر در برابر سختی‌ها و ناملایمات، یکی دیگر از راهکارهای تحکیم نهاد خانواده است.

❖ خوش بینی

اسلام، به داشتن روحیه خوش بینی در زندگی توجه ویژه‌ای دارد، به طوری که در روایت آمده است، خوش بینی از بهترین خصلت‌ها و بهترین نصیب و عطیه‌هاست (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۷: ۱۲۵).

امام رضا^(ع) در روایتی می‌فرماید:

أَحْسَنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ فَإِنَّ مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ وَمَنْ رَضَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبْلَ مِنْهُ الْيَسِيرُ مِنَ الْعَمَلِ وَمَنْ رَضَى بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَالِ خَفَّتْ مَوْتُهُ وَنَعِمَ أَهْلُهُ بِصَرِّهِ اللَّهُ دَارَ الدُّنْيَا وَدَوَاءُهَا وَأَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ؛ به خداوند خوش بین باش، زیرا هر که به خدا خوش بین باشد، خدا با گمان خوش او همراه است و هر که به رزق و روزی اندک خشنود باشد، خداوند به کردار اندک او خشنود باشد و هر که به اندک از روزی حلال خشنود باشد، بارش سبک و خانواده‌اش در نعمت باشد و خداوند او را به دنیا و دوایش بینا سازد و او را از دنیا به سلامت به دارالسلام بهشت می‌رساند (حرانی، ۱۳۹۴ق: ۴۴۹).

خانواده نهاد مقدس اجتماعی و دینی است که بسیاری از نیازهای فردی و روان‌شناختی انسان در آن تأمین می‌شود و زمینه‌ساز رشد و تکامل فردی و دس‌یابی اعضای آن به دوستی و محبت است. اما این نهاد مقدس، نیاز به تقویت دارد. از جمله عواملی که می‌تواند استحکام بخش این نهاد مقدس باشد، خوش بینی هر یک از افراد خانواده نسبت به یکدیگر است. چراکه داشتن روحیه مثبت‌گرا به افراد کمک می‌کند تا همه مسائل زندگی را با دیدی مطلوب و زیبا بنگرند و در نتیجه نوعی رضایت روحی و آرامش خاطر را در زندگی همسران به وجود می‌آورد.

تواضع و فروتنی

تواضع آن است که انسان خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند ریشه تواضع از «وضع» است به معنای خویش را کوچک نشان دادن، در مقابل «تکبر» که

خود را بزرگ دانستن است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۱۱۸).

امام رضا^(ع) فرمودند: «صحب السلطان بالحذر و الصديق بالتواضع و العدو بالتحرز و العامه بالبشر؛ با قدرتمندان با احتیاط و پرهیز مصاحبت کن. با دوستان با فروتنی و تواضع، با دشمنان با آگاهی و بیداری و با مردم دیگر با گشاده‌رویی» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۸). بنابراین افراد خانواده نسبت به یکدیگر متواضع و فروتن هستند و با گشاده‌رویی با یکدیگر برخورد می‌کنند و با این روش نه تنها خود را در برابر آسیب‌ها مصون می‌دارند، بلکه نهاد خانواده را روز به روز مستحکم‌تر می‌کنند.

۲. راهکارهای اقتصادی

قناعت در زندگی

قناعت، آثار فراوان و سودمندی دارد و موجب پیشگیری از بسیاری از رذائل اخلاقی و جرائم حقوقی می‌شود. بر همین اساس در نظام اسلامی بسیار مورد سفارش واقع شده است.

هر کس به روزی اندکی که خدا به او می‌دهد راضی باشد پروردگار همان عمل اندک را از وی می‌پذیرد. امام رضا^(ع) در خصوص رضایت داشتن بر رزق حلال می‌فرمایند: «هر کس به روزی حلال اما کم خشنود باشد رنجش کمتر و خاندانش در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند و خداوند عیوب دنیا و کیفیت رفع آنها را به او می‌آموزد و وی را با سلامتی در بهشت مستقر می‌سازد» (عامر طائی، ۱۴۰۸ ق: ۴۰۱).

بنابراین قناعت پیشه کردن به داشته‌ها، یکی از راهکارهای مقابله با موانع استحکام نهاد خانواده است.

کار و تلاش

یکی دیگر از راهکارهای اقتصادی برای تحکیم نهاد خانواده، کار و تلاش است. در سبک زندگی بسیاری از مکاتب تحریف‌شده، دعوت به انزوا و سکون و سکوت به‌طور افراطی وجود دارد؛ اما سبک زندگی رضوی دقیقاً در مقابل آن است.

از دیدگاه امام رضا^(ع) کار و کوشش برای تأمین نیازهای خانواده شعبه‌ای از جهاد به‌شمار می‌رود و فرد تلاشگر به‌عنوان مجاهد راه خدا و گاهی برتر از آن شناخته شده است. از این رو می‌فرماید: «کسی که برای رفع نیازمندی خانواده کار و تلاش می‌کند و به‌دنبال کسب مال می‌رود، دارای پاداشی بزرگ‌تر از مجاهد در راه خداوند است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۸۹).

بر این اساس زندگی انسان مسلمان مملو از تلاش و کوشش عملی و فکری است.

استفاده صحیح و بهینه از منابع و امکانات

هر چند تأمین معاش خانواده بسیار مهم است، اما مصرف مدبرانه و صحیح درآمدهای خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار است. هزینه‌ها و مخارج خانواده باید به دقت هر چه تمام بر اساس میزان درآمد خانواده و نیازهای حال و آینده آن مدنظر قرار گیرد. در این خصوص، روایت‌های متعددی وجود دارد. به‌عنوان نمونه، روایتی از امام رضا^(ع) بدین مضمون نقل شده است: عباسی راوی حدیث می‌گوید: از امام رضا^(ع) برای خرج خانواده اجازه خواستم، فرمودند: «میان دو حد ناپسند باشد.» گفتم: فدایت شویم، سوگند به خدا، نمی‌دانم دو حد ناپسند کدام است. فرمودند: «خدایت بیامرزاد، آیا نمی‌دانی که خدای بزرگ، اسراف و اقتار (تنگ‌گیری در خرج و مصرف) هر دو را مکروه و ناپسند خوانده است.» آنگاه این آیه را خواندند: (بندگان خدای رحمان) کسانی هستند که چون خرج کنند، نه اسراف کنند، نه تنگ‌چشمی نشان دهند و میان این (دو حالت)، حد قوام (معتدل) خواهد بود (حکیمی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۲۸).

بنابراین یکی از راهکارهای اقتصادی که نقش اساسی در تحکیم نهاد خانواده دارد، این است که اعضای خانواده تمام تلاش خود را در جهت استفاده صحیح و بهینه از منابع و امکاناتی که خداوند متعال در اختیار آنها قرار داده است، به‌کار گیرند.

فراهم‌سازی امکانات رفاهی

تأمین معاش حلال و فراهم بودن امکانات زندگی برای اهل خانه در ایجاد آرامش و

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۲۹

افزایش صمیمیت دخالت مهمی دارد، امام علی بن موسی الرضا^(ع) فرموده‌اند: «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًی فِی بَدَنِهِ مَخْلً فِی سِرِّهِ وَ عِنْدَهُ قُوَّةٌ یَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا خَیَّرَتْ لَهُ الدُّنْیَا؛ هر کس صبح کند در حالی که تنش سالم، خاطرش آسوده و معاشش تأمین باشد از مواهب یک زندگی مطلوب و آرام برخوردار است» (حائری کرمانی، ۱۳۸۴: ۸۱).

امام رضا^(ع) در روایتی دیگر از پیروان خود می‌خواهد تا برای ایجاد گشایش در زندگی و رفاه اهل خانه بکوشند: «صَاحِبُ النِّعْمَةِ یَجِبُ أَنْ یُوسِّعَ عَلَی عِیَالِهِ؛ افرادی که از نعمتی برخوردارند باید بر زن و فرزند خود گشایش دهند» (عامر طائی، ۱۴۰۸ ق: ۴۰۳).

۳. راهکارهای عاطفی

عاطفه، از ویژگی‌های بسیار مهم انسان است، به گونه‌ای که آن را ملات بنیان جامعه و افراد را بسان مصالح ساختمانی آن دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۳۹). این ملات اجتماعی، پیامدهای متناسب با خود را در زندگی و روابط درونی خانواده به دنبال خواهد داشت. تأمین و برقراری چنین روابطی نیازمند راهکارها و شیوه‌هایی است که در دیدگاه اسلامی کانون توجه قرار گرفته‌اند.

برخورداری زن و شوهر از سلامت عاطفی، ازجمله اموری است که می‌تواند در پایداری و دوام زندگی مشترک نقش مهمی ایفا کند، چراکه سلامت هیجانی، موجب سلامت در رفتار و رعایت اعتدال در برخوردهاست. روابط انسانی زوجین تابع شرایط بروز عواطف است. انسان سالم می‌تواند طیفی از هیجان‌ها را که از بی‌تفاوتی تا شادی و وجد است به‌موقع به اجرا گذارد (آقامحمدیان، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

مزاح با اعضای خانواده

اسلام دین عاطفه، صلح و امید است و همواره مسلمانان را به صمیمیت و صفا دعوت می‌کند، طوری که حضرت علی^(ع) در مورد شادی و صفا می‌فرماید: «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه؛ شادی مؤمن در چهره اوست و غم و اندوهش در دل» (رضی، ۱۳۷۸: ۷۰۸).

❖ بدین معنا که مؤمن همواره غم خویش را برای خود نگه می‌دارد ولی در برخوردهای اجتماعی، با گشاده‌رویی، دیگری را در شادی خود سهیم می‌کند.

یکی از اصحاب امام صادق^(ع) نقل می‌کند که روزی آن حضرت به من فرمودند: مزاح و شوخی کردن شما با یکدیگر چگونه است؟ من در جواب عرض کردم: کم است. فرمودند: چرا با یکدیگر مزاح نمی‌کنید؟ مزاح کردن از حسن خلق است و به واسطه آن، برادر مسلمانان را خوشحال می‌سازی. سپس امام صادق^(ع) فرمودند: سیره پیامبر اکرم^(ص) این‌گونه بود که مزاح می‌کردند و با این کارشان می‌خواستند دیگران را خوشحال کنند (طبرسی، ۱۳۹۲ق، ج ۲: ۲۱).

بنابراین مزاح با اعضای خانواده، راهکاری در جهت تحکیم نهاد خانواده بوده که در روایت‌ها بسیار سفارش و تأکید شده است.

محبت

از دید اسلام اساس زندگی خانوادگی بر محبت است. در سیره اهل بیت^(ع) شواهد فراوانی درباره محبت به فرزند وجود دارد. امام رضا^(ع) در همین باره حدیثی از پیامبر^(ص) نقل می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «بزرگان خود را احترام و به اطفال خود مهربانی کنید و با خویشان خود ارتباط داشته باشید (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۵۹۷).

امام رضا^(ع) می‌فرمودند، اگر نسبت به کسی محبتی دارید آن را آشکار کنید، زیرا اظهار دوستی نیمی از خردمندی به‌شمار می‌آید. بنابراین زن و شوهر باید عواطف خود را در خصوص یکدیگر علنی سازند و در این مورد از خجالت و شرمساری پرهیز کنند (امین عاملی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۱۹) و نیز می‌فرمایند: بعضی زن‌ها برای شوهرشان بهترین غنیمت هستند، یعنی زنانی که به شوهرشان اظهار محبت کنند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۵۳۲).

احترام به والدین و سپاسگزاری از ایشان

فرزند باید در برابر والدین با فروتنی برخورد کند، جلوتر از آنان راه نرود، پیش از آنان ننشیند، به آنان تکیه ندهد، به آنان نگاه خیره و تند نکند، به هیچ‌وجه با والدین خود قهر

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۳۱

نکند و کاری نکند که موجب نفرین و اهانت دیگران به پدر و مادر خود شود (سالاری‌فر، ۱۳۸۷: ۸۷).

امام رضا^(ع) در خصوص تشکر از والدین می‌فرماید: «خداوند عزوجل به سپاسگزاری از خود و پدر و مادر فرمان داده است. پس هر که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، از خداوند سپاسگزاری نکرده است» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۱۴: ۷۰۹۲، ح ۲۲۶۷). این روایت از امام رضا^(ع) نشان از اهمیت زیاد احترام به والدین دارد، چراکه با این روش زمینه تحکیم هر چه بیشتر خانواده فراهم می‌شود.

سلام کردن

امام صادق^(ع) فرموده‌اند: «یسلم الرجل اذا دخل علی اهله؛ وقتی شوهر وارد خانه می‌شود، باید به اعضای خانواده (به‌ویژه همسرش) سلام کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۲). این روایت نشان می‌دهد که سلام کردن نباید مختص به زن یا فرزند باشد بلکه مرد نیز وقتی پس از یک روز کاری وارد منزل می‌شود، می‌بایست به زن و فرزندان سلام کند. سلام کردن و برخورد خوب، یکی از راهکارهای مهم در برقراری روابط اجتماعی سالم و از عوامل مؤثر در استحکام نهاد خانواده است.

سازگاری و مدارا

مدارا و سازگاری در زندگی خانوادگی، به مفهوم نرمش‌پذیری، سرسختی نداشتن و انعطاف‌پذیری از قواعد مهم و اساسی است که بدون آن زندگی پیوسته در کشاکش و اصطکاک طی خواهد شد.

امام رضا^(ع) در تبیین اهمیت سازگاری و مدارا می‌فرماید: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سَنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ سَنَةٌ مِنْ نَبِيٍّ - وَ سَنَةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَأَمَّا السَّنَةُ مِنْ رَبِّهِ فَكُتْمَانُ سِرِّهِ وَأَمَّا السَّنَةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ وَأَمَّا السَّنَةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَاصْبِرْ فِي الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَاءِ؛ مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آنکه سه خصلت در او باشد سستی از پروردگارش، از پیامبرش و از امامش؛ اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است، سنت پیغمبرش، مدارا و

❖ نرم‌رفتاری با مردم است و سنت امامش، صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان‌حالی است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۳۳۹).

در خانواده‌ای که هر یک از زوجین با وجود برخی از تفاوت‌ها با یکدیگر مدارا می‌کنند، به زندگی، هدف و معنا می‌دهند و هر دو در پی رسیدن به هدف مشترکی که همان رضایت الهی است، خود را از گزند آسیب‌هایی که نهاد خانواده را تهدید می‌کند مصون نگه می‌دارند و به تحکیم هر چه بیشتر نهاد خانواده کمک می‌کنند.

تکریم شخصیت اعضای خانواده

یکی دیگر از راهکارهای مؤثر در تحکیم نهاد خانواده این است که اعضای خانواده به شخصیت یکدیگر احترام بگذارند و تکریم کنند.

امام رضا^(ع) در سیره عملی خویش در جهت تقویت عواطف و تکریم شخصیت افراد خانه و در جمع معاشران، این‌گونه بودند. ابراهیم بن عباس می‌گوید: هرگز شخصیتی برتر از امام رضا^(ع) ندیدم، هرگز پای خویش را در مقابل همنشینان دراز نمی‌کردند و پیش از او تکیه نمی‌دادند. به خدمتگزاران دشنام نمی‌گفتند، صدایشان به خنده بلند نمی‌شد و همواره با غلامان و زیردستان خود کنار سفره غذا می‌نشستند (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۷۴).

داشتن روحیه قدردانی از همدیگر

ازجمله مسائل عاطفی در تحکیم کانون خانواده، آن است که روحیه قدردانی در زن و شوهر به وجود آید. قدردانی از نظر روانی، شادی‌بخش و از نشانه‌های بارز احترام زن و شوهر به یکدیگر محسوب می‌شود.

امام صادق^(ع) فرمودند: «بهترین زن‌های شما زنی است که وقتی شوهرش چیزی آورد سپاسگزاری کند و اگر نیاورد راضی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۲۳۹).

امام رضا^(ع) شیوه تفکر نقاد را این‌گونه تبیین می‌کنند که در آغاز باید سخنان مردم (اطلاعات) را شنید (جمع‌آوری کرد) و سپس با تجزیه و تحلیل آن و مطابقت با معیارهای درست، سره را از ناسره باز شناخت (عبدی و یزدانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۹).

پرهیز از خشم

زندگی نامه اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) مملو از مواردی است که کنترل خشم و مهار پرخاشگری حتی در زمانی که حق با آنان است به چشم می‌خورد. مطالعه زندگی این بزرگان می‌تواند به رفتارهای ما رنگ و بوی دیگری دهد و موجب تغییر رفتارهای ما شود (آقاجانی، ۱۳۹۰: ۷۴).

کنترل خشم، در سیره و سخنان امام رضا^(ع) بسیار توصیه شده و به خویشتن‌داری و نیکو رفتاری با دیگران به‌خصوص با اعضای خانواده تأکید شده است. از امام رضا^(ع) درباره بهترین بندگان سؤال شد. فرمودند: آنان هر گاه نیکی کنند خوشحال شوند، هر گاه بدی کنند آمرزش خواهند، هرگاه عطا شوند شکرگزارند، هرگاه بلا بینند صبر کنند و هرگاه خشم کنند درگذرند (حرانی، ۱۳۹۴ق: ۴۶۹).

بسیاری از آسیب‌هایی که منجر به فروپاشی نظام خانواده می‌شود، در نتیجه خشم است که اگر مدیریت شود، نهاد خانواده را در مسیر استحکام بیشتر قرار می‌دهد.

۴. راهکارهای اجتماعی

حیاء

حیاء واکنش درونی فرد به حضور و توجه دیگران، «ملکه نفسانی است که باعث خودداری از امور قبیح، تنفر از رفتار خلاف آداب و ترس از ملامت دیگران می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۲۹). از آنجا که حیاء تأثیر زیادی در حفظ جامعه از ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها دارد، نقش مهمی نیز در پاکدامنی افراد داشته و راهکاری اساسی برای تحکیم نهاد خانواده است.

امام علی^(ع) می‌فرماید: «ثمره حیاء، پاکدامنی است» (آمدی، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

امام رضا^(ع) نیز فرموده‌اند: «حیاء از ایمان است» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۶۵).

از این‌رو، همان‌گونه که در روایت‌ها ذکر شده است، حیاء یکی از عناصر مهمی است که اغلب رفتارهای شخصی و اجتماعی متأثر از آن است. در صورتی که اعضای خانواده به آن

پایبند باشند، به استحکام بیشتر خانواده یاری رسانده‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از راهکارهای تحکیم نهاد خانواده این است که اعضای خانواده به‌خصوص مرد، نسبت به رفتارهای دیگر اعضاء نظارت و کنترل داشته و در مواقعی که از اعضاء سهل‌انگاری دیده شود، با امر به معروف و نهی از منکر، آنها را نسبت به خطای خویش آگاه سازند.

پیامبر اکرم^(ص) همه افراد جامعه را کارگزار کنترل معرفی کرده و نظارت، مراقبت و کنترل از یکدیگر را از وظایف افراد بر می‌شمارند. ایشان در باب نظارت همگانی می‌فرمایند: «همه، شبان و مسئول زیردستان خود هستید. رهبر، شبانی است که باید از رعایای خود مراقبت کند. بزرگ خانواده، در قبال باقی اعضای خانه مسئول است و زن نسبت به خانه شوهر مسئولیت دارد» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۸۴).

شیخ کلینی درباره عذاب تارکان امر به معروف و نهی از منکر حدیثی از امام رضا^(ع) نقل کرده که آن حضرت از قول رسول خدا^(ص) فرمودند: «زمانی که امت من نسبت به امر به معروف و نهی از منکر سهل‌انگاری کنند و مسئولیت را به گردن یکدیگر اندازند (و هر کس منتظر این باشد که دیگری آنرا انجام دهد)، در این صورت بایستی منتظر عذاب الهی باشند و این کار آنها به منزله اعلان جنگ با خداست» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵: ۵۹).

ارتباطات سالم و شایسته

فردی که بتواند ارتباط سالمی با دیگران برقرار کند، در کانون توجه مثبت بسیاری از افراد خواهد بود. البته هر فردی باید دارای ویژگی‌هایی باشد، تا بتواند این ارتباط سالم را ایجاد کند. ارتباط سالم و مفید در صورتی شکل می‌گیرد که احساسات خود را آشکارا ابراز کنیم و به طرف مقابل هم امکان دهیم تا احساسات خود را بیان کند. پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: «کسی که برادر باایمانش را با گفتن کلامی ملاطفت‌آمیز مورد احترام قرار دهد، تا وقتی که او شادمان است، گوینده آن سخن همواره در سایه رحمت الهی به سر می‌برد» (کلینی،

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۳۵

۱۳۶۵، ج ۲: ۲۰۶). ارتباط سالم زن و مرد با افراد دیگر و در اجتماع، خانواده را از افتادن در خطر فروپاشی و آسیب، مصون می‌دارد و در جهت تحکیم نهاد خانواده حرکت کرده است.

تفریح‌های سالم و شادی‌آور

در میان مجموعه علائق و رغبت‌های آدمی، گرایش به شادی و نشاط، موقعیت و جایگاه خاصی دارد، زیرا او به دلیل حب ذات و غریزه صیانت نفس از هر آنچه نشاط‌آور و آرام‌بخش باشد استقبال می‌کند و از هر عامل رنج و آزار، رویگردان است. به‌طور طبیعی انسان سالم و بهنجار هر آنچه را برای خود می‌خواهد نظیر شادابی، سرزندگی و موفقیت، همان را برای همسر و فرزندان‌شان نیز طلب می‌کند و در جستجوی راه‌هایی برای افزایش ظرفیت‌های شادی، سرور و بهجت قلبی برای خود و خانواده‌اش است (شرفی، ۱۳۸۹: ۸۸).

امام رضا^(ع) فرمودند:

سعی کنید اوقات شما چهار زمان باشد: وقتی برای عبادت و خلوت با خدا، زمانی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان واقف می‌سازند و در باطن به شما خلوص و صفا دارند و وقتی را هم به تفریح و لذت‌اند خود اختصاص دهید و از شادی ساعت‌های تفریح، نیروی لازم برای عمل به وظایف و وقت‌های دیگر را تأمین کنید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۱۲۳).

بنابراین تفریح و شادی نه تنها منع نشده بلکه یکی از راهکارهای مؤثر در تحکیم نهاد خانواده نیز به‌شمار می‌آید.

حُسن معاشرت

زیربنای خانواده و هیئت سازنده آن، حُسن معاشرت است. اگر شرایط زندگی از هر جهت دلخواه باشد اما حُسن معاشرت در آن نباشد، گویی شالوده و اساس زندگی روی آب بنا شده که با چشم بر هم زدنی خراب می‌شود. اساس حُسن معاشرت، شناخت مقام، منزلت و حقوق یکدیگر است. زن باید بداند که حقوق حقّه مرد، چیست و مقام و منزلت او کدام است. مرد هم باید از حقوق، مقام و منزلت زن آگاه باشد و هر یک باید خود را موظف به

❖ ادای حق دیگری بدانند (کمالی دزفولی، ۱۳۶۹: ۱۳۰).

صلهٔ ارحام

یکی دیگر از راهکارهای مهم در تحکیم نهاد خانواده که امروزه به علت ماشینی شدن زندگی و مشکلات آن توجه چندانی به آن نمی‌شود، صلهٔ رحم است. غالب نیازهای انسان یا در ارتباط با اجتماع یا توسط اجتماع برآورده می‌شود. وابستگی فرد به گروه و دوستی گروه با فرد و ارتباط انسانی بین آنها به تشکیل شخصیتی سالم و بانشاط و تحقق امنیت‌خاطر و آرامش در انسان کمک شایانی می‌کند (نجاتی، ۱۳۸۱: ۳۸۲).

امام هشتم^(ع) صلهٔ رحم را در ردیف نماز و زکات که از واجبات عمده در دین مقدس اسلام است، بیان فرمودند و در روایتی به هر سه دستور، امر کرده‌اند:

ان الله امر بثلاثة مقرونة بها ثلثة اخرى، امر بالصلاة والزكاة فمن صلى ولم يترك لم يقبل منه صلوته، و امر بالشكر له ولوالديه فمن لم يشكر والديه لم يشكر الله و امر باتقاء الله و صله الرحم، فمن لم يصل رحمه يتق الله عز وجل؛ خداوند در قرآن به سه مسئله امر فرموده و مورد هر امری را هم دو چیز قرار داده که اطاعت آن امر به پیروی از هر دو مسئله است:

۱. به نماز و زکات هر دو با هم امر فرموده، پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد، نمازش هم مقبول نیست؛

۲. خداوند امر به سپاسگزاری از خود و والدین کرده است، پس کسی که خدا را شکر کند، ولی از والدین قهردانی و سپاسگزاری نکند، در حقیقت خدا را شکر نکرده است؛

۳. امر به تقوا از خود و صلهٔ رحم کرده است، پس کسی که به تکلیف صلهٔ رحم عمل نکند، امر به تقوا را رعایت نکرده است (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۶۸).

صلهٔ رحم از عوامل تقوا معرفی شده است که نشان از اهمیت بسیار زیاد آن دارد، چراکه به سبب صلهٔ رحم، دل‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شده و نهاد خانواده مستحکم می‌شود.

مسئولیت‌پذیری

از دیدگاه فرهنگ اسلامی چنین استنباط می‌شود که گرایش برای تشکیل خانواده از احساسی ژرف تأثیر پذیرفته است. نیازمندی روح و روان و احتیاج عاطفی در چارچوب معنوی رشد‌دهنده، آدمی را وادار می‌کند تا در فرصتی مناسب به این مسئله جامه عمل بپوشاند. اسلام از مرد می‌خواهد سرآغاز بنیان خانواده را با مسئولیت‌پذیری معنوی و عملی توأم کند. رحمت، ملهم از سرشت ارتباطات همسران است و زوجین را وادار می‌کند با توجه به ظرفیت خانوادگی، روحی و اجتماعی، یکدیگر را درک کنند و مسئولیت‌های خود را پذیرا باشند. با یکدیگر به صورت صمیمی زندگی کنند و در این فضا از تنگ‌نظری و خودخواهی که زندگی خانوادگی را متلاشی می‌سازد، دوری جویند. امام رضا^(ع) فرموده‌اند: «اَحْسِنُوا جِوَارَ النَّعْمِ فَانْهَا وَحْشِيَّةٌ مَانَاتُ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ اِلَيْهِمْ» (عامر طائی، ۱۴۰۸ ق: ۴۰)؛ یعنی نعمت‌های الهی را که در اختیارتان است گرامی بدارید چراکه آنها گریزان هستند. از هر که کناره گیرند دیگر بازگشتی ندارند. امام رضا^(ع) در بیانی دیگر زندگی توأم با آرامش را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «الْعَيْشُ السَّعَةُ فِي الْمَنَازِلِ وَالْفَضْلُ فِي الْخِدْمِ وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ؛ مَنْزِلٌ وَسِيعٌ، هَمَكَارَانٌ وَخِدْمَتُكَارَانٌ افْزُونُ وَدُوسْتِدَارَانُ فِرَاوَانُ (کثرت اهل محبت و مودت)» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج: ۶، ۵۲۶)

بنابراین روایت مسئولیت‌پذیری هر یک از اعضای خانواده در مقابل یکدیگر، زمینه‌ساز توسعه و تحکیم هر چه بیشتر نهاد خانواده است.

در جدول زیر، موانع و راهکارهای تحکیم نهاد خانواده نشان داده شده است. چنانچه در این جدول مشاهده می‌شود در برابر موانع، راهکار یا راهکارهایی آورده شده است که با عمل به آنها می‌توان در مسیر استحکام نهاد خانواده گام برداشت.

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد خانواده

موانع تحکیم نهاد خانواده	راهکارهای تحکیم نهاد خانواده
موانع اخلاقی	راهکارهای اخلاقی
عیب‌جویی	گذشت در زندگی مشترک
بدبینی	داشتن منش‌های شایسته رفتاری نسبت به زنان

موانع اخلاقی	راهکارهای اخلاقی
بدخویی تحقیر کردن دروغ تحمیل نظر	تهذیب نفس حُسن خلق و گشاده‌رویی وفای به عهد عیب‌پوشی سکوت و خاموشی تواضع و فروتنی
موانع اقتصادی	راهکارهای اقتصادی
فقر و مشکلات معیشتی بیکاری و تن‌پروری بُخل و خست	قناعت در زندگی کار و تلاش استفاده صحیح و بهینه از منابع و امکانات، فراهم‌سازی امکانات رفاهی
موانع عاطفی	راهکارهای عاطفی
طلاق عاطفی اندوه خشونت در خانواده آزار همسر تبعیض در خانه	مزاح با اعضای خانواده محبت احترام به والدین و سپاسگزاری از ایشان سلام کردن سازگاری و مدارا تکریم شخصیت اعضای خانواده پرهیز از خشم
موانع اجتماعی	راهکارهای اجتماعی
چشم و هم‌چشمی دوستان ناباب	حیاء امر به معروف و نهی از منکر تفریح سالم و شادی‌آور حُسن معاشرت صله ارحام مسئولیت‌پذیری

نتیجه‌گیری

شخصیت هر انسانی متأثر از خانواده و محیطی است که در آن زندگی می‌کند. روابط افراد در محیط خانواده، نه تنها رفتار او را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهد، بلکه افکار و اندیشه‌ها و در نهایت سعادت و شقاوت او را می‌سازد.

رشد و شکوفایی نظام خانواده، مرهون شناخت و رعایت دقیق حقوق هر یک از اعضای آن نسبت به یکدیگر است. در نظام خانواده، پدر و مادر و زن و شوهر است که هر کدام، از حقوق ویژه‌ای در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با فرزندان برخوردارند، به عبارتی هر چه خانواده به سوی اسلامی و قرآنی شدن پیش رود، به طور قطع جامعه نیز سالم‌تر خواهد بود. امام رضا^(ع) نسبت به خانه و خانواده اهمیت فراوانی قائل هستند و برای اینکه این کانون مقدس، گرم نگه داشته شود و مکانی مناسب برای پرورش اعضای آن باشد، آموزه‌های بسیار جالبی ارائه داده‌اند. این آموزه‌ها، هم راهکار و هم تشویق برای خوب زیستن زن و مرد هستند. می‌توان ادعا کرد که توجه دقیق در محتوا و پیام‌های نویدبخش این آموزه‌ها در جهت ریشه‌کن شدن اختلاف‌ها بسیار سودمند خواهد بود.

در این نوشتار، موانع اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و اخلاقی در تحکیم نهاد خانواده از منظر امام رضا^(ع) را استخراج و مورد بررسی قرار دادیم و برای مقابله با این موانع، راهکارهایی را بر اساس آموزه‌های آن حضرت استخراج و استنباط کردیم. با پیروی از آموزه‌های رضوی می‌توان به عنوان یک انسان سالم که جامعه سالم را می‌سازد، به مقابله با آسیب‌ها پرداخت و در راه تعالی و کمال گام برداشت.

پیشنهادهای

۱. هر یک از موانع عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی به صورت مجزا بررسی شود تا به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای جدیدتری نیز ارائه شود؛
۲. محققان، به بررسی موانع و راهکارهای دینی، فرهنگی، عقلانی و ... که به دلیل

- ❖ محدودیت، در این نوشتار مورد بررسی قرار نگرفته است پردازند.
۳. آموزش و پرورش به طریق مناسب، یافته‌های این بررسی را در کتاب‌های درسی و متناسب با شرایط سنی و دوره‌های تحصیلی مختلف منعکس کند.
۴. برنامه‌سازان، موانع و راهکارهایی را که در بررسی حاضر استنباط شده در اولویت کارهای تولیدی خود قرار دهند.
۵. دستگاه‌های مختلف فرهنگی، در برنامه‌های خود، این موانع و راهکارها را به مخاطبان خود منتقل کنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- اربلی، علی بن موسی، (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. دو جلد، تهران: اسلامیه.
- آزاد، حسین و انسیه نصیب البکاء، (۱۳۸۰). «مقایسه ویژگی‌های فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر تهران». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، سال سوم، شماره هفتم: ۵۴-۴۱.
- آقاجانی، محمدصادق، (۱۳۹۰). *خانواده*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- آقامحمدیان، حمیدرضا و مرتضی روستایی، (۱۳۸۵). *نهاد خانواده در جامعه دینی*. اندیشه حوزه، سال ۱۲: ۶۱-۶۲.
- آمدی، عبدالواحدین محمد، (۱۳۷۷). *غررالحکم و دررالکلم*. تصنیف: مصطفی و حسین درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- امین‌عاملی، سیدمحسن، (۱۳۶۷). *اعیان الشیعه*. ۱۱ جلد، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بهشتی، احمد، (۱۳۷۷). *خانواده در قرآن*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از مؤلفان، (۱۳۷۴). *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*. دو جلد، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. ۳۱ جلد، قم: اسراء.

جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۸۳). *زن در آینه جلال و جمال*. قم: اسراء.

حائری کرمانی، حسین، (۱۳۸۴). *سخنان گهربار در الکلام (حضرت امام علی بن موسی الرضا^(ع)): به انضمام سخنان حضرت امام موسی کاظم، حضرت امام محمد تقی^(ع) و ...*. مشهد: انصار.

حرانی، حسن بن علی بن حسن بن شعبه، (۱۳۹۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: بصیرت.

حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۱ق). *وسایل الشیعه*. ۳۰ جلد، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹هـ ق). *وسایل الشیعه*. چاپ اول، ۲۹ جلد، قم: مؤسسه آل البيت^(ع).

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.

حسینیا، احمد، (۱۳۸۰). *بهداشت روانی ازدواج و همسر داری*. تهران: مفید.

حکیمی، محمد، (۱۳۸۷). *فرازهایی از سخنان امام رضا^(ع)*. پنج جلد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

حیدری، مجتبی، (۱۳۸۵). *دین داری و رضامندی خانوادگی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره).

دیلمی، شیخ حسن، (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب إلى الصواب*. دو جلد، قم: شریف رضی.

رضی، سید شریف، (۱۳۷۸). *نهج البلاغه*. ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ساروخانی، باقر، (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش.

سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۸۷). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. تهران: سمت.

ستوده، هدایت‌الله و علی بقائی سرایی، (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: ندای آریانا.

شرف‌الدین، سید حسین، (۱۳۷۸). *تحلیلی اجتماعی از صله رحم*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۹). *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

شعاع کاظمی، مهرانگیز، (۱۳۸۴). «خانواده و آسیب‌های روانی موجود در آن». *معرفت*، سال ۱۴، شماره ۹۴.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، (۱۴۱۷ق). *امالی*. چاپ اول، قم: بنیاد بعثت.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۴ق). *عیون اخبار الرضا*. تحقیق شیخ حسین اعلمی، دو جلد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، ۲۰ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

موانع و راهکارهای تحکیم نهاد ... ❖ ۱۴۳

- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۹۲ق). *مکارم الاخلاق*. دو جلد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عامر طائی، عبدالله بن احمد، (۱۴۰۸ق). *صحیفه الرضا*. مترجم محمدرضا ضمیری، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- عبدی و یزدانی مقدم، (۱۳۸۸). *تأثیر تعالیم دینی و کسب مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*. مشهد: کتاب‌شناسی ملی.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق). *مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی (ع)*. دو جلد، مشهد: المؤتمر العالمی الامام الرضا (ع).
- فرجاد، محمدحسین، (۱۳۶۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: بدر.
- فولادی، محمد، (۱۳۸۲). *بررسی میزان و عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم*. قم: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵). *کافی*. ۸ جلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کمالی دزفولی، علی، (۱۳۶۹ش). *قرآن و مقام زن*. تهران: هادی.
- کوئن، بروس، (۱۳۷۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
- گروه محققین، (۱۳۶۳). *جامعه‌شناسی روش‌های درمان گروهی*. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. ۱۱۰ جلد، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- محبی، سیده فاطمه، (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان»، *مطالعات راهبردی زنان*. سال چهارم، شماره ۱۵: ۷-۶.
- محمدری شهری، محمد، (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. مترجم حمیدرضا شیخی، ۱۵ جلد، قم: دارالحدیث.
- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، (۱۳۸۵). «نشاط در خانواده». *صبح*، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۲۲-۱۰۵.
- مکارم‌شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸). *تفسیر نمونه*. ۲۷ جلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، رقیه، (۱۳۷۷). «بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان و کارگران شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- میر احمدی‌زاده، علیرضا و همکاران، (۱۳۸۲)، «رضایت‌مندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز». *اندیشه و رفتار*، سال هشتم، شماره ۳۲: ۶۳-۵۶.

- ❖ سال دوم، شماره هفتم، پیاپی ۱۳۹۳
- ناصر، شیخ منصور علی، (۱۹۷۵م). *التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول*. بیروت: دارالفکر.
- نجاتی، محمد عثمان، (۱۳۸۱)، *قرآن و روان شناسی*. مترجم عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. ۱۸ جلد، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ویرجینا ستیر، (۱۳۷۶). *آدم‌سازی*. مترجم بهروز بیرنگ، تهران: رشد.

Haworth-Hoeppner, Susan, (2000). "The Critical Shapes of Body Image The Role of Culture and Family in the Production of Eating Disorders", Journal of *Marriage and the Family*, Vol 62: 212–227.

سبک زندگی معنوی امام رضا^(ع)؛ الگویی برای آرامش روانی

مجتبی اخوان‌ارمکی* - معصومه نعلچی**

چکیده

یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی امام رضا^(ع) ارتباط عمیق معنوی ایشان با خداست که در کثرت عبادت و خویشن‌داری حضرت تجلی کرده است. آن حضرت، در زندگی، اصول معنوی خاصی را رعایت کرده‌اند که به یقین با پیروی از سبک زندگی معنوی آن بزرگوار، انسان به آرامش روحی و روانی خاصی می‌رسد. در این مقاله با بررسی زندگی امام رضا^(ع) سعی شده است، به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه امام هشتم^(ع) در نهایت آرامش روانی به سر می‌بردند؟ یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که انسان با پیروی از سبک زندگی معنوی امام هشتم^(ع) به خدا توکل خواهد کرد و با صبر در برابر مشکلات از آنچه خداوند به او داده است، راضی خواهد بود، زندگی را بر خود آسان خواهد گرفت و به آرامش روانی می‌رسد. روش پژوهش در این نوشتار، کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها:

آرامش روانی، سبک زندگی، معنوی، امام رضا^(ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۴

mtakhavan@ut.ac.ir

*. دانشجوی دکتری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

akhavan1330@yahoo.com

**. کارشناس تاریخ آموزش و پرورش

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

افسردگی، اضطراب، تنش و استرس از بیماری‌های فراگیر دوران معاصر است که ساختار وحدت‌یافته شخصیت انسان را درهم می‌ریزد و قدرت سازگاری او را با خود و جامعه به‌طور عجیبی کاهش می‌دهد و سرانجام موجب اختلال در ساختار تفکر و عواطف می‌شود. این بیماری، دلواپسی مبهمی است که اغلب با تظاهرات محیطی همراه می‌شود. گاهی با تنگی نفس، درد قفسه سینه، تپش قلب، تعریق مفرط، سردرد، ناراحتی مختصر معده، اسهال، احساس سرگیجه و سبکی در سر، بالا رفتن فشارخون، تکرار ادرار یا کنندی دفع ادرار و بی‌قراری، مشخص می‌شود (تودر، ۱۳۸۲: ۱۸۲).

برای اینکه انسان در معرض چنین بیماری خطرناکی قرار نگیرد، بهترین راه، پیشگیری است. آرامش روانی اصطلاحی است که برای پیشگیری اولیه از ابتلا به این بیماری به‌کار می‌رود. رسیدن به آرامش روانی آنقدر اهمیت دارد، که در قرآن کریم به‌طور صریح به آن سفارش شده است؛ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ» (فتح / ۴). آرامش روانی مشخصه مستقلی است که حاکی از توانایی انسان در تسلط بر مملکت درونی و فرمانروایی و تدبیر او بر خویشتن است.

در روزگار ما که انسان‌ها راه زندگی حقیقی را گم کرده و بدون آگاهی، یک دنیا رنج و سیه‌روزی را به دوش خود نهاده‌اند، یافتن راه درست زندگی کردن و به‌دست آوردن آرامش روانی کار بسیار دشواری است. کاری طاقت‌فرسا که باعث کوفتگی و خستگی اعصاب و روان می‌شود، از یک طرف و زندگی ماشینی از طرف دیگر، انسان را در چاه مشکلات و سرگردانی گرفتار ساخته است. با وجود این، همه تلاش می‌کنند تا زندگی آرامی داشته باشند و به آرامش روحی و روانی دست یابند.

از آنجا که رسیدن به آرامش روانی، هنری آموختنی است و انسان در رفتار و فعالیت‌های خود جامد، راکد، خشک و محدود نیست، بلکه در او انعطاف کافی و قابلیت تغییر وجود دارد و آنچه تاکنون در مکتب‌های مختلف برای رسیدن به آرامش روانی بیان شده، دارای

سبک زندگی معنوی امام ... ❖ ۱۴۷

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

نقایص و کاستی‌هایی بوده است، این پرسش مطرح می‌شود، امام رضا^(ع) که به ایشان «عالم آل محمد^(ص)» می‌گویند و در نهایت آرامش روانی به سر می‌بردند، (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۴۹: ۱۰۰) سبک زندگی معنوی‌شان چگونه بود، تا برای رسیدن به آرامش روانی افراد، الگو قرار گیرد؟

هدف این نوشتار، ارائه الگویی کامل از سبک زندگی معنوی امام رضا^(ع) برای ایجاد آرامش روانی است.

پیشینه

صغری فضلی‌نژاد و همکارانش در سال (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «معنویت و سلامت روان از دیدگاه قرآن» انجام دادند. در این تحقیق، نویسندگان، معنویت را یکی از نیازهای عالی روح انسان معرفی کرده‌اند که سبب می‌شود افق دید انسان منحصر به دنیا نباشد، زیرا این حصر، ملازم با پاره‌ای از حوادث اجتناب‌ناپذیر است که انسان را بیش از گذشته تهدید می‌کند. بنابراین، بازگشت به معنویت، درمان بسیاری از دردهای انسان معاصر است. طبق یافته‌های این تحقیق، سلامت روانی افرادی که دارای تجربه‌های معنوی عمیق هستند، نسبت به سایر افراد در سطح بالاتری قرار دارد.

محسن عباس‌نژاد و همکارانش در سال (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «نقش معنویت و دین بر سلامت روان» انجام داده و به این نتیجه رسیدند که برای نیل به بهداشت روانی و آرامش، رابطه با خالق هستی، نقش بارزی دارد. لذا، یکی از راه‌های پیشگیری از بروز بیماری‌های روانی و تأمین سلامت روان، بازگشت به دین و معنویت و پیروی از سیره انبیاء و اولیای خداست.

محمدحسین کیانی در سال (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «جایگاه آرامش در عرفان و معنویت‌گرایی» معتقد است، بخش عمده سلامت، از جان و روان سرچشمه می‌گیرد. نگارنده در این تحقیق تلاش می‌کند تا رابطه معنویت و آرامش را بسنجد، به مقایسه ثقل آرامش در

❖ آموزه‌های اسلام و عرفان‌های بی‌دین بپردازد و در آخر بر ادعای تأمین آرامش روانی در تعالیم اسلام صحه گذارد.

اهمیت موضوع

«یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن ما، اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان رستگاری، فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت بدهیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). همچنین، معنویت، اطمینان قلبی و آرامش روحی به انسان می‌بخشد، آن‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. به درستی که دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرد» (رعد / ۲۸). «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ خداست که به دل‌های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند» (فتح / ۴). چنین انسانی خود را از دام شهوات نفسانی و مادیات و لذت‌های زودگذر دنیایی می‌رهاند و سعادت را در عفت، پاکدامنی، شرافت و برپایی جامعه‌ای سالم و انسانی می‌داند و کارهایی انجام می‌دهد که به خیر و صلاح خود و جامعه است. بنابراین، بررسی سبک زندگی معنوی امام رضا^(ع) که الگویی از معنویت بودند و پیروی از آن برای رسیدن به آرامش روانی ضروری است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

تعاریف واژگان

۱. آرامش روانی

آرامش اسم مصدر از آرامیدن به معنای آرامیدگی، وقار، سنگینی، خواب کوتاه و سبک، فراغت، صلح و آشتی و سکون است (معین، ۱۳۵۴، ج ۱: ۵۱۲). در انگلیسی واژه (Relaxation) را به آرامش و آرامیدگی اعصاب از طریق استراحت بدنی ترجمه کرده‌اند. نزدیک‌ترین مفهوم به آرامش روانی، «بهداشت روانی» است. این اصطلاح

از قلمرو پزشکی اقتباس شده و طیفی از مفاهیم ضمنی را دربر دارد که نه تنها نشاندهنده فقدان بیماری روانی است، بلکه بیانگر وجود ویژگی‌های مثبتی چون خویشتن‌پذیری، خودمختاری، انسجام شخصیتی و خودشکوفایی است (وولف، ۱۳۸۶: ۳۵۰). منظور از آرامش روانی، داشتن خلق یا وضع روانی است که فرد از لحاظ شادمانی، اعتماد به نفس، شور، حرارت و امثال آن در وضعیت آرمیدگی، آسایش خاطر و اطمینان‌بخش قرار گیرد. لازم به ذکر است، آرامش روانی، با نگرش‌های دینی ارتباطی تنگاتنگ دارد، به‌طوری‌که با افزایش مرتبه دین‌داری، آرامش روانی هم افزایش می‌یابد (سی‌وارد، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

۲. سبک زندگی

در جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت وجود دارد: یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است و غالباً به‌عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به‌کار رفته است. دیگری به‌عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد. در این معنا، سبک زندگی، راهی برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد است که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد (اباذری، ۱۳۸۱: ۱۴).

در فرهنگ علوم اجتماعی، سبک زندگی، چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به‌صورت فردی و گروهی است که شامل چگونگی استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و... می‌شود. گیدنز، سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می‌داند که مستلزم مجموعه‌ای از عادات‌ها و جهت‌گیری‌هایی است که از نوعی وحدت برخوردار است (۱۳۷۸: ۶۴).

سبک زندگی، مفهومی است که با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد. در جامعه معاصر، برخلاف جوامع سنتی، به‌واسطه اهمیت خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه

❖ مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است. بنابراین، پدیده اجتماعی سبک‌های زندگی از اجزای سازنده تحولات مدرنیته تلقی می‌شود، زیرا سبک‌های زندگی، بازنمودی از جستجوی هویت و انتخاب فردی است.

به‌طور کلی، در بررسی تعاریف موجود درباره سبک زندگی، با دو رویکرد اصلی مواجه می‌شویم. گروهی که سبک زندگی را مجموعه رفتارهای عملی و آنچه در زندگی اجتماعی افراد به‌صورت عینیت‌یافته مشاهده می‌شود، می‌دانند و گروه دوم، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز در زمره سبک زندگی به‌حساب می‌آورند. پس می‌توان گفت: سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایل‌ها و ترجیح‌هایش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند.

۳. معنویت

معنویت در لغت به معنای معنوی بودن، مربوط و منسوب به معنی حقیقی، راستی، اصلی، ذاتی، مطلق، حقیقی، روحانی در مقابل مادی، ظاهری و صوری آمده است (معین، ۱۳۵۴، ج ۴: ۷۶۳). معنویت آن جنبه از حیات فردی و جمعی بوده که بیانگر رابطه‌ای آگاهانه است که فرد در ارتباط با امور متعالی دارد. پیش‌فرض این مفهوم این باور است که امور متعالی وجود دارند و روح بشر می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند (ترول، ۱۳۹۱: ۲۰). به‌عبارتی دیگر، معنویت، نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی است که نتیجه‌اش حالت‌های نفسانی نامطلوبی مانند: غم و اندوه، ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگشتگی و سردرگمی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی و... تا آنجا که امکان‌پذیر است، در انسان پدید نیاید و موجب رضایت باطن شود.

واژه معنویت در قرآن و روایت‌ها بدین شکل نیامده، ولی با توجه به معنای لغوی آن می‌توان گفت: منظور از آن، عالم باطن و حقیقت روح جهان مادی و ظاهری است که بهترین

واژه قرآنی نزدیک به آن حیات طیبه و نور الهی است. در قرآن آمده است:

أَوْ مِنْ كَانَ مَبِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا ۚ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: آیا کسی که مرده بود و ما زنده‌اش کردیم و برای او نوری قرار دادیم که به وسیله آن در میان مردم راه می‌رود، مانند کسی است که در تاریکی‌ها قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این‌گونه برای کافران آنچه انجام می‌دهند، زینت داده شده است (انعام/۱۲۲).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «به راستی در مؤمن، حقیقت و واقعیتهای وجود دارد که در دیگران وجود ندارد و این حقیقت، سزاوارتر است به اینکه اسم حیات و زندگی بر آن گذشته شود، تا بر آن حقیقتی که در دیگر مردم است و آنرا در مقابل حیات نباتی، حیات و زندگی حیوانی می‌نامیم» (۱۳۷۴، ج ۷: ۴۶۶).

این آیه دربردارنده مفاهیم ذیل است:

مشرك، مرده و بی‌بهره از حیات معنوی و روحانی است؛

راهیابی به توحید و ایمان موجب حیات انسان می‌شود؛

ایمان، حیات و مولد نور بوده، اما کفر، مرگ و تاریکی است؛

کافران گمراه، در چنان ظلماتی اسیرند که امیدی به رهایی آنان نیست؛

مؤمن با نور الهی مسیر صحیح حرکت را در جامعه و بین مردم درمی‌یابد؛

نور ایمان، روشنگر خطوط و افکار مختلف جامعه برای مؤمنان است؛

توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از

اطاعت مشرکان و گمراهان است؛

مؤمن در جامعه، عنصری پویاست.

با توجه به آیه و تعبیراتی که در آن آمده، می‌توان معنویت را چنین تعریف کرد: برآیندی

است که از فرایند معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت اسلامی حاصل می‌شود.

بدین ترتیب:

اگر حیات طیبه و نورانیت دل به دست نیاید، معنویتی حاصل نشده است؛ بدون معرفت نسبت به حقایق عالم و ملکوت جهان مادی و نیز ایمان به خدا و صفات و افعال او، معنویت مفهومی ندارد؛ بخش عظیمی از معنویت در پرتو کارهای شایسته و نیکو شکل می‌گیرد و عمل صالح، لازمه ایمان صحیح و مقوم معنویت و شرط لازم آن است و نقیض آن عمل زشت نیز نابودکننده معنویت است.

آموزه‌های اسلامی، عمیق‌ترین و جامع‌ترین معارف الهی را در ابواب گوناگون عرضه می‌دارد و افزون بر آن، اعمال شایسته را به بهترین شکل تبیین کرده است که می‌تواند معنویتی بزرگ را پایه‌گذاری کند.

خداوند، منبع، محور و بخشاینده معنویت است و بدون ارتباط با او از رهگذر بندگی واقعی و عبودیت، معنویت پوچ و مجازی است. معنویت، منهای خدا چیزی جز فریب و دل‌مشغولی ظاهری نیست. حیات طیبه و تابش انوار ربوبی بر قلب از سوی خدای تعالی است و ایمان و عمل صالح، زمینه آن را فراهم می‌سازند. بنابراین، معنویت افاضه‌ای از سوی حق است.

معنویت در نقطه ثابتی توقف نمی‌کند، بلکه شدت و ضعف و ارتقا و افول دارد. در افراد گوناگون، درجه‌های مختلف دارد و در یک فرد نیز ممکن است کاهش و فزونی یابد، چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ به راستی که انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم، سپس او را به پست‌ترین پستی بازگردانیدیم» (تین / ۵ و ۶). ایمان و عمل صالح، جان بنده را برای تابش انوار معنویت آماده می‌سازند. با رشد ایمان و اخلاص در عمل و به تناسب آن، معنویت رو به رشد و فزونی می‌گذارد و آثارش را آشکار می‌سازد.

۴. تجلی معنویت در انسان

تجلی معنویت در انسان به شکل‌های زیر است:

الف) روحیه شهامت، به انسان شجاعت و فداکاری می‌بخشد. زیرا معنویت، نفس را از

قید و بند سلطه دیگران آزاد کرده و به انسان گوشزد می‌کند که بخشنده عمر خداست و فداکاری و شجاعت چیزی از عمر او نمی‌کاهد؛ «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا؛ و هیچ‌کس را نسزد که بمیرد مگر به فرمان خداوند. وقت آن‌را دقیقاً در مدت مشخص و محدودی ثبت و ضبط کرده است» (آل‌عمران/ ۱۴۵).

ب) اعتقاد به رزاقیت حق تعالی؛ انسان معنوی‌گرا، همه چیز را از خدا می‌خواهد، از روزی‌دهنده‌ای که تحت تأثیر هیچ انسان حریص و ناخشنودی قرار نگرفته و هیچ‌کس او را از کارش منصرف نمی‌کند؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی آن برعهده خداست و محل زیست و دفن او را می‌داند، همه اینها در کتاب روشنی است» (هود/ ۶).

ج) اطمینان قلبی و آرامش روحی؛ قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. به‌درستی که دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرند» (رعد/ ۲۸). «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ خداست که به دل‌های مؤمنان، آرامش و اطمینان‌خاطر داده است، تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند» (فتح/ ۴). چنین انسانی خود را از دام شهوات نفسانی و مادیات و لذت‌های زودگذر دنیایی می‌رهاند و سعادت و خوشبختی را در عفت، پاکدامنی، شرافت و برپایی جامعه‌ای سالم و انسانی می‌داند و خود را متوجه کارهایی می‌کند که به خیر و صلاح خود و جامعه باشد.

د) برخورداری از زندگی پاکیزه؛ زیرا خداوند خواستار آن است که مؤمنان در همین دنیا

و پیش از رسیدن به سرای آخرت، هر چه زودتر صاحب زندگی پاکیزه‌ای شوند؛

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَتَانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس چه زن و چه مرد کار شایسته‌ای انجام دهد و مؤمن

باشد، به او، زندگی پاکیزه و خوشایندی می‌بخشیم و پاداش آنان را طبق بهترین

کارهایشان خواهیم داد (نحل/ ۹۷).

❖ سبک زندگی معنوی امام رضا (ع)؛ الگویی برای آرامش روانی

محمد بن فضل نقل کرده است: از امام رضا (ع) خواستم تفسیر «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس / ۵۸) را بیان فرمایید. فرمودند: با ولایت محمد (ص) و آل محمد (ص)، مردم بهترین خیرها را در دنیا به دست می آورند.

امام رضا (ع) در دوران خود بزرگ‌ترین متفکر اسلامی و داناترین انسان روی زمین بودند. آن حضرت، جهان اسلام را برای پیشرفت و ترقی یاری دادند. امام (ع) مسجد نبوی را دانشکده‌ای برای تدریس و سخنرانی قرار داده و مانند پدرانش، ائمه معصومین (ع)، پیش‌تاز نهضت علمی و تمدن در دنیای اسلام بودند. یکی از بارزترین ویژگی‌های امام رضا (ع)، ارتباط عمیق معنوی ایشان با خداست که در کثرت عبادت و خویش‌داری حضرت تجلی کرده است. ابراهیم بن عباس در روایتی بیان کرده است: «امام (ع) شب‌ها بسیار کم می‌خوابیدند، غالباً شب را از ابتدا تا صبحگاهان به احیاء و عبادت می‌گذراندند، بسیار روزه می‌گرفتند و هیچ ماهی نبود که در آن لااقل سه روز روزه نباشد» (مجلسی، ۱۴۰۰ق، ج ۴۹: ۹۱). همچنین، از امام (ع) دعاهایی به یادگار مانده که همگی سرشار از روح بندگی و انس آن حضرت با خداوند و توکل بر ذات احدی اوست. از جمله آنکه فرموده‌اند: «یا من دَلَّی علی نفسِه و ذلِل قلبی بتصدیقِه اسالک الامن و الایمان فی الدنیا و الاخر؛ ای کسی که مرا به‌سوی خودت رهنمون گشتی و دلم را به‌واسطه تصدیق خود آرام گرداندی، از تو ایمان و امنیت را در دنیا و آخرت خواستارم» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۵۷۹).

آن حضرت در زندگی، اصولی معنوی خاصی را رعایت کرده‌اند که به یقین با پیروی از سبک زندگی معنوی آن بزرگوار، انسان به آرامش روحی، روانی خاصی خواهد رسید. برخی از این اصول عبارت‌اند از:

۱. توکل به خدا

رجاء بن ابی ضحاک به دستور مأمون به مدینه رفت و امام (ع) را از مدینه به مرو آورد. او در روایتی، به‌طور کامل تمام جزئیات زندگی امام (ع) را در یک شبانه‌روز نقل کرده است. در

قسمتی از این روایت آورده: «به خدا سوگند ندیدم مردی را که نسبت به خدای تعالی از وی بیشتر پرهیز و خوف داشته و بیشتر از او به یاد خدا باشد» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۲۳). او سپس نماز، روزه، دعا و قرآن خواندن آن حضرت را نقل کرده که به راستی شگفت‌آور است. امام رضا^(ع) که از متوکلین درگاه الهی بودند و هر کاری را با توکل به خداوند متعال انجام می‌دادند، درباره توکل فرموده‌اند:

التوکل درجات: منها ان تتق به فی امرک کله فیما فعل بک، فما فعل بک کنت راضیا و تعلم انه یا لک خیرا و نظرا. و تعلم ان الحكم فی ذلک له، فتوکل علیه بتفویض ذلک الیه و من ذلک ایمان بغیوب الله الّتی لم یحط علمک بها فوکلت علمها الیه و الی امثاله علیها و ثقّت به فیها و فی غیرها؛ توکل درجه‌هایی دارد. یکی از آنها این است که در هر کاری که مربوط به توست به او اعتماد کنی. از آنچه که نسبت به تو انجام می‌دهد، خشنود باشی و بدانی که او جز خیر برای تو نمی‌خواهد و بدانی که حکمت در این است که کارت را به او واگذار کنی و به او توکل نمایی. دیگر اینکه به علام‌الغیوبی او که علم تو به آن نمی‌رسد، مؤمن باشی که علم آن مخصوص خداست (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۸۰۴).

توکل، یعنی تسلیم بودن در برابر اوامر الهی و خشنودی، به قضا و فرمان اوست. واژه توکل و مشتقات آن در ۴۸ آیه از ۲۸ سوره قرآن ۷۰ بار آمده است. به نظر راغب، کلیه آیات مذکور در دو معنای ولایت‌پذیری و اعتماد کردن به خداست (۱۴۰۱ق، ماده توکل).

توکل از نظر «طبرسی» واگذار کردن و سپردن امور خویش به خداوند و اعتماد کردن به حُسن تدبیر اوست (طبرسی، ۱۴۰۱ق، ج ۳: ۵۶۲).

شیخ طوسی هم در تفسیر التبیان، توکل را تفویض امور به حق و وکیل را به معنای حفیظ و ولی به کار برده است.

توکل، غیر از تفویض است، چنان‌که ثقه غیر از هر دو است. از این جهت آنها را در مقامات سالکان جداگانه شمرده‌اند، زیرا تفویض آن است که بنده حول و قوت را از خود

❖ نبیند و در تمام امور، خود را بی‌تصرف داند و حق را متصرف؛ اما در توکل چنان نیست، زیرا متوکل حق را تصرف و جلب خیر و صلاح را قائم مقام خود کند.

از دیدگاه علامه طباطبائی، انسان زمانی که به خداوند توکل می‌کند، در حقیقت به یک سبب و علتی توسل می‌جوید که غیر مغلوب است و همین امر باعث تقویت اراده و قدرت روح وی می‌شود (۱۳۷۴، ج ۴: ۶۵).

توکل، اعتماد قلبی به خداوند متعال است، به‌طوری که انسان در صورت فقدان اسباب ظاهری در عالم، برای رسیدن به هدف دچار اضطراب نمی‌شود. انسانی که بر خدا توکل دارد، چون می‌داند همه کارها به‌دست خداوند انجام می‌شود و صلاح و مصلحت به‌دست اوست، در برابر مشکلات، صبر و شکیبایی پیشه می‌کند و هیچ‌گاه جزع و بی‌تابی نمی‌کند. توکل به خداوند، آثار فراوانی چون قوت قلب، حُسن یقین، آسانی مشکلات، رفع تردیدها، سهولت اسباب، نجات از حرص و آز و کفایت در امور زندگی را به همراه دارد.

انسان باید در کلیه امور زندگی به خداوند توکل کند و بداند خداوند هر چه برایش مقدر ساخته به مصلحت اوست. پیامبر بزرگوار اسلام^(ص) فرمودند: «کل ما اتاکم الله فهو جمیل؛ آنچه از جانب خداوند به انسان می‌رسد، خیر و زیبایی است» (دیلمی، ۱۴۱۵ق: ۲۳). این اصل به انسان می‌فهماند که نگاه ما باید به مسائل و رویدادها مثبت باشد. یعنی، هم خوشی‌ها را خیر و خوبی بدانیم و هم ناملازمات را خیر تلقی کنیم و بدانیم حوادث شیرین زندگی «خیر جلی» است، زیرا ظاهر و باطن آن، هر دو پسندیده بوده و ناملازمات هم خیر است؛ اما آن «خیر خفی» است، زیرا اگرچه ظاهرش ناپسند به‌نظر می‌رسد، اما در حقیقت به مصلحت ماست و آن هم خیر است. آن‌گونه که حضرت زینب^(س) بعد از آن همه مصائب در کربلا و کشته شدن برادر و برادرزاده‌هایش وقتی سؤال کردند در قتلگاه چه دیدی؟ فرمودند: «ما رایت الا جمیلاً؛ چیزی جز زیبایی و خیر ندیدم» (خوارزمی، ۱۳۵۶: ۳۵۷).

انسانی که به خدا توکل کند، اگر در زندگی، ناملازماتی هم به‌وجود آید، آنها را خیر و خوبی تلقی می‌کند، از زندگی راضی است و خود را بدبخت و درمانده احساس نمی‌کند.

امام رضا^(ع) فرمودند: «الایمان اربعه ارکان: التوکل علی الله، والرضا بقضاء الله، والتسليم لامر الله، والتفویض الی الله؛ ایمان چهار رکن دارد: توکل به خدا، راضی بودن به قضای الهی، تسلیم بودن به امر او و واگذاشتن تمام کارها به خداوند» (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۴۴۵).

انسان باید همیشه خدا را مدنظر داشته و پیوسته به یاد او باشد. امام رضا^(ع) فرمودند: موسی بن عمران وقتی با خدا مناجات می کرد، گفت: ای خدا آیا تو دوری تا من تو را صدا بزنم یا نزدیکی که با تو نجوا کنم؟ به او وحی رسید: ای موسی، من همنشین با کسی هستم که مرا یاد کند. لذا، به قول حافظ:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافریست

راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

(حافظ، ۱۳۸۴: ۵۶).

۲. تفکر در آیات خداوند

امام رضا^(ع) در عظمت خداوند و آیات آن بسیار می اندیشیدند و برای این امر ارزشمند که باعث افزایش معرفت می شود، می فرمودند: «لیست العباده کثره الصیام و الصلاه، و انما العباده کثره التفکر فی امر الله؛ عبادت، بسیاری روزه و نماز نیست، بلکه بسیار اندیشیدن در امر خداست» (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۸۰۶).

در قرآن، آیات بسیاری وجود دارد که مؤمنان را به تفکر دعوت می کند، مانند آیات ۲۱۹ سوره بقره، ۵۰ سوره انعام، ۱۷۶ و ۱۸۴ سوره اعراف، ۲۴ سوره رعد، ۴۴ و ۶۹ سوره نحل. موارد دیگری نیز وجود دارد که مؤمنان را به امر تفکر در آیات الهی، تشویق می کند. لذا، تفکر، باعث شناخت می شود و بر معرفت می افزاید و انسان را به سوی معنویات رهنمون می سازد.

هنگامی که انسان در نظام آفرینش بیندیشد، به اسرار و دقایق هستی آگاهی پیدا می کند و در برابر این همه عظمت خداوند، خاضع و متواضع می شود. وقتی انسان با تفکر، حکمت و مصلحتی را که در آفرینش است، درک کرد، می فهمد که غایت و نهایی در انتظار اوست.

لذا، از اعمال و رفتار خود مراقبت می‌کند و این درک و هوشیاری، او را به درجات معرفت که پایه و اساس ایمان است، سوق می‌دهد و به اعمال عبادتش معنویت می‌بخشد. به همین دلیل امام رضا^(ع) عقل را موهبت خداوندی می‌دانستند «کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲»، زیرا انسان به وسیله آن با شناخت خداوند از ارتکاب شر و جرم نجات پیدا می‌کند و منبع بخشش و فیض الهی را برای خود و جامعه درمی‌یابد.

۳. ذکر و دعا

حسن بن جهم نقل کرده است: به امام رضا^(ع) عرض کردم: مرا از دعا فراموش مکن، فرمودند: آیا تو می‌دانی که من فراموش نمی‌کنم؟ گفت: در فکر فرو رفته‌ام و با خود گفتم: آن حضرت برای شیعیانشان دعا می‌کنند و من هم از شیعیان او هستم، پس برای من هم دعا می‌کنند. عرض کردم: نه شما مرا فراموش نمی‌کنید. امام^(ع) فرمودند: این را از کجا دانستی؟ عرض کردم: چون از شیعیان هستم. فرمودند: جز این هم دانستی؟ عرض کردم: نه. امام^(ع) فرمودند: «اذا اردت ان تعلم ما لك عندی مانظر الی مالی عندک؛ هرگاه خواستی بدانای نزد ما چگونه هستی، بنگر من نزد تو چگونه هستم» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۳۴).

ذکر و دعا در دین مبین اسلام دارای اهمیت خاصی بوده و به آن بسیار سفارش شده است. امام رضا^(ع) مانند دیگر ائمه معصومین^(ع) به این امر توجهی خاص داشتند و به شیعیانشان سفارش می‌کردند: «لا تمل من الدعاء فانه من الله بمكان؛ از دعا کردن ملول و خسته نشوید که دعا در نزد خدا جایگاهی دارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۶۱).

دعا در لغت به معنی صدا زدن و به یاری طلبیدن و در اصطلاح اهل شرع، گفتگو با حق تعالی، به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست. کلمه دعا و مشتقاتش که بیش از ۲۰۰ بار در آیات قرآن کریم به کار رفته، از ریشه «دَعَوَ» و به معنی خواندن، حاجت خواستن و استمداد بوده و گاهی منظور از آن، مطلق خواندن است.

امام رضا^(ع) دعا را سلاح پیامبران می‌دانستند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۹۸). خدای بزرگ در قرآن کریم نتیجه رویگردانی از دعا را آتش دانسته و از انسان‌ها خواسته که به درگاهش پناه برده و از او درخواست و مسئلت کنند تا بدین طریق به آرزوها و اهداف خود برسند؛
 وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ
 و آخرین؛ پروردگار شما فرموده است: بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم. همانا
 کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، زود باشد که به حالت ذلت و خواری
 داخل دوزخ شوند (مؤمنون/ ۶۰).

امام رضا^(ع) بهترین دعا را صلوات بر محمد و آل محمد دانسته‌اند. «ابن فضال» نقل کرده است: امام رضا^(ع) فرمودند: هرکس قدرت ندارد کفاره گناهان خود را بدهد، باید بر محمد و آل او^(ص) صلوات بفرستد که صلوات، گناهان را از بین می‌برد و همچنین فرمودند: صلوات بر محمد و آلش^(ص) در نزد خداوند، ثواب تکبیر و تهلیل دارد (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۶).
 گاهی دعا‌های ما مستجاب نمی‌شود. امام رضا^(ع) در این باره پاسخش را به احمد بن محمد که به ایشان اظهار کرده بود چند سال است حاجتی دارم و آنرا از خدا خواسته و دعا می‌کنم، ولی دعایم مستجاب نشده است، فرمودند: «ای احمد، مراقب باش که شیطان بر تو چیره نگردد تا تو را مأیوس و ناامید کند که امام باقر^(ع) می‌فرمودند: «مؤمن نیاز خود را از خدا می‌خواهد، خداوند اجابت آنرا به تأخیر می‌اندازد، برای اینکه ناله و گریه و زاری او را دوست می‌دارد.» پس امام رضا^(ع) فرمودند: «سوگند به خدا تأخیر بر آوردن نیازهای دنیوی مؤمنان برای آنها بهتر از تعجیل در بر آوردن است.» دنیا چه ارزشی دارد؟ امام باقر^(ع) می‌فرمودند: «سزاوار است که دعای مؤمن در حال آسایش مانند دعایش در حال سختی باشد.» بعد امام رضا^(ع) فرمودند: «باید به گفتار خداوند بیشتر اطمینان داشته باشی، چرا که خداوند به وعده خود وفا می‌کند و می‌فرماید: «از رحمت خدا مأیوس نشوید.» (زمر/ ۵۳). بنابراین، اعتماد تو به خدا باید بیشتر از دیگران باشد و در خانه دل را به راه یافتن چیزی جز خوبی نگشایی و همیشه در شما حالت امیدواری باشد که خداوند فرموده است: «هرگاه بندگانم مرا بخوانند،

❖ پس من نزدیکم و خواسته دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۸۸).

همچنین، آن حضرت فرمودند: «خداوند اجابت دعای مؤمن را به شوق شنیدن دعایش به تأخیر می‌اندازد و می‌گوید: «این صدایی است که دوست دارم آن را بشنوم.»» (فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق: ۳۴۵).

۴. مهرورزی

امام رضا^(ع) اسوه مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بودند. در زیارتش آمده است: «السلام علیک ایها الامام الرئوف» (مجلسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۲۰: ۵۷). ایشان بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم، اهل خانه و خدمتگزارانشان داشتند. در روزی که آن بزرگوار مسموم شدند و به شهادت رسیدند، بعد از آنکه نماز ظهر را خواندند، به فردی که نزدیکشان بود فرمودند: مردم (منظور اهل خانواده، کارکنان و خدمتگزارانشان بودند) غذا خورده‌اند؟ آن فرد جواب داد: آقای من در چنین وضعیتی کسی می‌تواند غذا بخورد؟ وقتی امام^(ع) متوجه شدند کسی غذا نخورده، نشستند و دستور دادند سفره را بیاورند، همه را بر سر سفره دعوت کردند و آنها را یکی یکی مورد محبت قرار دادند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۹۸).

درباره مهرورزی آن حضرت، «معمربن خلاد» نقل کرده است: ابوالحسن الرضا^(ع) هنگامی که بر سفره غذا می‌نشستند، سینی بزرگی نزد او گذاشته می‌شد. امام^(ع) از بهترین غذاهایی که حاضر بود از هر کدام مقداری برمی‌داشتند، در سینی می‌گذاشتند و دستور می‌دادند که آن را بین بینوایان و درماندگان پخش کنند. سپس این آیات را تلاوت می‌کردند: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ» (بلد/ ۱۶-۱۱). امام^(ع) از عقبه به عنوان طعام خوراندن به ایتم یاد می‌کنند. بعد از آن می‌فرمودند: خداوند، دانا بود که همه انسان‌ها، توان آزاد کردن بنده را ندارند، با اطعام طعام، راه بهشت را برای آنان گشود (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۶۴).

امام رضا^(ع) به یارانشان می‌فرمودند:

قال رسول الله: لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و اداوا لآمانه واجتنبوا الحرام و قروا
الضیف و اقموا الصلاه واتوا الزکاه و فاذالم یفعلوا ذالک ابتلوا بالقحط و السنین؛ رسول
خدا^(ص) فرمودند: تا زمانی که امت اسلام همدیگر را دوست بدارند، امانت را
بازگردانند، از حرام بپرهیزند و میهمان را تکریم کنند، نماز را بپا داشته و زکات
بپردازند، در خیر و سعادت و خوشبختی هستند و اگر چنین نکنند، گرفتار قحطی
و خشکسالی می‌شوند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۲۵۴).

یکی از اصول معنوی رسیدن به آرامش، مهرورزی و عشق و محبت به دیگران است، همان‌گونه که پیامبران و مردان الهی به‌خاطر محبت، بر قلب‌های خود و مردم حاکم شده بودند. حضرت علی^(ع) در این باره فرموده‌اند: «قلوب الرجال وحشیه، فمن تالفها اقبلت علیه؛ دل‌های مردم گریزان است، پس به کسی روی می‌آورند که خوشرویی کند و با محبت باشد» (سید رضی، ۱۳۶۹: ۲۴۸).

امام رضا^(ع) مهرورزی را از ابزارهای آرامش و سعادت می‌دانستند و دوستی با مردم را نیمی از عقل به‌حساب می‌آوردند. لذا، به دوستان و شیعیان خود سفارش می‌کردند تا به هم هدیه بدهند و در این باره فرموده‌اند: «الهدیه تذهب الفعائنمن الصدر؛ هدیه، کینه‌ها را می‌زداید» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۷). همچنین می‌فرمودند:

صل رحمک ولو بشر به من ماء و افضل ما توصل به الرحم کف الادی عنها و
صله الرحم منساة فی الاجا، محبیه فی الاهل؛ به خویشاوندانت بخشش کن، اگرچه
به نوشیدن آبی باشد و برترین بخشش به خویشاوندان آن است که به آنها آزار نرسانی.
صله رحم، مرگ را به تأخیر می‌اندازد و مایه دوستی در خانواده و خویشاوندان
می‌شود (محدث‌نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲: ۱۰۳).

مهرورزی آن حضرت تا آنجا رسیده بود که در یکی از مناظره‌ها در پاسخ شخصی که از ایشان پرسیدند، آیا از خاندان شما کسی هست که به شیخین ناسزا گوید؟ ایشان ضمن

❖ پاسخ منفی فرمودند: آن دو را دوست بدار، به آنان مهرورزی کن و برای آنان از خدا آمرزش بخواه.

امام رضا^(ع) بر این عقیده بودند که مهرورزی باعث دفع بلا می‌شود. لذا، سفارش می‌کردند: «به یکدیگر مهر و محبت داشته باشید و با هم مهربانی کنید، زیرا با وجود افراد مؤمن و بامحبت در جامعه، خداوند بلاهای آسمانی را از دیگران دفع می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۰ق، ج ۷۴: ۳۹۰).

برای چگونگی مهر ورزیدن امام رضا^(ع) دستورالعمل جامعی بدین شرح ارائه کرده‌اند:

اتقی فی جمیع امورک و احسن خلقک و اجمل معاشرتک مع الصغیر و الکبیر و تواضع مع العلماء و اهل الدین و ارفق بما ملکت یمینک و تعاہد اخوانک و تسارع فی قضاء حوائجهم و ایاک و الغیبه و النمیمه و سوء الخلق مع اهلک و عیالک و احسن مجاوره من جاورک، فان الله یسالک عن الجار و قد روی عن رسول الله ان الله تبارک و تعالی اوصانی فی الجار حتی ظننت انه یرثنی و بالله التوفیق؛ در همه جا و جمیع امور تقوا داشته باش؛ خلق و خوی خود را نیکو گردان؛ معاشرت خود را با کوچک و بزرگ نیکو قرار بده؛ در مقابل علما و دانشمندان تواضع کن؛ در مقابل دین‌داران و اهل دیانت متواضع باش؛ با زیر دستان خود با نرمی رفتار کن؛ نسبت به برادران دینی متعهد باش؛ در برآوردن حوائج برادران دینیت تسریع نما؛ از غیبت کردن و سخن‌چینی و بدخلقی با اهل و عیال خود پرهیز کن؛ با همسایگان خود به نیکی رفتار کن که خداوند در مورد حق همسایه از تو سؤال خواهد کرد. از پیامبر خدا^(ص) روایت شده است که فرمودند: خدای تبارک و تعالی آنقدر مرا درباره همسایه توصیه کرد که گمان کردم همسایه از من ارث می‌برد (فقه الرضا، ۱۴۰۶ق: ۴۰۱).

۵. خوش‌بینی

امام رضا^(ع) که الگو و اسوه اسلام ناباب محمدی بودند، سفارش می‌کردند تا مؤمنین به یکدیگر خوش‌بین باشند، کینه‌ها را از دل بزدایند و از لغزش‌های دیگران چشم‌پوشی کنند.

آن حضرت می‌فرمودند:

عقل انسان کامل نمی‌شود تا در او ۱۰ خصلت باشد، امید خیر در او باشد و از شر او ایمن باشند، خوبی کم دیگران را نسبت به خودش زیاد ببیند و خوبی فراوان خودش را نسبت به دیگران کم به حساب آورد و از اینکه از او چیزی بخواهند خسته نشود (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۴۴۳).

آنگاه فرمودند:

هیچ کس را نمی‌بیند مگر اینکه با خود می‌گوید: او از من بهتر و پرهیزگارتر است. مردم دو گونه‌اند: کسانی که بهتر و باتقواتر از او هستند و کسانی که بدتر و پست‌تر از او هستند. پس هرگاه شخصی را که بدتر از اوست، ببیند به خودش بگوید: شاید خوبی‌های او مخفی است و بهتر است برای او و خوبی من ظاهر و برای من شر است و وقتی کسی را دید که بهتر و پرهیزگارتر از اوست، برایش تواضع کند تا اینکه به وی ملحق شود و وقتی این کار را کرد، عظمتش بیشتر و شهرتش بهتر و سرآمد اهل زمانش می‌شود (همان: ۴۴۵).

خوش‌بینی، روشی برای بازگرداندن توجه از ناخشنودی‌ها به خوشی‌های زندگی است. در این روش، امور فرح‌بخش و شادی‌آور بر فضای روح و روان انسان وارد شده و از شدت درد و رنج انسان کاسته می‌شود.

لذا، امام رضا^(ع) فرمودند: «مؤمن کسی است که وقتی نیکی کرد خوشحال می‌شود و وقتی بدی کرد استغفار می‌کند و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او سلامت باشند و از ما نیست، کسی که همسایگان از آفت او ایمن نباشند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۵۶۵). باز فرمودند: «اگر از مردی یاد کردید و او حاضر بود، با کنیه بخوانیدش و اگر غایب بود، او را با نام بخوانید» (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۴۵۰)، زیرا کسی که نسبت به مردم خوش‌گمان باشد، می‌تواند دوستی آنها را به‌دست آورد.

از فرمایش‌های امام رضا^(ع) چنین برداشت می‌شود که خوش‌بینی، علاوه بر سلامت دنیوی، آرامش روانی و نجات از بیماری‌های روحی، برای انسان، سلامت اخروی نیز به همراه دارد.

❖ کسی که دارای حُسن ظن به خداوند باشد، به فوز بهشت نائل می‌شود (صدوق، ۱۴۰۷ق: ۴۳۰). به‌طور یقین حُسن ظن و خوش‌بینی، راحتی قلب و سلامتی دین را تضمین می‌کند (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۳). در مقابل خوش‌بینی، بدگمانی و سوءظن قرار دارد که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید. همانا بسیاری از گمان‌ها گناه است» (حجرات / ۱۲).

هنگامی که انسان سوءظن پیدا کند، روح او ناتوان و فرسوده می‌شود. آنگاه این بیماری به جسم اثر می‌گذارد. وقتی بیماری به جسم انسان راه پیدا کند، جسم ضعیف شده، پذیرای بیماری‌های دیگر می‌شود. بدگمانی، کارهای انسان را فاسد می‌کند و باعث می‌شود که به‌خاطر این حالت روانی، دست به هر کاری بزند. لذا، سوءظن، انسان را نه‌تنها گرفتار بیماری غیبت، تهمت و جاسوسی، ترس، بخل و حرص می‌کند، بلکه در انسان انگیزه انجام همه بدی‌ها را به‌وجود می‌آورد، زیرا سوءظن انسان سالم را بیمار و دل‌های آرام را مضطرب و پریشان می‌سازد.

۶. صبر در برابر مشکلات

با بررسی زندگی پربرکت امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود که ایشان نیز همچون دیگر ائمه معصومین^(ع) نمونه کاملی از صفت معنوی صبر و بردباری بودند. یکی از موقعیت‌های دشواری که ایشان با آن روبه‌رو شدند، زمانی بود که مأمون، آن بزرگوار را به خراسان دعوت کرد. حضرت برای وداع خانه خدا به مکه رفتند. لحظه جدایی آن حضرت از فرزندش حضرت جواد^(ع) رسیده بود، اما ایشان با دلی استوار و مطمئن به قضا و قدر الهی، این مصیبت را تحمل کردند. شکیبایی و بردباری آن حضرت در دوره خلافت مأمون در برابر سیاست‌های مرموز و پشت پرده او به‌ویژه جریان ولایتعهدی، درجه صبر و تحمل آن حضرت را برای ما آشکار می‌کند.

امام رضا^(ع) در دوران زندگی‌شان و زندانی بودن پدر بزرگوارشان مکرر سعه صدر از

خود نشان می‌دادند و مراقب اهل و عیال پدر ارجمندشان بودند. ایشان با بردباری و شکیبایی در برابر افرادی که با ایشان ستیزه و نزاع داشتند، مقاومت می‌کردند. در برابر دهن‌کجی‌های دیگران سعی داشتند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی‌احترامی می‌کردند، اما آن بزرگوار در برابر آنها خاموشی را برمی‌گزیدند. امام رضا^(ع) می‌فرمودند:

لا یكون المؤمن مومنا حتی یکون فیه ثلاث خصال: سنه من ربه و سنه من نبیه و سنه من ولیه. فالسنه من ربه کتمان سره. قال الله عزوجل: عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد الا ارتضی من رسول و اما السنه من نبیه فمداراه الناس، فان الله عزوجل امر نبیه^(ص) بمداراه الناس فقال: خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین و اما السنه من ولیه فالصبر فی الباساء و الضراء فان الله عزوجل یقول: و الصابرین فی الباساء و الضراء؛ مؤمن، مؤمن نیست مگر اینکه سه خصلت داشته باشد: سستی از پروردگارش، از پیامبرش و از ولیش، اما سنت از پروردگارش کتمان سر اوست، که خدای عزوجل فرموده است: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول»، سنت از پیامبر، مدارا کردن با مردم است که خدای عزوجل پیامبرش را به مدارا با مردم امر کرده و فرموده است: «خذ العفو و امر بالعرف» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۳۸، اعراف/ ۱۹۹) و اما سنت از ولی، صبر در سختی‌ها و مشکلات است (طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱: ۲۴۱).

دنیای محل سختی‌ها و مشکلات است که خداوند فرمودند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/ ۴). چون ما دنیا را محل راحتی و آسایش می‌دانیم، از مشکلات و سختی‌ها آزوده‌خاطر می‌شویم. از امام رضا^(ع) دربارهٔ بهترین بندگان خدا سؤال کردند، آن حضرت فرمودند:

الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا عفوا؛ کسانی هستند که چون نیکی کنند، از توفیقی که یافتند، شاد شوند و هرگاه کار بدی انجام دهند، از خدا آمرزش خواهند. هر وقت به آنها عطایی شود، شکرگزارند و چون در بلایی افتند، شکیبایی ورزند و هنگام خشم، از

مورد غضب درگذرند. آن حضرت، صبر را از بهترین ویژگی بندهاگان خدا، ذکر کرده‌اند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۶۳)

ما باید این حقیقت را باور کنیم که راحتی برای دنیا آفریده نشده است. پیامبر^(ص) فرمودند: هر کس چیزی را طلب کند که آفریده نشده است خود را به زحمت انداخته و چیزی نصیبش نمی‌شود. گفتند: یا رسول الله آن چیست که خلق نشده است؟ فرمودند: «الراحه فی الدنیا؛ آسایش در دنیا خلق نشده است» (شعیری، ۱۴۱۴ق: ۵۱۷). لذا باید بپذیریم که مشکلات قسمتی از زندگی ما هستند.

امام رضا^(ع) صبر و شکیبایی را از ارکان ایمان دانسته و فرموده‌اند:

لا یتکمل عبد حقیقه الا یمان حتی تکون فیه، خصال ثلاث، التفقه فی الدین و حسن التقدير فی المعیشه و الصبر علی الرزایا؛ هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را به کمال نرساند، مگر اینکه در او سه خصلت باشد: در علم دین، بصیرت پیدا کند، در معیشت، اندازه نیکو نگه دارد و بر بلاها، صبر و شکیبایی کند (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۱۷۹).

سختی‌ها بر اساس تقدیر الهی است و تقدیر الهی به مصلحت انسان‌هاست. آنچه در اختیار ماست، واکنش ما به موقعیت ناخوشایند و ناملایم آن است، هر سختی مدتی دارد که سرانجام به پایان می‌رسد. هنگامی که فرزند معاذبن جبل فوت کرد، پیامبر^(ص) تسلیت‌نامه‌ای برایش فرستاد و این جمله را نوشت:

واعلم ان الجزع لا یرد میتا ولا یدفع قدرا فأحسن العزاء وتجز الموعود؛ بی‌تابی کردن نه مرده را برمی‌گرداند و نه تقدیر را دفع می‌کند، پس به نیکی، عزادار باش، وعده الهی را قطعی بدان و نسبت به آنچه بر تو و بر همه مردم حتمی است و به تقدیر الهی نازل شده تأسف نخور (همان: ۵۹).

تجربه نشان داده که سختی‌های فراوان آمده و رفته‌اند و هیچ‌یک از آنها باقی نمانده است، حضرت علی^(ع) فرمودند: «ان بقیت لم یبق الهم؛ اگر تو باقی بمانی اندوه باقی نخواهد ماند» (ابن ابی حدید، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۴۰). بنابراین، در این دنیای ناپایدار نه خوشی پایدار است و نه ناخوشی باقی می‌ماند.

خداوند در بعضی آیات قرآن، مؤمنان را در برابر حوادث و رویدادهای سخت به صبر و پایداری فراخوانده است. «وَلْيَبْلُغُوا شَيْءًا مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ وَ قَطْعاً شَمَا رَا بَه چِيزِی از قَبِیل ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و شکیان را مژده بده» (بقره/۱۵۶).

به علت نقش مهمی که صبر در رشد و تعالی انسان بر عهده دارد، پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) درباره آن بسیار سخن گفته‌اند و آن را یکی از ارکان مهم ایمان و گاهی برابر با کل ایمان دانسته‌اند که از جمله پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الایمان نصفان، نصف فی الصبر و نصف فی الشکر؛ ایمان دو نیمه دارد، یک نیمه صبر و یک نیمه شکر است» (ابوالفتح، ۱۳۵۴، ج ۵: ۱۶۸). حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «الایمان علی اربع دعائم: علی الصبر و البقین و العدل و الجهاد؛ ایمان بر چهار ستون استوار است. صبر و شکیبایی، یقین و باور، عدل و داد و جهاد و کوشش در راه دین خدا» همچنین، درباره اهمیت صبر از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) پرسیدند که ایمان چیست؟ حضرت فرمودند: «الصبر» (غزالی، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۹۱).

امام رضا (ع) فرموده‌اند: هنگامی که روز قیامت فرارسد و همه مردم در صحرای محشر حاضر شوند، منادی از طرف خداوند ندا می‌کند و می‌گوید: «این الصابرين؟؛ صابرين کجا هستند؟» در آن وقت گروهی از میان خلایق بلند می‌شوند و خود را معرفی می‌کنند. هنگامی که صابرين مشخص شدند، به آنها گفته می‌شود، بدون حساب وارد بهشت شوید. آنها وارد بهشت می‌شوند. در بهشت، فرشتگان از آنان می‌پرسند، کار شما در دنیا چه بود که به این مقام و منزلت رسیدید؟

صابران در جواب می‌گویند: «کنا نصبر علی طاعة الله و نصبر عن معاصی الله؛ در رابطه با اطاعت و عبادت الهی، صبر و شکیبایی و در مقابل معاصی و گناهان، خویشن‌داری می‌کردیم.» فرشتگان می‌گویند: آری این اجر و نعمت عظیم، حق کسانی است که این‌گونه در دنیا به‌خوبی و درستی عمل می‌کردند (فقه الرضا، ۱۴۰۶ق: باب ۱۰).

امام رضا (ع) از اقسام صبر، شکیبایی در برابر محرمات و معاصی را از همه اقسام آن والاتر

و بارزش تر می‌دانند، زیرا دوری از معاصی و صبر در برابر آن، انسان را به کمال می‌رساند و هر لحظه به خدا نزدیک‌تر و نزدیک‌تر کرده، تا به جایی می‌رساند که به قول سعدی:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر تا چه حد است مکان آدمیت

(سعدی، ۱۳۵۶: ۲۷۵).

برای روبه‌رو شدن با مشکلات، راهکارهای زیر پیشنهاد شده است:

به خوشی آینده فکر کنید و اینکه این ناخوشی‌ها به پایان می‌رسد و شادمانی می‌آید و به زودی این مشکل و سختی از بین می‌رود؛

اگر مشکلی و سختی برای شما پیش آمد، لذت‌ها و خوشی‌های گذشته را یادآوری کنید و به خود بگویید: در کنار آن همه خوشی، این ناخوشی چیز مهمی نیست. در کنار آن همه نعمت که خداوند عطا کرده است، تحمل این مشکل چیز مهمی نیست؛

پاداش تحمل مشکلات و صبر در مصائب را یادآوری کنید که خداوند به‌خاطر این مصیبت و سختی چه پاداشی برای آن جایگزین کرده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اگر شما می‌دانستید که بابت سختی‌هایتان چه پاداش بزرگی برایتان ذخیره شده است، هرگز غمگین نمی‌شدید» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق: ۶۱۴). برای تسکین آلام خویش به یاد آورید که در روایت‌ها آمده است هر پیامبری که سراغ همنشین خود را از خدا می‌گرفت، خدا گرفتارترین انسان روی زمین را به او نشان می‌داد و می‌فرمود: به سراغ او برو، او هم‌شان تو در بهشت است.

به‌خاطر داشته باشید که انسان تا زمین نخورد، راه رفتن را نمی‌آموزد.

۷. زندگی را آسان گرفتن

امام رضا^(ع) در طول عمر بابرکشان زندگی را سخت نمی‌گرفتند و هیچ‌گاه دچار تکلف‌های دنیایی نشدند. آن حضرت به شیعیانشان سفارش می‌کردند که خود را گرفتار دنیا ن سازند و

زندگی را سخت نگیرند. در این باره فرموده‌اند: «بنی اسرائیل سخت گرفتند، خدا هم بر آنها سخت گرفت. حضرت موسی^(ع) به آنها گفت: گاوی را ذبح کنید. گفتند: رنگش چگونه باشد؟ سپس گفتند: چند ساله باشد؟ آنقدر سخت گرفتند تا مجبور شدند، گاوی را کشتند و پوستش را پر از طلا کردند» (مجلسی، ۱۴۰۰ق، ج ۷۲: ۲۴۵).

یکی از مواردی که می‌تواند باعث آسایش شود، آسان گرفتن زندگی است. راحتی و سختی زندگی به نگرش انسان وابستگی دارد که با رویدادهای آن چگونه برخورد کند، چه بسا رویدادهای شیرینی در زندگی پیش می‌آید که ما آن را تلخ و ناپسند می‌دانیم و برعکس چه بسا رویدادهای تلخی پیش می‌آید، ولی برداشت ما از آن شیرین است. بنابراین، ما هستیم که گاهی زندگی را به خودمان بسیار سخت می‌گیریم و خود را محصور تکلف‌ها می‌کنیم.

تکلف گر نباشد خوش توان زیست

تعلق گر نباشد خوش توان مُرد

۸. آسایش مطلق وجود ندارد

شخصی از امام رضا^(ع) پرسید چگونه روزت را شروع کردی؟ «فقال: اصبحت باجل منقوص و عمل محفوظ و الموت فی رقابنا و النار من ورائنا ولا ندري ما يفعل بنا؛ حضرت فرمودند: با عمری که کوتاه است، عملی که ثبت می‌شود، مرگی که اطراف ماست و آتشی که پشت سر ماست و نمی‌دانیم با ما چه خواهد کرد» (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۴۴۶). آنچه از کلام آن بزرگوار برداشت می‌شود این است که آسایش و راحتی مطلق در این دنیا وجود ندارد. خداوند به حضرت موسی^(ع) وحی فرستاد که یا موسی، من آسایش مطلق را در بهشت قرار داده‌ام، درحالی‌که بندگان من در این دنیا در جستجوی آن هستند و هرگز به آن نخواهند رسید (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۵۰).

اگر انسان، دنیا را خانهٔ راحت تلقی نکند، در جستجوی آسایش و راحتی مطلق نباشد و بداند که این دنیا محل آزمایش است، مشکلات و سختی‌های زندگی، او را از پای در نمی‌آورد،

❖ از زندگی احساس رضایت می‌کند و به آرامش می‌رسد.

۹. قانع بودن

امام رضا^(ع) دنیا را سرایی آکنده از شر و بدی می‌دانستند و عقیده داشتند به وسیله زهد و بی‌رغبتی به دنیا، نجات از این شر امکان‌پذیر است (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۲۹). آن حضرت حتی زمانی که ولیعهد خلافت بودند، با زهد و پارسایی و ساده‌زیستی زندگی می‌کردند. اباصلت هروی در این باره نقل کرده است: «او غذایی ساده و خوراکی اندک داشت» (همان، ج ۲: ۱۳۶). توصیف قناعت امام^(ع) را یکی از کنیزانش که ابتدا در خانه مأمون و سپس در خدمت امام^(ع) بود، به زیبایی شرح کرده و گفته است: ما در سرای مأمون در بهشتی از خوردنی و آشامیدنی و عطر و دینار بسیار بودیم، پس از چندی مأمون مرا به رضا بخشید و چون به خانه او رفتم، همه آن رفاه و خوشی را که داشتم از دست دادم و آرزو می‌کردم از خانه او به جایی دیگر بروم. تا آنکه مرا به عبدالله بن عباس بخشیدند و چون به سرای او رفتم، چنان بود که گویا به بهشت وارد شده‌ام (همان، ج ۲: ۱۴۵).

احمد بن عمر و حسین بن یزید نقل کرده‌اند، بر امام رضا^(ع) وارد شدیم و به او گفتیم: ما مقدار زیادی خواروبار داشتیم و در رفاه زندگی می‌کردیم. وضع ما دگرگون شد، از خدا بخواه که آن را به ما برگرداند. امام^(ع) به آنها دستور داد که قناعت کنند و به آنچه خدا برایشان مقدر کرده است، راضی باشند. سپس به آنها فرمودند: چه می‌خواهید؟ آیا می‌خواهید که پادشاه باشید؟ آیا خوشحال هستید که مانند طاهر و هرثمه باشید، درحالی که برخلاف آنچه هستید باشید؟

یکی از آنها صحبت امام^(ع) را قطع کرد و گفت: نه به خدا، مرا خوشحال نمی‌کند که تمام دنیا و آنچه در آن است از طلا و نقره مال من باشد و من بر خلاف آنچه هستم باشم. سپس امام^(ع) فرمودند: خدا می‌فرماید:

اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ؛ به خدا گمان خوب داشته باش،

زیرا کسی که به خدا حُسن ظن داشته باشد، خدا نیز به او حُسن ظن دارد؛ کسی که به

❖ سبک زندگی معنوی امام ... ❖ ۱۷۱

روزی کم راضی باشد، عمل کم او مورد قبول است. کسی که با یک چیز کم حلال راضی باشد، هزینه او کم است، خانواده‌اش آسوده و راحتند، خدا او را به درد دنیا و دوائی آن آگاه می‌کند و او را سالم به دارالسلام می‌رساند (همان: ۳۸۳).

قناعت کلید رضایت از زندگی است و زندگی را شیرین و گوارا می‌سازد. امام صادق^(ع) فرمودند: «به آنچه خدا قسمت کرده، قانع باش تا زندگی شاد و راحتی داشته باشی» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۹).

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

لَا تَمُدَّنْ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ هَرْكَزَ عَيْنِكَ خُودَ رَا بَه نَعْمَتِ هَائِي كَه بَه گَرَوَه هَائِي اَز آن كَافِرَان دَادِيم مِيغَكَن وَ بَه خَاطَرِ آنچَه آنهَا دَارَنَد، غَمگین مَبَاش وَ بَال وَ پَر خُود رَا بَر مُؤْمِنَان فَرُود آر وَ آنهَا رَا زِير پُوشَش مَهْر وَ مَحَبَّت خُود قَرَار دِه (حجر/ ۸۱).

انسان در زندگی باید قانع باشد و اگر هم خواست زندگی خود را مقایسه کند، با کسی بسنجد که از لحاظ ثروت دنیایی از او پایین تر است تا هم دارایی خودش برایش آشکار شود و شکر نعمت به جا آورد و همچنین، وقتی خود را با پایین تر از خود مقایسه کرد، متوجه می‌شود که زندگی او آنقدر هم که فکر می‌کند، سخت و غیر قابل تحمل نیست، زیرا دیگران را دیده است که با مشکلات بیشتر از او زندگی می‌کنند. لذا یکی از عوامل احساس رضایت و آرامش، قانع بودن است.

لازم به ذکر است که قانع بودن با تنبلی بسیار تفاوت دارد. در این باره امام رضا^(ع) فرمودند: «کسی که برای امرار معاش خانواده‌اش کار می‌کند، اجرش از کسی که در راه خدا جهاد می‌کند بیشتر است» (حرانی، ۱۴۰۱ق: ۴۴۵).

۱۰. راضی به رضای خداوند بودن

از حضرت رضا^(ع) نقل شده است که فرمودند: خدای متعال می‌فرماید:

وَعَزَّتِي وَ جَلَالِي وَ ارْتَفَاعِي فِي عُلُوِّي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَيَّ هَوَاهُ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ

فِي قَلْبِهِ وَهَمُّهُ فِي آخِرَتِهِ وَكَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيَعَتَهُ وَصَمَّيْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقُهُ وَ
 كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَاجَتِهِ وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ؛ قسم به عزت و جلالم و بلندی
 مقامم! بندهای خواسته مرا بر خواسته خویش ترجیح نمی‌دهد، مگر اینکه بی‌نیازی‌اش
 را در قلبش و همتش را در آخرتش قرار دهم، تنگدستی او را کفایت کنم و آسمان‌ها
 و زمین را ضامن رزق او کنم و خود برای تأمین حاجت او هستم و دنیا در کمال
 نرمی به‌سوی او خواهد آمد (مجلسی، ۴۰: ۱۴۰، ج ۶۷: ۷۸).

معنای راضی بودن، خشنودی به خواست خداست و اینکه فرد از قضا و تقدیر الهی بدش
 نمی‌آید. از مقدرات الهی راضی بوده و هیچ گله و شکایتی نداشته باشد. کسی که راضی به
 رضای حق است نسبت به همه احکامی که خداوند تعالی از او می‌خواهد رضایت قلبی
 دارد و تلاش می‌کند تا در عمل به احکام الهی بکوشد.

امام رضا^(ع) فرمودند: «احسن الظن بالله، فان من حسن ظنه بالله كان الله عند ظنه؛ به خداوند
 خوش‌بین باش، زیرا هر کس به خدا خوش‌گمان باشد، خداوند هم با گمان او همراه است»
 (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۳۷).

بسیاری از ناراحتی‌های ما به‌خاطر از دست دادن چیزهایی است که داشته‌ایم، حال آنکه
 اگر چیزی را از دست دادیم، فکر کنیم آن‌را اصلاً نداشتیم، در آرامش به‌سر خواهیم برد. اگر
 حادثه‌های ناخوشایند زندگی و کاستی‌های آن‌را حادثه‌ای تلخ ندانیم، تحمل آن مشکل غیر
 قابل تحمل خواهد بود. اما اگر آنها را از جانب خدا و آن سختی را هم لطف بدانیم، آنگاه
 هضم آن برایمان آسان‌تر خواهد بود.

ما معتقدیم که جهان بر اساس حکمت الهی در حرکت است و هیچ حادثه‌ای در زندگی
 انسان بدون حکمت و دلیل نیست. اگر به فلسفه زندگی دست یابیم آنگاه در آسایش و راحتی
 زندگی خواهیم کرد. استاد مطهری می‌فرماید: «در شکم مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، سعادت
 است» (۱۳۷۴، ج ۱: ۱۳۴).

فلسفه وجود دنیا، پرورش استعدادهای نهفته انسان است و ابزار این پرورش، ناراحتی‌هایی

است که برای انسان پیش می‌آید. از کجا مشخص است درد و رنج‌هایی که به‌صورت ظاهر به ما رو می‌آورد برای بهبودی بیماری روانی ما مفید نباشد و رنجی را که به‌ظاهر برای درمان بیماری‌های فرزندان و خانواده تحمل می‌کنیم، برای تلطیف روح ما، ابراز محبت بیشتر و تزکیه اخلاقمان فایده نداشته باشد. حکیم علی الاطلاق آن‌را بهتر تشخیص می‌دهد و ما را بدان اطلاع و راهی نیست و تنها تسلیم و رضاست که می‌تواند ما را آرام سازد. اشتباه ما اینجاست که هر چه را خود دوست داریم، به‌دنبال آن می‌رویم و در حسرتش عمری را تباه می‌سازیم، تصور می‌کنیم آن، وسیله خوشبختی است.

۱۱. بی‌اعتنایی به دنیا

یکی از اوصاف انسان‌های بزرگ، زهد و بی‌میلی آنها به دنیا و تجمل‌های آن است که امام رضا^(ع) سرآمد زاهدان عصر خویش بودند. در روایتی از محمدبن عباد وارد شده است که امام رضا^(ع) در تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پوستینی می‌نشستند و لباس خشن می‌پوشیدند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۷۸).

امام رضا^(ع) فرمودند:

من احب الدنيا ذهب خوف الاخره من قلبه و ما اتوبى عبد علما فازداد للدنيا حبا
الا ازداد من الله بعد، و ازداد الله عليه غضبا؛ هر که دنیا را دوست بدارد، ترس آخرت
از دلش بیرون رود، هیچ بنده‌ای نیست که علمش دهند و محبت دنیا در دلش
ببغزاید. جز اینکه دوری او از خدا و غضب خدا بر او افزون شود (حرانی،
۱۴۰۱ق: ۴۶۶).

یکی از دلایلی که ما احساس آرامش نمی‌کنیم، به‌خاطر دنیا و تعلق‌های آن است. دنیا سرایی است که کسی از گزند آن در امان نمی‌ماند، مگر به اعمال نیکی که در آن انجام دهد. برای کسی که در انجام دادن اعمال، همه همتش دنیا باشد، رهایی نیست. لذا امام رضا^(ع) فرمودند: در شگفتم چگونه کسی که دنیا را آزموده و تغییرات آن را به چشم خود دیده است، باز دل به آن می‌بندد» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۷۵: ۴۵۰).

فراموش نکنیم که دنیا و وابستگی‌های آن، دور شدن از خداوند است نه چیز دیگر، به قول مولانا:

چیست دنیا از خدا غافل شدن

نی قماش و نقره و فرزند و زن

(مولوی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۱۹).

۱۲. خوشرویی و احساس شادمانی

در سیره معنوی امام رضا^(ع) آمده است که آن حضرت فردی خوشرو و خوش‌برخورد بودند. از این رو با هر کس به سادگی رابطه برقرار می‌کردند و راه دوستی را با او باز می‌کردند. لذا، همگان به سرعت با آن حضرت انس می‌گرفتند و می‌توانستند به خانه وی رفت و آمد کنند. در کنارشان بنشینند و با او هم‌صحبت شوند. همچنین، آن حضرت به هیچ‌کس با دیده تحقیر نمی‌نگریستند. اندیشه‌شان این بود که همه انسان‌ها از یک پدر و مادر و از یک اصل و ریشه‌اند و دلیلی برای برتری یکی بر دیگران وجود ندارد، مگر به تقوا و پرهیزگاری. هرگز از او ناسزایی شنیده نشد. از این جهت، سخنان و خطابه‌های آن بزرگوار به مردم، دوستان و شیعیان و حتی غلامان و خدمتکارانش، احترام‌آمیز و چنان بود که گویی با اهل خانه خود معاشرت دارد.

انسان، مرهون خوشرویی خویش است، زیرا بهترین احسان به شخصیت افراد در برخوردهای اولیه خواهد بود. خوشرویی، شیوه‌ای شایسته در جلب دوستی‌ها و روشی پرجاذبه برای تمام افراد است. پروردگار، مهربانی‌اش را ۱۰۰ قسمت کرده است: ۹۹ بخش آن را نزد خود نگه داشته و یک جزء آن را به زمین فرستاده است. از همین یک‌صدم است که مردم به یک دیگر محبت دارند. لذا، بهترین کارها پس از ایمان به خدا، مهربانی، خوشرویی و شادمانی است.

اساساً سرور و شادمانی یکی از نیازهای انسان است که حضرت امیرالمؤمنین^(ع) فرمودند: «السور یسط النفس و یشیر النشاط؛ شادمانی موجب می‌شود نفس انسان گشوده و نشاط او برانگیخته

شود» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۹).

شیوه برخورد مؤمن باید به گونه‌ای باشد که دیگران از دیدن چهره او فرحناک و شادمان شوند؛ نه اینکه با دیدن او آتش غم در دل‌هایشان افروخته شود. زیرا حضرت علی^(ع) فرموده‌اند: «المومن بشر فی وجهه و حزنه فی قلبه؛ شادی و سرور مؤمن در چهره‌اش و غم و اندوهش در قلب او پنهان است» (سید رضی، ۱۳۶۹: ۲۱۷).

انسان برای اینکه بتواند با دیگران خوش‌رفتار باشد، نیاز به احساس شادمانی در وجود خود دارد تا بتواند این شادمانی را در چهره‌اش آشکار سازد.

به‌دست آوردن احساس شادمانی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر خواهد بود:

۱. سعی کنید، خاطرات خوش زندگی، تجربه‌های شیرین و موفقیت‌های عمر خود را به‌خاطر بیاورید و برای دیگران هم تعریف کنید. پیامبر بزرگوار اسلام^(ص) فرمودند: «زیبایی‌های زندگی را به‌خاطر بیاورید» (صدوق، ۱۴۰۷ق: ۲۰۱)؛

۲. ویژگی‌های نیکوی خود را روزی چند بار مرور کنید؛

۳. کارهایتان را دست‌کم نگیرید و به خود ببالید؛

۴. برای زندگی برنامه با اهداف واضح و روشن داشته باشید و بر امور زندگیتان نظم حاکم باشد؛

۵. برای خودتان زندگی کنید نه برای دیگران، منتظر نباشید که مردم درباره شما چه خواهند گفت. آن‌طور که مصلحت خودتان است، زندگی کنید؛

۶. با طبیعت ارتباط داشته باشید که باعث شادی روح شما خواهد شد. امام رضا^(ع) فرمودند: سه چیز روح را شاد می‌کند: نگاه به آب روان، نگاه به سبزه و نگاه به چهره زیبا.

۷. با عالمان فرهیخته و دوستان باوفا ارتباط داشته باشید؛

۸. به خود بفهمانیم که خداوند از روز اول خلقت، ما را بانشاط آفریده، روح سرشار از دانایی و محبت به ما عطا کرده است، پس با آنچه در وجود خود داریم، از کار و فعالیت جسمانی و روانی به‌خوبی می‌توانیم خوشبخت و شادمان زندگی کنیم؛

۹. خواندن حکایت‌های شیرین، کلمه‌های زیبا و شعرهای شادی‌آور را فراموش نکنید. حضرت علی^(ع) فرمودند: «به‌درستی که دل و روح انسان مانند بدن ملالت پیدا می‌کند، این ملالت و بیماری را با حکمت‌های تازه و نو بزدايید» (سید رضی، ۱۳۶۹: ۲۰۵).

یافته‌ها

یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی امام رضا^(ع) ارتباط عمیق معنوی ایشان با خدا بوده که در کثرت عبادت و خویش‌داری حضرت تجلی کرده است. آن حضرت در زندگی، اصولی معنوی خاصی را رعایت کرده‌اند که به یقین با پیروی از سبک زندگی معنوی آن بزرگوار، انسان به آرامش روحی، روانی خاصی خواهد رسید.

برخی از این اصول عبارت‌اند از:

۱. باید به خدا توکل داشته باشید و با اعتماد به او بدانید که هر چه از طرف خداوند می‌رسد خیر است؛
۲. به افراد، خوش‌بین باشید تا بتوانید دوستی آنها را به‌دست آورد و به آرامش قلبی برسید؛
۳. در برابر مشکلات صبر و شکیبایی داشته باشید و بدانید هر مشکلی به پایان می‌رسد؛
۴. زندگی را به خود آسان بگیرید و از تکلف دوری کنید؛
۵. انسان باید بداند که آسایش مطلق در این دنیا وجود ندارد؛
۶. باید به آنچه خداوند به ما عطا کرده است، قانع باشیم؛
۷. راضی به رضای خداوند بودن یکی دیگر از اصول رسیدن به آرامش روانی است؛
۸. انسان باید با دیگران با خوشرویی و شادمانی برخورد کند و این احساس شادمانی را در خود ایجاد کند؛
۹. یکی دیگر از اصول معنوی، مهرورزی و محبت به دیگران است که انسان را به شادمانی و کامیابی می‌رساند و با محبت است که انسان به آرامش می‌رسد.

منابع و مأخذ

- آمدی، عبدالواحدین محمد، (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. چاپ اول، قم: تبلیغات اسلامی.
- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان، (۱۳۸۱). *از طبقه تا سبک زندگی*. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی.
- ابن ابی حدید، عبدالله بن هبه، (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغه*. چاپ دوم، بیروت: دارالاحیاء.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۳۵۴). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- اخطب خوارزمی، (۱۳۵۶). *مقتل الحسین*. تحقیق محمد سماوی، چاپ اول، قم: مکتب المفید.
- الهی قمش‌ای، مهدی (۱۳۳۸). *قرآن*. چاپ اول، تهران: علمی.
- ترول، کریستین دبلیو، (۱۳۹۱). *معنویت کاتولیک حال و آینده*. مترجم مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگ.
- تودر، کیت، (۱۳۸۲). *ارتقای سلامت روان*. مترجم مرتضی خواجوی و همکاران، چاپ اول، تهران: سازمان بهزیستی.
- حافظ، (۱۳۸۴). *دیوان حافظ*. چاپ سوم، تهران: خلاق.

- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. چاپ اول، قم: آل البيت^(ع).
- حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۱). *تحف العقول*. چاپ دوم، قم: اسلامی.
- حسین نوری، معروف به محدث نوری (۱۴۰۷). *مستدرک الوسائل*. چاپ اول، قم: آل البيت^(ع).
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۱). «بیانات مقام معظم رهبری». *روزنامه ایران*، شماره ۵۲۰۵.
- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۵). *ارشاد القلوب*. چاپ سوم، قم: شریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۱). *مفردات*. چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
- سعدی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۵۶). *کلیات سعدی*. چاپ دوم، تهران: مرجان.
- سی‌وارد، برایان کک، (۱۳۸۱). *مدیریت استرس*. مترجم مهدی قراچه‌داغی، چاپ اول، تهران: پیکان.
- سید رضی، (۱۳۶۹). *نهج البلاغه*. چاپ دوم، قم: امام علی^(ع).
- شعیری، محمدبن محمد، (۱۴۱۴). *جامع الاخبار*. چاپ اول، قم: آل البيت^(ع).
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بابویه، (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا*. چاپ اول، بیروت: الاعلمی.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بابویه، (۱۴۰۷). *الامالی*. چاپ اول، قم: البعثه.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب اسلامی.
- طبرسی، علی بن حسن، (۱۴۰۱). *مشکاة الانوار*. چاپ اول، نجف: الحیدریه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۷). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، بیروت: دارالحیاه.
- عباس‌نژاد، محسن، (۱۳۹۱). *نقش معنویت و دین بر سلامت روان*. چاپ اول، تهران: بیعت.
- غزالی، محمدبن محمد، (۱۴۰۱). *احیاء علوم الدین*. چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
- فضلی‌نژاد، صغری، (۱۳۸۹). *نقش معنویت و دین بر سلامت روان*. چاپ اول، تهران: مولوی.
- فقه الرضا*، (۱۴۰۶). چاپ اول، مشهد: آل البيت^(ع).
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۹). *قصص الانبیا*. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کیانی، محمدحسین، (۱۳۸۶). «جایگاه آرامش در عرفان و معنویت». *تقد*، شماره ۴۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۱). *اصول کافی*. سید هاشم رسول محلاتی، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر اهل بیت^(ع).
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸). *جامعه و هویت شخصی*. مترجم ناصر موفقیان. چاپ اول، تهران: نی.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، (۱۴۱۳). *کنز العمال فی سنن الاقوال و افعال*. چاپ اول، بیروت: الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۰). *بحار الانوار*. چاپ دوم، بیروت: الوفا.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴). *مجموعه آثار*. چاپ دوم، تهران: صدرا.

معین، محمد، (۱۳۵۴). *فرهنگ معین*. چاپ شانزدهم، تهران: امیر کبیر.

مولوی، محمد، (۱۳۸۵). *مثنوی*. تصحیح نیکلسون، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

وولف، دیوید، (۱۳۸۶). *روان‌شناسی دین*. مترجم محمد دهقانی، چاپ اول، تهران: رشد.

معرفی سنگ‌مقام‌های خاص امام رضا^(ع) در یزد

فاطمه دانش یزدی[□]

چکیده

بناها و آثار به‌جا مانده از سفر تاریخی امام رضا^(ع) در ایران همچون: قدمگاه‌ها، مساجد، کتیبه‌ها، سنگ‌نبشته‌ها، سکه‌ها و ... در طول تاریخ، فرهنگ رضوی را زنده نگه داشته است. سنگ‌مقام‌هایی که در قدمگاه‌ها نصب شده یکی از مهم‌ترین آثار ارزشمند مذهبی است که علاوه بر موثق کردن این هجرت، بسیاری از رویدادهای تاریخی را برای ما بازگو می‌کنند. با بررسی قدمگاه‌ها و بازخوانی سنگ‌مقام‌های نصب‌شده در آن مکان می‌توان علاوه بر تعیین مسیر دقیق حرکت امام رضا^(ع) در ایران، بر اعتبار و اهمیت جنبش تشیع در یزد پس از چند قرن از این هجرت با ساخت قدمگاه‌های منسوب به ایشان پی برد. با توجه به اینکه امام رضا^(ع) در مسیر حرکت خود به مرو در شهر یزد و توابع آن (برکوه، خرائق، دهشیر، فراه‌شاه و...) نیز توقف کوتاه‌مدتی داشته‌اند، در این مقاله سعی بر این شده به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی بناهایی که به قدموم مبارک امام^(ع) متبرک شده و در یزد به نام «قدمگاه امام رضا^(ع)» معروف شده است، مورد شناسایی قرار گیرد.

کلیدواژه:

امام رضا^(ع)، کتیبه، یزد، قدمگاه.

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

سنگ‌نشته‌ها همچون کتاب سنگی و اسنادی غیرقابل تردید، تاریخ زنده مردم این سرزمین است که بدون واسطه و به‌طور مستقیم از بانی آن به ما رسیده و پس از گذشت سالیان، همچنان پابرجا مانده‌اند.

این اسناد کمتر دستخوش تغییر شده و به‌عنوان یک سند زنده و گویا تلقی می‌شوند. در لابه‌لای متون حجاری‌شده در کتیبه‌ها، علاوه بر نوع فرهنگ و هنر، هویتی تاریخی‌ای بازگو می‌شود که کمتر بدان پرداخته شده است و همانند دست‌نوشته‌ها به‌عنوان یک سند تاریخی، زنده و گویا تلقی می‌شوند.

از لحاظ موضوعی کتیبه‌ها عمدتاً به چهارگروه سنگ‌فرمان، سنگ‌وقف، سنگ‌محراب و نهایتاً سنگ‌قبر یا سنگ‌مزار تقسیم می‌شوند، اما جدا از آن، کتیبه‌های دیگری هستند که به سنگ‌مقام معروف و مشهورند که باید در دسته‌بندی فوق گنجانده شود.

بناهایی که تحت عنوان «قدمگاه» در یزد منسوب به حضور، بیتوته و عبادت امام رضا^(ع) در مسیر هجرت تاریخی‌شان به مرو است و سنگ‌مقام‌های نصب‌شده نشان از عشق و ارادت مردم دارالعباده به امام هشتم شیعیان در این خطه کویری است.

نظر به اینکه اکثریت این سنگ‌مقام‌ها در فاصله بین سده پنجم تا ششم هجری قمری ساخته و نصب شده است، در این مقاله سعی بر آن شده تا با معرفی و بازخوانی کتیبه‌ها، حیات مذهبی یزد را در دوران مورد بحث بازشناخت.

نگرشی به حیات مذهبی و روند تشیع در یزد

باگذشت بیش از سه قرن از سقوط حکومت ساسانیان در ایران، خلفای اموی و عباسی، با تسلط بر امور سیاسی، قدرت خود را بر ایرانیان تحمیل کردند و تسنن، مذهب غالب دستگاه خلافت و بالطبع مورد پذیرش حاکمان و کارگزاران دستگاه خلافت در قلمرو حکومت اسلامی، ازجمله ایران شد. اما عباسیان به‌سبب بهره‌گیری از ایرانیان و دوست‌داران

معرفی سنگ مقام‌های خاص امام ... ❖ ۱۸۳

آل محمد^(ص) در رسیدن به قدرت، ناچار بودند در رفتار با مردمان ایران و علویان ملایمت نشان دهند. ادامه این وضع به حضور بیشتر ایرانیان و علویان در دربار خلافت انجامید. تأثیر مریان و وزیران شیعی تا آنجا بود که خلفا در مواقع اضطرار سیاسی، به داشتن گرایش‌های شیعی تظاهر می‌کردند. علی‌رغم آنکه خلافت غالباً سنی مذهب در حدود سه قرن بدون رقیبی نیرومند در اوج قدرت سیاسی قرار داشت، شیعیان با نفوذ تدریجی در دستگاه خلافت و دستیابی به مشاغل کلیدی مانند وزارت، بر قدرت سیاسی چیره شدند که ادامه این وضع، قدرت خلفا را تضعیف کرد.

به‌طوری‌که می‌توان به قدرت‌یابی امیر الامراها - اغلب از بین ایرانیان و علویان انتخاب می‌شدند - در دوران خلافت راضی بالله (حک: ۳۲۹-۳۲۲ق) اشاره کرد. در این زمان خراسان و ماوراءالنهر در دست سامانیان، طبرستان و گرگان در دست علویان و فارس و بلاد مرکزی در دست آل‌بویه و آل‌زیار قرار داشت. آنان هر چند به‌ظاهر مطیع خلیفه بودند، اما درحقیقت به‌طور مستقل حکومت را اداره می‌کردند. کرمر معتقد است: «خلفا به امیرالامراها متکی بودند و به دستور آنها منصوب و معزول می‌شدند» (۱۳۷۵: ۷۲)

حکومت آل‌بویه (حک: ۴۴۰-۳۲۰ق) نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد و آغازی بر ورود خلفای عباسی به دوره ضعف سیاسی و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیوی است. تسلط آل‌بویه بر بغداد، ضعف خلفای عباسی را که از چندین دهه پیش آغاز شده بود، آشکار ساخت (بی‌نا، ۱۳۱۸: ۳۷۹). آنان اختیارات معنوی و دنیوی را از خلفای عباسی سلب کردند، به‌طوری‌که پس از نابودی آل‌بویه نیز خلفا هیچ‌گاه به جایگاه قدرتمند اولیه خود بازنگشتند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۸۵).

خدمات آل‌بویه به مذهب شیعه، آشکار و بی‌شمار است. آنان با تجلیل، تقدیر و احترام نسبت به ائمه شیعه، گنبدها و بارگاه‌هایی بر ضریح امامان و بزرگان شیعه برافراشتند. حتی عضدالدوله و سپاهیان، نزدیک یک‌سال برای ساختمان مرقد علی^(ع) و توسعه آن، در نجف اشرف، منازل و مسکنی برپا داشته و مردم را تشویق می‌کردند که پیرامون آن مقام،

❖ سکنی‌گزینند و برای ساکنان آن منازل، صدقات و هبه‌هایی مقرر می‌کردند (میرخواند، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

اگرچه با ساخت مدارس نظامیه در دوران حکومت سلجوقیان (حک: ۵۲۲-۵۲۹ق) و تدریس شافعی‌مذهبان - یکی از چهارگروه اهل تسنن - تضاد مذهبی شدت یافت، (حسنی، ۱۳۸۶: ۲۲۱-۲۲۰) اما نباید قدرت حکومت‌های محلی که از بطن آل‌بویه قد علم کردند را نادیده گرفت (ترکمن‌آذر، ۱۳۸۵: ۸۹).

یکی از این حکومت‌ها، آل‌کاکویه، (حک: ۵۳۶-۳۸۸ق) است که قدرت خود را در قسمت‌هایی از عراق عجم و یزد فزونی داد. در سال ۴۳۳ق، ظهیرالدین ابومنصور فرامرزی به‌عنوان حاکم اصفهان انتخاب و پس از آن به سال ۴۲۲ق. توسط طغرل‌بیگ به نواحی یزد و ابرقو فرستاده شد (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۹). بر این اساس منابع تاریخ محلی تأسیس حکومت آل‌کاکویه در یزد را در سال ۴۴۳ ق.، مصادف با ازدواج ارسلان‌خاتون، برادرزاده طغرل با ظهیرالدین و مهریه دارالعباده یزد به او دانسته‌اند (همان: ۳۵).

با توجه به اینکه با ورود آل‌کاکویه به یزد، در قرن پنجم ق.، تشیع از رونق خاصی برخوردار شد، اما همچنان گرایش‌های اهل تسنن نیز حس می‌شد. ابن‌اثیر در کتاب خود، ذیل حوادث سال ۴۹۴ق. از قتل علاءالدوله کاکویه توسط برکیارق به بهانه باطنی‌گری^۱ یاد کرده است (۱۳۷۱: ۲۹۶) یا ابن‌بلخی در کتاب خود، به رواج اهل سنت در یزد اشاره دارد (۱۳۴۳: ۱۴۴). با قدرت یافتن اتابکان در یزد (حک: ۷۱۵-۵۳۶ ق) گرچه گرایش‌های سنی قوت گرفت اما اعتدال فرهنگی اتابکان و موقعیت جغرافیایی یزد، باعث شد که این خطه مأمنی برای عرفا و بسیاری از مشایخ شود (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۳). البته زمانی که از شیعه و سنی صحبت به میان می‌آید، چنان تعصب مذهبی که در دارالخلافت وجود داشته، مدنظر نیست.

۱. باطنیه، فرقه‌ای از شیعه هفت امامی اسماعیلیه است.

کتیبه‌های سنگ‌مقام منسوب به امام رضا^(ع) در یزد

کتیبه‌ها از دیرباز تاکنون حامل زیباترین نقوش، نگارش، انشایی گویا و نمونه‌های جالب نظم و نثر متداول هر دوره بوده است و اثر و پویایی این پدیده در رشد و تکامل هنر، امری انکارناپذیر است. چه‌بسا که قدمت و کارایی کتیبه‌ها به‌عنوان عامل انتقال زمینه‌های هنری هر زمان از دیگر عوامل مشابه خود زیاده‌تر است. تجربه‌های اعمال‌شده و فنون به‌کار رفته در ایجاد سنگ‌مقام‌ها و نیز عوامل هنری آن شامل خطاطی، حکاکی و حجاری روی سنگ با سایر موارد هم‌دوره خود کاملاً متفاوت است. در قرن پنجم هجری، توجه هنرمندان باز به هنر حجاری که پس از ساسانیان تا اندازه‌ای متروک و مهجور شده بود، معطوف شد. این کتیبه‌ها با طرح محراب با دو طاق‌نما و ستون‌هایی با پیچ‌های تزئینی بسیار زیبا که از شاهکارهای هنر اسلامی به‌شمار می‌آید، در طی این قرون به اوج شکوفایی خود رسید. از مهم‌ترین طرح‌های تزئینی این دوره می‌توان به نقوش اسلیمی و هندسی^۱ اشاره کرد.

در مورد مسیر واقعی حرکت امام رضا^(ع) از مدینه به مرو روایت‌های مختلفی وجود دارد؛ ولی بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته مسیر واقعی از مدینه به بصره و از طریق سوق‌الاهواز به فارس و سپس از کویر و بیابان میان ایالت‌های فارس و خراسان به مرو ختم می‌شده است. یزد نیز که خود روزگاری از نواحی و توابع شهر اصطخر بوده، چند قدمگاه و یادبود

۱. در مورد تزئینات کتیبه‌های منسوب به قدمگاه‌های امام رضا^(ع) می‌توان گفت بیشترین کاربرد را طرح‌های اسلیمی و هندسی داشتند. به‌طوری‌که نقوش اسلیمی به‌صورت نقوش استلیزه‌شده گیاهی در دور تا دور لچکی سنگ دیده می‌شود، این طرح بعدها به‌صورت گل و برگ‌های اسلیمی در زمینه کتیبه کوفی در حاشیه کتیبه به‌کار گرفته شد. اما نقوش هندسی، همگام با نقوش اسلیمی زینت‌بخش کتیبه‌ها شد، با این تفاوت که کاربرد کمتری داشت.

خط نیز همیشه جزء لاینفک کتیبه‌ها به‌شمار می‌رود. هنرمند و حجار سعی بر آن داشته با نهایت زیبایی، مضمونی زیبا را به سنگ تلقین کند، سنگ را از بی‌روحی و یک‌نواختی خارج سازد و او را تبدیل به موجودی گویا کند. این خطوط به‌صورت کوفی (ساده و مزهر) و نسخ ابتدایی متبلور شده است.

جنس سنگ‌ها نیز بر اساس موقعیت اقتصادی و تشخیص اجتماعی افراد قابل تغییر بوده است و از این‌رو که این سنگ‌مقام‌ها برای شأن و منزلت امام رضا^(ع) از مرغوب‌ترین سنگ مرمرها ساخته می‌شد.

شکل و پیکره این کتیبه‌ها به دو طریق افقی (خوابیده) و عمودی و ریشه‌دار (ایستاده) تراشیده می‌شدند که گاه با ضخامت کم یا با قطر زیاد تراشیده شده و اکثراً در محراب قدمگاه‌ها نصب می‌شد.

از محل توقف و عبور امام رضا^(ع) دارد^۱ که با تأکید بر عبور آن حضرت از سمت کویر یزد به سوی مرو، بر اعتبار این اماکن افزوده می‌شود. (عرفان‌منش، ۱۳۶۷: ۹۷).



تصویر ۱. نقشه‌ای از مسیر حرکت امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو

قدمگاه‌های شناخته‌شده در استان یزد عبارت‌اند از: مسجد بیرون ابرکوه، قدمگاه دهشیر، قدمگاه توران پشت، قدمگاه اسلامی، مسجد فرط در یزد و قدمگاه مشهدک خرائق که در اینجا صرفاً قدمگاه‌های کتیبه‌دار معرفی می‌شود.

مسجد بیرون ابرکوه

مسجد بیرون همان‌گونه که از نامش پیداست، در بیرون شهر ابرکوه، در بیرون حصار و دروازه شغاباد و به احتمال زیاد بر سر راه قدیم فارس به خراسان که از خارج از ابرکوه می‌گذشت، واقع است.

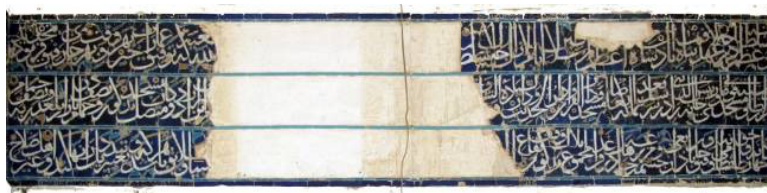
۱. با توجه به مسیر عبور کاروان امام رضا^(ع) از مدینه به مرو، مکان‌هایی که آن امام^(ع) یتوته داشته و به عبادت پرداختند، تحت عنوان قدمگاه‌ها شناخته شده است. قدمگاه‌های منسوب به امام^(ع) در استان یزد شامل: مسجد بیرون ابرکوه، قدمگاه دهشیر، قدمگاه توران پشت، قدمگاه فراشاه، مسجد قدمگاه، مسجد و حمام فرط در شهر یزد و قدمگاه مشهدک در خرائق است.



کتابه کاشی معرق در سه سطر به عرض ۶۵ سانتی‌متر و طول ۵ متر بر بالای ورودی نصب است که علاوه بر ذکر قدمگاه علی بن موسی الرضا^(ع) به صورت وقفیات این مسجد هم اشاره دارد که متأسفانه قسمت‌های زیاد آن از بین رفته است.

متن کتیبه این مسجد بدین شرح است:

الله الموفق والمعين ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم. چون حضرت صمدیت
عز شأنه و عظم سلطانه در عهد خلافت پناه پادشاه اسلام اعظم و اعلم سلاطین
ایام لا زال جلال سلطان... الله سعيه که توفیق عمارات خیر به هر وقت و به هر
جای به تجدید رفیق فرمود و در زمان عبور از ابرکوه عادت و ... بر در مسجد
تبرک نمود که منزل امام معصوم علی بن موسی الرضا^(ع) منار که از اشعار اسلام
ساخت و به مقابل مزار طوسییه مسجدی فوقانی و خانه رییس الدینی را بعد در
سر سنگ نما که ابعاضا^(۴) مسجد و دار القرار و دار الحدیث و دار السیاده و
الش... دو دکان متصل به مسجد مذکور و نصف حمام در بازار بلغدریه و نصف
حمام بازار با سیب در میان شهر و نصف مش... و نصفی از باغات اشرفی از
مستحاثات واقف محدود به مزرعه مذکوره و نصف باغ معین آباد به میان طاحونه
چهارگانه و طاحونه نظامی و فتوح آباد و ربعی از چشمه و مزرعه چاهک در
فراغند مجموع املاک وقف مذکوره وقف بقاع المحتر... مسطور رسانیده بر وفق ...
خلاق باشد. هرکه تغییر و تبدیل در آن کند و غیر اهل صلاح در این بقاع متبرک
سازند والله ولی الله (افشار، ۱۳۷۴: ۳۵۸/۱).



تصویر ۲. کتیبه کاشی معرق سردر ورودی مسجد بیرون ابرکوه

❖ سال دوم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۳

قدمگاه توران پشت

روستای توران پشت از آبادی‌های کهن یزد در دامنه‌های پشتکوه است که قدمگاه آن، بنایی ساده و کوچک است که سنگ مقامی به ابعاد ۹۲×۶۷ سانتی متر منسوب به امام هشتم^(ع) در محراب آن نصب بوده که به استناد آن، بنای ساخت قدمگاه توسط حاکم وقت منطقه، جنیدبن عماربن العلا ساخته شده است. این کتیبه در حال حاضر در گالری فریر واشنگتن نگهداری می‌شود.

متن کتیبه بدین شرح است: حاشیۀ اول: قسمت‌هایی از آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره آل عمران به خط کوفی آورده شده «بسم الله الرحمن الرحيم الصابرين و الصادقين و القانتين و المنفقين / و المستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو و الملئكة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم أن الدين عند الله الاسلام» در حاشیۀ دوم، اسامی ۱۴ معصوم ذکر شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد المصطفى و على المرتضى و فاطمه
الزهرى و الحسن التقى و الحسين التقى و على [بن] الحسين زين العابدين و محمد بن
على الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسى بن جعفر الكاظم و على بن موسى الرضا
و محمد / التقى و على بن محمد التقى و الحسن / بن على الزكى و محمد الحجة القائم
المنتظر المهدى صلوات عليهم.

در قسمت پیشانی علاوه بر ذکر شهادتین، قسمت‌هایی از آیه ۳۳ سوره احزاب به خط کوفی آورده شده است «لا اله الا الله محمد رسول الله / إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهرکم تطهیرا».

معرفی سنگ مقام‌های خاص امام ... - ۱۸۹

- سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

در هلال محراب نما: الله اكبر و دور تا دور آن، آیه ۱ و ۲ سورة مؤمنون «قد أفلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون».

در محراب وسط و قسمت‌های لچکی آن سورة اخلاص «قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد» و در ادامه آورده شده است «امر بعماره هذا المسجد المعروف بمشهد علي بن موسى الرضى عليه السلام، العبد المذنب الفقير الى رحمه الله تعالى جنيد بن عمار بن العلاء» و در پایین سنگ نیز نام حجار و سال کتیبه آورده: فی سنه سبع و اربعین و خمس مائه. عمل احمد بن محمد بن احمد اسبک (افشار، ۱۳۷۴: ۹۱۸/۲).



تصویر ۳. کتیبه قدمگاه توران پشت و جزئیات سنگ نوشته

«امر بعماره هذا المسجد المعروف بمشهد علي بن موسى الرضى عليه السلام العبد المذنب الفقير الى رحمه الله تعالى الجنيد بن عمار بن العلاء»

قدمگاه فراشاه

قدمگاه فراشاه در روستایی به همین نام در مسیر راه یزد - ابرکوه قرار دارد که به استناد کتیبه موجود در محراب آن در سال ۵۱۲ ق. به دست یکی از امرای آل کاکویه - گرشاسب بن

❖ علی بن فرامرز - ساخته شد. این کتیبه به ابعاد ۶۰×۱۶ سانتی متر بوده و مطالبی به شرح زیر در آن ذکر شده است.

در حاشیه اول، آیه ۲۳ سوره شوری ذکر شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، ذلك الذي يبشر الله عباده الذين آمنوا و عملوا الصالحات» در حاشیه دوم، اسامی ۱۴ معصوم درج شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد المصطفى و على المرتضى و فاطمه الزهرا
و الحسن التقى و الحسين التقى و على بن الحسين زين العابدين و محمد بن على الباقر
و جعفر بن محمد الصادق و موسى بن جعفر الكاظم و على بن موسى الرضا و
محمد التقى و على بن محمد التقى و الحسن بن على الزكى و محمد الحجه القائم المنتظر.

در متن وسط آیه ۳۳ سوره احزاب «إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا» و در سطر بعد شهادتین «لا اله الا الله، محمد رسول الله» و در زیر آن «على ولى الله» الحاق شده است.

خط سوم: (در هلالی زاویه دار) آیه ۱ و ۲ سوره مؤمنون آورده شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم قد أفلح المؤمنون الذين هم فى صلاتهم خاشعون»

در طرح محراب وسط کتیبه سوره توحید درج شده «قل هو الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد» و پس از آن موضوع کتیبه ذکر شده است «امر بعمار هذا المسجد المعروف بمشهد على بن موسى الرضى عليهما السلام العبد المذنب الفقير الى رحمة الله تعالى كرشاسپ بن على بن فرامرزابن علاء الدوله تقبل الله منه فى شهر سنه اثنى عشره و خمس مائه» و در نهایت نام حجار ذکر شده است: «عمل عبدالله بن احمد مريه و استعملها على بن جواهوله ...» (دو یا سه کلمه شکسته است) (افشار، ۱۳۷۴: ۳۸۴/۱ - ۳۸۳).

قدمگاه مشهد خرائق

مشهد خرائق که به صورت یک بنای خشتی و محقر است در مجاورت گورستان قدیمی روستای خرائق قرار دارد، کتیبه سنگی به خط نسخ به تاریخ ۵۹۵ق و به ابعاد ۲۷×۲۹ سانتی متر در قسمت محراب قرار داشته که عبارت زیر بر آن درج شده است



تصویر ۴. کتیبه قدمگاه اسلامی و جزییات سنگ‌نوشته «امر بعمار هذالمسجد المعروف بمشهد علی بن موسی الرضی علیهما السلام العبد المذنب الفقیر الی رحمہ الله تعالی کرشاسپ بن علی بن فرامرزابن علاء الدوله تغیل الله منه»

لا اله الا الله... محمد رسول الله... امیر المؤمنین [این کلمه به صورت منفرد در لبه دست چپ کنده شده است و احتمال دارد که الحاقی باشد] به تاریخ سنه ست و تسعین و مائه علی بن موسی الرضا اینجا رسیده است و در این مشهد فرو آمد، مقام کرد و به تاریخ سنه اثنی و تسعین و خمسمائه مشهد خراب بوده و از جهد ابوبکر بن علی ابی نصر و حمدالله فرمودند و به دست ضعیف پرگناه یوسف بن علی بن محمد بنا و کرده شد. خدایا بر آن کس رحمت کن که یکبار قل هو الله به اخلاص

در کار آنک فرمود و آنک کرد و آنک خواند کند. کتیبه یوسف بن علی بن محمد فسی
شهر ربیع الاول سنه خمس و تسعین و خمس مائه (افشار، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۷۷).
اما امروزه اثری از کتیبه نیست.



نتیجه گیری

گرچه هجرت تاریخی امام رضا^(ع) از مدینه به مرو در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم
هجری رخ داده است، اما در مستندات عینی و بناها و کتیبه‌های به جای مانده می‌بینیم که از
شروع قرن پنجم هجری است که قدمگاه‌ها ایجاد و مطرح می‌شوند.
با حرکت امام رضا^(ع) به ایران سیر مهاجرت علویان و دوستداران اهل بیت برای دیدار
معشوق خود و پس از آن زیارت قبر متبرک آن بزرگوار، ایرانیان را از یک طرف با فرهنگ
رضوی آشنا کرد و از طرف دیگر ورود دیگر سادات را به همراه داشت.
منابع تاریخ اسلام از تشکیل دولت شیعی در مراکز جهان اسلام نام می‌برد که عبارت‌اند
از: دولت فاطمیان در مصر، آل بویه در عراق و ایران، دولت حمدانی در سوریه و زیدی‌ها
در یمن (جعفریان، ۱۳۶۸: ۲۳۹).

معرفی سنگ مقام‌های خاص امام ... ❖ ۱۹۳

❖ سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

حکومت آل‌بویه که یکی از دولت‌های شیعی ۱۲ امامی بودند، توجه و برپایی آیین‌های مذهبی و عزاداری سالار شهیدان از یک طرف و توجه به امامزادگان را مورد توجه قرار داد که با برشماری شهرهای شیعه‌نشین در ایران می‌توان صحت گفته‌های فوق را تأیید کرد (اشپولر، ۱۳۶۴: ۳۲۹).

یزد نیز از این مقوله مستثنا نیست چراکه با ورود یکی از سادات عریضی به یزد - محمد بن علی عبیدالله بن علی العریضی بن جعفر صادق^(ع) متوفی به سال ۴۲۴ق - ارادت مردم این منطقه به خاندان علوی آشکار شد و با حکومت‌گیری خاندان آل‌کاکویه که یکی از فرماندهان آل‌بویه در یزد بودند، توجه به مقابر سادات و ساخت قدمگاه‌ها رونق یافت که با ساخت بناهای عام‌المنفعه در کنار این مجموعه و مقرر کردن موقوفاتی توانسته پس از گذشت قرن‌ها میراث رضوی را در خطه یزد حفظ کند.

منابع و مأخذ

ابن اثیر، (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ*. مترجم ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، جلد ۲۳، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.

ابن بلخی، (۱۳۴۳). *فارسنامه ابن بلخی*. به کوشش علی نقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس. اشپولر، برتولد، (۱۳۶۴). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. مترجم فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.

افشار، ایرج، (۱۳۷۴). *یادگارهای یزد*. ۲جلد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. بی‌نا، (۱۳۱۸). *مجمعل التواریخ و القصص*. تصحیح ملک‌الشعراى بهار، به همت محمد رمضانی، تهران: خاور.

ترکمنی‌آذر، پروین، (۱۳۸۵). «آل بویه، عباسیان و تشیع». *تاریخ اسلام*، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۲۵. جعفری، جعفرین محمد، (۱۳۳۸). *تاریخ یزد*. تصحیح: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. جعفریان، رسول، (۱۳۳۸). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی. حسنی، سیدعلی، (۱۳۸۶). «دوری از تعصب در نظرات و رفتار علمی شیعه اثنی عشریه از نیمه دوم قرن پنجم تا نیمه دوم قرن هفتم هجری». *شیعه‌شناسی*، شماره ۱۷.

معرفی سنگ مقام‌های خاص امام ... ❖ ۱۹۵

- ❖ عرفان‌منش، جلیل، (۱۳۶۷). *جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا(ع) از مدینه تا مرو*. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- کاتب، احمد، (۱۳۸۶). *تاریخ جدید یزد*. تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- کرمر، جوئل.ت، (۱۳۷۵). *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*. مترجم محمدسعید حنایی‌کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- میرخواند، میر محمدبن سیر برهان الدین خواندشاه، (۱۳۸۳). *روضه الصفی*. ۴ جلد، تهران: خیام.

Introducing Specific Petroglyphs attributed to Imam Reza^(AS) in Yazd

Fatemeh Danesh Yazdi: Master of the History and Civilization of the
Islamic Nations

Abstract

The remaining monuments and the works from the historic travel of Imam Reza^(AS) to Iran such as footprint locations, mosques, inscriptions, petroglyphs, coins, etc. have kept the Razavi culture alive throughout history. The petroglyphs erected in Imam Reza^(AS) footprint locations are among the most valuable religious works that in addition to documenting such migration, give us much information about the historical events. Investigating the footprint locations of Imam Reza^(AS) and reevaluating the erected petroglyphs there, we can determine the exact immigration route of Imam Reza^(AS) in Iran and to realize the significance of such petroglyphs in the Shiite movement in Yazd. Given that Imam Reza^(AS) had some short stays in Yazd and its suburbs (Abarkooh, Kharanegh, Dehshir, Farashah, etc.) on his journey to Marv, this paper used library and field studies to investigate those monuments in Yazd which were blessed by the Imam's presence, known as "Footprint Locations of Imam Reza^(AS)".

Keywords: Imam Reza^(AS), inscription, Yazd, Footprint Locations.

The Spiritual Lifestyle of Imam Reza ^(AS): A Model for Mental Peace

Mojtaba Akhavan Armaki: PhD Student, Member of Young Researchers Club of Islamic Azad University of Karaj

Masoomeh Na'alchi: Expert on education history

Abstract:

One of the striking features of the personality of Imam Reza ^(AS) was his deep spiritual relationship with Allah which is manifested in his plentiful worships and piety. He observed certain moral principles during his lifetime and indeed, following his spiritual lifestyle, the human can receive certain mental and spiritual relaxation. This study, taking the life of Imam Reza ^(AS) into consideration, tries to address such question as "How did the eighth Imam ^(AS) live with ultimate peace of mind?" The results of the study indicate that by following the eighth Imam's spiritual lifestyle, man will rely on Allah and by maintaining patience when facing problems, he will be satisfied with what Allah has destined for him. He will thus take life easy and reaches peace of mind accordingly. The methodology of this paper is qualitative and based on descriptive and analytical approach.

Keywords: Mental Relaxation, Lifestyle, Spiritual, Imam Reza ^(AS)

The Obstacles of and Solutions for Strengthening the Family from Razavi Teachings and Lifestyle viewpoint

Esmail Kharestani: PhD student in Philosophy of Education

Fatemeh Saifi: Master of Cultural Management

Abstract

The function of family as a social unit has an undeniable role in establishing the social interactions and reactions; thus if constructive and well-functioning, the family will ensure the health and happiness of a society. Under the influence of healthy relationships governing the family, the individuals learn how to constructively communicate and interact with society. On the contrary, the more the family has a bad and chaotic functioning, the more threatened the health of a society will be. This study which is a descriptive research carried out based on document analysis, is mainly aimed at exploring the obstacles of and solutions for strengthening the family as an institution from the perspective of Razavi teachings and lifestyle. Regarding the subject and method of the research mentioned above, all relevant information and references of the subject were collected and the research findings were analyzed qualitatively. The results of the study indicate that adhering to religious teachings and following the infallible Imams' lifestyle and thoughts are significant barriers against the obstacles facing the strengthening of family. To strengthen the ties between family members, an emotional atmosphere should be provided and the legitimate needs and demands of the parties should be understood. Putting the teachings of Islam, especially the lifestyle and teachings of Imam Reza ^(AS) into practice directly controls the individual behaviors and indirectly strengthens the family ties through improving relationships among family members.

Keywords: Imam Reza ^(AS), the Family Entity, Strengthening, Obstacles, Solutions, Razavi lifestyle and Teachings

Evaluation of Visual Effects of Oyoun Akhbar Al-Reza in Falnameh Tahmasebi

Marzieh Alipour: Master of Art Research of the University of Arts of Tehran

Abstract:

In illustrating literary manuscripts that has always been carried out under the influence of the religious beliefs of the artists and their patrons, the hadiths narrated by the holy Prophet ^(P.B.U.H) and his Ahlul-Bayt ^(AS) have widely been inspired from. The artists' approach toward the content of such hadiths has resulted in certain manifestations of analogical, symbolic and abstract processing in the narrating hadiths through paintings which are used to transfer Shiite beliefs through a visual language. The main sources of illustration for the Shiite artists are the hadith collections like Oyoun Akhbar Al-Reza that particularly deals with the virtues and miracles of Imams ^(AS). One of the illustrated manuscripts which has dealt with Shiite beliefs is Falnameh Tahmasebi in which some illustrations attributed to Imam Reza ^(AS) have been used. The illustration might have been drawn from the hadiths collected by Sheikh Sadough. Having explored the life of Sheikh Sadough, the present research sets out to critically and descriptively study the characteristics of Razavi illustrations in the Falnameh and the way the hadiths drawn from the collection of Sheikh Sadoogh have been reflected in. According to some studies, the Shiite Art has, inspired by the pure teachings of Shi'ism, tried to reflect the extraordinary efforts of religious and artistic elites of different time periods.

Keywords: Sheikh Sadough, Oyoun Akhbar Al-Reza, Illustration, Razavi themes, Falnameh Tahmasebi, Shiite Art

Exploring Imam Reza's Educational Methods on Establishing Islamic Lifestyle Based on the Content Analysis of the Prayers of Imam Reza's Supplications

Mohammad Janipoor: PhD student of Qur'an and Hadith Sciences of the University of Imam Sadigh (Corresponding Author)

Ali Soroori Majd: Assistant Professor of Research Institute of Culture, Arts and Communications

Abstract:

One of the main tasks of the Imams ^(AS) was the promotion of Islamic teachings, paving the way for strengthening these teachings and educating the Islamic community to attain perfection and salvation. Undoubtedly, this strategy had been carried out through several measures, one of which was through teaching prayers and its promotion on different occasions so that the Islamic lifestyle be established among the public. Through systematic and analytical study of the propositions expressed in the prayers of Imam Reza ^(AS), this study aims to reexamine and deduce the functions of this religious and innate instrument for educating individuals in the Islamic community and to elaborate on educative methods of the Imam ^(AS) for the guidance of people and the Islamic community that is the very realization of an Islamic lifestyle. Therefore first, using content analysis method, the expressive forms and orientations of each of the prayers of Imam Reza were extracted and categorized by their subjects. Then, we analyze them to identify the ideological structures governing these prayers and to discover educational strategies which could be used in our own educational system and ultimately to promote the Islamic lifestyle.

Keywords: Imam Reza ^(AS), prayer, Education, lifestyle, Content Analysis.

Semiotics of the Noble Hadith of Selselah Al-Zahab

Mohammad Kazem Forghani: Assistant Professor of Islamic Philosophy and Theology, University of Imam Sadegh ^(AS)

Mohammed Aghaei: MSc Student of Islamic Teachings and Political Sciences at the University of Imam Sadegh ^(AS)

Mohammad Reza Fathimehr: MSc Student of Islamic Teachings and Theology at the University of Imam Sadegh ^(AS)

Abstract

Considering the special historical context in which Imam Reza ^(AS) lived, the hadiths narrated by the Imam are of especial significance, among which the hadith of Selselah Al-Zahab (The Golden Hierarchy) is of great eloquence and attractiveness. The necessity of scrutinizing the statements of Imam Reza ^(AS) is an important issue that had often been carried out from a mystical point of view over the past centuries. Given the significant advance in Western Linguistics, it sounds necessary to reexamine the Hadiths through the concepts borrowed from Semiotics and Text Linguistics. The current study thus sets out to explore the The Golden Hierarchy hadith through the lens of semiotics. The main research question here is: "What are the structural and cohesive features of the Hadith in terms of contextual formation and the factors involved in it?" Using the concepts borrowed from semiotics in the form of operationalized concepts of Halliday's linguistic analysis approach, this paper examines the structural features and the textual integrity of this noble hadith. The results of the study indicate that the text of this noble hadith is at the highest possible level of Halliday's analytical perspective in terms of all textual cohesive elements.

Keywords: Semiotics, Imam Reza ^(AS), Hadith of Selselah Al-Zahab, Halliday's Text linguistic Analysis

Political Positions of Imam Reza^(AS) Toward Ma'moun

Ebrahim Barzegar: Professor of Political Science of Allameh Tabatabai University

Abstract

This paper aimed to focus on the political positions of Imam Reza^(AS) toward his political rival and enemy, i.e. Ma'moun to present some theoretical inferences and through this research, it aimed to answer the political questions of the contemporary world. The policy of Imam Reza^(AS) can be investigated in two aspects of "his policy toward Ma'moun" and "the policy towards Imam". Political behavior does not occur in vacancy, but it occurs in an interactive environment and through a chain of actions and reactions and it is a strategic behavior. The question raised here is: "What was the logic of interactions of Imam Reza^(AS) with Ma'moun?" It is hypothesized that Imam's knowledge of Ma'moun was inspired by his knowledge about Satan and the triple tactics of bribing, threatening and hypocrisy focused on the relationship between leader and the followers. This Investigation was based on the acceptance of succession to the crown by Imam Reza^(AS). Initially, Ma'moun planned to seduce the Imam to the crown or to use hypocrisy in that regard, but when the Imam divulged Ma'moun's his hidden intentions, this phase ended very quickly. Luring Imam Reza^(AS) into accepting the caliphate and then offering him the successorship, followed by "threatening" to induce the "image that Imam was being lured" in non-discerning public opinions were some of the Ma'moun's tactics that were all neutralized by the Imam and turned them into opportunities.

Keywords: Triple Tactics of Islam, the Political Policies of Imam Reza^(AS), Abbasid Ma'moun

Editorial Office

**No.3, Shahid Kamyab 34 St. Shahid Kamyab
Intersection, Mashhad, Islamic Republic of Iran**

Tel: (051) 32283044-9

Approach: with an academic and research approach, this journal accepts articles with their main focus on Imam Reza (PBUH) which are authored in various areas including ideological, theological, juridical (fiqh), interpretive, Hadith, historical and comparative as well as other scientific aspects of the Erudite of Mohammad (PBUH) Family.

In the Name of God

Journal of Razavi Culture

Imam Reza (AS) International Foundation for Cultural and Arts
Vol.2, No.7, Autumn 2014

Managing Director: Seyyd Javad Jafari Ahmadabadi
Editor in Chief: Jalal Dorakhshah
Executive Director: Mohammad Nedae

Seyyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai: Associate Professor of Imam Reza ^(AS) International Foundation for Cultural & Arts
Reza Akbari: Professor of Imam Sadeq ^(AS) University
Jalal Dorakhshah: Professor of Imam Sadeq ^(AS) University
Ali Soroorimajd: Assistant Professor of Imam Reza ^(AS) International Foundation for Cultural & Art
Mahnaz Shayestehfar: Associate Professor of Tarbiat Modares University
Yahya Talebian: Professor of Allameh Tabatabai University
Mahmoud Karimi Bnad koki: Associate Professor of Imam Sadeq ^(AS) University
Seyyed Mohammad Mortazavi: Associate Professor of Ferdowsi University
Mahmoud Vaezi: Assistant Professor of Tehran University
Mohammad Hadi Homayoon: Associate Professor of Imam Reza ^(AS) International Foundation for Cultural & Arts

Editing and Layout: Dadeh Gostar Hor Institute
Printing office: Zomorrod